



مطالعات شهر ایرانی اسلامی

فصلنامه علمی

شماره پنجاه و دو، تابستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی

سر دبیر: دکتر حسین کلانتری خلیل آباد
دستیار علمی: مهندس مسعود دادگر
مترجم: دکتر مرجان خان محمدی

مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی
ویراستار ادبی: دکتر مرجان خان محمدی
مدیر داخلی نشریه: مریم بایه
صفحه آرا: شهره سلطان محمدی

هیئت تحریریه

دکتر یعقوب محمدی / استاد دانشگاه بوعلی سینا همدان	دکتر محمدرضا بمانیان / استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر محمد مسعود / استاد دانشگاه هنر اصفهان	دکتر مصطفی بهزادفر / استاد دانشگاه علم و صنعت
دکتر پروانه شاه حسینی / دانشیار پژوهشگاه تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»	دکتر جهانشاه پاکزاد / استاد دانشگاه شهید بهشتی
دکتر ایرج قاسمی / دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی	دکتر احمد پورا احمد / استاد دانشگاه تهران
دکتر ابوالفضل مشکینی / دانشیار دانشگاه تربیت مدرس	دکتر محمدرضا پورجعفر / استاد دانشگاه تربیت مدرس
	دکتر اسماعیل ضرغامی / استاد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
	دکتر محسن سرتیپی پور / استاد دانشگاه شهید بهشتی
	دکتر حسین کلانتری خلیل آباد / استاد جهاددانشگاهی

درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۱۱/۵۱۶۶۷/۳/۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۰۸/۳۰ در دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.isc.ac> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.com)، بانک اطلاعات نشریات سیولیکا (www.civilica.com) و برخی پایگاه‌های دیگر نمایه می‌شود.

◆ نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان دانشگاه، خیابان شهید وحید نظری، شماره ۴۷
صندوق پستی ۱۳۱۶-۱۳۱۴۵، اداره نشریات علمی، تلفن: ۲-۶۶۴۹۷۵۶۱-۲، نمابر: ۶۶۴۹۲۱۲۹
نشانی اینترنتی: iic@ihss.ir پایگاه اینترنتی: iic.ihss.ac.ir
فرایند چاپ: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
قیمت: ۵۰۰۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و ارسال مقاله‌های علمی - پژوهشی

شرایط ارسال مقاله

- مقاله به زبان فارسی یا انگلیسی بوده، قبلاً در جایی چاپ نشده باشد. داشتن چکیده فارسی و انگلیسی برای مقاله ضرورت دارد.
- هیئت تحریریه پس از داوری، پذیرش مقاله را اعلام خواهد کرد.
- مسئولیت صحت مندرجات مقاله‌های علمی با نویسنده یا نویسندگان آن است.
- همراه مقاله نام و نشانی دقیق، شماره تلفن نویسنده یا نویسندگان و محل خدمت آنان ذکر شود.
- مقاله در برگه‌های A4 و با رعایت ابعاد صفحه فصلنامه (قطع وزیری) تایپ شود. تعداد جدولها در پایین‌ترین حد در نظر گرفته شود. نمودارها واضح و عکس‌ها سیاه و سفید در کاغذ مناسب در اندازه ۱۰×۱۵ سانتی‌متر تهیه گردد.
- مقاله حروف‌چینی شود و به وسیله پست‌الکترونیکی به دفتر فصلنامه ارسال گردد.
- فصلنامه در ویرایش مقالات آزاد است.

نحوه ارائه مقاله

- مقاله علمی - پژوهشی شامل عنوان، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، روش کار، تجزیه و تحلیل، نتیجه‌گیری و منابع باشد. حجم مقاله نیز نباید از ۱۵ صفحه بیشتر باشد.
- عنوان مقاله گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد. نام و نام خانوادگی، درجه علمی و مؤسسه‌ای که مؤلف در آن اشتغال دارد، در زیر عنوان قید شود.
- چکیده مقاله، شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله شامل بیان مسئله، هدف، ماهیت و چگونگی پژوهش، نکته‌های مهم نتیجه و بحث است. تعداد کلمات چکیده از ۱۵۰ کلمه بیشتر نباشد.
- مقدمه مقاله بیانگر مسئله پژوهش است. محقق باید زمینه‌های قبلی پژوهش و ارتباط آن را با موضوع مقاله به اجمال بیان و در پایان به انگیزه تحقیق اشاره نماید.
- روش کار باید به اجمال بیانگر چگونگی و فرایند انجام پژوهش باشد. تحلیل‌های آماری، روش‌های مورد استفاده، به شیوه‌ای مناسب یادآوری شود.
- داده‌ها و نتیجه‌های به دست آمده باید به گونه‌ای منطقی و مفید ارائه شود و به این منظور می‌تواند همراه با جدول، نمودار، نگاره و عکس باشد.
- نویسنده در پایان مقاله راهنمایی و کمک‌های دیگران را یادآوری و از آنها سپاسگزاری کند.
- ارجاع‌های متن مقاله داخل کمان و به این شیوه است: (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۲۵). شیوه ارجاع به منابعی که بیش از دو نفر نویسنده دارند نیز به این صورت خواهد بود: (اسمیت و همکاران، ۱۹۷۴: ۲۲).
- در ذکر مشخصات انتشاراتی در فهرست منابع پایان مقاله از شیوه زیر پیروی شود:
مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) «نام مقاله»، نام مترجم، نام نشریه، دوره یا سال، شماره.
کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) عنوان کتاب، نام مترجم، مصحح، یا سایر افراد، شماره مجلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر.

فهرست مطالب

- ۱ راهبرد حامیان بافت‌های تاریخی کرمان برای محافظت از مکان‌های تاریخی.....
نوشین نظریه/عیسی اسفنجاری کناری
- ۱۹..... بازآفرینی ساختار فضایی محلات تاریخی با رویکرد فرهنگ مبنا (مورد مطالعه: محله ارگ مشهد).....
فرید گنجعلی/ایمان قلندریان
- ۳۹ تبیین کارکرد روش انتقال حق توسعه (TDR) در راستای تحقق عدالت اجتماعی اسلامی.....
رضا خالقی/زهره داودپور/رضا نصرافهانی
- ۵۷..... واکاوی ویژگی‌های ترکیب‌کننده‌های فضایی در حوض‌خانه‌های تاریخی اصفهان (دوره‌های صفوی و قاجار).....
سارا روح‌الامین/محسن افشاری
- ۸۷..... تأثیر استحکامات دفاعی سبک ووبان بر سازمان فضایی شهر خوی در دوره قاجار.....
پرویز پورکریمی/کریم حاجی‌زاده
- ۱۰۵..... ارزیابی وضعیت شهروندان هوشمند در شهرهای ایران (نمونه موردی: شهر تهران).....
الهام ضابطیان طرقی/مسعود دادگر

داوران این شماره

- دکتر محمد سعید ایزدی / دانشیار دانشگاه بوعلی سینا
- دکتر علیرضا رازقی / دانشیار دانشگاه هنر
- دکتر ایرج قاسمی / دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- دکتر محمد مرتضایی / دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
- دکتر عباس آذری / استادیار پژوهشگاه نظر
- دکتر حسین آقاجانی / استادیار جهاددانشگاهی
- دکتر سمانه جلیلی صدر آباد / استادیار دانشگاه ایران
- دکتر الهام ضابطیان طرقي / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
- دکتر نقی عسگری / استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- دکتر سامان فرزین / استادیار دانشگاه بیرجند
- دکتر علی مشهدی / استادیار دانشگاه علم و فرهنگ جهاددانشگاهی

راهبرد حامیان بافت‌های تاریخی کرمان برای محافظت از مکان‌های تاریخی^۱

نوشین نظریه*، عیسی اسفنجاری کناری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی - ۱-۱۷

چکیده

با توسعه رویکرد مدرن حفاظت، تدوین منشورها، معاهدات و شکل‌گیری مؤسسه‌های بین‌المللی، حفاظت و مرمت مکان‌های تاریخی رفته‌رفته از خاستگاه جغرافیایی و فرهنگی مردم فاصله گرفته و بر ابعاد جهانی آن افزوده شد. رنگ باختن نقش و کوتاه شدن دست مردم بومی در حفاظت و مرمت مکان‌های تاریخی را می‌توان از مصادیق جهانی شدن برشمرد. بررسی اینکه مردم در حفاظت و مرمت مکان‌های تاریخی چگونه می‌اندیشند و عمل می‌کنند از پرسش‌های اساسی پژوهش پیش‌روست؛ لذا این پژوهش با هدف دستیابی به راهبردهای مردمی حفاظت در شهر تاریخی کرمان است. بدین منظور از روش تحقیق کیفی تئوری زمینه‌ای (GT) استفاده و جمع‌آوری داده از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شده است. ۲۴ نفر از مردم شهر کرمان که در تعامل با مکان‌های تاریخی‌اند با روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری مطالعه گردید. در یافته‌ها و نتایج پژوهش نمایان شد که گروهی از افراد محلی تمایل و علاقه خاصی به اماکن تاریخی دارند و از اقدامات آنها هفت مقوله اصلی به دست آمد که شامل: اقدامات پیشگیرانه و محافظت پیش‌دستانه، الهام و الگوبرداری در مرمت، دوگانه خالص- تلفیقی در مرمت، دوگانه تحکیمی- تزئینی در مرمت، بسط و گسترش بنای تاریخی، نگهداشت اجزاء و حفظ عناصر بنای تاریخی، نگهداری و مقابله با روند تخریب بنا می‌باشد.

واژگان کلیدی: شهر تاریخی کرمان، حفاظت مدرن، حامیان بافت تاریخی، راهبردهای عملی مردمی.

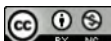
۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نوشین نظریه با عنوان «تبیین مدل نظری نگرش فعالان در فرآیند حفاظت از مکان‌های تاریخی ایران؛ نمونه مورد مطالعه: شهر تاریخی کرمان» با راهنمایی عیسی اسفنجاری کناری در دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان (سال ۱۴۰۲) می‌باشد.

n.nazarieh@yahoo.com

e.esfanjari@au.ac.ir

* دانشجوی دکتری رشته مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران



مقدمه

جهانی شدن و توسعه دانش حفاظت از میراث فرهنگی همانند بسیاری از زمینه‌های دیگر دارای پیامدهای مثبت و منفی می‌باشد. از پیامدهای مثبت این امر می‌توان به افزایش توجه و آگاهی کشورها و جوامع گوناگون و مسئولیت‌پذیری نسبت به میراث فرهنگی و حفاظت آنها و نقشی که می‌تواند در توسعه و زیست پایدار معاصر و آینده داشته باشد، اشاره نمود. از این رو حفاظت از میراث فرهنگی جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی‌های سیاستمداران پیدا کرده است. از سوی دیگر جهانی شدن حفاظت پیامدهای منفی‌ای را نیز در برداشته است. جهانی شدن در اصل در تقابل با ارزش‌های بومی و تنوع فرهنگی میراث قرار گرفته است. با پیشرفت وسایل ارتباطی امید بر این بود که بتوان فرهنگ‌های مختلف شناسایی، معرفی و غنا و تنوع فرهنگی آنها را درک و از آن پاسداری نمود، اما این توسعه ارتباط جمعی و جهانی شدن نوعی یکسان‌سازی فرهنگی را به همراه داشته است (حجت، ۱۳۸۰: ۱). حفاظت امری فرهنگی است؛ استانداردسازی، نگاه مصنوعی و یکسان‌سازی، موجب نزول کیفیت و یکنواخت شدن حفاظت و از بین رفتن غنای فرهنگی نهان میراث فرهنگی و تنوع فرهنگی می‌شود (پدرام و هوشیاری، ۱۳۹۶: ۱۹۸). «تنوع فرهنگی میراث مشترک بشری است و باید به نفع نسل‌های حال و آینده به رسمیت شناخته شود» (اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو، ۱۳۹۰). دیدگاه جهانی حفاظت تفاوت اندکی میان میراث فرهنگی متنوع و گوناگون کشورهای مختلف قائل شده است و در نهایت با همه تفاوت‌ها و غنای فرهنگی نهفته در آنها غالباً با نگاهی یکسان و هم‌سطح، اصول و معیارهای واحدی برای برخورد با همه آنها تجویز شده است. روش‌های حفاظتی معاصر که ریشه

در سنت‌های قدیمی قرن ۱۹ ام غربی دارد باعث شده است که جایگاه مردم، معانی و مفاهیم را در حفظ مکان‌ها کاهش دهد (ر.ک: Chung, 2005) که این قوانین، مقررات و دستورالعملها که از دهه‌های پیشین تاکنون تغییر نکرده‌اند امروزه با شکست روبه‌رو می‌شوند. در نظر گرفتن تنوع و کثرت در معانی مرتبط با فرهنگ اجتماعی معاصر و ارزش‌هایی که مردم برای مکان‌های تاریخی دارند می‌تواند این امر را کاهش دهد (ر.ک: Wells, 2022).

از سوی دیگر، مردم به صورت ناخودآگاه در گذر زمان دست به اقدامات عملی مرمت در مکان‌های تاریخی که با آنها در تعامل‌اند می‌نمایند. این اقدامات متناسب با نگرش مردم می‌تواند متفاوت باشد و همان‌گونه که تفاوت و تنوع فرهنگی غنی در میان کشورهای مختلف و حتی جوامع کوچک‌تر درون‌مرزی وجود دارد، می‌توان شاهد تنوع راهبردهای مرمت مردمی بود. میراث فرهنگی در بردارنده بنمایه‌های فکری - فضایی فرهنگ و تمدن بشری در طول زمان و منعکس‌کننده تعلقات، باورها و ارزش‌های جامعه محلی است که آن را ساخته و پرداخته است. حفاظت و مرمت چنین آثاری نمی‌تواند بدون توجه به اصول و معیارهای فرهنگی جامعه‌ای که آن را خلق کرده، استوار شود. از این روست که فهم نگرش مردم در رابطه با بناهای تاریخی و حفاظت اهمیت بیش از پیش یافته است. این پژوهش با کندوکاو نظری و عملی در پی فهم نگرش مردم شهر تاریخی کرمان در رابطه با حفاظت و مرمت و در جست‌وجوی پاسخ سؤالات زیر است:

مردم در خصوص مرمت بناهای تاریخی چگونه می‌اندیشند؟
مردم در خصوص مرمت بناهای تاریخی چگونه عمل می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

حفاظت، «یک مسئله فرهنگی است، نه یک مسئله صرفاً علمی» (Jokilehto, 2007: 277). با وجود آنکه برخی از جنبه‌های دکترین حفاظت از ارزش جهانی برخوردارند، نمونه‌های بسیاری وجود دارد که فرهنگ‌های مختلف مایل‌اند مکان‌های تاریخی خود را از طرق مختلف مورد مرمت و ارزیابی قرار دهند (ر.ک: Chung, 2005). هم‌راستا بودن حفاظت با پدیده‌های ذهنی، رفتاری و اکتسابی جامعه (شخصیت و هویت جامعه) در تأمین زیرساخت‌های حفاظتی از کالبد میراث، تأثیرگذار است (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۸۶). در دیدگاه حفاظت ارزشی که دیدگاه سنتی این حوزه است بیان می‌شود که در تصمیم‌گیری و سیاست‌های حفاظتی، باید ارزش‌هایی را که در نظر مردم به یک میراث نسبت داده شده است را حفظ نمود (Avarami et al., 2000: 12) که در پی آن مشارکت مردمی را در بر خواهد داشت (حجت، ۱۳۸۰: ۳۳۵). «دیدگاه‌های افراد جامعه نسبت به میراث فرهنگی و نیز مشارکت ایشان در فعالیت‌های حفاظتی، عمدتاً بر اساس آگاهی از معنای علمی و حقیقی میراث فرهنگی شکل نمی‌گیرد، بلکه تا حد زیادی تابعی از ادراکاتی می‌باشد که در تصور آنها از موضوع ایجاد شده است» (ر.ک: رازقی، ۱۳۹۲).

همان‌گونه که بیان شد در راستای جهانی شدن حفاظت منشورها و دستورالعمل‌های بین‌المللی بسیاری در این رابطه تدوین شده است. شیوه‌های حفاظت معماری در اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا و به‌طور کلی در بسیاری از نقاط جهان توسط مجموعه‌ای از آموزه‌های حفاظت بین‌المللی و ملی انتشار می‌یابند. این دکترین حفاظت، چگونگی انجام مداخلات و نحوه ارزش‌گذاری ساختمان‌ها و اماکن تاریخی برگرفته از جامعه غربی می‌باشد (ر.ک: Wells, 2017).

فرآیند حفاظت از آثار و میراث فرهنگی دارای ابعاد پنهان و مهمی می‌باشد که این ابعاد بررسی نشده موجب غفلت در فهم و تعریف آثار در بستر خود (بستر اجتماعی، تاریخی و ...) شده است. بیشترین توجه به مردم بومی ساکن منطقه را می‌توان در بیانیه ایکوموس ۱۹۹۳ مشاهده نمود. «مفهوم ارزش اثر تاریخی در بستر زمان و با توجه به جامعه بومی قابل درک است» (Vestheim and el, 2001). بر اساس علم جامعه‌شناسی رفتاری، باید تمامی رفتارهای ریشه‌دار در باورهای فرهنگی بررسی شوند. همان‌گونه که رفتارهای مخربی چون وندالیسم در میراث قابل بررسی است، تحلیل عمیق هر اعتقاد و باور ساکنان می‌تواند به‌عنوان یک ارزش میراث محسوب و بررسی شود (ر.ک: کیهان پور، ۱۳۹۷). کنوانسیون فارو (ر.ک: Council of Euro,pe, 2005) نیز تأکید بیشتری بر ارزش‌های اجتماعی نسبت به ارزش‌های مادی و ذاتی میراث دارد (ر.ک: Schofield, 2014) که این امر جوامع متخصصان میراث را یک گام فراتر برده است (ر.ک: Jones, 2017). اخیراً، در سیاست‌گذاری عمومی و هم‌درزمینه حفاظت، بر ارزش‌های اجتماعی مرتبط با محیط تاریخی تأکید زیادی شده است. ارزش‌های اجتماعی فرصت‌هایی را برای ایجاد گفتگوی مداوم بین گروه‌های جامعه و سازمان‌های میراث فراهم می‌آورد (ر.ک: Jones, 2017).

از این‌رو در سال‌های اخیر جامعه و دیدگاه و اعتقاد آنها در رابطه با حفاظت و ارزش‌هایی که برای مکان‌های تاریخی در ذهن دارند میان جامعه متخصصین این حوزه حائز اهمیت شده است. از پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حیطه می‌توان به پژوهشی اشاره نمود که نگرش مردم را در رابطه با حفاظت میراث فرهنگی مورد بررسی قرار داده است که در آن سعی در بررسی نگرش مردم نسبت به تک‌بنای مسجد جامع عتیق تهران داشته است. این پژوهش با بیان سؤال

«نظر شما در رابطه با حفاظت و مرمت این مکان چیست؟» انجام شده است (ر.ک: دلیلی دیدار، ۱۴۰۰). رساله دیگری که به آن می‌توان اشاره کرد تحت عنوان «تیین چارچوب نظری حفاظت و تغییر فضای معماری تاریخی بر اساس چگونگی تعامل انسان و مکان» می‌باشد. پرسش اصلی پژوهش این است که «چگونه می‌توان چارچوب حفاظت و تغییر فضای معماری تاریخی را تعریف نمود که در عمل منجر به حفظ هویت و تداوم تعامل با فضا شود؟» در نتیجه، هدف اصلی یافتن اصولی از تعامل انسان و فضای معماری تاریخی است که تعهد اختیاری نسبت به حفظ هویت فضا و تداوم تعامل با آن را شکل می‌دهد (ر.ک: پورسراجیان، ۱۳۹۷).

چندی از پژوهش‌ها روابط بین جامعه بومی و حفاظت و مرمت‌های صورت گرفته را بررسی نموده‌اند. در این میان می‌توان به پژوهشی در رابطه با عوامل رخداد تعارض‌های اجتماعی در زمان حفاظت از میراث معماری در منطقه سلطانیه اشاره نمود. مجموعه اقدامات حفاظتی - مرمتی عموماً با توجه خاص به مسائل و مبانی کالبدی و در شرایطی صورت پذیرفته که جامعه بومی ساکن در سلطانیه به تدریج نه تنها خود را جدای از گنبد احساس نموده، بلکه در فضایی آمیخته به عدم شناخت و سوءبرداشت‌های متعدد، در تعارض با آن قرار گرفته است. این تعارض تا آنجا پیش رفته که جامعه بومی به جای نگرش و احساس عاطفی مثبت به این اثر ثبت جهانی، گاه آن را عامل مستقیم عدم توسعه و پیشرفت شهر خود معرفی می‌کند (۱). (ر.ک: رازقی، ۱۳۹۲).

به‌طور کل می‌توان گفت که توجه به علوم اجتماعی و تأثیر آن در سایر علوم از دهه ۶۰ میلادی بسیار پررنگ شده است. در حوزه حفاظت و مرمت میراث فرهنگی نیز پس از

تغییر رویه صورت گرفته در منشورها و اسناد بین‌المللی حضور و جایگاه مردم را میتوان دید. تقریباً سی سال پیش، زمینه «مطالعات میراث» از طریق استفاده از روش‌های تحقیق علوم اجتماعی که به دنبال درک رابطه‌ای که مردم با میراث و محیط تاریخی دارند، پدید آمد (ر.ک: Wells, 2022). کمبودی که در میان مطالعات انجام‌گرفته مشخص شد این است که «به‌طور کل نگرش مردم بدون دادن خط و محدودسازی در رابطه با امر مرمت چیست؟ یعنی چگونه خود عمل مرمت را انجام می‌دهند؟». تمامی موارد ذکر شده در قالب یک پژوهش کیفی در پژوهش پیش رو انجام گرفته است. لذا در این پژوهش سعی شده است تا برخی از اقدامات و نگرش مرمتی مردم که برگرفته از ذهنیت آنها است در شهر تاریخی کرمان بررسی شود.

روش پژوهش

از روش تحقیق نظریه زمینه‌ای در این تحقیق برای انجام فرآیندها استفاده شده است. در کل می‌توان گفت که هدف این روش، «کشف مفاهیم بنیادی و زیربنایی از دل داده‌های تحقیق کیفی است» (ر.ک: کلاکی، ۱۳۸۸). اگر هدف پژوهش، شیوه تجربه افراد و درک فرآیندها باشد می‌توان از این روش استفاده نمود. در تحقیقات با رویکرد کیفی، میدان پژوهش معادل جامعه‌ی آماری در تحقیقات با رویکرد کمی است (استراوس و کربین، ۱۳۹۷: ۳۲). در تحقیق حاضر میدان پژوهش شهر تاریخی کرمان می‌باشد؛ پس از حضور پژوهشگر در میدان تحقیق، بر اساس داده‌های به‌دست آمده از میدان، سعی شد تا نحوه گزینش نمونه‌ها به‌گونه‌ای باشد که بتواند حداکثر میدان پژوهش را پوشش دهد. نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت هدفمند و نظری می‌باشد. نمونه‌برداری هدفمند (جهت‌دار) در روش کیفی به تحلیل داده‌ها کمک و

سرعت می‌بخشد (علی احمدی و غفاریان، ۱۳۸۲: ۲۵۰).
 مشارکت‌کنندگان (۲) این پژوهش شامل ۲۴ نفر از افراد ساکن شهر کرمان شامل ۶ زن و ۱۸ مرد که در تعامل با مکان‌های تاریخی‌اند و حامی مکان‌های تاریخی محسوب می‌شوند می‌باشد؛
 که سن این افراد بین ۳۱ تا ۶۸ سال و تحصیلات آنها از زیر دیپلم تا دکتری و پزشک است. همان‌گونه که بیان شد این افراد به‌صورت هدفمند و نظری به روش گلوله برفی گزینش شده‌اند. روش مصاحبه عمیق مهم‌ترین فن گردآوری داده‌های زمینه‌ای محسوب می‌شود. باین‌حال، در برخی از موضوعات و پژوهش‌ها از روش‌های مشاهده، مشاهده‌ی مشارکتی و گردآوری اسناد و ... می‌توان استفاده نمود (محمد پور، ۱۳۸۹: ۳۲۳)؛ که در این پژوهش داده‌ها با روش مصاحبه عمیق و برای سنجش صحت آنها از مشاهده مشارکتی بهره برده شده است. سؤالات تحقیق در چند مرحله انتخاب و طراحی شده‌اند. بدین‌صورت که پس از انجام هر مصاحبه و پیاده‌سازی آن، کدگذاری و بعد از آن سؤالات جدید استخراج شده است و تا مرحله اشباع نظری مقوله‌ها (تا زمان خلق نشدن داده‌های جدید) بدین شیوه پیش رفته است. تحلیل داده‌ها بر اساس سه شیوه کدگذاری باز، محوری

سرعت می‌بخشد (علی احمدی و غفاریان، ۱۳۸۲: ۲۵۰).
 مشارکت‌کنندگان (۲) این پژوهش شامل ۲۴ نفر از افراد ساکن شهر کرمان شامل ۶ زن و ۱۸ مرد که در تعامل با مکان‌های تاریخی‌اند و حامی مکان‌های تاریخی محسوب می‌شوند می‌باشد؛
 که سن این افراد بین ۳۱ تا ۶۸ سال و تحصیلات آنها از زیر دیپلم تا دکتری و پزشک است. همان‌گونه که بیان شد این افراد به‌صورت هدفمند و نظری به روش گلوله برفی گزینش شده‌اند. روش مصاحبه عمیق مهم‌ترین فن گردآوری داده‌های زمینه‌ای محسوب می‌شود. باین‌حال، در برخی از موضوعات و پژوهش‌ها از روش‌های مشاهده، مشاهده‌ی مشارکتی و گردآوری اسناد و ... می‌توان استفاده نمود (محمد پور، ۱۳۸۹: ۳۲۳)؛ که در این پژوهش داده‌ها با روش مصاحبه عمیق و برای سنجش صحت آنها از مشاهده مشارکتی بهره برده شده است. سؤالات تحقیق در چند مرحله انتخاب و طراحی شده‌اند. بدین‌صورت که پس از انجام هر مصاحبه و پیاده‌سازی آن، کدگذاری و بعد از آن سؤالات جدید استخراج شده است و تا مرحله اشباع نظری مقوله‌ها (تا زمان خلق نشدن داده‌های جدید) بدین شیوه پیش رفته است. تحلیل داده‌ها بر اساس سه شیوه کدگذاری باز، محوری

یافته‌های پژوهش

در تحلیل و کدگذاری‌های انجام‌شده ۷ مقوله اصلی به دست آمد که هر یک از این مقوله‌ها و بیانات افراد مشارکت‌کننده مورد کندوکاو قرار گرفته‌اند. مقوله‌های اصلی استخراج‌شده از تحلیل محتوی مصاحبه‌ها و نگرش مردم نسبت به مرمت مکان‌های تاریخی بر اساس تحلیل محتوی عرفی نام‌گذاری شده‌اند.

اقدامات پیشگیرانه؛ محافظت پیشدستانه
 کدهایی که از طرف مردم به‌عنوان اقدامات پیشگیرانه عنوان شد عبارت‌اند از (جدول شماره ۱):

جدول شماره ۱: مقوله و گزاره‌های اقدامات پیشگیرانه؛ محافظت پیشدستانه

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
پیشگیری از تخریب آسیمی	«... مثلاً اون گوشه رو همون قدیم بستن. من بخوام بازش کنم مکافاته، چون دیگه از پشت بوم به پایین دیگه میشه آزاد، یعنی هر مثلاً آدمی، صاف میتونه بیاد تو خونه. مجبوریم اون گوشه خونه رو بستیم...»
	«...دیگه دزد اومد من بالاش در چوبی داشت، خوشگلی ام بود. دیگه دزد که اومد بود زده بود شکسته بودتش اومد داخل، من دیگه درش آهنی کردم...»
پیشگیری از تخریب طبیعی	«...ناودونها رو چک میکنن چون ما مشکل ناودون داریم...»
	«...پشت بوما باید مرتب عوض بشه...»
	«...بعد سیستم نوسار شون، سیستمی آب بارون میکشن باش، ناودونها، این خیلی مهم بود که این سیستم ناودونی از بالا پشتبوم آب بیاد پایین، بعضی از پشتبوم‌ها نیاز به کاه‌گل داشت...»
	«... اینجا یه ترکهایی داره میخوره توی تاقها که احتیاج به نشان گذاریه. خب این در تخصص من نیست ... ولی خب همه اینا به مراتب بالاتر گفته شده...»
پیشگیری از ترک خوردن دیوارها	«...دیگه گل‌هایی هم قراره مثلاً حالا الان خشک شدن، ما قراره مثلاً بکاریمشون، خب مواظب بودن یه فاصله‌ای دادن بهشون و حالا قیرگونی کردن و ما هم خیلی سعی می‌کنیم زیاد حالا آب به بنا نرسه...»
عایق نمودن باغچه جهت جلوگیری از نفوذ آب	

۱. محافظت پیشدستانه یا پیشبینانه می‌تواند معادل خوبی برای واژه تخصصی Proactive conservation باشد.

یافته‌های این مقوله نشان می‌دهد که افراد مصاحبه شده بر اندیشیدن تمهیداتی جهت محافظت متقدم از بناها، پیش از اینکه تخریب دامن‌گیر آنها شود، تأکید دارند. این افراد با در پیش گرفتن استراتژی محافظت پیشدستانه، پیش از آنکه تخریب این بناها آغاز شود، بر آن مهر پایان می‌زنند. تمهید پیشگیرانه در ذات خود نوعی استراتژی بالفعل و عینی در مقابل خطری احتمالی و بالقوه است که ممکن است بنیاد مکان تاریخی را با چالش‌هایی جدی مواجه کند؛ چالش‌هایی که در صورت بروز می‌توانند مکان تاریخی را در معرض خطر جدی قرار دهد. در چنین شرایطی افراد از نظر زمانی جایگاه معمول حفظ و تخریب را جابجا می‌کنند؛ آنها قبل از آنکه تخریب رخ دهد، محافظت را به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه در دستور کار قرار می‌دهند. در جوهر رویکرد محافظتی پیشدستانه این اندیشه وجود دارد که خطر بایستی پیش از بروز، پیشگیری شود. بدین معنا که اجازه‌ی هیچگونه رخنه‌ای (خطر) در حیطه بنا-فضای تاریخی داده نمی‌شود. در این نگرش محافظتی نه‌تنها وجود خطر انکار

نمی‌شود، بلکه مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع این رویکرد هیچگونه اغفال و اهمالی در خصوص احتمال تخریب مکان تاریخی را جایز نمی‌شمارند؛ در واقع خطر تخریب بنای تاریخی را به رسمیت شناخته می‌شود و به همین دلیل برای آن تدابیر و تمهیداتی اندیشیده می‌شود. در محافظت پیشدستانه تلاش بر این است تا خطر تخریب مکان تاریخی به یک احتمال بسیار ضعیف در زمانی بسیار بعید تبدیل شود. در چنین شرایطی پیله محافظت مدت‌ها پیش از آنکه خطر تخریب متوجه بنا-فضای تاریخی شود، کلیت آن را در بر گرفته و از آن پاسداری می‌کند. در این حالت نه وجود تخریب بلکه وجود احتمال تخریب است که باعث می‌شود افراد تمهیدات پیشگیرانه‌ای را جهت حفاظت از بنا-فضای تاریخی در پیش گیرند.

الهام و الگوبرداری در مرمت

یافته‌های این مقوله نشان می‌دهد که سازه‌های تاریخی علیرغم پراکندگی گسترده و عدم ارتباط بیواسطه، تأثیری بسزا بر حیات یکدیگر دارند. در این رابطه مقوله‌های زیر به دست آمد (جدول شماره ۲):

جدول شماره ۲: مقوله و گزاره‌های الهام: الگوبرداری تاریخی در مرمت

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
الگوبرداری تکثرگرا	«... برای مرمت که ما شهرهای زیادی رو مسافرت کردیم. از حالا تو خود کرمان هرچی بنا بود همیشه گفت رفتیم و بازدید کردیم. یزد چندین بار رفتیم، کاشان رفتیم، اصفهان رفتیم، شیراز رفتیم و بناهایی رو که بود بازدید کردیم...».
الگوبرداری وحدت‌گرا	«... خیلی هم از لحاظ معماری هم از لحاظ تزئینات شبیه هست یا مثلاً شتر گلوی ماهان...»
الگوبرداری گسترده	«... بافت زریسف همیشه الگوش بافت آتشکده ... اومدیم تیپ درامون، تیپ خورشیدیامون، تیپ کف فرشمون، تیپ تزئیناتمون اونو اومدیم چیکار کردیم، الگوبرداری کردیم از بناهای هم‌دوره خودش توی محله خودش...».
الگوبرداری موضعی	«... مسیر آب و حوض‌هایی هم که اضافه‌شده سعی شده الهام گرفته از باغ شازده کرمان باشه، حالا نه به اون صورت ولی تداعی‌کننده اونجا باشه...».
الگوبرداری شمایل	«... که ما بعضی جاها که بعضی قسمت‌ها رو برای تزئینات از دست داده بودیم برای اینکه تداعی بشه و بتونیم دوباره الگوبرداری کنیم به این بناها به قول معروف مراجعه می‌کردیم برای کامل کردن تزئینات...».
الگوبرداری در مصالح	«... مصالح مثل سفال، آجر فرش، یه چیزایی که مثلاً توی خونهای قدیمی به کار رفته، به اضافه یه نما، اگر تازه نما هم تازه خواستیم بزنیم همون کاه‌گلی باشه. یعنی اصلاً خونهای نباشه بخواد خیلی توی چشم بزنه عین بقیه بافتش باشه حالا مثلاً ترمیم‌شده...».

۱. از چند بنا به شکل ترکیبی جهت مرمت الگوبرداری می‌شود
 ۲. صرفاً از یک بنا جهت مرمت الگوبرداری می‌شود

تاریخی به یکدیگر گره‌خورده و حیاتی اندام‌وار بین آنها ایجاد کرده است. بر اساس داده‌ها می‌توان گفت در صورت فقدان الگوهای تاریخی در امر مرمت، بناهای تاریخی به شدت در خطر نابودی قرار می‌گیرند. در واقع این سامانه به هم پیوسته پنهان است که ارتباط مکان‌های تاریخی را ممکن و حیات آنها را تا حد زیادی تضمین می‌کند.

از سویی دیگر الگوبرداری تاریخی در زمینه مرمت به این واقعیت نهفته اشاره دارد که سازه‌های تاریخی با وجود ثابت بودن در یک مکان، قابلیت تسری و انتقال بالایی دارند. بدین معنا که انعکاس وجود آنها را می‌توان در مکان‌هایی بسیار دورتر از محل استقرارشان یافت.

دوگانه خالص - تلفیقی در مرمت

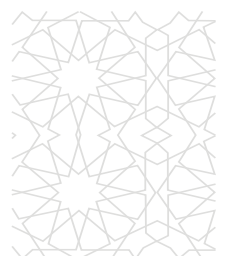
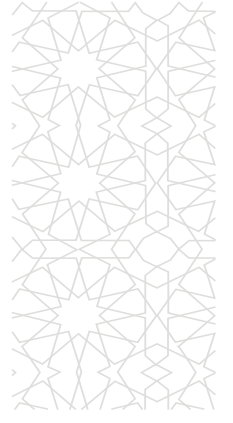
بر اساس داده‌های به دست آمده در این تحقیق می‌توان گفت که در یک سوی طیف مرمت مردمی افرادی قرار می‌گیرند که کاملاً معتقد به خالص‌گرایی در مرمت هستند و در طرف دیگر افرادی که اعتقاد به مرمت تلفیقی دارند. در این راستا مقوله‌های زیر به دست آمد (جدول شماره ۳):

وجود چنین الگویی در امر مرمت و احیاء بناهای تاریخی به ما نشان می‌دهد که گویی نوعی سامانه‌ی فکری واحد در اجتماعات محلی مکان‌های تاریخی را به هم مرتبط کرده و الگوهای مرمت آنها را به هم پیوند می‌زند.

در جامعه مورد مطالعه این اندیشه وجود دارد که یک بنای تاریخی در ارتباط با سایر بناهای تاریخی است که می‌تواند ارجح و اهمیت خود را بازیابد. در واقع با وجود آنکه برخی از افراد از رویه‌های سرگردان و بیریشه در مرمت بنای خود استفاده می‌نمایند، اما استفاده از سامانه قالب ارجاع با الهام از مکان-های تاریخی دیگر باعث می‌شود تا عمده بناها و فضاها در یک پیوستار تاریخی هویت‌مند با یکدیگر قرار گیرند. از طرف دیگر الگوبرداری تاریخی در امر مرمت نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که حیات یک بنای تاریخی تا چه اندازه‌ی مرهون هستی سایر بناهای تاریخی است. این مسئله به این موضوع حیاتی اشاره دارد که مکان‌های تاریخی با وجود پراکندگی مکانی گسترده، در یک شبکه‌ی درهم تنیده نامرئی قرار دارند؛ شبکه‌ای که در آن هستی مکان‌های

جدول شماره ۳: مقوله و گزاره‌های دوگانه‌ی خالص - تلفیقی در مرمت

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
مرمت خالص	«...والا مصالح هم گفتم طوری باشه که بافت خودش حفظ کنه... قرار نباشه چیزی مدرن کار بشه. یا شرایطش نسبت به خونه‌های اطرافش فرق بکنه، کاملاً می‌خواستیم از همون مصالح خودش استفاده کنیم...»
	«... شایدم خرافاتی باشه ولی مصالح قدیمی نظاره‌گر به سری وقایع بودن یعنی اون روحی که میگیم تو بنا هست ... اگر ما مثلاً فقط خشت و گِلو چیزهای معمولی باشه دیگه نمیتونه روح داشته باشه...»
	«... بر اساس گفته به معمار قدیمی که اومد اینجا گفت مصالحی که تو این قسمت کار میشه [قسمت گر مخانه] یا مصالحی تو قسمت سرپینه کار میشه متفاوته...»
مرمت تلفیقی	«... مصالح اصل باشه که همون قدیمی باشه. نماس قدیمی باشه. شاید مثلاً داخلش تیر آهنی، ستونی، سقفی چیزی بزنه آدم...»
	«...بازم اصلته خیلی برام جالب بود که مثلاً به فرض مثال این نوع خاص مثلاً آجر مهری یا این آجر لعابدار این نوع کاشی کجا درست شده. اصلتش مال کجاست و اگر که مثلاً کرمان بود و تشخیص دادم کرمان بود، صد درصد سعی می‌کردم که اون، ممکنه توی کارگاه‌ها هم نباشه ولی این قضیه رو باز از خود همون جا، از خود خاک همون منطقه داشته باشه...»
	«...مثلاً همه آجرهای ما رو قم مثلاً داره میزنه، بوم آورد منطقه ما نیست ولی با اقلیم ما آشنایی داره، بهتره که هرچی استفاده میشه همه بوم آورد منطقه خودمون یا بوم آورد منطقه‌های جغرافیایی مثل ما باشه...»
استفاده از مصالح بوم آورد	«...فقط تو این مهمونخونمون به خرده‌ای اون ورش رفته، اونم مهار کردیم. دیدن هم خوب، چوباش از قدیم بودن ولی ما سیخو { میلگرد } کشیدیم، ا، اینا دیگه دارتش { منظور سقف پایدار شده است }...»
استفاده از مصالح مدرن در شالوده بنا	«... حالا درسته ما الان مرمت می‌کنیم تو پی بندیا مون آجر و سیمان استفاده می‌کنیم، توی نما...»
تغییر ماهیت نما	«... به من پیشنهاد شد حتی از شهرهای دیگه توی بافتا کار کردن همه توصیه می‌کردن که سعی کن از نمای کاهگل بیای بیرون به خاطر اینکه حالا اتفاقاتی که با بارون میفته، و حالا اون محوطتو رو خراب میکنه و خود اون مصالح رو میاره پایین، به من میگفتن بیرش به سمت تزئینات آجری...»



درواقع افراد خالص گرا تلاش می‌کنند تا بنا را به اصیل‌ترین شکل ممکن مرمت کرده و بازیابی نمایند. رفتار برخی از مشارکت‌کنندگان در زمینه مرمت بناهای تاریخی به ما نشان می‌دهد که بعضاً مرمت مردمی از چنان سرسختی و مقاومتی در برابر کاربرد مواد و مصالح مدرن برخوردار می‌شود که به بهره‌گیری از آنها در امر مرمت به مثابه نوعی تابو می‌نگرند. فارغ از الحاق معنایی اخلاقی در زمینه خوب یا بد بودن این رفتار، باید گفت که چنین عملکردی در کنه خود به این نظام فکری بخش‌هایی از جامعه برمی‌گردد که در آن ارزش بنای تاریخی موقوف به کاربرد مواد و مصالح کاملاً سنتی در آن و حفظ شمائل تاریخی آن است. در واقع این افراد کاملاً بر این باورند که نفوذ عناصر و مصالح مدرن در بنای تاریخی بیش از آنکه نقشی سازنده و محافظ برای بنا داشته باشد، منجر به خدشه‌دار شدن هویت و ماهیت بنیادین آن می‌شود. گروهی دیگر از مشارکت‌کنندگان پیرو این اندیشه‌اند که بر اساس آن یک بنا میراث تاریخی خود را صرفاً به واسطه‌ی مصالحی حمل می‌کند که در روز نخست در پی و بست آن به کاررفته است. بر اساس این بخش از نظریه‌ی مرمت مردمی، تمام اجزاء و مصالح به کاررفته در بنا حامل میراثی ارزشمند هستند که حتی مصالح مشابه پس از مرمت نمی‌توانند آن را یدک بکشند.

از طرف دیگر داده‌ها به ما نشان می‌دهند که در سوی دیگر طیف مرمت مردمی کسانی قرار می‌گیرند که چندان دیدگاه منزه در باب کاربرد صرف عناصر سنتی در خصوص مرمت بنا ندارند این افراد که اتفاقاً در نظریه مرمت مردمی موضع نیرومندی را در اختیاردارند، به درجات مختلف بر این باورند که می‌توان از مواد و مصالح مدرن و مهاجر در زمینه‌ی مرمت بناهای تاریخی استفاده کرد. آنها کاربرد مواد و مصالح مدرن را نه امری ناپسند در حوزه‌ی مرمت که لازمه‌ی بقای بنای تاریخی می‌دانند. این افراد که می‌توان آنها را در حوزه‌ی مرمت تلفیق‌گرا نامید البته در یک ایده‌ی بنیادین با سایر افراد که پیرو دیدگاه آنها نیستند هم‌منظرند؛ از بنای تاریخی باید به هر شکل ممکن محافظت نمود.

دوگانه تحکیمی - تزئینی در مرمت

داده‌های این تحقیق از دوگانه‌ی دیگری با عنوان تحکیمی - تزئینی پرده برمی‌دارد. در واقع اینها دو گروه مجزا و متمایز از یکدیگر نیستند، بلکه هستند بسیاری از افراد که هم‌زمان هم از منظر تحکیمی و هم تزئینی دست به مرمت بنای تاریخی می‌زنند، اما ایجاد چنین مفهوم دوگانه‌ای می‌تواند از منظر تحلیلی برای درک درست مسئله مفید باشد. در این راستا مقولات زیر به دست آمده است (جدول شماره ۴):

جدول شماره ۴: مقوله و گزاره‌های دوگانه تحکیمی - تزئینی

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
استحکام بخشی با مصالح مدرن و دانش سازه‌ای	«... چون استفادهاش مال خودمون بود سعی کردیم با بهترین مصالح استفاده کنیم و رشته خودمم چون سازه بود و عمران بود، سعی کردم تو استحکام بخش یا عرضم به حضورتون حداکثر توان رو بذاریم...»
استحکام بخشی جهت تداوم بقا	«... استحکام بخشیه واسم خیلی مهمه، ولی فرم قدیمیش خیلی مهمه. یعنی تا وقتی که مثلاً میخواد درست کنه و اتفاقی واسه فرم قدیمی نیفته یعنی قرار نباشه تغییرش بده با همون فرمون باید بره جلو ولی اگر به جایی باید تغییر کنه که (بنا) ادامه پیدا کنه تغییرش بدن...»
استحکام بخشی برای کاربری جدید	«... من تونستم این مجوز رو بگیرم که بار زنده بیاد و این حمام این قدر استحکامش عالی بود که به من اجازه رو دادن...»

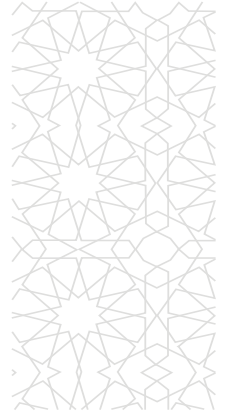
مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
تکمیل تزئینات	«...مرمت کردم کاشیا رو. بعضی از کاشیا نبودن از اول ساختیم. بعضی کاشیا مثلاً نقوشی ازشون شکسته بود یا نبود مثلاً میگم اون تکی رو ساختیم مثلاً کاشی رو شما دقت کنین اون نوک پاشو ما ساختیم یا مثلاً میگم جنگ رستم و سهراب رو کلشو ساختیم. بعضی تیکه‌هاشون نبوده همون تیکه رو ما نقاشی کشیدیم و قشنگ سربندها رو اجرا کردیم...»
زایش نما	«...این کاشی‌های نماها نبودن. آجرکاریاش این نوع گل خفته راسته بود، ولی اون آجرای نگینی رو به خاطر اینکه دیگه چشم خیلی دیگه داشت ساده می‌شد اون نگینا رو جای خود کلوکای اجری جاش اون نگینا رو گذاشتیم...»
الگوبرداری در تزئینات	«...دیگه تنها جایی که نما عوض شد همین نمای قسمت شمالی، قسمت شاه نشینه که ما اومدیم کاج و سرو رو، سرو ایرانی هستن و اون کتیبه کاشی بالاش رو انتخاب کردیم، از خونه حاج آقا علی رفسنجان. چون ما اوج هنر گچ‌بری رو تو حاج آقاعلی رفسنجان داریم...»
تغییر نما و جزئیات	«...یه سری تغییرات جزئی و حالا توی دکوراسیونش بیشتر دوست دارم تغییرات بدم. یکم از سادگی حالا درش بیارم. نمای مثلاً با چیزای آجری و کاشی و این جور چیزا. نکه اینکه توی سازه بنا، توی مثلاً دیوارا و این چیزا...»

بازنمود بیرونی بنای تاریخی هستند، شمائل و صورت بنا برای افراد از تقدم و اولویت برخوردار خواهد بود. در واقع از آن‌رو که افراد بنای تاریخی را همچون صفحه‌ای می‌بینند که با انباشت و نگهداشت ارزش‌های زیبای شناختی - تاریخی در طول زمان آنها را به منصفه ظهور می‌رساند، برای شمائل و صورت بنا ارج و اهمیت ویژه‌ای قائل‌اند. این افراد بر این باورند که بازنمود میراث تاریخی بنا بیش از هر جا در شکل و صورت آن مشهود است.

وجود چنین باوری در اجتماع محلی باعث می‌شود تا بخش گسترده‌ای از مرمت مردمی قوای خود را جهت حفظ شاکله و صورت بنای تاریخی بسیج کند. در واقع مرمت تزئینی به‌عنوان یک کنش محافظتی عملگرایانه بر خواسته از این اندیشه است که صورت و ظاهر بنا حاوی نمادها و نشانه‌هایی غنی از ارزش‌های تاریخی آن بنا است؛ ارزش‌هایی که به‌عنوان مهمترین میراث بنا در چهره و نمای آن جای گرفته‌اند. به سخن دیگر از آنجاکه افراد معتقدند سرمایه‌ی تاریخی بنا عمدتاً خود را در صورت و شمائل آن به نمایش می‌گذارد، بنابراین حفظ نمادها و نشانه‌های

مصاحبه شده در اجتماع مورد بررسی با وقوف به این مسئله که فرسایش بنیادهای بنای تاریخی یک امر گریزناپذیر است که تدریجاً در بستر زمان رخ می‌دهد، مرمت تحکیمی را به‌عنوان یک استراتژی جهت توقف این روند در دستور کار قرار می‌دهند. این افراد که با وجود تمام تنوعات، نظریه محافظتی نیرومندی پیرامون حفظ بناهای تاریخی بر ساخته‌اند، بر این باورند که بنیادهای بنا صرفاً به‌واسطه مرمت تحکیمی حفظ‌شده و بدین طریق به تداوم حیات بنا منجر می‌شوند. در نظر این افراد مرمت تحکیمی مستقیماً متوجه استحکام و ثبات بناست؛ نوعی کنش محافظتی عملگرایانه که به حفظ شالوده‌های بنا کمک می‌کند. در واقع افراد به‌واسطه‌ی مرمت تحکیمی در پی آن‌اند تا ساختاری را که بنای تاریخی هستی خود را وامدار آن است حفظ نمایند.

در مقابل اندیشه مرمت تحکیمی، مرمت تزئینی قرار دارد که نه متوجه استحکام بلکه متوجه مسائل زیبایی‌شناختی و ارزش‌های تاریخی همپسته با آن در بنا است. در این شکل از مرمت به دلیل تسلط ارزش‌های زیبای‌شناختی تاریخی که مربوط به



عینی و مشهود بنا از طریق مرمت تزئینی از اهمیتی بسزا برخوردار است.

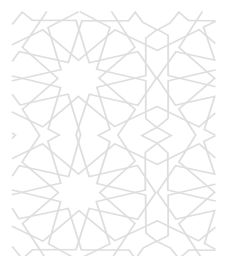
بسط؛ گسترش بنای تاریخی

عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق چندان باوری به راکد بودن مکان تاریخی و عدم تغییر در آن ندارند. در عوض آنها بر این باورند که می‌توان مکان تاریخی را به اشکال مختلف بسط و گسترش داد. داده‌ها نشانگر این موضوع‌اند که افراد معتقدند به واسطه‌ی بسط مکان تاریخی تعاملی سازنده با آن برقرار می‌کنند. در واقع آنها این

رفتار خود را نه تهاجم بلکه ارتباطی سرشار از خلاقیت و آفرینندگی نسبت به بنای تاریخی می‌دانند. این افراد مکان تاریخی را در محدوده‌ای زمانی بسته قرار نداده و بدین شکل برای خود «خلاقیت» و برای بنا «انعطاف و تحول» را قائل‌اند. در مجموع داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان محدود این پژوهش نشانگر آن‌اند که این افراد دو استراتژی عمده را جهت بسط مکان تاریخی در پیش می‌گیرند. این دو استراتژی به شرح ذیل عبارت‌اند از (جدول شماره ۵):

جدول شماره ۵: مقوله و گزاره‌های بسط؛ گسترش بنای تاریخی

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
انباشت عناصر	«...خمزه‌ها رو مثلاً چیدم اینجا. مردم میان عکس میگیرن، تماشا میکنن، قصد کاسی هم باشون ندارم فقط گذاشتم که همه ببینن...»
	«... تمام اشیایی که شما میبینین داخل هست بله از جاهای دیگه هست هیچ کدوم مربوط به اینجا نیست، همه از جای دیگست. تهیه شده، خریداری شده و آورده شده...»
	«... بعد تا دلتون بخواد مثلاً چیزای حکاکی کوچولو کوچولو یا مثلاً روی چوب، یا مثلاً نمیدونم مثلاً قاشق چنگال بزرگ، نمیدونم دیدین یا نه ... داداشم بیار اومد تو آشپزخونه آویزونشون کرد...»
	«... یه اتاقی داره به‌عنوان اتاق مادر بزرگ... دیدیم عه یه تیکه هست از در که رفتم شیشه کشیده بود، بعد کلش پشتشم موزه...گفت این قالی مثلاً خونه‌ی مثلاً مادر بزرگم بوده، این فلان بوده...اون تهش یه لباس زده به دیوار باز جلو اون یه شیشه جدا کشیده...گفت این لباس عروسیه مادر بزرگم بوده که تماماً نقره هست. لباس زن حاج آقا علی، لباسه قاجاری ... این جور چیزایی رو حفظ کردن توی یه بنای تاریخی که از اجدادشون هسته...»
	«...آقا این خونه کنار این ساختمان ۷ طبقه، یه حوضی داشت خانم. یه حوضی بود اندازه این باغچه‌ها، دورتادورش سنگ، سنگ تیشه‌ای نقش دار. اون وقت ۴ گوشه‌اش ۴ تا کله شیر میومد بالا... یک طرح عجیبی این راه انداخته بود... می‌خواستم کل اون حوض رو بگم یه نفر در بیاره برام، یعنی یه نفر اگر شده مثلاً ۱۰ روز کارگری بشنونه ذره‌ذره سیمانارو بکنه اینه در بیاره بیایم اینجا بشنومش. این قدر که جالب بود به خدا حاضر بودم ازش بخرم...»
افزودن به متن بنا-فضا	«...دلم می‌خواست پای ستون سنگی رو بیارم، اون کار رو خیلی دوست دارم انجام بدم...»
	«... این بخش (نوساز) طرحش کاملاً بر اساس فرم خانه‌های اطراف و همخوان، فقط مصالح مدرن هست. اول چون به نیت خودمون بود گفتیم فقط یدونه اتاق توش درست کنیم...»
	«...اینجا اون موقع مخروبه بود به این حالت نبود یه مقدار اوضاعش {اوضاعش} خراب بود. کم‌کم هم چراغ‌ها همه دست‌به‌دست همدیگه دادن اینجا رو ساختن و شکل و مشخصاتی به وجود آوردن و درستش...»
	«...بچه‌ها حقیقت یه خرده‌ای دلشون میخواد {می‌خواهد} مثلاً برای راحتی کارشون مثلاً حالا یجوری هست سرویس کنارشون باشه، آشپزخونه‌ام مثلاً ما اون طرف درست کردیم مثلاً سرویس، آشپزخونش اینا همش تو همه. از یه دری بری تو دیگه نمیا {نمی‌آیی} بیرون بری. ولی خوب اینجا بچه‌ها اونجوری دوست دارن، مثلاً به سن و سال من الان همون برای راحتی کار خودش خونه‌ای میخا مثلاً راحت باشه. همه چی توش باشه...»



انباشت عناصر؛ تاریخی سازی مؤکد بنا - فضا

بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت که انباشت عناصر متعلق به سایر اماکن تاریخی در دل بنا یکی از روش‌های رایج در اجتماع محلی جهت بسط و گسترش آن است.

در این روش افراد از اجزاء و عناصر ذاتاً تاریخی که متعلق به بناهایی دیگر هستند استفاده می‌کنند. این عمل در کنه خود چیزی نیست جز تاریخی‌سازی مؤکد مکانی که خود پیشاپیش وجودی تاریخی را یدک می‌کشیده است (تصویر شماره ۱).

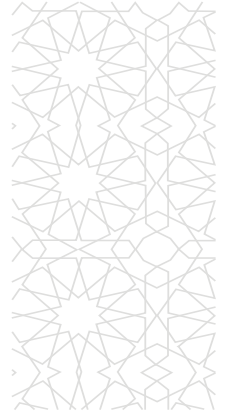


تصویر شماره ۱: نمونه‌ای از انباشت اشیا در فضای مکان تاریخی توسط یکی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های پژوهش (عکس از نگارندگان)

نگهداشت اجزاء؛ حفظ عناصر بنای تاریخی

داده‌های حاصل آمده از میدان نشان‌دهنده‌ی آن است که افراد به طرق مختلف سعی دارند تا از بنا- فضای تاریخی با حفظ اجزاء آن نگهداری نمایند. در واقع از نظر افراد اجزاء و عناصر مکان تاریخی (همچون کاشی‌ها، مجسمه‌ها، کوزه‌ها، اسباب و وسایل تاریخی و...) مؤلفه‌های اساسی در ساخت هویت آن هستند. در جهان بینی این افراد بنای تاریخی منهای عناصر و اجزاء آن چیزی نیست جز ترکیبی ناقص و ناتمام. داده‌ها نشان‌دهنده آن است که در اندیشه افراد، این اجزاء بناهای تاریخی هستند که هویتی تاریخی بدان

داده‌ها نشانگر آن است که بسیاری از افراد در اجتماع محلی به نحوی به متن مکان تاریخی سازه‌هایی را اضافه می‌کنند. این سازه‌ها که از نظر ظاهری عمدتاً همگن و همسو با بنای تاریخی هستند برای رفع نیازهایی که به مرور زمان ایجاد شده‌اند طراحی گردیده‌اند. در واقع ساخت این سازه‌ها در طرح اولیه بنا- فضای تاریخی پیش‌بینی نشده است و فقط نیازهای روز است که ساخت آنها را توجیه می‌کند. چنین امری از این واقعیت مسلم برمی‌خیزد که مکان تاریخی به دلیل درگیر شدن با انواع تحولات در بستر زمان، به ناچار پذیرای برخی تغییرات می‌شود.



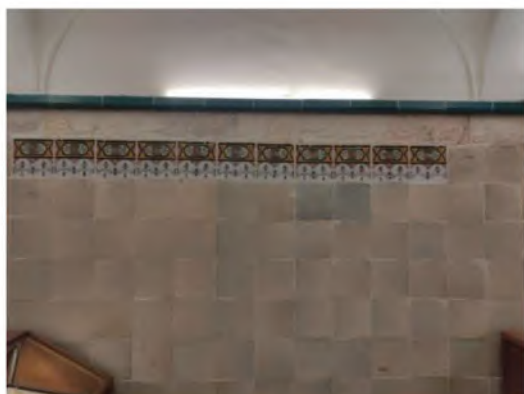
می‌دهند. اجزاء در واقع نگاره‌هایی تاریخی هستند که سرشار از زندگی و پویایی هستند و در فراسوی اسکلت بنا قدمت و حال و هوای آن را بازتاب می‌دهند (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: مقوله و گزاره‌های نگهداشت اجزاء؛ حفظ عناصر بنای تاریخی

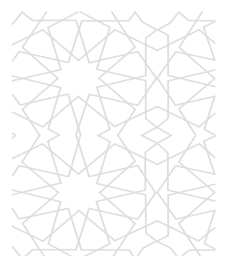
مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
مرمت عناصر آسیب‌دیده	«...من حتی کوزه و ایناشو همه رم { همه را } دارم. کوزه گلی بوده، کیسه‌ای می‌داشتن برای نگهداری گندم و اینا بود که متأسفانه کارگرا زدن شکستش ولی من خودم درستش کردم یکم تعمیرش کردم ولی تو به اتافی نگهش داشتم...».
محافظت از عناصر اصلی و رفع مشکلات به وجود آمده	«... پله اینا از بس پا خورده بودن لغزنده شده بودن، ما با سنگ فرزش کردیم. یه دو بار بچه‌ها خوردن زمین خط کشیدم. از دلمون ور نیومد بکنیم عوضشون کنیم گفتیم چیفن...».
نگهداشت عناصر و تکمیل آنها	«...من اکثرآ آگه چهارتا کاشی قدیمی بودن هم کاشیا قدیمی خودشون. لابه لاش کاشی جدید کار کردیم ولی اگر بوده همون کاشی قدیمی خودش. اصلاً نخواستم به قول معروف حالا بخوام بگم الان کسی ببینه یه جوری تو هم رفته زیاد نشون نمیده ولی شما الان اینجا دقت کنید مثلاً ما از این قسمت فقط این تیکه مونده، من این تیکه رو حفظ کردم، اون بالاش رو جدید زدم، بقیه رو دیگه جدید زدم ولی جوری زدم دست‌به‌دست هم بده نشون نده. نخواستم کار خودم رو بُلد کنم دیگه. همونی بوده الان کاشیا قدیم خودش بوده حاشیه‌ها همونارو کار کردم ولی اینو جدید کار کردیم...».
کاربرد عناصر ذاتی بنا	«خب تو این جریان چی می‌گن انرژئ مثبتی که به آدم می‌ده شکی درش نیست. انرژئ مثبتی که به آدم می‌ده اصلاً شکی درش نیست. الان ما مثلاً یه بازسازی کردیم تمام کارهای چوبیشو من انجام دادم، یعنی بازسازی کردیم. گفتیم همونا رو درست می‌کنیم، ارزششو داره که این کار رو بکنیم {اصل درها مرمت شود و با درهای نو تعویض نگردند} و کردم. البته بعضی چیزاش دیگه نمی‌شد مجبور بودیم که دیگه مثلاً ترده خورده بود دیگه هیچ کاریش نمی‌شد بکنی ولی مثلاً درش سالم بود، گفتیم که چیز نکنیم، چارچوب خراب‌شده بود، حالا درا هم خراب‌شده بود اینا رو تعمیر کردیم. مثلاً سعی کردیم همون در تعمیر بشه، همون اصل در بمونه...».

آن نیز می‌باشند. بر اساس این نگرش می‌توان گفت از آن‌رو که اجزاء و عناصر بنای تاریخی همزاد با خود بنا هستند و از نظر هستی‌شناسی جزئی از ذات آن پنداشته می‌شوند، به بهترین نحو صورت تاریخی یک مکان را به نمایش می‌گذارند. بنا- فضا غنای تاریخی خود را عمدتاً به واسطه‌ی اجزاء و عناصر خود در بستر زمان حفظ می‌کند. در واقع این عناصر لعاب تاریخی وزینی با خود حمل کرده و بدین شکل هویت بنیادین یک بنای تاریخی که همان قدمت است را حفظ می‌نمایند (تصاویر شماره ۲ و ۳).

در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که بودونبود این اجزاء چندان تأثیری در ثبات، استحکام و پایداری بنای تاریخی ندارد؛ اما نگاهی دقیق روشن می‌کند که بنای تاریخی تا حد زیادی هویت خود را وامدار اجزائی است که در آن آشیانه کرده‌اند، سلب این اجزاء از بنا تا حد زیادی باعث سلب هویت تاریخی آن می‌شود؛ امری که در نهایت تخریب بنا و جایگزین شدن مکان جدید را تسهیل و در نظر بسیاری موجه و منطقی می‌نماید. در واقع از آن‌رو که اجزاء بنای تاریخی بازتاب‌دهنده‌ی میراث گذشته‌ی آن هستند، تا حد زیادی ضامن پایداری و ثبات



تصاویر شماره ۲ و ۳: کاشی‌های حفظ‌شده در موزه سیم و زر توسط مشارکت‌کننده (عکس از عرفان عراقیپور)



نگهداری؛ مقابله با روند تخریب بنا

داده‌های به‌دست‌آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که برخی از افراد نوعی از کنش محافظتی را در خصوص بنای تاریخی در پیش می‌گیرند که هدف آن جلوگیری از روند پیش‌رونده تخریب بناست. در واقع این افراد به دلیل برقراری نوع خاصی از تعامل با بنای تاریخی، هدف خود را نه مرمت بنا به معنای معمول که مقابله با روند تخریب آن می‌دانند.

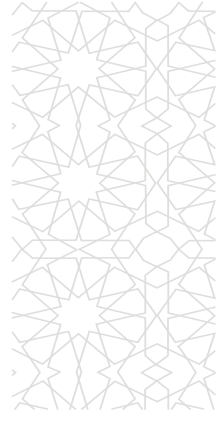
به عبارت دیگر از آن‌رو که فرسایش و تخریب ناشی از آن یک عمل پیش‌رونده است که نهایتاً می‌تواند منجر به اضمحلال و فروپاشی بنای تاریخی شود، مقابله با آن یکی از اولین استراتژی‌ها جهت محافظت از این بناهاست. داده‌ها نشان‌دهنده این مسئله است که برخی به دلیل زیست‌ویژه خود صرفاً در پی مهار روند تخریب و افزودن به عمر بنای تاریخی از این طریق هستند (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: مقوله و گزاره‌های نگهداری؛ مقابله با روند تخریب بنا

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
نگهداری با عناصر اصلی بنا	«اینجا داشت بد می‌ریخت. بعد دره داشت کنده می‌شد ما اومدیم دورتادور دره رو کلاً آجر چندیدیم هم دره دزده دستکاش، شاخکاش قفل شد تو آجرا دیگه خود دره به‌عنوان به شمع‌ی داره عمل میکنه. هم خود آجرا که دورش چیده شدن مٹ به پی‌بندی زیر دیوارم گرفته؛ یعنی عملاً آجرا هم شاخکا در رو محکم نگه‌داشتن حتی خشکه چینشون. هم اینکه دیگه خودشون قفل کردن دیگه تو دیوار...».
شمع‌زنی	«رطوبت این قدر زیاد بود تا بالا سقف اینجا خیس بود...سقف اینجا که توی زلزله آخری امسال خراب شد آجرا پستی دارن آفتاب و هوا میخورن. تکه‌تکه خشک می‌شد می‌ریخت پایین. بیارم تنور رو روشن کردیم به تیکه‌گنده از سقف چون حرارت تنور رسید بهش خشک شد افتاد پایین...روزی شمع زدیم خیلی قسمتای دیگم بود. اتاق کنارش که دیده بودین سقف آینه‌کاری داشت. باینکه زیر اونم شمع زده بودیم سقفش نریزه آینه‌کاری داشته توی زلزله شمع‌ها نتونستن بگیرنش. دررفتن. وقتی هم سقف ریخت سقف زیرزمین رو هم خراب کرد. این زیرزمین این قسمت سالم بود ولی هم شمع‌ها هم سقفی که اومد پایین خرابش کرد...».
رفع مخاطره	«...این خونه همسایه درختش خیلی شاخه‌هاش به دیوار ما فشار میاره. همین سقف اینجا رو ریخت. وقتی ما خریدیمش سالم بود سقف. فشار آورد سقف ریخت. بهش گفتم میگه بریزه. اصلاً براش مهم نیست. چند باری خودم رفتم از سر دیوار شاخه‌هاشو بریدم. خونه خودش خرابه کسی هم توش نیست. ولی خونه مارو داره خراب میکنه. خاکایی که ریخته بود رو جمع کردیم. آواربرداری کردیم فعلاً چوب زدیم زیرش دیوار رو نصفش که مونده گرفته. این طرفش که هم چوب زدیم هم آجر خشکه‌چینی کردیم {بدون ملاط}. تا ببینیم چی میشه...».
نگهداری مداوم	«... همه چی اینجا چوب زدیم، که نیفته. اینارو گذاشتیم که بالاخره هم خونه خراب نشه و هم که بچه‌ها توش نشستن رو سرشون خراب نشه. خونه خراب نشه چمیدونم کاه‌گلش می‌کنم، هزار و یک کار. همین خرده کاریه. مثلاً دیوار میتبیه، دوباره گچ می‌کنیم...سیمان، میریم توش می‌زنیم؛ یعنی هیچ ماهی نیست ما ۴ تا ۲ تا حداقل ما ۲ تا سیمان توش کار نکنیم...».
بستن بازشوها	«...اینارو وقتی اومدیم این‌جوری بود {آمدیم به این خانه}. اینجا پشتش ریخته چون سقفش نم داده. اینجا رو تیغه کردن که اینجا تروتمیزتر شه بتونن توش زندگی کنن. خود آقای شمسی یا قبل ازاون {صاحبان قبلی خانه}. چوباشم ترده {موریانه} زده بوده دیگه نمی‌شد همونا باشن. جمعشون کرده، جاش آجر چیده تا بالا. هم دیوار رو گرفته سقف دیگه حرکت نکنه هم در نداشت. از تو هم روش گچ کشیده تروتمیز شده میشه توش موند. سقفش داشت می‌رفت با اینا دیگه خیلی وقته سقف گرفته خودشو...».

تجارب و ادراک افراد به ما این مسئله را گوشزد می‌کند که آنها به دلایل مختلف در پی آن نیستند که بنای تاریخی را به وضعیت پیشین برگردانند؛ بلکه آنها در پی آن‌اند تا بنا را در وضعیت کنونی‌اش تنها حفظ کرده و از تخریب دامنه‌دار در آن جلوگیری نمایند. این افراد که حیات خود را به نحوی به بنای تاریخی گره‌زده‌اند، در تلاشی پیوسته و

مستمر سعی دارند تا تخریب بنا را در همان مراحل اولیه کنترل نمایند. در واقع از آن‌رو که تخریب می‌تواند دامنه‌دار و مسری شود، یعنی از یک نقطه به نقاط دیگر و از سطح به عمق بنا تسری یابد، افراد سعی می‌کنند تا آن را در همان مرحله‌ی نخست کنترل نمایند. به عبارت دیگر این افراد از طریق مقابله با آسیب‌های نقطه‌ای تلاش دارند تا از توسعه



مهاجرین افغان ساکن در این بناها هستند و یا مالکانی که قصد اجاره مکان تاریخی خود را به مهاجرین دارند. این افراد به دلیل شرایط زیست خاصی که دارند به این بناها به عنوان پناهگاه می‌نگرند تا اماکنی که ارزش تاریخی دارند و به این دلیل نگهداری از آنها واجد اهمیت می‌شود.



گسترده تخریبها که می‌توانند غیرقابل کنترل شده و بنای تاریخی را نابود کنند، جلوگیری نمایند (تصاویر ۴ تا ۷). بر اساس داده‌ها می‌توان گفت عمده افرادی که بدون اعمال یک رفتار محافظتی فعال همچون مرمت تلاش می‌کنند تا به نحوی از جریان تخریب بنای تاریخی جلوگیری به عمل آورند،



تصاویر ۴ تا ۷: کنش‌های انجام گرفته توسط مشارکت‌کنندگان مهاجر برای نگهداری از بنا (عکس از نگارندگان)

سوی دیگر با نگرش‌های مدرن حفاظت و مرمت آشنا و گاهی عضو انجمن‌های حامی میراث فرهنگی‌اند. این گروه میراث را از آن خود می‌دانند، نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کنند و در برابر خطر و تخریب مکان تاریخی از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند. این افراد با وجود آنکه عضوی از جامعه محلی محسوب می‌شوند و از جمله افراد غیرمتخصص غیردولتی هستند، تاثیر ویژه‌ای در حفظ مکان‌های تاریخی

بحث و نتیجه‌گیری

در فرآیند تحقیق، این نتیجه حاصل شده که علاوه بر مردم محلی و متخصصین، گروه سوم دیگری از افراد در بین جامعه وجود دارند که علاقه خاصی به بناها و اماکن تاریخی دارند و در تعمیر، نگهداری و احیای بناها و اماکن تاریخی فعال و حامی محسوب می‌شوند. این افراد، از یک‌سوریشه در جامعه محلی دارند و از

که افراد به واسطه آن ابداع و نوآوری خود بناها را با نیازهای در حال تغییر همساز نمایند، زایش سازه‌های نو و افزودن آن به متن بناست. در جهان-بینی حامیان یک مکان تاریخی علاوه بر آن‌که واجد یک بدنه و کالبد است، از اجزاء و عناصری تاریخی تشکیل شده است که هرکدام بخشی از ارزش بنا را در خود حفظ کرده است. این افراد حفظ مکان را صرفاً به معنای حفظ کالبد و تته آن نمیدانند و برای نگهداشت اجزاء و عناصری که لزوماً جزئی از بدنه‌ی بنا نیستند نیز اهمیت و ارزش بالایی قائل‌اند. محافظت از طریق مقابله با روند تخریب و توقف نسبی چرخه‌ی آن‌که یکی از ابتدایی‌ترین و در دسترس‌ترین رفتارهای محافظتی است که می‌تواند زمان لازم را برای در پیش گرفتن رفتارهای حفاظتی پیشرفته همچون مرمت به وجود آورد.

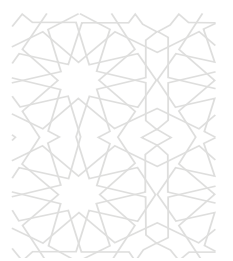
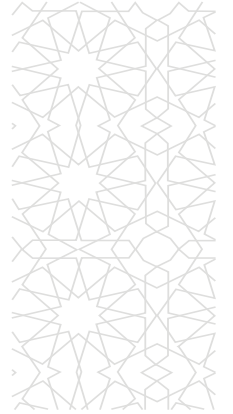
پی‌نوشت

۱. نتیجه حاصله و پژوهش ذکرشده به‌عنوان رساله دکتری و مقاله‌ای تحت عنوان «علل بروز تعارض‌های اجتماعی در حفاظت از میراث معماری» انجام گردیده است.
۲. بخشی از مشارکت‌کنندگان این پژوهش افراد ساکن بناهای تاریخی بوده‌اند که این افراد یا از زمان بدو تولد در این مکان‌های تاریخی در حال زیست بوده و یا در گذشته در این بناها سکونت داشته‌اند. گروهی دیگر افرادی هستند که در امر حفاظت مکان‌های تاریخی به گونه‌های مختلفی تأثیر داشته‌اند. به‌طور مثال افرادی که بناهای تاریخی را هدفمند خریداری و حفاظت و مرمت کرده‌اند و یا قشری که در مکان‌های تاریخی شاغل و با بناهای تاریخی در تعامل هستند. به همین دلیل متوسط تحصیلات مشارکت‌کنندگان این پژوهش بالا می‌باشد. به‌طور کل می‌توان گفت افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش افراد حامی میراث فرهنگی می‌باشند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در این امر دخالت داشته و یا دارند.

دارند. معرفت فرهنگی، علاقه وافر به مکان تاریخی، اشتیاق به حفظ آثار و قدرشناسی از نیاکان، از جمله مهم‌ترین دلایلی است که این گروه از افراد را به حامیان مکان‌های تاریخی مبدل کرده است. این مقاله گامی نخست در شناسایی و معرفی اجمالی رویکرد و راهبردهای این گروه محسوب می‌شود.

بر اساس داده‌های مربوط به این پژوهش، افراد حامی در برخورد با مکان‌های تاریخی پیش از آنکه خطر بروز کند و در جهان عینی دامن‌گیر مکان تاریخی شود، پیش‌دستی کرده و آن را دفع می‌نمایند. در محافظت پیش‌دستانه تلاش بر این است تا تخریب به یک احتمال ضعیف در زمان بسیار بعید تبدیل شود. در نگرش حامیان این باور وجود دارد که مکان‌های تاریخی در شبکه‌ای از روابط نامرئی قرار دارند که باعث می‌شوند این مکانها در امر مرمت و حفاظت از یکدیگر الهام بگیرند. الهام و الگوبرداری تاریخی در امر مرمت نشان‌دهنده‌ی تأثیر بسزایی است که حیات یک بنای تاریخی بر سایر بناها می‌گذارد. وجود رفتار متنوعی در حوزه‌ی مرمت خود نشان می‌دهد که جوشش نگرش و نظریه‌ی حفاظتی در اجتماعات مردمی از رویه‌ای واحد و استاندارد پیروی نمی‌کند. به‌طور مثال بخش‌هایی از اجتماع بر این موضوع تأکید دارند که در امر مرمت باید از مواد و مصالح کاملاً سنتی و همساز با ماهیت تاریخی بنا استفاده شود. این در حالی است که بخش‌های دیگر این اجتماعات چندان ابایی از کاربرد رویکرد تلفیقی و استفاده از مصالح مدرن در امر مرمت ندارند.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که افراد عمدتاً با در پیش گرفتن دو استراتژی به بسط و توسعه‌ی بنای تاریخی دست می‌زنند. بدین معنا که پیوسته عناصر تاریخی مهاجر و بعضاً سرگردان را به متن بنای تاریخی خود می‌افزایند و بدین طریق سعی می‌کنند بر ارزش تاریخی آن بی‌فزایند. یکی دیگر از استراتژی‌ها



منابع

مطالعات تاریخی»، مجله فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال سیزدهم (۴۶ و ۴۷).

فکوهی، ناصر (۱۳۸۹) انسان‌شناسی شهری، چاپ ششم، تهران، نشرنی.

فیلدن، سربرنارد (۱۳۹۴) حفاظت از بناهای تاریخی، ترجمه مهدی هوشیاری، تهران، طحان.

کلاکی، حسن (۱۳۸۸) «نظریه بنیادی به‌مثابهی روش نظریه‌پردازی»، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات.

کیهان پور، محسن (۱۳۹۷) فرهنگ تخریب یا تخریب فرهنگی - بررسی نمونه‌هایی از رفتارهای فرهنگی به‌عنوان عوامل مخرب در آثار تاریخی - فرهنگی ایران، مجله باغ نظر، ۱۵ (۶۴).

محمد پور، احمد (۱۳۸۹) فراروش؛ بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری، جامعه‌شناسان.

Avarami, E. Mason, R. and De La Torre, M. eds. (2000) Values Heritage Conservation, Research Report, Los Angeles, The Getty Conservation Institute, Available at <http://www.getty.edu/conservation/publications/pdfpublications/assessingpdf>, accessed on 20 september 2012.

Chung, S. (2005) "East Asian values in historic conservation", Journal of Architectural Conservation, 11(1).

Strauss, A., & Corbin, J. (1998) Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Jokilehto Inc.

اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو (۱۳۹۰) کمیسیون ملی یونسکو، ایران.

استراوس، انسلم و جولیت کورین (۱۳۹۷) اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

پدرام، بهنام و مهدی هوشیاری (۱۳۹۶) بیانیه‌ها و منشورهای ایکوموس، تهران، گلدسته.

پورسراجیان، محمود (۱۳۹۷) «تبیین چارچوب نظری حفاظت و تغییر فضای معماری تاریخی بر اساس چگونگی تعامل انسان و مکان»، پایان‌نامه مقطع دکتری، استاد راهنما دکتر پیروز حناچی، دکتر علیرضا عینی‌فر، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری، دانشگاه تهران.

حجت، مهدی (۱۳۸۰) میراث فرهنگی در ایران (سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی)، تهران، میراث فرهنگی.

دلیلی دیدار، صدیقه (۱۴۰۰) «تحلیلی بر نگرش‌های دسترس‌پذیر ذیمدخلان در حفاظت از میراث معماری؛ مورد پژوهی: نگرش‌سنجی از ذیمدخلان در مسجد جامع عتیق تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر علیرضا رازقی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر تهران.

رازقی، علیرضا و محمدتقی پیربابایی و حمید ندیمی (۱۳۹۲) «علل بروز تعارض‌های اجتماعی در حفاظت از میراث فرهنگی»، مجله شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۳.

علی احمدی، علیرضا و وفا غفاریان (۱۳۸۲) «اصول شناخت و روش تحقیق (با نگاهی به

Wells, J. C. (2017) "The plurality of truth in culture, context, and heritage: a (mostly) post- structuralist", analysis of urban conservation charters. *City and Time*, 3(2:1).

۱. نوساز، ناساز= نادوان به ادبیات محلی کرمان

۲. از چند بنا به شکل ترکیبی جهت مرمت الگوبرداری می‌شود.

۳. صرفاً از یک بنا جهت مرمت الگوبرداری می‌شود.

Jokilehto, J. (2007) "An international perspective to conservation education", *Built Environment*, 33(3).

Stovel, H. (2007) Effective use of authenticity and integrity as word heritage qualifying condition, *City & Time*, 2(3).

Vestheim, G. & Fitzz, S. & Foot, M. J. (2001) Group report: Values and the artifacts. In *Rational Decision making in the preservation of cultural property* N.S. Bear and F. Snickars, eds.

Wells, jeremy. (2022) *Built Heritage Conservation Today and Tomorrow* Jeremy, www.heritagestudies.org.

بازآفرینی ساختار فضایی محلات تاریخی با رویکرد فرهنگ مبنا (مورد مطالعه: محله ارگ مشهد)

فرید گنجعلی*، ایمان قلندریان**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی - ۳۸-۱۹

چکیده

ساختار فضایی محلات شهری نقش اساسی در احیای و ارتقای کیفی محلات دارد با توجه به تأکید بازآفرینی فرهنگ مبنا بر احیای محلات تاریخی، لذا این رویکرد می‌تواند به عنوان مولدی مناسب برای تقویت موضوعات مرتبط یا ساختار فضایی محلات تاریخی اعمال شود. این پژوهش با هدف بازآفرینی ساختار فضایی محله ارگ مشهد انجام شده است. روش این پژوهش از نوع آمیخته (کمی و کیفی) است، به طوریکه در ابتدا با تعریف معیارهای بازآفرینی فرهنگ مبنا در دو محیط نرم و سخت و تفکیک آن در قالب ابعاد هفت گانه محیط شهری به تبیین معیارهای فرهنگی در مؤلفه‌های ساختار فضایی پرداخته است. در گام دوم، مسائل محله ارگ مشهد از دید نگارندگان، متخصصان و مردم با استفاده از برداشت و مصاحبه استخراج و سپس شبکه مسائل با ابزار تحلیل پژوهش کیفی (نرم افزار Gephi) ترسیم و تحلیل شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد مهمترین مسائل ساختار فضایی محله ارگ مشهد عبارتند از عدم وجود فعالیت‌های شبانه روزی در محله، بی‌توجهی به ارزش‌های کهن اجتماعی، اختلال عملکردی فضا و فعالیت‌ها، کیفیت‌های محیطی نامناسب، از بین رفتن حس مکان است که می‌توان با ارائه مدلی براساس مسائل شناسایی شده پیشنهاداتی در خصوص بهبود این محله ارائه کرد.

واژگان کلیدی: بازآفرینی شهری، بازآفرینی فرهنگ مبنا، ابعاد محیط شهری، ساختار فضایی، محله ارگ.

مقدمه

با افزایش شهرنشینی و رشد افقی شهرها، بخش‌های قدیمی شهر، کارایی خود را طی فرایندی (با تغییر کالبد، فعالیت و یا هر دو) از دست داده و کیفیت محیط آنها افول یافته است (عندلیب، ۱۳۹۶: ۶؛ صرافى، ۱۳۹۷: ۵۸؛ قلندریان و رفیعیان، ۱۳۹۷: ۵۰؛ ر.ک: غفوری و قلندریان، ۱۴۰۲). به گونه‌ای که این بافت‌ها ارزش گریز شده و تعادل زیستی آنها برهم خورده است و به عنوان بافت مسئله‌دار و محلات نابسامان نمود پیدا کرده‌اند (عندلیب، ۱۳۹۶: ۶؛ صرافى، ۱۳۹۷: ۵۸؛ شفائی، ۱۳۹۷: ۶۹؛ قلندریان و رفیعیان، ۱۳۹۷: ۵۰؛ ناصری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳۴؛ نوین و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷؛ بخشی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۳؛ Sroda- Murawska, 2020: 1; Mirzakhani et al., 2021: 1 محلات مذکور با مشکلات مختلفی همچون سطح درآمدی نامناسب و نرخ بالای بیکاری و غیره روبه‌رو هستند (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸). این در حالی است که محلات تاریخی حاصل فرآیند گذر زمان در شهرها بوده و با ورود تدریجی ارزش‌ها و محتوای گوناگون در دوره‌های مختلف، نوعی هویت و شخصیتی یگانه را کسب نموده‌اند (لطفی و همکاران، ۲۰۲۱: 2؛ 1397: 230). در سال‌های اخیر به منظور مقابله با فرسودگی در محلات تاریخی راه‌حلی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی در چارچوب بازآفرینی شهری مطرح شده است. این چارچوب دارای فرایندهایی روشن‌تر بوده و به تمامی مسائل توسعه‌ای در محلات توجه می‌کند. از جمله فرایندهای نوین و روشن‌تر در بازآفرینی شهری، بازآفرینی فرهنگ مینا بوده که در آن فرهنگ به عنوان عاملی دو سویه از یک جهت مرتبط با تاریخ و از طرف دیگر با خواست‌ها و باورهای انسان‌ها ارتباط دارد (لطفی، ۱۳۹۰؛ لطفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۰؛

(Chen et al., 2020: 1; Sroda-Murawska, 2020: 2

شهر مشهد با حدود ۳ میلیون نفر جمعیت و وسعتی معادل ۳۰ هزار هکتار، دومین کلانشهر مهم ایران است. این شهر به عنوان مرکز ناحیه مشهد حدود ۷۸ درصد از جمعیت ناحیه و ۳۵ درصد از جمعیت استان خراسان رضوی را به خود اختصاص داده است و همواره در دوره‌های مختلف تاریخی نقش مهمی در سطح کشور ایفا کرده است. این شهر بنابر جایگاه مذهبی و تاریخی خود از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای موقعیت خاصی است. به طوریکه همواره مجموعه‌ای از محلات تاریخی در مجاورت حرم مطهر رضوی قرار دارد که هر یک از نظر عملکردی، اجتماعی، اقتصادی و حتی از نظر سیاسی با یکدیگر متفاوت هستند (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۰؛ متولی حقیقی، ۱۳۹۲؛ صرافى، ۱۳۹۷: ۵۸؛ Maroufi et al., 2017: 38). با وجود تفاوت‌ها، این محلات ساختار فضایی هماهنگ و مرتبط داشته، به گونه‌ای که عناصری نظیر مسجد، بازار، مدرسه، حمام و غیره به صورت شبکه‌ای از فضاهای شهری به هم پیوسته در آنها قابل درک است. این عملکرد هماهنگ آنها، مجموعه‌ای با معنایی را در ساختار فضایی محلات تشکیل داده و منجر به تقویت کارایی محله و شهر شده است (مینیاتور، Maroufi et al., 2017: 38).

مطابق با آمار مطرح شده از سوی وزارت راه و شهرسازی، در بیش از ۱۰۰ شهر کشور حدود ۵۰۰۰ هکتار بافت فرسوده وجود دارد که بخش عظیمی از شهر مشهد را اینگونه بافت‌ها تشکیل می‌دهد. مطابق با آمار شهرداری مشهد، قسمتی از این فرسودگی در بخش مرکزی شهر و نواحی اطراف حرم رضوی بوده و وسعت آن حدود ۳۰۰ هکتار است. همین امر سبب شده تا طرح‌های توسعه متعددی در خصوص بخش مرکزی

۱۳۹۷: ۶۹). لذا این پژوهش با هدف باز آفرینی ساختار فضایی محله ارگ مشهد به استخراج مؤلفه‌های تشکیل دهنده ساختار فضایی محلات تاریخی می‌پردازد و با تلفیق آنها با معیارهای بازآفرینی فرهنگ مینا، به ارائه راهبردهای فرهنگی به منظور افزایش پاسخگویی و تقویت ساختار فضایی این محله می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

از آن جایی که پژوهش حاضر بر دو محور بازآفرینی فرهنگ مینا و ساختار فضایی تأکید می‌کند، لذا در این بخش از مطالعه به پژوهش‌های مرتبط با این دو مفهوم پرداخته می‌شود. جدول ۱ این پژوهش‌ها را توضیح می‌دهد.

جدول ۱: پیشینه پژوهش‌های حوزه بازآفرینی فرهنگ

شهر اتخاذ شود. این طرح‌های توسعه که عمدتاً از سال ۱۳۷۰ آغاز و تاکنون ادامه یافته، بعضاً به واسطه تخریب‌های گسترده و بی‌توجهی نسبت به ساختار فضایی وضع موجود، منجر به فرسودگی و کاهش منزلت این محلات تاریخی شده‌اند (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۰؛ صفدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰؛ صیامی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶؛ عندلیب، ۱۳۹۶: ۶؛ معیدی فر، ۱۳۹۷: ۶۹؛ Maroufi et al, 2017: 38). محله ارگ که از جمله محلات تاریخی شهر مشهد بوده نیز از این قاعده مستثنی نیست. این محله -که در بخش مرکزی شهر مشهد قرار داشته- همواره در دوره‌های مختلف زمانی دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده و به مرور زمان دچار استهلاک شده است (ر.ک: متولی حقیقی، ۱۳۹۲؛ شفائی، ۱۳۹۷: ۶۹؛ معیدفر،

مبنا و ساختار فضایی

پژوهشگران	مقیاس	محورهای بررسی
(Montgomery, 2003)	خرد- محله	مشخص سازی حوزه‌های تأثیرگذاری بازآفرینی فرهنگ مینا بر بستر در سه بعد فرم، عملکرد و معنا و سپس مطرح کردن راهبردهایی در این بستر نظیر ترکیب فعالیت‌های فرهنگی با فعالیت‌های ثانویه، تزیین کارکردهای شبانه نظیر کافه‌های فرهنگی، تعریف رویدادهای جمعی فرهنگی. نمونه موردی: دوبلین (ایرلند)، آدلاید (استرالیا)، شفیلد و منچستر (انگلستان)
(Lazarevic et al., 2015)	خرد- محله	استفاده از فرهنگ به عنوان وسیله‌ای برای بهبود مناطق محروم و محلات طراحی نشده. اتخاذ راهبردهای نظیر بهبود عملکرد تجارت منطقه ای، افزایش سرمایه گذاری در کالبد قطعات فرسوده محله، باز تعریف هویت و فرهنگ بومی متناسب با شرایط جدید، افزایش هم‌پیوندی اجتماعی با سایر نقاط شهر، اشتغال‌زایی و افزایش جذب توریست با توجه به بستر غنی فرهنگی و کالبدی. نمونه موردی: بلغراد (صربستان)
(Chen et al., 2020)	کلان- شهر	تحلیل محورهای کلی معرفی شده در دو پروژه بازآفرینی. وجود پیوند عمیق بین بستر، فرهنگ و ذی‌نفعان دارای موقعیت‌های مختلف و شکل‌گیری چرخه بازآفرینی در طول زمان، ممکن است با عدم وجود قطعیت در موفقیت بستر در پذیرش تغییرات شکل گرفته ناشی از فرآیند بازآفرینی فرهنگ مینا منتهی شود. نمونه موردی: گوانژو (چین)
(Lak et al., 2019)	کلان- شهر	تحلیل محتوایی ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی شهر بیرجند. شناسایی چهار عامل تأثیرگذار در امر بازآفرینی فرهنگی نظیر مدیریت فرهنگی بستر، تعریف رویداد یا فعالیت‌های فرهنگی، تعاملات بین گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع، توجه به ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی درونی بستر که توجه به این چهار عامل منجر به تقویت شرایط محلات می‌شود. نمونه موردی: بیرجند (ایران)
(Dejana et al., 2019)	خرد- خیابان	بررسی تأثیرات فرهنگی بر شکل‌گیری تغییرات گسترده شکل گرفته در یک خیابان شهری در سه دوره مختلف از طریق شناسایی معیارهای در بستر موجود خیابان نظیر ویژگی‌های فرهنگی تأثیرگذار در شکل‌گیری تغییرات، الگوهای استفاده از فضاهای شهری، نوع فعالیت‌های فرهنگی مردم در بستر موجود، میزان تمایل به همکاری بخش‌های خصوصی در تعریف پروژه‌های فرهنگی. نمونه موردی: نوی سد (صربستان)

پژوهشگران	مقیاس	محورهای بررسی
(لطفی و همکاران، ۱۳۹۷)	میانی- بافت	تبیین اصول و آموزه‌های بازآفرینی شهری فرهنگ مینا و راهبردهای قابل استفاده آن در بافت‌های تاریخی. مطرح کردن راهبردهای نظیر ارتقای کالبد و زدودن تصویر ذهنی زوال یافته با احترام به گذشته، بازگرداندن بافت به دوره‌ای شناخته شده، احیای مسیرهای ارتباطی پیشین، تامین عملکردهای متنوع با در نظرگیری بالقوگی تاریخی. نمونه موردی: شیراز (ایران)
(صفیدی و همکاران، ۱۳۹۸)	میانی- بافت	ایجاد ارتباط پیوندی عمیق بین رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا و توسعه اجتماع محلی با در نظرگیری دو عمل فرهنگ و اجتماع. مطرح کردن راهبردهای نظیر، توسعه کاربری‌های مختلف و تنوع مشاغل در محله با حمایت همه جانبه، تقویت عرصه عمومی از طریق گسترش فضاهای عمومی محله، تعریف الگوهای متنوعی از فعالیت‌های شبانه، تشویق پیاده‌مداری، احیای مراکز محله و معاصر سازی براساس ویژگی‌های فرهنگی محله، خلق تصویری شاخص و با هویت از محله، استفاده از ظرفیت‌های موجود در محله برای تشویق کسب و کار و ایجاد اشتغال محلی در درون محله. نمونه موردی: قزوین (ایران)
(صفدری و همکاران، ۱۳۹۳)	میانی- بافت	بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، ادراکی، زمانی و عملکردی محلات فرهنگی در قالب سه بعد فرم، عملکرد و معنا و مطرح کردن راهبردهای فرهنگی در بستر ساختار فضایی محله همچون، تغییر کاربری بناهای فرسوده به کاربری‌های مورد نیاز محدوده، استفاده از گونه‌های مختلف فرم ساختمان، سبک‌ها و طراحی‌های سازگار با هویت محدوده، ایجاد هم‌پیوندی بین مجموعه‌های قدیمی و جدید محدوده از طریق احیاء فضاهای شهری قدیمی، اختصاص سطح قابل قبولی از کاربری‌های تجاری به افراد ساکن محل، شامل کسب و کارهای مستقل و عام. تعریف زندگی خیابانی فعال با ایجاد جداره‌های فعال در خیابان. نمونه موردی: مشهد (ایران)
(قرانی و همکاران، ۱۳۹۶)	کلان- شهر	بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های فرم شهر و ساختار فضایی با مؤلفه‌های پایداری در مناطق شهری تهران، طبقه‌بندی شاخص‌های فرم و ساختار فضایی شهر به سه دسته کلان، میانی و خرد، نتایج این پژوهش نشان داد، در مقیاس میانی شاخص‌های نظیر ویژگی‌های بعد عملکردی، اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی و مدیریتی در فرم شهر و ساختار فضایی هم‌پوشانی داشته در صورتی که در مقیاس کلان شاخص‌های ساختار فضایی نظیر بعد ریخت شناسی و در مقیاس خرد شاخص‌های فرم شهر نظیر بعد بصری و ادراکی و تا حدودی ریخت شناسی به صورت روشن تری می‌توانند به تبیین ارتباط بین این شاخص‌ها با شاخص‌های پایداری بپردازند. نمونه موردی: تهران (ایران)
(ملک زاده و همکاران، ۱۴۰۰)	کلان- شهر	عدم وجود درکی روشن از مفهوم ساختار فضایی و غالباً پژوهش‌های شکل گرفته تنها به مفهوم ریخت‌شناسی در ساختار فضایی توجه داشته و سایر ابعاد نظیر ابعاد عملکردی، اجتماعی و غیره مورد بی‌توجهی قرار داشته است. در این راستا، این پژوهش به بررسی و درک عمیق مطالعات و بسط مفاهیم ساختار فضایی اشاره دارد.

مبانی نظری پژوهش

ساختار فضایی محلات تاریخی

مداخله و طراحی در فضاهای شهری مرتبط در محلات تاریخی شهرها، اهدافی همچون حفاظت، احیاء و توسعه شهری را در دارد که این اهداف با توسعه‌های اجتماعی و اقتصادی هم سو است (صفدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰). رویکرد ترکیب فضاهای شهری

برای باز آفرینی محلات فرسوده سبب پر رنگ تر شدن نقش مجموعه‌ای از عناصر شاخص و با اهمیت تاریخی شده است که به واسطه بهره‌گیری از مولدهای فرهنگی از طریق تزریق جریان‌ها، کاربری‌ها و رویدادهای متنوع به تعاملات انسانی انجامیده و سبب رونق و احیای مجدد ساختار فضایی محلات می شود. (صفدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰؛ Živković, 2019: 4). در این راستا، شکل‌گیری

و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۳) می‌توان چهار مؤلفه کلی برای ارائه اقدامات طراحی در ساختار فضایی محلات تعریف کرد. این مؤلفه‌ها شامل: سیستم‌های حرکت و دسترسی شهر (Lehmann, 2010)، عرصه‌های باز و همگانی شهر (3: Lehmann, 2010; Živković, 2019)، پهنه‌های خدماتی و درنهایت تاسیسات و زیرساخت‌های شهری بوده و ایجاد تغییرات در ساختار فضایی هر محله نیاز به تعریف زیرمؤلفه‌هایی در راستای این چهار مؤلفه کلی دارد (ر.ک: بذرگر، ۱۳۸۶؛ پاکدامن، ۱۳۷۰).

در این راستا، به منظور تبیین بهتر زیرمؤلفه‌های ساختار فضایی، می‌توان از حیث جنس تأثیرپذیری، آنها را منطبق بر ابعاد طراحی شهری پیشنهادی کرمانا، به هفت دسته کلی، ریخت‌شناسی، عملکردی، اجتماعی، بصری، ادراکی، زمانی و مدیریتی تقسیم‌بندی کرد (ر.ک: Carmona et al., 2011). مطالعه حاضر با بررسی ارتباط میان مؤلفه‌های چهارگانه ساختار فضایی با ابعاد هفت گانه طراحی شهری، به تعریف زیرمؤلفه‌های ساختار فضایی محلات تاریخی کمک می‌کند. جدول ۲ این زیرمؤلفه‌ها را بر اساس مطالعه منابع مرتبط نشان می‌دهد.

پدیده‌ای برای اتصال فضاهای شهری به یک دیگر (Dempsey et al., 2009)، سبب تداوم حیات فضاهای شهری و ارتباط آنها با هم می‌شود (مینیاتور، ۱۳۹۱: ۴۵). علاوه بر این، ساختار فضایی محلات همچون عنصری تاریخی با دوره‌های زمانی مختلف در ارتباط بوده به گونه‌ای که همواره در طول زمان در حال تغییر و تحول است. در این راستا، توجه به ساختار فضایی محلات در احیا و خلق ارزش‌های گذشته و شکل‌گیری هویت جدید تأثیرگذار است (حمیدی و همکاران، 1376؛ Dempsey et al., 2009).

در هر محله ساختار فضایی از دو بخش اصلی (محور اصلی) و فرعی (پرکننده‌ها) تشکیل شده است و هر ساختار همواره دارای سه عنصر کلی - شبکه‌های اصلی دسترسی، مراکز عمده فعالیت و عناصر اصلی شهر - است که از این طریق امکان شناسایی ساختار فضایی فراهم می‌شود (بذرگر، ۱۳۸۶؛ بحرینی و همکاران، ۱۳۸۸؛ Dempsey et al., 2009; Živković, 2019: 2). با توجه به تعریف ساختار اصلی و نقش آن در احیای محلات، با در نظرگیری منابع مختلفی که در خصوص ماهیت ساختار فضایی محلات و حوزه‌های تأثیرگذاری آن بر ابعاد مختلف محیط شهری مطالعه شده است (بذرگر، ۱۳۸۶؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶؛ ملک زاده

جدول ۲: مفهوم شناسی ساختار فضایی بر اساس ابعاد محیط شهری

مؤلفه‌های ساختار فضایی				ابعاد محیط شهری
تاسیسات و زیرساخت	پهنه‌های خدمات	عرصه‌های باز همگانی	سیستم حرکت و دسترسی	
ارتباط فضایی و معنایی کارکردهای شاخص موجود در ساختار اصلی از طریق تاسیسات و زیرساخت‌ها	جلوگیری از زوال و کاهش کیفیت شبکه شهری با تعریف عملکردهای نوین و متناسب با نیاز روز در قطعات فرسوده یا تاریخی/توجه به تمرکز و تراکم کالبدی مشخص در لبه‌های اصلی شبکه کلان ارتباطی/ توجه به رابطه بین فرم و عملکرد در بستر موجود	وجود فرم‌های متنوع و ترکیب فضای نرم و سخت در فضا/ تأمین ایمنی استفاده کنندگان با تفکیک مشخص مرز سواره از پیاده	وجود فرم‌های مختلف ساختار فضایی/ پایداری فرم‌های معماری به واسطه موقعیت شاخص و کارکرد آنها/ ابعاد و اندازه فرم فضاها به واسطه شاخص بودن اتفاقات/ همبستگی قوی بین بافت کالبدی تاریخی با ساختار فضایی موجود/ شبکه حمل و نقل قوی چندگانه پیاده، حمل و نقل عمومی و تلفیق آنها در درون بافت‌های شهری و پیوند قوی آن با کل شبکه شهری	مورفولوژی (بذرگر، ۱۳۸۶؛ بحرینی و همکاران، ۱۳۸۸؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶؛ ملک زاده و همکاران، ۱۴۰۰؛ رزاقی و همکاران، ۱۳۹۰؛ زبردست و همکاران، ۱۳۹۰؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ Jenks, Jones, 2009; Živković, 2019)

مؤلفه‌های ساختار فضایی				ابعاد محیط شهری
تاسیسات و زیرساخت	پهنه‌های خدمات	عرصه‌های باز همگانی	سیستم حرکت و دسترسی	
	مقیاس عملکردی متنوع و جداره‌های فعال شهری و اهمیت کارکردی فعالیت‌های موجود در لبه‌های ساختار کلان شبکه	تلفیق فعالیت‌های تجاری با فعالیت‌های تفریحی، فراغتی و فرهنگی در شبکه کلی ارتباطی	ارتقای حضورپذیری در خرده فضاهای شهری با تعریف رویدادهای موقت و دائمی در بستر زمینه موجود	عملکردی (حمیدی و همکاران، Remesar, 2020؛ ۱۳۷۶؛ Živković, 2019؛ Lehmann, 2010)
	تردد اجتماعی بالا به واسطه فعالیت‌های شاخص شهری/ محلی برای شکل‌گیری برخوردها و تعاملات اجتماعی بین استفاده کنندگان	تعریف عرصه‌های عمومی سبز با هدف ارتقای همپیوندی اجتماعی در ساختار اصلی و ایجاد پیوند بصری و فیزیکی بین نقاط مختلف آن		اجتماعی (بزرگر، 1386؛ Živković, 2019)
	استفاده از عناصر نمادین و یادمانی به صورت کریدورهای دید نقطه‌ای یا گسترده نظیر ساختمان‌های شاخص و دولتی در طول شبکه به منظور اغنای استفاده کنندگان در طول ساختار شبکه.		همپیوندی بصری بین شبکه فضاهای باز و سبز شهری از طریق شبکه کلان ارتباطی	بصری (بزرگر، ۱۳۸۶)
تقویت خوانایی محیط با استفاده از المان‌های شهری	ایجاد مبلمان و عناصر یادمانی با عملکرد خاص با هدف تقویت حس تعلق و همچنین ارتقای ادراک ساختار اصلی/ هویت‌مندی با استفاده از مصالح بومی و پایدار شهری	تعریف عناصر و اجزای کارکردی یا غیرفعال مشخص جهت متمایز ساختن فضاها و تقویت حس مکان	وجود ارزش‌های اجتماعی و معنایی به واسطه ترکیب کارکردهای بومی و جدید در ساختار فضایی	ادراکی (بزرگر، 1386؛ Živković, 2019؛ Remesar, 2020)
تامین راحتی و آسایش فضاهای شهری و امنیت با تخصیص خدمات روساختی نظیر المان‌ها و پوشش گیاهی	زنده نگه داشتن حیات خیابان در طول روز (فعالیت‌های با بیش از ۱۶ ساعت فعالیت) با بهره‌گیری از عملکردهای فعال	فضاهای عمومی و نیمه عمومی قابل دسترس برای همه افراد جامعه در تمام ساعات روز		زمانی (حمیدی و همکاران، Živković, 2019؛ 1376؛ Remesar, 2020)
	تلفیق بازارهای کار مشترک، همپوشان و مرتبط با شبکه شهری از طریق شبکه‌های کلان ارتباطی	جهت‌دهی برنامه ریزان و توسعه دهندگان املاک و مستغلات و سرمایه‌گذاران بر رشد در طول شبکه کلان و تأثیر در رقابت‌پذیری اقتصادی بین بخش‌های مختلف عملکردی	توزیع متعادل خدمات و فعالیت‌های اقتصادی از طریق شبکه کلان ارتباطی بین نواحی شهری	مدیریتی (حسینی و همکاران، 1399؛ Wei et al., 2020)

(بزرگر، ۱۳۸۶؛ رزاقی و همکاران، 1390:78؛ Živković, 2019: 6). در نتیجه، مؤلفه پهنه خدمات علاوه بر بعد عملکردی، تحت تأثیر ابعاد مورفولوژی، ادراکی و بصری نیز می‌باشد. مؤلفه تاسیسات و زیرساخت‌ها نیز، بیشتر تحت تأثیر شبکه‌های کلان ارتباطی بوده و با تغییر این شبکه در طول زمان، تاسیسات و زیرساخت‌های تعریف شده نیز دچار تحول می‌شوند (زبردست و همکاران، 2020؛ Lehmann, 2010; Remesar, 36: 1396). در نتیجه این مؤلفه تحت تأثیر تحولات شکل گرفته در ابعاد مورفولوژی و زمانی می‌باشد.

با توجه به جدول ۲ می‌توان گفت، ساختار فضایی دربرگیرنده زیرمؤلفه‌هایی است که امکان شکل‌گیری تحولات جدید و متناسب با نیازهای نوین را در قالب پروژه‌های بازآفرینی فراهم می‌کند. این پروژه‌ها با هدف بهبود شرایط موجود و ارتقای رشد اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی محلات شهری تعریف می‌شوند و ویژگی‌های منحصر به فرد محلات را در دوره‌های تاریخی مختلف نمایان می‌کنند (حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶؛ صفدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹).

بازآفرینی فرهنگ مینا

بازآفرینی به مفهوم احیا کردن، با هدف رسیدن به پایداری است. این مفهوم دارای سه هدف افزایش قدرت رقابت، مسکن کافی و بهبود کیفیت محیط شهری می‌باشد (Gokce et al., 2021: 1078; Xu et al., 2022: 2; Ghalandarian et al., 2023: 40). در یک تعریف کلی، بازآفرینی شهری، عبارت است از مجموعه اقداماتی که ضمن شناخت ابعاد اقتصادی، کالبدی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی شهرها، به دنبال افزایش کیفیت زندگی و شکوفایی اقتصادی ضمن حفظ ارزش‌های اصیل در

با توجه به تبیین مفهوم ساختار فضایی در محلات تاریخی می‌توان گفت، ساختار فضایی محلات همواره به واسطه مؤلفه‌های چهارگانه سیستم‌های حرکت و دسترسی، عرصه‌های باز و همگانی، پهنه‌های خدماتی و درنهایت تاسیسات و زیرساخت‌های شهری شاکله محلات را شکل می‌دهند (ر.ک: بزرگر، ۱۳۸۶؛ پاکدامن، ۱۳۷۲). به طوریکه هر مؤلفه با توجه به ماهیت خود به نوعی در جریان مداخله تحت تأثیر قرار می‌گیرد (ر.ک: بزرگر، ۱۳۸۶؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶). مؤلفه سیستم‌های حرکت و دسترسی شهر که در برگیرنده مجموعه عناصر موجود در محلات بوده و پیوند بین نقاط مختلف را تعریف می‌کند، به واسطه تغییر و تحولات فیزیکی شکل گرفته در محلات و ترکیب کارکردهای بومی و جدید (ر.ک: بزرگر، ۱۳۸۶؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶؛ Lehmann, 2010)، بیشتر تحت تأثیر بعد مورفولوژی و ادراکی قرار دارد. گرچه با پیوند بین نقاط مختلف در بستر ساختار فضایی تحت تأثیر بعد مدیریتی نیز می‌باشد (ر.ک: Wei et al., 2020). عرصه‌های باز و همگانی با وجود تامین بستر لازم برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی دائمی در محلات نیز بیشتر از طریق ابعاد ادراکی، اجتماعی و زمانی تأثیر می‌پذیرد (بزرگر، ۱۳۸۶؛ Živković, 2019: 6). پهنه خدمات که در برگیرنده فعالیت‌های با مقیاس‌های متنوع در بستر ساختار فضایی می‌باشد، به تامین نیازهای مقیاس خرد تا منطقه محلات می‌پردازد (Lehmann, 2010). در واقع، بیشتر تحولات شکل گرفته در پهنه خدمات در بعد عملکردی تعریف می‌شود. این فعالیت‌ها به مرور زمان متناسب با نیازهای بستر دچار تحول می‌شوند و به واسطه شکل‌گیری کارکردهای جدید، بستر کالبدی موجود را نیز دچار تحول کرده و به نوعی از نظر فرمی آن را دگرگون می‌کند

یک ساختار فضایی کلان است (Mirzakhani et al., 2021: 3; Roberts et al., 2000; Xu et al., 2022: 2). تاکنون زیرشاخه‌هایی منصوب به بازآفرینی مطرح شده است. از جمله این زیرشاخه‌ها بازآفرینی فرهنگی می‌باشد که نمونه‌های آغازین آن، در ایالت متحده شکل گرفته است (Florida, 2005; Montgomery, 2003: 295). در این رویکرد فرهنگ به عنوان ابزاری برای احیای محدوده‌های زوال یافته و جوامع محرومی که ساکن آن محدوده‌ها هستند مطرح می‌شود (Środa-Murawska, 2020: 2; Ghalandarian et al, 2023: 40). بازآفرینی فرهنگی را می‌توان به عنوان رویکردی آگاهانه برای بازآفرینی محلات رو به زوال مطرح کرد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۱؛ ناصری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳۹؛ نوین و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹).

بازآفرینی فرهنگ مینا با هدف دستیابی به ساز و کاری اقتصادی اهدافی نظیر، تقویت گردشگری فرهنگی (Środa-Murawska, 2020: 2)، استفاده کارا از فضاهای شهری، کاهش زوال فیزیکی فضا، تقویت هویت (خان محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۴؛ باستانی و حنایی، ۱۳۹۹: ۴؛ Lazarevic et al., 2015: 2). جذب سرمایه گذاران، رقابت پذیری (Lazarevic et al., 2015: 3; Smyth, 2015) و کاهش خسارات محیط شهری را مطرح کرده و با در نظر گرفتن فرهنگ به عنوان عامل اصلی این دستیافت به ایجاد رویدادهای فرهنگی و محله‌های فرهنگی می‌پردازد (Evans et al., 2004; Florida, 2005; Middleton et al., 2008). از این حیث بازآفرینی فرهنگ مینا را به دو شکل می‌توان در محلات تاریخی شهر مطرح کرد: برنامه ریزی فرهنگی و محلات فرهنگی.

برنامه‌ریزی فرهنگی به منظور شکل‌گیری فعالیت‌هایی که از نظر اقتصادی منجر به جذب گردشگر و سرمایه می‌شود، بسیار

حائز اهمیت است (باستانی و حنایی، ۱۳۹۹: ۴؛ نوین و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰). این برنامه‌ریزی با ارائه راهبردهایی با به نمایش گذاشتن ویژگی‌های فرهنگی محلی در قالب شهر امروزی و پذیرش شهر گذشته در جهت رفع رکود اقتصادی، اشتغال‌زایی بومی، رفع مشکلات اجتماعی، کالبدی و شاخص شدن شهرها حرکت می‌کند (Kim, 2015: 3; Lazarevic et al., 2015: 2; Quinn, 2010: 268; Środa-Murawska, 2020: 2). دیدگاه به پیش بینی توسعه‌های مبتنی بر فعالیت‌های پرچمدار هنری و رویدادهای موثر فرهنگی می‌پردازد و با تلفیق این رویدادها با زمینه‌های تاریخی شهر، به احیای گردشگری فرهنگی و فضاهای شهری در مناطق فرسوده شهرها کمک می‌کند (Lazarevic et al., 2015: 3; Środa-Murawska, 2020: 2). این رویدادهای فرهنگی به تنهایی مورد توجه قرار ندارند بلکه آنچه آنها را حائز اهمیت می‌کند هم‌نواایی فعالیت‌ها در یک طیف فرهنگی تعریف شده یکسان و رقابت پذیری و بازدهی اقتصادی آنها می‌باشد (Baek et al., 2021: 13; Chen et al., 2020: 2).

محلات فرهنگی به محله جغرافیایی گفته می‌شود که از بالاترین تمرکز امکانات، خدمات فرهنگی و تفریحی برخوردار بوده و بستری لازم برای پیشبرد اهداف بازآفرینی فرهنگ مینا فراهم می‌کند (Kim, 2015: 3). محله‌های فرهنگی، معمولاً بخشی از بافت‌های مرکزی شهرها بوده که واجد ارزش‌های تاریخی، زیبایی‌شناسانه، قوم‌شناسانه و باستان‌شناسانه هستند و با پیشینه و ساختار کالبدی ارزشمند خود محلی مناسب برای شکل‌گیری کارکردهای فرهنگی ایجاد می‌کنند. این مناطق از نظر عملکردی مختلط هستند و با هم‌پیوند شدن با فعالیت‌های فرهنگی در صدد رسیدن به حس تعلق جمعی، هویت اجتماعی، همه

محیط سخت براساس جنس اقدام (Falanga, 2022: 2)، طبقه‌بندی شده است. محیط نرم را می‌توان سیاست‌ها، اقدامات و محرکه‌های دخیل در ساختار فضایی و محیط سخت را ویژگی‌های فیزیکی و کارکردی محیط دانست که بستری را برای شکل‌گیری محیط نرم فراهم می‌کند. جدول ۳ بیانگر این موضوع است.

شمولی اجتماعی و ارتقای تصویر روشن از محله می‌باشند تا از این طریق به جذب سرمایه و ورود به عرصه رقابت‌پذیری در سطح جهانی کمک کنند (Mccarthy, 2005: 281; Ward, 2016; Montgomery, 2003: 298; Środa-Murawska, 2020: 2). به منظور فهم بهتر، ویژگی‌های بازآفرینی فرهنگ مینا در ابعاد ۷ گانه موثر بر کیفیت محیط به تفکیک محیط نرم و

جدول ۳: معیارهای بازآفرینی فرهنگ مینا در قالب ابعاد کلی فضای شهری

ابعاد	ویژگی‌های محیط نرم	ویژگی‌های محیط سخت
مورفولوژی (صفدری و همکاران، ۱۳۹۳؛ لطفی و همکاران، 1397 (Montgomery, 2010)	ارتباط بین ساختار کالبدی عناصر جدید و قدیم/ شکل دهی به مجموعه‌ای یکپارچه و شاخص به لحاظ کالبدی/ شاخص بودن فضاهای عمومی/ پاسخگویی در برابر نیازهای فعلی و پذیرش کاربری‌های فرهنگی با ارتقای کالبد/ ارتباط بین عرصه‌های عمومی مختلف با همپوندی در یک شبکه کلان	استفاده از بافت‌های تاریخی و به کارگیری آنها در ایجاد مکان سوم و محله‌های فرهنگی که جاذب گروه‌های هنری است
عملکردی (لطفی و همکاران، ۱۳۹۷؛ مولایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ صفدری و همکاران، Dejana et al., 1393 (2019)	تنوع در جنس فعالیت‌ها و تغییر در نوع دسترسی به فضا متناسب با جنس فعالیت	در نظرگیری عملکردهای فرهنگی که منجر به تقویت محل می‌شود/ بخشیدن جان تازه به ماهیت و عملکرد محله با تعریف کارکردهای ثانویه مرتبط با فرهنگ
اجتماعی (صفدری و همکاران، ۱۳۹۳؛ مولایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ لطفی و همکاران، Lazarevic et al., 1397 (2015)	تلفیق کارکردها در بستر فضا و تقویت حضور افراد به واسطه دوگانگی کارکردها/ احیای مسیرهای ارتباطی و گذرهای پیشین	تعریف فعالیت و رویدادهای همگانی دائمی و موقت در فضا/ تغییر نگرش استفاده‌کنندگان نسبت به محل زیست خود/ فرصت دادن به گروه‌های هدف برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی/ مشارکت بین سرمایه‌گذاران و نهادهای مردمی/ جلب مشارکت هنرمندان به عنوان مدیران فضا/ افزایش اشتیاق و تمایلات مردم به حضور در برنامه
بصری (لطفی و همکاران، ۱۳۹۷)	بهره‌گیری از گونه‌های متنوع ساختمانی/ ارائه سبک‌ها و طراحی‌های سازگار با روح محله	
ادراکی (صفدری و همکاران، ۱۳۹۳؛ لطفی و همکاران، ۱۳۹۷)	خوانایی محله و امکان شناسایی مکان/ تقویت حس تعلق به محل کسب و کار و زندگی و ارائه تصویری فرهنگی از محیط/ ارتقای کالبد و زدودن تصویر ذهنی کالبد زوال یافته و کهنه	
زمانی (مولایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ لطفی و همکاران، Dejana et al., 1397 (2019)	نگاه به گذشته، حال و آینده و القای حس پیشرفت از یک مکان	تحول یک مکان و تصویرسازی از آن در اذهان/ توجه به مکان‌های سوم و تعریف رویدادهای متنوع فرهنگی و هنری در بستر آنها متناسب با زمینه محل/ تعریف فعالیت‌های موقت یا دائمی مشخص انعطاف‌پذیر برای فضا در ساعات ابتدایی و انتهایی روز
مدیریتی (مولایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ صفدری و همکاران، Jung et al., 1393 (2015; G. Kim et al., 2020; Li et al., 2020)		ساماندهی برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی در برنامه‌های آینده/ مدیریت فضاهای شهری و اتخاذ سیاست‌های بلند مدت اقتصادی/ همکاری سازمان‌های فرهنگی و اجتماع محلی/ مدیریت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بافت‌های تاریخی/ مدیریت زمین و استفاده از اراضی فاقد فعالیت در بافت‌های تاریخی/ گستردگی فعالیت‌های همگانی فرهنگی و شکل گرفتن نگاه‌های اقتصادی خرد با صنایع فرهنگی

مداخله در محلات تاریخی با رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا می تواند ساختار فضایی این محلات را ارتقا داده و ضمن حفظ و تقویت ارزش های زیستی، محله را برای پاسخگویی به نیازهای فعلی کاربران آماده نماید. جدول ۴ چگونگی ارتباط میان زیرمعیارهای بازآفرینی فرهنگ مبنا و زیرمؤلفه های ساختار فضایی را نشان می دهد. در این جدول (جدول ۴)، حوزه مداخله بازآفرینی فرهنگ مبنا (در دو محیط

نرم و سخت) در تناظر با زیرمؤلفه های ساختارفضایی و به تفکیک ابعاد هفتگانه محیط شهری قرار گرفته است. به عبارتی این جدول پیشنهادات بازآفرینی فرهنگ مبنا را برای ارتقاء کیفیت ساختار فضایی نشان می دهد. بدیهی است بنابر ماهیت بازآفرینی فرهنگ مبنا، غالب زیرمعیارهای فرهنگی تعریف شده در بعد محیط نرم قرار داشته که حاکی از توجه به پتانسیل های محیط و حفظ فرم فیزیکی (Falanga, 2022: 1) موجود می باشد.

جدول ۴: تعریف معیارهای بازآفرینی فرهنگ مبنا در چارچوب ساختارفضایی

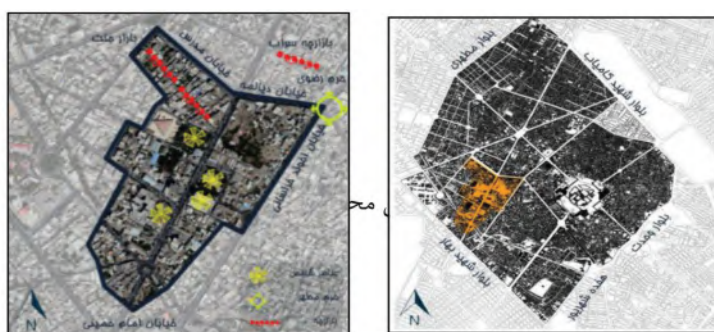
ساختار فضایی				ابعاد محیط شهری
تاسیسات و زیرساخت ها	پهنه های خدماتی	عرصه های باز و همگانی	حرکت و دسترسی	
	استفاده از پتانسیل گذارهای تاریخی و استفاده از آنها برای ایجاد جایگاه سوم و عرصه های فرهنگی جذب گروه های خلاق/ احیای راه های ارتباطی و هاب های قبلی		ارتباط بین مناطق متمایز با ارتباط بین فضاها در یک شبکه کلان/ رابطه بین عناصر جدید و قدیم ساختار فضایی / پاسخگویی به نیازهای دوره معاصر و پذیرش کارکردهای فرهنگی با بهسازی ساختمان ها	مورفولوژی
	تنوع در نوع فعالیت ها و تغییر در نوع دسترسی به فضا به دلیل فعالیت ها	بازآفرینی عملکردی محله ها با تعریف کاربری ثانویه مرتبط با فرهنگ/ مدیریت فضاهای شهری و اتخاذ سیاست های بلندمدت اقتصادی.		عملکردی
		ادغام کارکردها در فضا و تقویت حضور مردم از طریق انواع کارکردها/ تعریف فعالیت های انعطاف پذیر موقت یا دائمی خاص برای فضاها	استفاده از پتانسیل گذارهای تاریخی و استفاده از آنها برای ایجاد جایگاه سوم و عرصه های فرهنگی جذب گروه های خلاق	اجتماعی
	ارائه سبک ها و طرح های سازگار با محلات شهری		استفاده از گونه های مختلف ساختمانی	بصری
	تقویت حس تعلق به محل کسب و کار و زندگی و ارائه تصویری فرهنگی از محیط	خوانایی محلات و فضاهای شهری		ادراکی
دگرگونی و تجسم یک مکان در طول دوره	در نظر گرفتن مکان های سوم و تعریف رویدادهای مختلف فرهنگی و هنری با توجه به بافت مکان	ایجاد فضاهای شهری شاخص و برجسته		زمانی
	همکاری تشکل های فرهنگی و جامعه محلی و مدیریت سرمایه گذاری بخش خصوصی در بافت های تاریخی/ مشارکت سرمایه گذاران و نهادها و جلب مشارکت هنرمندان به عنوان مدیران فضا			مدیریتی

مطالعه موردی: محله ارگ مشهد

محدوده ارگ مشهد از پرسابقه‌ترین بخش‌های این شهر به شمار می‌رود که از قدمت تاریخی، هویت فرهنگی و گردشگری غنی برخوردار است. این محله در حوزه مرکزی منطقه ۸ شهر مشهد قرار دارد. اولین خیابان این محله در دوران پهلوی ۱۳۰۷ ایجاد شده است (ر.ک: متولی حقیقی، ۱۳۹۲؛ رضوانی، ۱۳۸۴). موقعیت جغرافیایی این محله به گونه‌ای است که در جنوب غربی و در جوار حرم رضوی قرار دارد. این محله از شرق به خیابان اخوند خراسانی، از شمال به خیابان دیالمه، از جنوب به خیابان بهار و از غرب می‌توان آن را به خیابان دانشگاه محدود دانست. این محله در گذشته محل سکونت افراد صاحب نفوذ و طبقات ثروتمند جامعه شهری بود. وجود فضاها و قطعات شاخصی نظیر بانک ملی، اداره دارایی، هلال احمر، شهرداری، هتل پارس، ستاد ارتش، پست و تلگراف، ثبت، ساختمان چهار طبقه، باغ ملی و میدان ارگ، سبب شد تا این محله به یکی از محلات صاحب نام شهر مشهد تبدیل و به واسطه فضاها و فعالیت‌های شاخص موجود،

جمعیت بسیار زیادی را جذب کند (ر.ک: رضوانی، ۱۳۸۴).

با این وجود با گذشت زمان و عدم بازتعریف این محله در جریان شهر امروز، فرسودگی و اضمحلال گریبان‌گر این محله شده و موقعیت آن را از محله ارگ به عنوان یک فضای شهری در شهر گذشته به فضایی در شهر امروزی تنزل داده است (ر.ک: متولی حقیقی، ۱۳۹۲). وجود عواملی همچون هجوم ترافیک سواره، تراکم و تداخل‌های ناسازگار فعالیتی، حضور مهاجران و غیره موجب افول هویت شهری آن شده است. تاجایی که ارزش‌های پیشین محله مورد تهدید قرار داده و باعث سرگشتگی و گمشدگی این محله در توسعه‌های جدید شده است. خروج محله از جریان توسعه سبب شده تا توسعه‌های جدید بدون ارتباط با چارچوب محتوایی و ماهوی محله به تولید اجزای کالبدی- فعالیتی جدید پردازند. در این میان، معادل‌هایی از محله گذشته که در جریان توسعه جدید مورد باز تعریف قرار نگرفته‌اند به مرور زمان دچار فراموشی شده و مطرود و متروک می‌شود. شکل ۳، اطلاعاتی در خصوص وضعیت فعلی محله ارگ نمایش می‌دهد.



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی محله ارگ نسبت به حرم مطهر



شکل ۳: ساختمان‌های تاریخی محله ارگ تصاویر از راست به چپ، هتل پارس، فرهنگسرای بهشت، کلیسای مسروپ، خانه ملک

یافته‌های پژوهش

پس از شناخت و تحلیل محله مورد مطالعه (از منظر پژوهشگران)، به تفکیک ابعاد محیط شهری و دستیابی به مجموعه‌ای جامع از مسائل، به منظور رسیدن به اشباع مسائل و پرکردن شکاف‌های موجود در بخش

نظری (ساختارفضایی)، از مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده شد. داده‌های حاصل از مصاحبه با متخصصین و نخبگان شهرسازی و مردم، با استفاده از ابزار Maxqda تحلیل و مجموعه مسائل شناسایی، دسته‌بندی و در قالب جدول ۵ ارائه گردید.

جدول ۵: تحلیل وضع موجود محله ارگ از نگاه پژوهشگر، متخصصین و مردم

ابعاد محیط شهری	مسائل
مورفولوژی	عدم وجود ضوابط ساخت و ساز مشخص و ساخت د ر حریم قطعات تاریخی
	عدم توجه به سلسله مراتب معابر و آشفته‌گی عملکردی معابر سطح دو
	بی توجهی به تناسب فضای سخت و عرصه‌های باز جمعی
	فرسودگی و تخریب ابنیه تاریخی و با ارزش و عدم رسیدگی به آنها
بصری	ازدحام ترافیک در تقاطع‌های اصلی و کمبود پارکینگ و فضای پارک در محله و استفاده از قطعات بایر به منظور پارک خودرو
	افزایش روند فرسودگی در قطعات تاریخی در پی عدم توجه به نوسازی قطعات قدیمی و ساخت بناهای جدید بدون ضابطه
	عدم وجود ارتباط بصری بین نماهای جدید و قطعات تاریخی
	بی توجهی به تناسبات بصری با ارزش گذشته و از بین رفتن خط آسمان در لبه‌های با ارزش تاریخی
ادراکی	عدم وجود نشانه‌های عملکردی شاخص در محدوده
	آشفته‌گی نما و تأثیر بر حس بینایی، کاهش ادراک فرد از ساختار اصلی
	آشفته‌گی شناختی و ادراکی جداره‌ها در هنگام تردد در فضا
	تحت تأثیر قرار گرفتن حس مکان و کاهش حس تعلق در محدوده
	تأثیر جداره سازی‌ها بر روی نماهای گذشته سبب تأثیر در خوانایی
	عدم وجود مبلمان شهری مناسب در فضا برای استفاده کنندگان
اجتماعی	افزایش روند مهاجرت‌ها به خارج از بافت و ورود مهاجران
	نامنی فضا در ساعات پایانی روز برای گروه‌های مختلف به دلیل مشاغل کاذب و ۱۲ ساعته
	مبلمان شهری نامناسب در محدوده
	تحت تأثیر قرار گرفتن ارزش‌های تاریخی محدوده به واسطه شکل‌گیری کارکردهای نامرتبط با هویت بافت
	عدم توجه به حضور گروه‌های نامناسب و کنترل فعالیت آنها
عدم نماسازی مناسب قطعات و بی توجهی به ترکیب به بافت قدیم	
بحران در هنگام سوانح به دلیل بی توجهی به قطعات فرسوده تاریخی	
تداخل سواره و پیاده و عدم وجود طراحی مناسب برای تفکیک فضا	
ضعف حمل و نقل عمومی و عدم سرویس دهی مناسب در معابر اصلی	
ازدحام ترافیک در تقاطع‌های اصلی و کمبود پارکینگ و فضای پارک در محله و استفاده از قطعات بایر به منظور پارک خودرو	
افزایش روند فرسودگی در قطعات تاریخی در پی عدم توجه به نوسازی قطعات قدیمی و ساخت بناهای جدید بدون ضابطه	
عدم وجود ارتباط بصری بین نماهای جدید و قطعات تاریخی	
بی توجهی به تناسبات بصری با ارزش گذشته و از بین رفتن خط آسمان در لبه‌های با ارزش تاریخی	
عدم وجود نشانه‌های عملکردی شاخص در محدوده	
آشفته‌گی نما و تأثیر بر حس بینایی، کاهش ادراک فرد از ساختار اصلی	
آشفته‌گی شناختی و ادراکی جداره‌ها در هنگام تردد در فضا	
تحت تأثیر قرار گرفتن حس مکان و کاهش حس تعلق در محدوده	
تأثیر جداره سازی‌ها بر روی نماهای گذشته سبب تأثیر در خوانایی	
عدم وجود مبلمان شهری مناسب در فضا برای استفاده کنندگان	
افزایش روند مهاجرت‌ها به خارج از بافت و ورود مهاجران	
نامنی فضا در ساعات پایانی روز برای گروه‌های مختلف به دلیل مشاغل کاذب و ۱۲ ساعته	
مبلمان شهری نامناسب در محدوده	
تحت تأثیر قرار گرفتن ارزش‌های تاریخی محدوده به واسطه شکل‌گیری کارکردهای نامرتبط با هویت بافت	
عدم توجه به حضور گروه‌های نامناسب و کنترل فعالیت آنها	
عدم نماسازی مناسب قطعات و بی توجهی به ترکیب به بافت قدیم	
بحران در هنگام سوانح به دلیل بی توجهی به قطعات فرسوده تاریخی	
تداخل سواره و پیاده و عدم وجود طراحی مناسب برای تفکیک فضا	
ضعف حمل و نقل عمومی و عدم سرویس دهی مناسب در معابر اصلی	
ازدحام ترافیک در تقاطع‌های اصلی و کمبود پارکینگ و فضای پارک در محله و استفاده از قطعات بایر به منظور پارک خودرو	
افزایش روند فرسودگی در قطعات تاریخی در پی عدم توجه به نوسازی قطعات قدیمی و ساخت بناهای جدید بدون ضابطه	
عدم وجود ارتباط بصری بین نماهای جدید و قطعات تاریخی	
بی توجهی به تناسبات بصری با ارزش گذشته و از بین رفتن خط آسمان در لبه‌های با ارزش تاریخی	
عدم وجود نشانه‌های عملکردی شاخص در محدوده	
آشفته‌گی نما و تأثیر بر حس بینایی، کاهش ادراک فرد از ساختار اصلی	
آشفته‌گی شناختی و ادراکی جداره‌ها در هنگام تردد در فضا	
تحت تأثیر قرار گرفتن حس مکان و کاهش حس تعلق در محدوده	
تأثیر جداره سازی‌ها بر روی نماهای گذشته سبب تأثیر در خوانایی	
عدم وجود مبلمان شهری مناسب در فضا برای استفاده کنندگان	
افزایش روند مهاجرت‌ها به خارج از بافت و ورود مهاجران	
نامنی فضا در ساعات پایانی روز برای گروه‌های مختلف به دلیل مشاغل کاذب و ۱۲ ساعته	
مبلمان شهری نامناسب در محدوده	
تحت تأثیر قرار گرفتن ارزش‌های تاریخی محدوده به واسطه شکل‌گیری کارکردهای نامرتبط با هویت بافت	
عدم توجه به حضور گروه‌های نامناسب و کنترل فعالیت آنها	

مسائل		ابعاد محیط شهری
عدم شکل‌گیری مکان سوم و کاهش کارایی فضاهای عمومی در ساعات پایانی شب	عدم وجود فعالیت‌های ۲۴ ساعته در طول روز در برخی از سکانس‌های محدوده	زمانی
نامنی برخی از نقاط فضا در ساعات پایانی شب	عدم کارکرد سابق و شکل‌گیری فعالیت‌های ناهمگون	
آلودگی‌های صوتی، هوا و محیط و بی‌توجهی به آسایش محیطی به واسطه سواره بودن معابر فرعی	از بین رفتن برخی از کارکردهای بومی و تاریخی محدوده به واسطه عدم توجه به کالبد قطعات تاریخی	
	عدم پاسخگویی به نیازهای کاربران در درون محدوده	عملکردی
عدم رغبت به شکل‌گیری فعالیت‌ها یا رویدادهای مختلف به سبب عدم وجود فضاهای طراحی شده	کاهش عرصه‌های عمومی دارای پتانسیل کارکردی و شکل‌گیری خرده فضاهای بلااستفاده	
اختلال فضا به علت فعالیت‌های نادرست (دلان ارز، سمساری‌ها)	عدم وجود فعالیت‌های شبانه روزی در محدوده	
پاسخگو نبودن و کاهش کارایی فضا و فعالیت‌ها به دلیل استفاده بیش از حد از عملکردها با افزایش جمعیت	عدم ساماندهی و مدیریت فعالیت‌های کاذب	
عدم وجود فعالیت‌های متنوع در بدنه جداره‌ها و شکل‌گیری نامنی	بی‌توجهی به تجهیز فضا برای گروه‌های مختلف حساس	
عدم وجود خرد فعالیت‌های مختلط در درون محدوده	ازدحام و شلوغی ناشی از مقیاس عملکردی شهری قطعات موجود در محله	
عدم اختلاط رویدادها و فعالیت‌ها در جداره‌های محدوده	عدم وجود فعالیت‌های عامه پسند و تفریحی	
عدم وجود رویداد یا فعالیت در خرد فضاهای موجود در درون محدوده	عدم تعریف کارکردهای نوین و رقابت‌پذیری اقتصادی (قطعات تاریخی)	
مدیریت مشاغل کاذب در تضاد با هویت محله و عدم تعریف کارکرد نوین	عدم مدیریت و ازدحام ناشی از کارکردهای با مقیاس عملکردی شهری	

بوده که موید کیفیت ارتباط (تأثیرگذاری و تأثیر پذیری) بین مسائل می‌باشد. شکل ۴ نمونه ای از مسائل موجود در محله ارگ به تفکیک تأثیر پذیری و تأثیرگذاری بر یکدیگر نشان می‌دهد.

مطابق با تحلیل‌های صورت گرفته بیشترین درجه تأثیرپذیری مسائل به ترتیب مربوط به کیفیت‌های محیطی نامناسب، از بین رفتن حس مکان، ضعف ناشی از شکل‌گیری بحران (به دلیل فرسودگی قطعات) و ازدحام جمعیتی (ناشی از مقیاس عملکردی فعالیت‌ها) می‌باشد. بررسی‌ها حاکی از آن است که لازمه رفع این مسائل،

مطابق جدول ۵، مجموعاً ۷۳ مسئله مرتبط با ساختار فضایی در محله ارگ شناسایی شده است. در ادامه پژوهشگران با کمک روش گروه مرکز (متشکل از ۷ نفر از اساتید و نخبگان شهری) و به منظور اولویت بندی مسائل، به ترسیم شبکه مسائل و چگونگی ارتباط میان آنها با هم پرداختند. سپس بر مبنای نتایج مرحله قبل، رابطه بین مسائل و چگونگی اثرگذاری آنها بر یکدیگر به صورت دو به دو ترسیم شد. این فرآیند با کمک نرم‌افزار Gephi انجام گردید. مطابق با بررسی‌های به عمل آمده شبکه شناسایی شده حاوی ۷۳ نقطه (مسئله) و ۱۵۸۸ رابطه

(ناشی از شکل‌گیری فعالیت‌های نامرتبط با محله)، نبود فعالیت‌های مناسب (اختلال عملکردی فضا و فعالیت‌ها، ورود جمعیت بیگانه) منجر به اختلال آسایش روانی و اجتماعی کاربران فضا شده و به ارزش‌های بنیادین ساختار فضایی محله ارگ لطمه وارد می‌کند.

توجه به علل کلیدی و بنیادی است که منجر به ایجاد پیش‌زمینه‌ای برای شکل‌گیری مسائل حادث‌تر در ابعاد محیط شهری در ساختار فضایی محله ارگ می‌شود. مسائل تأثیرگذار نظیر عدم وجود فعالیت‌های شبانه‌روزی (کاهش سرزندگی) در محله، بی‌توجهی به ارزش‌های کهن اجتماعی



شکل ۴: سمت راست تأثیرگذارترین مسائل، سمت چپ تأثیرپذیرترین مسائل را نشان می‌دهد

موجود در محله تاریخی ارگ می‌باشند که از طریق بازآفرینی فرهنگی امکان پاسخ به آن وجود دارد.

در این پژوهش به منظور حل مسائل موجود در محله ارگ و تعریف مجموعه‌ای جامع از پیشنهادات با توجه به مبانی نظری، در قالب شکل ۵ پیشنهاداتی برای حل مسائل ترسیم شده (در قالب چهار مؤلفه ساختار فضایی و به تفکیک ابعاد محیط شهری) مطرح گردید. مطابق این شکل بازآفرینی فرهنگ مبنای ساختار فضایی محلات تاریخی در ۴ دسته سیستم حرکت و دسترسی، پهنه‌های خدماتی، عرصه‌های باز و همگانی و تاسیسات شهری قابل طبقه‌بندی است. غالب راهبردهای فرهنگی مطرح شده در ساختار فضایی محلات مرتبط با سیستم‌های حرکت و دسترسی عبارتند از: احیای گذرها و فضاهای تاریخی و تعریف مجموعه‌ای از شبکه فضاهای باز

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر به بررسی ساختار فضایی محله تاریخی ارگ به عنوان یکی از محلات با ارزش و دارای هویت شهر مشهد پرداخته است تا از این طریق ضمن تعریف معیارهای بازآفرینی فرهنگ مینا در مؤلفه‌های ساختار فضایی چارچوب لازم برای مداخله فرهنگی در محلات تاریخی را فراهم کند. مطابق با یافته‌های پژوهش، فرسودگی و تخریب ابنیه تاریخی و با ارزش و عدم رسیدگی به آنها، عدم وجود ضوابط ساخت و ساز مشخص، عدم رغبت به شکل‌گیری فعالیت‌ها یا رویدادهای مختلف به سبب عدم وجود فضاهای طراحی شده، عدم تامین نیازهای محلی در درون محله توسط کارکردهای موجود، ایجاد اختلال در عملکردها به دلیل عدم توجه به نوسازی قطعات تاریخی، عدم سرزندگی بالای خیابان و عدم وجود فعالیت‌های ۲۴ ساعته از جمله عمده مسائل

منابع

عمل (مورد شهر کرج)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۶(۱۰۲): ۱۰۰-۷۳.

رضوانی، علی رضا (۱۳۸۴) در جستجوی هویت شهری مشهد، مشهد، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.

زنگنه، یعقوب و جواد فرهادی و وجیه توبی (۱۳۹۲) تبیین و اولویت بندی مداخله در بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از روش AHP نمونه موردی: مشهد، محله نوغان (قطاع ۲). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۴(۱۲): ۴۹-۶۲.

زبردست، اسفندیار و هادی شاد زاویه (۱۳۹۰) شناسایی عوامل موثر بر پراکنده رویی شهری و ارتباط آن با ساختار فضایی شهر (نمونه مورد مطالعه: شهر ارومیه)، نامه معماری و شهرسازی، ۴(۷): ۱۱۲-۸۹.

زبردست، اسفندیار و پدرام رضایی (۱۳۹۶) سنجش ماهیت توسعه چندمرکزی مجموعه شهری رشت، فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۴(۱۵): ۵۳-۳۲.

صفدری، سیما و محمدرضا پورجعفر و احسان رنجبر (۱۳۹۳) بازآفرینی فرهنگ مینازمین سازه ارتقاء تعاملات فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر مشهد)، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، ۴(۴۸): ۳۹-۲۵.

صیامی، قدیر و سید امیر کابلی فرشچی و علی رفعتی گنابادی (۱۳۹۵) نقش آفرینی عناصر کالبدی هویت بخش در تجدید حیات بافت‌های تاریخی-فرسوده شهری (مطالعه موردی: محور تاریخی ارگ در شهر مشهد). فصلنامه علمی پژوهشی خراسان بزرگ، ۷(۲۳): ۴۵-۶۲.

صرافی، مظفر (۱۳۹۷) رهیافت بازآفرینی شهری رادیکال برای چیرگی بر ناپایداری توسعه ایران. نشریه معماری و شهرسازی هفت شهر، ۴(۶۲): ۵۷-۶۱.

باستانی، مژده و نکتم حنایی (۱۳۹۹) مطالعه تطبیقی تاب‌آوری اجتماعی در راستای اهداف بازآفرینی شهری (نمونه موردی: محالت ایران؛ فیلیپین و مالزی). نشریه شهر ایمن، ۳(۹): ۱-۱۷.

بحرینی، حسین و بهناز بلوکی و سوده تقابن (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

بحرینی، حسین و محمد سعید ایزدی و مهرانوش مفیدی (۱۳۹۳) رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار)، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات شهری، ۳(۹): ۱۷-۳۰.

بخشی، مینا و سعید پیری و علی رضا استعلاجی (۱۴۰۱) باز آفرینی محور فرهنگی با تأکید بر ارتقا کیفیت محیط. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۳(۶۷): ۲۴۱-۲۵۷.

بزرگر، محمدرضا (۱۳۸۶) شهرسازی و ساختار اصلی، شیراز، انتشارات کوشامهر.

پاکدامن، بهروز (۱۳۷۲) نکاتی درباره طراحی شهرهای جدید، نشریه ابادی، ۸(۱): ۱۰-۱.

حمیدی، ملیحه و محسن حبیبی و جواد سلیمی (۱۳۷۶) استخوان بندی شهر تهران، تهران، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران.

خان محمدی، مرجان و محمود قلعه نویی (۱۳۹۵) باز آفرینی مبتنی بر فرهنگ از طریق توسعه صنایع خلاق و تبیین محله‌های فرهنگی در بافت‌های تاریخی شهر، فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران، ۶(۱۲): ۸۴-۶۷.

رزاقی، حبیب‌الله و کرامت‌الله زیاری و نوید سعیدی رضوانی (۱۳۹۰) مدل چند هسته‌ای و چند مرکزی شهر و کلانشهری، از نظریه تا

عندلیب، علی رضا (۱۳۹۶) اصول نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده شهری. نشریه باغ نظر، ۱۴(۴۸): ۵-۱۶.

غفوری، فواد و ایمان قلندریان (۱۴۰۲) باز آفرینی خیابان چهارباغ هرات با هدف ارتقاء هویت مکان، نشریه باغ نظر، ۲۰(۱۲۳): ۵۶-۴۵.

قرائی، آزاده و اسفندیار زبردست و حمید ماجدی (۱۳۹۷) گونه‌شناسی فرم شهر و ساختار فضایی پایدار با نظری بر شهر تهران، هویت شهر، ۱۴(۱): ۳۲-۱۷.

قلندریان، ایمان (۱۴۰۱) تحلیل جریان مهاجرت میان شهرستانی در استان‌های خراسان (طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵)، پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۱۲(۴۶): ۴۲-۲۵.

قلندریان، ایمان و مجتبی رفیعیان (۱۳۹۷) تبیین مدل کیفیت محیط در بازآفرینی شهر ایرانی اسلامی، نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۹(۳۴): ۵۸-۴۹.

لطفی، سهند (۱۳۹۰) بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی، نشریه هنرهای زیبا، ۳(۴۵): ۶۲-۴۹.

لطفی، سهند (۱۳۹۰) تبیین‌شناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی، شیراز، انتشارات آذرخش.

لطفی، سهند و مهسا شعله و فاطمه علی اکبری (۱۳۹۵) تدوین چارچوب مفهومی کاربست اصول و آموزه‌های باز آفرینی شهری فرهنگ مبنا (مورد پژوهی: بافت تاریخی شیراز)، نشریه معماری و شهرسازی ایران، ۸(۱): ۲۴۵-۲۲۹.

متولی حقیقی، یوسف (۱۳۹۲) تاریخ معاصر مشهد: پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد، انتشارات مشهد.

معیدفر، سعید (۱۳۹۷) رهیافت‌هایی درباره سیاست‌گذاری در بافت فرسوده و سکونتگاه

غیررسمی، نشریه معماری و شهرسازی هفت شهر، ۴(۶۲): ۶۲-۶۶.

مفیدی، مهرانوش و تقی قاسم شریفی (۱۳۹۸) از آفرینی فرهنگ مبنا با تأکید بر توسعه اجتماع محلی پایدار (مورد پژوهی: بافت تاریخی محله راه ری قزوین)، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، ۲(۱): ۳۰۱-۲۶۸.

ملک زاده، ندا و هاشم داداش پور و مجتبی رفیعیان (۱۴۰۰) فرا مطالعه مطالعات مرتبط با ساختار فضایی شهری و منطقه‌ای در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۸، نشریه معماری و شهرسازی ایران، ۱۲(۱): ۵۷-۳۷.

مولایی، محمد مهدی و رسول سلیمانی (۱۳۹۶) رشد اقتصادی و توسعه شهری از طریق بازآفرینی خانه‌های ارزشمند تاریخی نمونه موردی: خانه‌های تاریخی شهر همدان، ۷(۳): ۱۰۴-۹۵.

مینیاتور، ارمان (۱۳۹۱) رویکرد منظرین در مرمت شهر؛ پروژه نظام الدین بستی، شبکه یکپارچه فضاهای تاریخی و روز، ۴(۱۹): ۵۷-۵۲.

ناصری، فرناز و مجید شبازی و هومن ثبوتی (۱۳۹۹) بازآفرینی محلات شهر زنجان در تطبیق با شاخص‌های شهر ایرانی-اسلامی (نمونه موردی: محلات حسینییه و نایب آقا). نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۴۰(۱۷): ۳۳۳-۳۴۹.

نوبین، علی رضا و کریم حسین زاده دلبر و محمدرضا پورمحمدی (۱۴۰۰) شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار باززنده سازی بافت‌های تاریخی-فرهنگی بر توسعه ی توریسم شهری (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز). فصلنامه علمی فضای جغرافیایی، ۲۱(۷۴): ۱۵-۳۲.

Baek, Y., Changmu, J., & Heesun, J. (2021) Culture and Urban Regeneration. The Role of Cultural Investment for Community Development and Organization of Urban Space. Sustainability, 13(15), 1-21.

- Kim, G., Newman, G., & Jiang, B. (2020) Urban regeneration: Community engagement process for vacant land in declining cities. *Cities*, 56(102), 1-12.
- Kim, J. Y. (2015) Cultural entrepreneurs and urban regeneration in Itaewon, Seoul. *Cities*, 56, 1-9.
- Lak, A., Gheitasi, M., & Timothy, D. J. (2019) Urban regeneration through heritage tourism: cultural policies and strategic management. *Journal of Tourism and Cultural Change*, 18(4), 1-18.
- Lazarevic, E. V., Koruznjak, A. B., & Devetakovic, M. (2015) Culture design-led regeneration as a tool used to regenerate deprived areas. Belgrade—The Savamala quarter; reflections on an unplanned cultural zone. *Energy and Buildings*, 115, 1-8.
- Lehmann, S. (2010) LESSONS FROM EUROPE FOR CHINA? New Urban Sub-Centres for a Polycentric Network City. *Journal of Green Building*, 5(1), 88-100.
- Li, X., Zhang, F., Chi-man Hui, E., & Lang, W. (2020) Collaborative workshop and community participation: A new approach to urban regeneration in China. *Cities*, 102, 1-12.
- Maroufi, H., & Rosina, E. (2017) Cities Hosting Holy Shrines: The Impact of Pilgrimage on Urban Form. *International Journal of Architecture & Planning*, 5, 30-44.
- Mccarthy, J. (2005) Promoting Image and Identity in 'Cultural Quarters': the Case of Dundee. *Local Economy*, 20(3), 280-293.
- Middleton, C., & Freestone, P. (2008) The Impact of Culture-Led Regeneration on Regional Identity in North East England. *Journal of Urban Regeneration and Renewal*, 51(1), 51-58.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2011) *Public Places Urban Spaces* (2nd ed.). Routledge Press.
- Chen, X., Zhu, H., & Yuan, Z. (2020) Contested memory amidst rapid urban transition: The cultural politics of urban regeneration in Guangzhou, China. *Cities*, 102, 1-11.
- Dejana, N., Milena, K., & Zlatomir, G. (2019) Post-socialist context of culture-led urban regeneration - Case study of a street in Novi Sad, Serbia. *Cities*, 85(72-82).
- Dempsey, N., Brown, C., Raman, S., Porta, S., Jenks, M., Jones, C., & Bramley, G. (2008) *Elements of Urban Form*.
- Evans, G., & Shaw, P. (2004) *The Contribution of Culture to Regeneration in the UK: A Review of Evidence*. Metropolitan University Press.
- Falanga, R. (2022) Understanding place attachment through the lens of urban regeneration. *Insights from Lisbon*. *Cities*, 122, 1-5.
- Florida, R. (2005) *Cities and the Creative Class*. Routledge Press.
- Ghalandarian, I., & Goharipour, H. (2021) Requiem for the spiritual experience: Reconceptualising 'quality of the environment' by looking at the renovation process of the Samen district in Mashhad, Iran. *Journal of Urban Regeneration and Renewal*, 17 (1), 38-52
- Gokce, D., & Chen, F. (2021) Multimodal and scale-sensitive assessment of sense of place in residential areas of Ankara, Turkey. *Journal of Housing and the Built Environment*, 36(1), 1077-1101.
- Jung, T. H., Lee, J., Yap, M. H., & Ineson, E. M. (2015) The role of stakeholder collaboration in culture-led urban regeneration: A case study of the Gwangju project, Korea. *Cities*, 44, 29-39.

- Środa-Murawska, S. (2020) Railway feat. culture - Rumia library effect as an example of the influence of culture-led regeneration in a medium-sized city in Poland. *Cities*, 106, 1-11.
- Wang, M. (2018) Place-making for the people: Socially engaged art in rural China. *China Information*, 32(2), 244-269.
- Ward, J. (2016) Down by the sea: visual arts, artists and coastal regeneration. *International Journal of Cultural Policy*, 32(2), 1-18.
- Wei, L., Luo, Y., Wang, M., Cai, Y., Su, S., Li, B., & Ji, H. (2020) Multiscale identification of urban functional polycentricity for planning implications: An integrated approach using geo-big transport data and complex network modeling. *Habitat International*, 97(129), 102-134.
- Xu, X., Xue, D., & Huang, G. (2022) The Effects of Residents' Sense of Place on Their Willingness to Support Urban Renewal: A Case Study of Century-Old East Street Renewal Project in Shaoguan, China. *Sustainability*, 14(3), 1-13.
- Živković, J. (2019) Urban Form and Function. *Journal of Environmental Research*, 1, 1-10.
- Mirzakhani, A., Turró, M., & Jalilisadrabad, S. (2021) Key stakeholders and operation processes in the regeneration of historical urban fabrics in Iran. *Cities*, 118, 1-17.
- Montgomery, J. (2003) Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part 1: Conceptualising cultural quarters. In *Planning Practice and Research* 18(4): 293-306.
- Montgomery, J. (2010) Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part 2: a review of four cultural quarters in the UK, Ireland and Australia. *Planning Practice & Research*, 19(1), 3-31.
- Quinn, B. (2010) Arts festivals, urban tourism and cultural policy. *Journal of Policy Research in Tourism, Leisure and Events*, 2(3), 264-279.
- Remesar, A. (2020) Public Art in Urban Regeneration. Piotrkowska street. *Pride of a city: Łódź. On the W@terfront*, 62(5), 29-78.
- Roberts, P., & Sykes, H. (2000) *Urban Regeneration: A Handbook*. SAGE Publications.
- Smyth, H. (2015) *Marketing the City: The role of flagship development in urban regeneration*. Routledge Press.

پیوست: سوالات مصاحبه

<p>۱- تحولات شکل گرفته در سطح محله غالباً به چه صورت بوده است؟ فرسودگی در چه ابعادی از زندگی افراد خلل ایجاد کرده است؟</p> <p>۲- موانع رونق فعالیت‌ها در محله ارگ چیست؟ آیا موانع یا مسائلی در فرایند بهسازی فعالیت‌ها وجود دارد؟</p> <p>۳- نظام ادراکی موجود در محدوده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا همنشینی قطعات نوساخت با مجموعه‌های تاریخی تهدیدی برای هویت محدوده بوده یا می‌توان از آن به عنوان فرصت استفاده کرد؟</p> <p>۴- از منظر هویتی، چه عامل یا عواملی سبب افزایش روند مهاجرت از بافت و ورود جمعیت جدید به آن شده است؟</p> <p>۵- با توجه به ماهیت محله ارگ، چه معضلات اجتماعی در سطح محدوده وجود دارد؟ این معضلات را در چه سطوحی طبقه بندی می‌کنید؟ آیا پاتوق‌های موجود در سطح محله به خوبی پاسخگوی نیاز افراد است؟</p>	<p>پرسش از حرفه‌مندان</p>
<p>۱- علت حضور شما در این محدوده چیست؟</p> <p>۲- نظر شما در خصوص قطعات فرسوده و قدیمی چیست؟ آیا تمایل دارید این قطعات حفظ شوند یا ساختمان‌های جدیدی جایگزین آنها شوند؟</p> <p>۳- از نظر شما میزان خدمات و دسترسی به آن در محدوده مناسب است؟ آیا این خدمات به خوبی پاسخگوی نیازهای روزمره شما هستند؟</p> <p>۴- در چه ساعاتی از روز بیشتر در محله حضور دارید؟ علت حضور شما در این ساعات چیست؟</p>	<p>پرسش از کاربران</p>

تبیین کارکرد روش انتقال حق توسعه (TDR) در راستای تحقق

عدالت اجتماعی اسلامی

رضا خالقی*، زهره داودپور**، رضا نصرافهانی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی - ۳۹-۵۶

چکیده

توسعه شهری با رویکرد عدالت اجتماعی یکی از موضوعاتی است که در بسیاری از طرح‌های توسعه شهری مورد بی توجهی قرار گرفته است. انتقال حق توسعه، یکی از شیوه‌های نو در امر نظارت بر توسعه اراضی محسوب می‌شود. انتقال حق توسعه به لحاظ جایگاه آن در کاهش نابرابری و تأمین عالانه حقوق فردی مالکان، حائز اهمیت است. رویکرد انتقال حق توسعه در واقع برنامه‌ای برای کاهش توسعه فیزیکی در مناطقی است که جامعه یا برنامه‌ریزان خواهان حفاظت آن هستند. این پژوهش با هدف بررسی و تطبیق رویکرد حق انتقال توسعه و تبیین برخی از اصول قواعد مهم در دیدگاه اسلام، و ارتباط و تأثیرگذاری آن در توسعه شهری، پیشنهادهای جهت تحقق عدالت اجتماعی با استفاده از این رویکرد ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی بوده که با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تطبیقی به تحلیل و بررسی داده‌ها پرداخته می‌شود. برای توصیف و تحلیل داده‌ها از روش بررسی تطبیقی متون استفاده شده است. بر همین اساس ضمن گردآوری مباحث حوزه عدالت اجتماعی اسلامی و روش انتقال حق توسعه به تحلیل رابطه بین روش فوق‌الذکر با تحقق عدالت اجتماعی از طریق تکنیک دلفی با دریافت ۵ دور نظرات ۳۰ تن از کارشناسان پرداخته می‌شود. در نتیجه تحقیق حاضر بررسی اصول عدالت اجتماعی شامل هشت اصل؛ تساوی در حقوق عمومی، عدم موضوعیت جایگاه و مقام افراد در اجرای عدالت، عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی-اجتماعی، رعایت اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها، دسترسی برابر به خدمات عمومی، عدم اختصاصی‌سازی اموال و منافع عمومی، انتفاع همگانی در امور عمومی، عدم مصونیت حاکمان و مسئولان در برابر عدالت تبیین شد. همچنین در مقایسه با مبانی روش حق انتقال توسعه مشخص گردید بین اصول تساوی در حقوق عمومی، عدم موضوعیت جایگاه و مقام افراد در اجرای عدالت با روش حق انتقال توسعه کاملاً منطبق هستند. اصول عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی-اجتماعی، رعایت اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها، دسترسی برابر به خدمات عمومی، عدم اختصاصی‌سازی اموال و منافع عمومی، انتفاع همگانی در امور عمومی، عدم مصونیت حاکمان و مسئولان در برابر عدالت تا حدود زیادی منطبق می‌باشند یا می‌توان در جهت نیل به اهداف مدنظر آن اصل از روش انتقال حق توسعه استفاده کرد.

واژگان کلیدی: انطباق‌پذیری، عدالت اجتماعی اسلامی، انتقال حق توسعه (T.D.R)، توسعه شهری

r.khaleghi85@gmail.com

zdavoudpour@yahoo.com

masre@gmail.com

* دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

*** استادیار گروه اقتصاد شهری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران



مقدمه

با گذشت بیش از شش دهه از آغاز تهیه طرح‌های توسعه و عمران شهری در کشور، آنچه که در این دوره مدنظر بوده مسئله موفقیت طرح‌ها و تحقق پذیری آنهاست. طرح‌های توسعه شهری در ایران، دارای کارایی و کارکرد مناسب و مورد انتظار مدیران شهری، کارشناسان و مردم نیستند. از پژوهش‌های مختلفی که در این زمینه صورت گرفته می‌تواند به مقالاتی با «عنوان آسیب شناسی طرح‌های توسعه شهری از فرآیند تهیه تا اجرا با تأکید بر طرح جامع و تفصیلی شهر مشهد»، «شناسایی علل عدم تحقق کاربری‌های پیشنهادی در طرح‌های توسعه شهری ایران با استفاده از نظریه زمینه‌ای»، «تحلیل عوامل عدم تحقق پذیری طرح‌های جامع در شهرهای کوچک»، «بررسی طرح‌های توسعه شهری و علل عدم تحقق طرح‌ها در ایران»، «ارزیابی عوامل اثر گذار بر عدم تحقق پذیری طرح‌های جامع شهری در ایران و چالش‌های مربوط به آن»، «ارزیابی میزان تحقق پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران» اشاره داشت که همگی بر تحقق پذیری پایین طرح‌های شهری دلالت دارد. یافته‌های پژوهش ارزیابی میزان تحقق پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران نشان می‌دهد که پروژه‌های طراحی شهری در وضعیت نیمه مطلوب تا نامطلوب قرار دارند. مشکلات نظام اجرایی، مشکلات مالی، مشکلات ماهوی طرح، نبود مشارکت سازنده و مشکلات نظام فرآیند تهیه طرح از مواردی است که در پژوهش با عنوان تحلیل عوامل عدم تحقق پذیری طرح‌های جامع در شهرهای کوچک به آن اشاره می‌شود. تحقق کاربری‌های عمومی ارتباط مستقیم با بسط و توسعه عدالت اجتماعی در شهرها دارد. توسعه شهری با رویکرد عدالت اجتماعی یکی از موضوعاتی است که در بسیاری از طرح‌های توسعه شهری مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

کاربری‌های عمومی از قبیل کاربری فضای سبز، آموزشی، درمانی، ورزشی و فرهنگی مورد استفاده عموم شهروندان فارغ از سطح درآمدی و طبقه اجتماعی قرار می‌گیرد. بنابراین به منظور توسعه عدالت اجتماعی در شهرها ناچار به گسترش و تحقق کاربری‌های عمومی در مقیاس‌ها و مناطق مختلف می‌باشد. در خلال این طرح‌ها، بسیاری از مردم متضرر می‌شوند. پیامدهای تملک اراضی در بسیاری از طرح‌های توسعه، سبب نارضایتی‌های گسترده‌ای بین ساکنین مناطق در طرح شده است. همین عامل موجبات تضعیف حق ساکنین و ضررهای مادی و هویتی بسیاری گردیده و مشکلات عدیده‌ای را رقم زده است. از همین روی این پژوهش با هدف تبیین جایگاه رویکرد انتقال حق توسعه در تحقق عدالت اجتماعی اسلامی و ارتقاء تحقق پذیری طرح‌های توسعه شهری می‌باشد.

عوامل مختلفی از قبیل نارسایی اجرایی طرح‌ها، نارسایی ناشی از فرآیند بررسی و تصویب طرح‌ها، عدم تأمین مالی، عدم انعطاف طرح‌ها و عدم دخالت نظرات مردم و گروه‌ها در عدم تحقق طرح‌های توسعه شهری و بالاخص کاربری‌های عمومی دخیل است و از جمله دلایل اصلی عدم موفقیت این طرح‌ها را می‌توان مقابله آنها با حقوق مالکیت دانست. در جامعه‌ای که این حق به صورت قانونی رسمیت دارد، طراحی نظام انتقال حقوق توسعه، بسترسازی و سازماندهی آن در چارچوب طرح شهری، از طریق برقراری پیوند درونی وسایل و اهداف توسعه، به عنوان مبادی و مقاصد انتقال حقوق توسعه، راهی نو برای تحقق طرح‌های شهری در ایران است. بررسی پیشینه مرتبط با پژوهش نشان می‌دهد که به موضوع و جایگاه احکام و قواعد فقهی و اسلامی به شکل متمرکز پرداخته نشده است. در بسیاری از پژوهش‌ها، به بررسی حقوق شهروندی از منظر اندیشه غرب پرداخته شده است و مباحث مرتبط با فقه نیز آنچنان

(ر.ک: Jonhston & Madision, 1997).

برنامه انتقال حق توسعه پس از دهه ۱۹۷۰ در برخی کشورهای توسعه‌یافته مانند کانادا و استرالیا عمدتاً به منظور حفاظت از اراضی طبیعی و کشاورزی و حفظ ارزش‌های روستایی به اجرا درآمده است. در ایتالیا نیز برنامه انتقال حق توسعه در دو دهه اخیر با هدف بازسازی شهری و حفاظت در کنار دیگر ابزارهای نظارت به کارگرفته شده است. اجرای برنامه TDR (۱) در کشورهای در حال توسعه به مراتب دیرتر و در اواخر دهه ۱۹۹۰ آغاز شد. در این کشورها TDR در برخی موارد مانند شهر کوریتیبیا در برزیل به منظور کنترل جهت توسعه مورد استفاده قرار گرفته و در مواردی مانند شهر بمبئی در هندوستان برای کنترل ساخت‌وساز و زاغهنشینی و بهبود وضعیت مسکن به کار گرفته شده است (تیموریان، ۱۳۹۶: ۴۷).

لینکوس (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «انتقال حق توسعه از تئوری تا عمل: تغییر ساختار TDR جهت توسعه انگیزه» به این نتیجه رسیده است که این برنامه‌ها استراتژی‌های استفاده از زمین مبتنی بر بازار که منجر به یک نتیجه برد-برد می‌گردد و تعادل بین رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست را بوجود می‌آورد. در جدول شماره یک مراحل و سیر تطور برنامه‌های TDR مورد بررسی قرار گرفته است (ر.ک: Linkous, 2016).

که باید در حوزه شهر و توسعه شهری تشریح شده است. عدالت اجتماعی یکی از اصول اولیه دین اسلام است که باید در جامعه و شهر اسلامی پیاده و اجرا شود. با این حال، شکاف فزاینده‌ای بین مفهوم نظری عدالت اجتماعی و واقعیت فقدان عدالت در زندگی اجتماعی در شهر وجود دارد. این پژوهش از رهگذر بررسی و تطبیق رویکرد حق انتقال توسعه و تبیین برخی از اصول قواعد مهم در دیدگاه اسلام، و ارتباط و تأثیرگذاری آن در توسعه شهری، پیشنهاداتی جهت تحقق عدالت اجتماعی اسلامی ارائه می‌دهد.

پیشینه پژوهش

ایده انتقال حق توسعه بین املاک برای اولین بار در سال ۱۹۶۰ م در شهر نیویورک با هدف حفاظت از بناهای تاریخی در بافت‌های مرکزی مورد استفاده قرار گرفت (Linkous, 2015: 282). به عبارتی برای نخستین بار، ایده انتقال حق یک پلاک در پلاک مجاور در قانون منطقه بندی سال ۱۹۱۶ شهر نیویورک پیش‌بینی شده بود. این قانون به مالکان اجازه میداد که حق توسعه در ارتفاع خود را به قطعات زمین مجاور به فروش رسانده و قطعات دریافت‌کننده این حق از امکان تخطی از حد مجاز ساخت در ارتفاع و الزامات عقب‌نشینی برخوردار شدند

جدول ۱- مراحل و سیر تطور برنامه TDR

دوره	محدوده	مفهوم غالب
نسل اول: دهه ۱۹۷۰	نیویورک، فلوریدا، مریلند	جنبه‌های عملی برنامه
نسل دوم: دهه ۱۹۸۰	مونته‌گمری، مریلند، نیوجرسی، کلرادو، کالیفرنیا، واشینگتن، سانفرانسیسکو	اهمیت ذی‌نفعان و برنامه‌های مشارکتی
نسل سوم: دهه ۱۹۹۰	نیوجرسی، واشینگتن	تجدیدنظر نسل‌های قبلی و ارائه چارچوب جدید

مأخذ: (تیموریان، ۱۳۹۶: ۴۷)

شهرهای مختلف جهان پرداخته و نتایج آن جمع‌بندی گردیده است.

در ادامه در جدول شماره ۲ به بررسی برنامه‌ها و اهداف مدنظر و انجام گرفته در

جدول ۲- بررسی و تحلیل برنامه‌ها، اهداف و نتایج بکارگیری روش TDR

نمونه موردی	نوع برنامه	اهداف	نتایج
پاین لند نیوجرسی	محیطی کشتزارها	برنامه TDR در پایین لند باعث حفاظت از مناطق کشاورزی باارزش شده است مخصوصاً در مناطق با درختان میوه و گیاهان دارویی و یک اکوسیستم منحصر به فرد از جنگل‌ها و ۸۵۰ نوع گیاه و ۳۵۰ نوع پرنده و انواع حیوانات پستاندار و غیر پستاندار	یکی از موفق‌ترین برنامه‌ها است. که سبب حفاظت از مناطق کشاورزی باارزش شده است.
سامیت، کلوریدا	محیطی و امکانات زیربنایی	از TDR به منظور محافظت از مناطق طبیعی و نیز توسعه‌ی کانال در مکان‌هایی که امکانات زیر بنایی دارد استفاده شده است.	در سال ۲۰۰۰، با استفاده از TDR تعداد ۱۴ انتقال صورت گرفت که موجب حفاظت از ۲۸۰ اکر زمین گردید.
آلاچا، فلوریدا	محیطی و مشخصه‌های روستایی	شهرستان آلاچا، فلوریدا به طور کلی برای حفاظت از فضاهای باز، زمین‌های کشاورزی، زیستگاه‌های حیوانات وحشی، نواحی تفریحی و زمین‌هایی که در نواحی حساس محیطی هستند و به طور جزئی برای حفاظت از مشخصه‌های روستایی کراس کریک استفاده شده است. در واقع در طرح جامع شهرستان آلاچا تشخیص داده شده است که مشخصه‌های طبیعی کراس کریک دارای ارزش حفاظتی می‌باشد.	در ناحیه کراس کریک نواحی ارسالی و دریافتی می‌توانستند دارای‌های جدا از هم باشند. که در صورت حساسیت بیشتر زمین نسبت‌های بالاتری از انتقال به مالکین زمین‌های دریافتی پیشنهاد می‌شد. برنامه TDR توسط چندین خانوار به صورت توسعه‌هایی محلی انجام گردید.
سافولک، ساتامپتون، نیویورک و منابع پایین مرکزی، ایالات نیویورک	محیطی با تأکید بر آب‌های زیرزمینی	شهرستان سافولک، ساتامپتون، نیویورک و منابع پایین مرکزی و ایالات نیویورک هر دو به حوزه‌ی آب‌های زیرزمینی که آب آشامیدنی بیشتر جزیره‌ی لانگ آمریکا را تأمین می‌کنند توجه خاصی دارند.	نتیجه اجرای برنامه TDR در این مکان انتقال ۴۸ واحد حفاظت از ۱۶۳ هکتار زمین می‌باشد
کارول	محیطی با تأکید بر منابع معدنی	شهرستان کارول در ماریلند از TDR برای حفاظت از رسوب-های سنگی زیرزمینی استفاده میکند و در واقع قصد دارد خاصیت سوددهی صنعت مصالح ساختمانی (عامل کلیدی اقتصاد این محل) را افزایش دهد.	شهرستان کارول از طریق TDR اجازه توسعه بر روی زمین‌های باارزش دارای مواد معدنی را محدود کرد و بدین طریق ۸۰ اکر از زمین‌هایش را حفاظت نمود.
ساراسوتا	محیطی با تأکید بر نواحی ساحلی کشتزارها	شهرستان ساراسوتا فلوریدا از TDR به منظور حفظ نواحی محیطی حساس و سست کرن توسعه‌ی بخش‌های فرعی قدیمی استفاده می‌کند	در سال ۱۹۹۹ این شهرستان طرح یک ناحیه ارسالی جدید و سه ناحیه دریافتی جدید را خلق نمود. زمانی که منطقه‌بندی مجدد برای سکونت در نواحی دریافتی انجام گردید برنامه‌های TDR توانستند ۲۵ درصد تراکم تشویقی به دست آورند. که اکثریت توسعه‌دهندگان از این وضعیت رضایت داشتند.
مانتری، کالیفرنیا و شهرستان سانتافی مکزیک نو	محیطی با تأکید بر آب‌های زیرزمینی	شهرستان مانتری، کالیفرنیا از TDR برای کم کردن فشار اقتصادی ممنوعیت توسعه بر قسمت‌هایی از خط ساحلی بیگ سیر که از اتوبان قابل دید هستند استفاده می‌کند شهرستان سانتافی مکزیک نو برای تشویق صاحبان دارای به حفاظت از محیط و مناطق خوش منظره‌ی که به این دو اتوبان نزدیک هستند از TDR استفاده می‌کنند.	در آگوست سال ۲۰۰۱ این شهرستان‌ها از برای حفاظت مناطق طبیعی و چشم‌اندازهای نزدیک بزرگراه استفاده کردند.
مونتگومری ماریلند	کشتزارها	ایالت مذکور تصمیم به تغییر سیاست منطقه‌بندی و تغییر شکل آن بر اساس TDR گرفت. قبل از منطقه‌بندی مجدد توسعه در تراکم یک واحد از هر ۵ هکتار صورت گرفته بود. بعد از منطقه‌بندی مجدد تراکم به یک واحد در هر ۲۵ هکتار برای توسعه زمین‌های ارسالی محدود میشد. این منطقه‌بندی مجدد باعث شد تا کشاورزان زمین خود را از طریق حق ارتقایی کشاورزی محدود به سند کنند و حق توسعه خود را برای کاربرد دیگری بفروشند.	یکی از موفق‌ترین برنامه‌های TDR مربوط به این ایالت می‌باشد که تقریباً نیمی از املاک خود را در مدت ۲۰ سال توانست حفظ کند. شاید مهم‌تر از همه این باشد که این ایالت قادر شده تا اهداف کاربردی زمین را از طریق نیروهای بازار خصوصی و حتی بیشتر از سرمایه‌های عمومی به کاربرد.

نمونه موردی	نوع برنامه	اهداف	نتایج
پیتسبرگ، پنسلوانیا	مکان‌های تاریخی و منابع فرهنگی	آیین‌نامه‌ی TDR در پیتسبرگ و پنسلوانیا به منظور حفظ ساختمان‌های تاریخی و توسعه در ایجاد تسهیلات مربوط به هنرهای نمایشی در نظر گرفته شده است.	برنامه TDR در سال ۱۹۸۳ برای حفاظت از ساختار تاریخی و اجرای هنرهای نمایشی پیتسبرگ اجرا گردید. و بدین وسیله تراکم بالاتر بر اساس منطقه بندی در قسمت مرکزی شهر اجازه داده می‌شده است.
غرب ویندسور، نیوجرسی	مناطق تفریحی	غرب ویندسور، نیوجرسی قانون امتیاز توسعه‌ی حفاظت از مکان‌های تفریحی (که به منظور حفظ محوطه‌ی گلف خصوصی بود) را با دادن اجازه‌ی انتقال به صاحبان ملک از محوطه‌ی گلف به مکان‌های دریافتی پذیرفت.	با استفاده از برنامه TDR این شهرستان موفق به حفاظت از ۱۴۰ آکر از زمین‌هایش گردید.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهش کاربردی بوده و با روش تحقیق توصیفی-تطبیقی است. جمع‌آوری اطلاعات نیز از طریق متون، کتابخانه‌ها و سایت‌های معتبر انجام شده است. همچنین، برای توصیف و تحلیل داده‌ها از روش بررسی تطبیقی متون استفاده شده است. تحلیل در این روش کیفی است، مبنا و معیار در تجزیه و تحلیل‌های کیفی مشخصاً عقل، منطق، تفکر و استدلال است؛ یعنی محقق با استفاده از عقل و منطق و اندیشه باید اسناد، مدارک و اطلاعات را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد و حقیقت و واقعیات را کشف و درباره سؤالات اظهار نظر نماید. (ر.ک: خاکی، ۱۴۰۱) بر همین اساس ضمن گردآوری مباحث حوزه عدالت اجتماعی و روش انتقال حق توسعه به تحلیل رابطه بین روش فوق‌الذکر با تحقق عدالت اجتماعی پرداخته می‌شود. به همین منظور پرسشنامه‌ای جهت بررسی میزان تطابق اصول و راهبردهای حوزه عدالت اجتماعی که در این پژوهش تبیین گردیده، در اختیار ۳۰ نفر از کارشناسان و پژوهشگران قرار گرفت تا با استفاده از تکنیک دلفی به بررسی و تحلیل رابطه این اصول و راهبردها با مبانی انتقال حق توسعه پرداخته شود. تکنیک دلفی به ابزارها و روشی برای ایجاد اجماع با استفاده از یک سری پرسشنامه جهت گردآوری داده‌ها حاصل

از پانلی از شرکت‌کنندگان منتخب اطلاق می‌شود. مهم‌ترین شرایط مورد نیاز برای کاربرد دلفی عبارت است از: نیاز به قضاوت خبرگان، لزوم توافق گروهی در دستیابی به نتایج، لزوم گمنامی در گردآوری داده‌ها، وجود مشکل پیچیده، چندبعدی و بین‌رشته‌ای بودن، نبود توافق و کامل نبودن دانش، وجود خبرگان باتجربه و توانمند، پراکندگی خبرگان، عدم محدودیت زمانی و عدم وجود روش هزینه مؤثر و اثر بخشی است. در پژوهش‌های کیفی که جنبه اکتشافی دارد و شناسایی ماهیت و عناصر بنیادین یک پدیده محور مطالعه است می‌توان از تکنیک دلفی استفاده کرد (ر.ک: Somerville, 2018)

مبانی نظری

طرح‌های توسعه شهری در رابطه با زمین شهری، مالکیت اراضی و سیاست‌های مدیریت شهری در چگونگی انتخاب زمین‌های مناسب برای انواع کاربری‌ها، و ضوابط مربوطه دارای اهمیت بسیار می‌باشد. در این راستا مدیران و سیاست‌گذاران شهری، بدنبال انتخاب مجموعه‌ای از سیاست‌های مناسب می‌باشند تا بتوانند ضمن پاسخگویی به نیازهای روزافزون شهرها، عدالت اجتماعی را تقویت کنند. با توجه به دو مفهوم اساسی پژوهش، یعنی انتقال حق توسعه و عدالت اجتماعی، در اینجا به بیان چارچوب مفهومی مدنظر تحقیق

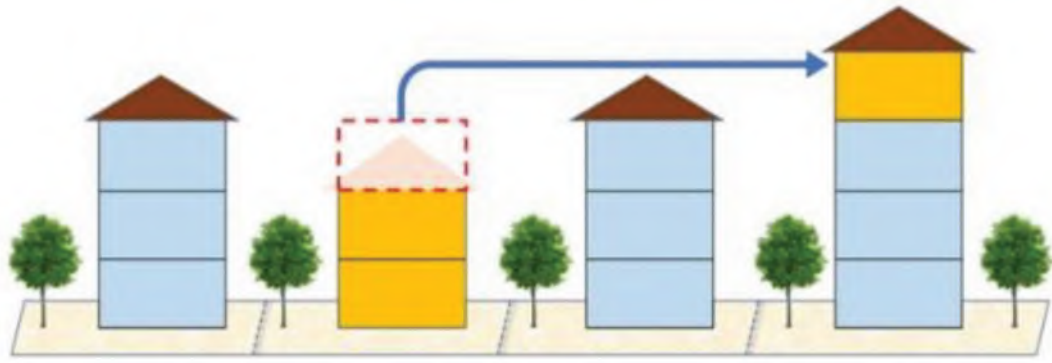
از این دو منظر پرداخته می‌شود. مبانی نظری مرتبط با حقوق مالکیت و رویکرد انتقال حقوق توسعه به عنوان واژگان کلیدی پژوهش در کنار مباحث عدالت اجتماعی اسلامی به خصوص در حوزه مالکیت بررسی می‌شود.

تیین انتقال حق توسعه (TDR)

انتقال حق توسعه، یکی از شیوه‌های نو در امر نظارت بر توسعه اراضی محسوب می‌شود. این روش از کشورهای توسعه یافته و در دهه اخیر در برخی از کشورهای در حال توسعه در کنار دیگر شیوه‌های کنترل و نظارت بر توسعه شهری مورد استفاده قرار گرفته است. TDR به لحاظ جایگاه آن در کاهش نابرابری و تأمین علانه حقوق فردی مالکان، حائز اهمیت است. رویکرد انتقال حق توسعه در واقع برنامه‌ای برای کاهش توسعه فیزیکی در مناطقی است که جامعه یا برنامه‌ریزان خواهان حفاظت آن هستند. از سوی دیگر، این الگو افزایش توسعه و ساخت و ساز در مناطقی که در چارچوب یک برنامه طراحی شده برای رشد فیزیکی، مناسب تشخیص داده شده‌اند را پیشنهاد می‌کند. به بیان دیگر، برنامه انتقال حق توسعه بر آن است که در نقاطی که بایستی حفظ شوند، توسعه را کاهش داده و یا حذف کند و در عوض میل به افزایش توسعه برای مناطقی که خواستار رشد هستند را تقویت کند. انتقال حق توسعه، یک تکنیک بازار محور است که به تشویق داوطلب شدن برای انتقال رشد نواحی کم توسعه (مناطق ارسال) به نواحی با پتانسیل بیشتر برای توسعه (مناطق دریافت) می‌پردازد (فراشبندی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶). برنامه‌ریزی بازار محور از انگاره‌های نو در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای است که به افزایش تحقق پذیری طرح‌های توسعه شهری توجه ویژه‌ای دارد. یکی از اشکال برنامه‌ریزی بازار محور که در دهه ۷۰ برای تحقق اهداف حفاظت میراث فرهنگی در برخی از ایالات آمریکا ظهور نمود،

رویکرد انتقال حق توسعه (TDR) در سطح شهر و ناحیه است (عزیزی و شهاب، ۱۳۹۱: ۲). در چارچوب مفهومی برنامه انتقال حق توسعه، حق توسعه بر پایه مجموعه‌ای از حق مالکیت بنا شده است. مطابق با این الگو، مالکان هر قطعه زمین دارای حقوقی همچون حق اجاره، حق فروش، حق رهن، حق واگذاری و ... می‌باشند که به عنوان حق توسعه خوانده می‌شود. از دیگر مفاهیم الگوی انتقال حق توسعه، ارزش توسعه است. به سخن دیگر ملک می‌تواند واجد ارزش توسعه به مفهوم ساخت و ساز مسکونی یا تجاری و یا دارای هدف غیر توسعه مانند کشاورزی، جنگل داری و تفریحی باشد (فارسی فراشبندی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶). نسل جدید برنامه‌های TDR به گونه‌ای طراحی شده که با تعیین مناطق دریافت کننده که موانع کمی برای توسعه وجود دارد، درصد بهبود بازار نقل و انتقالات بودند (Linkous, 2015: 163).

به عبارتی هر قطعه زمین به طور معمول دارای حقوقی چون آب، حق هوا، حق واگذاری و حق استفاده از ملک، حق اجاره‌ی آن و حق فروش و ... می‌باشد. به همین صورت دارای حقی است که می‌تواند ملک خود را گسترش دهد که با عنوان «حق توسعه» خوانده می‌شود. برخی از این حقوق می‌توانند تفکیک شده و به شخص دیگری فروخته شوند. برنامه‌های انتقال حق توسعه بر این مفهوم استوارند که مالک زمین ممکن است از حقوق توسعه‌ی خود استفاده کرده و یا آن را بفروشند و یا به دیگری انتقال دهند. در اینجا بازار و مکانیزی می‌تواند برای حقوق توسعه‌ی زمین‌هایی که با ارزش هستند و یا در مناطق خاص و ویژه واقع شده‌اند، تشکیل می‌شود و از طریق تقویت بازار، هزینه‌ی توسعه نیز نه از طریق اخذ مالیات و عوارض، بلکه به وسیله‌ی توسعه‌دهندگان که تمایل به سود بیشتر دارند، تأمین می‌گردد (Kaplowitz & other, 2008: 387). در شکل ۱ نحوه کارکرد مدل TDR ساده سازی شده است.



شکل ۱- مدل کارکردی مدل TDR، مأخذ: <https://www.mdpi.com/2075-5309/12/6/778>

به نظر می‌رسد رویکرد انتقال حق توسعه (TDR) بتواند ضمن احترام به حقوق مالکیت خصوصی و ارج نهادن به حقوق توسعه برای افراد و اشخاص جهت استفاده بهینه از اراضی و املاک خود و منتفع شدن از ارزش افزوده ناشی از طرح‌های توسعه شهری، بسترهای مناسب را جهت تأمین منافع عمومی از طریق حفاظت از اراضی کشاورزی، خدماتی، مناظر طبیعی و ... که ارزش نگهداری و حفاظت دارند، فراهم سازد. لذا اصلاح ضوابط و مقررات کاربری زمین و منطقه بندی طرح‌های توسعه و عمران براساس رویکرد فوق می‌تواند در اجرایی شدن آن طرح‌ها بسیار کارگشا باشد. در شکل ۲ عوامل موثر بر موفقیت مدل TDR تبیین شده است.

انتقال حقوق توسعه یکی از شیوه‌های نو در امر نظارت بر توسعه‌ی اراضی محسوب می‌شود. این روش در کشورهای توسعه‌یافته و (در دهه اخیر) در برخی کشورهای درحال توسعه در کنار دیگر شیوه‌های کنترل و نظارت بر توسعه‌ی شهری مورد استفاده قرار گرفته است. صرف نظر از نقش آن در توسعه‌ی شهری، TDR به لحاظ جایگاه آن در کاهش نابرابری و تأمین عادلانه‌ی حقوق فردی مالکان حائز اهمیت است (عزیزی و شهاب، ۱۳۹۱: ۴۳). «برنامه انتقال حق توسعه رویکردی است که ضمن پذیرش حقوق مکتسبه‌ی مردم، سعی می‌کند انتقال آن‌ها برای افزایش کارایی طرح‌های توسعه شهری را تسهیل کند» (نجاح، ۱۳۹۴: ۲۱۳).



شکل ۲- عوامل موثر در موفقیت TDR

مفاهیم اصلی

حقوق توسعه: مفهوم حق توسعه در تئوری مجموعه‌ای از حقوق مالکیت اموال استوار است. مطابق با این تئوری، مالکان زمین دارای مجموعه‌ای از حق شامل حق استفاده، حق اجاره دادن، حق رهن، حق واگذاری و حق ملک خود هستند. به هریک از این حقوق به عنوان یک عنصر جداگانه نگریسته می‌شود که می‌تواند از ملک جدا شده و به عنوان یک کالا فروخته شود (عزیزی و شهاب، ۱۳۹۱: ۴۳-۴۴).

انتقال حق توسعه: ایده انتقال حق توسعه بین املاک برای اولین بار در سال ۱۹۶۰ م در شهر نیویورک با هدف حفاظت از بناهای تاریخی در بافت‌های مرکزی مورد استفاده قرار گرفت. (Linkous, 2015: 282) به عبارتی برای نخستین بار، ایده انتقال حق یک پلاک در پلاک مجاور در قانون منطقه بندی سال ۱۹۱۶ شهر نیویورک پیش‌بینی شده بود. این قانون به مالکان اجازه می‌داد که حق توسعه در ارتفاع خود را به قطعات زمین مجاور به فروش رسانده و قطعات دریافت‌کننده‌ی این حق از امکان تخطی از حد مجاز ساخت در ارتفاع و الزامات عقب‌نشینی برخوردار شدند (ر.ک: Jonhston & Madision, 1997).

منطقه ارسال: به اراضی که در مناطق دارای اهمیت و ارزش‌های ویژه واقع شده‌اند مانند اراضی کشاورزی، فضای باز، املاک با ارزش تاریخی یا هر عنصری که برای جامعه واجد اهمیت است منطقه‌ی ارسال گفته می‌شود (عزیزی و شهاب، ۱۳۹۱: ۴۴).

منطقه دریافت: منطقه دریافت به اراضی گفته می‌شود که برای توسعه مناسب تشخیص داده شده و توسعه‌ی مازاد بر حق پایه در آن مجاز دانسته شده یا تشویق می‌شود (همان). ارزش توسعه: ملک می‌تواند واجد ارزش توسعه به مفهوم ساخت و ساز مسکونی و یا تجاری و یا دارای هدف غیر توسعه مانند کشاورزی، جنگل‌داری و تفریحی باشد. به

سخن دیگر، این دو ارزش توسعه و غیر توسعه با هم ارزش بازاری یک ملک را تشکیل می‌دهند (همان).

تبیین مبانی عدالت اجتماعی اسلامی در شهر عدالت

وزن لغت عدل به معنی راست کردن؛ برابر کردن؛ مانند گردانیدن؛ انصاف برای درست کردن؛ دو قسمت (عدل) کردن می‌باشد و عدل به معنی داد، مساوی و همتا است (ر.ک: سیاح، ۱۳۶۶). عدالت؛ عداله؛ در فارسی به سه معنی آمده است: ۱- دادستان، دادگری ۲- میانجیگری، دامنندی یا انصاف ۳- برابری (ر.ک: پرتو، ۱۳۷۳).

معادل عدالت در زبان انگلیسی Equity و Justice و در زبان فرانسوی Equite و Justice می‌باشد (ر.ک: آیت الله زاده شیرازی، ۱۳۶۸). محمد معین عدالت را معادل دادکردن، دادگر بودن، انصاف داشتن می‌داند و عدالت اجتماعی را عدالتی می‌داند که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند (ر.ک: معین، ۱۳۶۰). عدالت در مفهوم افلاطونی آن عبارت است از رعایت حدود. در زبان یونانی می‌گفته‌اند: عدالت عبارت است از مجموع محسنات. در کتاب جمهور، اثر افلاطون، لغت یونانی دیکاین که به ناچار به عدل یا عدالت ترجمه شده است دارای معنی وسیع‌تری است. از جمله: راستگویی؛ درستکاری؛ انجام وظیفه؛ رعایت حقوق دیگران؛ حق‌شناسی؛ انصاف و خلاصه حسن اخلاق به وسیع‌ترین معنی کلمه (ر.ک: روحانی، ۱۳۶۰). عدالت که در لغت به معنای اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط است، در افراد مجتمعات بشری هم عبارت است از افرادی که قسمت عمده اجتماع را تشکیل می‌دهند و آنان همان افراد متوسط‌الحالند که در حقیقت به منزله جوهره ذات اجتماعند و همه ترکیب و تألیف‌های اجتماعی روی آنان

می‌گیرد که دارای پنج خصیصه به شرح زیر است:

- ۱- بهره‌کشی گروهی از گروه دیگر
- ۲- حاشیه‌ای شدن (طرد گروهی معین مانند معلولین، زنان و ...)
- ۳- فقدان قدرت در گروهی از مردم
- ۴- سلطه فرهنگی گروهی بر گروه دیگر
- ۵- اعمال خشونت (ر.ک: شکویی، ۱۳۷۵)

عدالت فضایی

منظور از عدالت فضایی، توزیع عادلانه امکانات، تسهیلات و خدمات در سطح سرزمین است، به طوری که هیچ مکانی نسبت به مکان دیگر از نظر برخورداری از مزیت‌های فضایی برتری نداشته باشد. نابرابری شرایط طبیعی نباید توجیهی بر نابرابری فضایی تلقی شود. بلکه با استفاده از اصل پیشنهادی «اولویت» بهتر است به مناطق محروم کشور و به نواحی کمتر توسعه یافته و همچنین در مقیاس خردتر در سطح محلات نابسامان شهری، به سکونت‌گاه‌های غیررسمی توجه بیشتری شود و عدالت توزیعی مد نظر قرار گیرد.

در اجرای طرح‌های توسعه شهری بعضاً حقوق اکتسابی و مالکیت اشخاص مورد تهدید قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر عملی ساختن طرح‌های مذکور موجب می‌شود در موارد عدیده‌ای میان مالکیت اشخاص و نفع عمومی تعارضاتی به وجود آید.

شاید بحث از حسن عدل و لزوم تحقق آن در همه روابط، به نظر غیرضروری برسد؛ ولی توجه به زاویه ورود کلام معصومین (ع) به این بحث و شکل طرح مبانی بحث عدالت اجتماعی، فضایی وسیع و دیدی عمیق و جامع نسبت به مسئله به وجود می‌آورد و تفاوت بحث عدالت اجتماعی در مکاتب دیگر با نگاه اسلام را نشان می‌دهد. عدالت در روابط میان حکومت و مردم، رسوم و قراردادهای اجتماعی، قانون‌ها و برنامه‌ها و همچنین در برخورد افراد با یکدیگر تبلور می‌یابد. به

دور می‌زند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۵). استاد علامه طباطبائی اصول اخلاق فاضله را چهار چیز می‌داند: ۱- عفت ۲- شجاعت ۳- حکمت ۴- عدالت (ر.ک: همان: ۵۶۰) و منظورش از عدالت آن است که حق هر قوه‌ای را در جای خودش مصرف کنی که دو طرف افراط و تفریط است. عدالت عبارت است از ظلم و انظلام از ستمگری و ستم‌کشی (همان). در دایره المعارف الشیعیه العامه، عدالت (به فتح عین) به معنی مساوی بودن و مساوی کردن آمده است. همچنین عدالت را پایداری در راه حق یا پرهیز از هر چیزی که در دین ممنوع شده است، می‌داند (ر.ک: الاعلمی الحایری، ۱۴۱۳ق).

عدالت عبارت است از این است که به هر کسی به اندازه استحقاقش یا شایستگی‌اش چیزی داده شود (ر.ک: Thorndike 1942). یا می‌توان عدالت را «رعایت انصاف، تعیین حقوق بر اساس قانون برابری» دانست (ر.ک: Webster dictionary, 1362). به عبارت دیگر «عدالت کنش یا حالتی است که صحیح و منصفانه باشد» (ر.ک: Hoggart, 1995).

عدالت اجتماعی

در فرهنگ علوم سیاسی آمده است: عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. به عبارت دیگر هر فرد بر اساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار شود. همچنین عدالت اجتماعی یعنی کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است (آقایخشی، ۱۳۷۴: ۳۱۷).

به‌طور کلی عدالت یک امر ذهنی است و هر فرد باید از حق دستیابی به نیازهای اساسی حیاتی بهره‌مند باشد (لینچ، ۱۳۷۶: ۲۹۸). غالباً در برابر عدالت اجتماعی، بی‌عدالتی قرار

دلیل ماهیت میان رشته‌ای عدالت، برداشت‌ها از این مفهوم و شیوه پیاده سازی آن، نه تنها یکسان نبوده، بلکه حتی گاهی متناقض نیز بوده است (داداشپور و الوندیپور، ۱۳۹۶: ۱). در ارتباط با مفهوم عدالت، مفاهیمی چون برابری، انصاف و مساوات نیز مطرح می‌شوند. عدل از دیدگاه متفکرین اسلامی در دو جا واقع می‌شود: یکی در بخش امور تکوینی و دیگری در امور تشریحی. تعریف اول به خلقت امور باز می‌گردد و تعریف دوم "اعطاء کل ذی حق حقه" است و به روابط و اعمال خارجی برمی‌گردد (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳۶). در تفکر اسلامی، عدالت از اصول دین می‌باشد. مطابق فرمایش امیر المومنین «العدل حیات» یعنی عدالت زندگی است. در حدیث نبوی آمده است «بالعدل قامت السموات و الارض» همانا آسمان و زمین به موجب عدل برپاست (امین زاده و نقی زاده، ۱۳۸۱: ۲۴).

شیعه با نگرش به عدالت به عنوان یکی از اصول بنیادین دین، آن را جاری و ساری در تمام شئون زندگی فردی خصوصاً اجتماعی قلمداد می‌کند (فوزی و مرادی، ۱۳۸۹: ۹۵). در فرهنگ اسلامی عدالت اجتماعی و تحقق آن برای جامعه بشری، از چنان ارزش و اعتباری برخوردار است که خداوند متعال در آیات متعددی از جمله آیه ۲۵ در سوره حدید، دلیل فرستادن پیامبر (ص) را تحقق عدالت در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی، بیان فرموده است (حیبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۵). اهمیت عدالت تاحدی است که بنا به گفته امام علی (ع) جامعه را جز با عدالت نمی‌توان اصلاح کرد (الرعیه لا یصلحها الا بالعدل) (قادری حاجت، ۱۳۹۳: ۲۳).

عدالت اجتماعی عبارت است از ارزشی که با فراگیر شدن آن، جامعه دارای شرایط و زمینه‌هایی می‌شود که هر صاحب حقی به حق خود می‌رسد و امور جامعه به تناسب و تعادل، در جای شایسته و بایسته خویش، قرار می‌گیرد. (سید باقری، ۱۳۸۷: ۲۵).

با توجه به عوامل مختلف تاثیر گذار بر عدالت، عدالت اجتماعی را نمی‌توان منحصرأً از طریق قانون بیان کرد، بلکه باید پیامدهای افزایش بی عدالتی را در مقیاس‌های مختلف بررسی نمود (Hawkins -win, 2020: 897). به همین دلیل است که در برنامه فعلی توسعه شهری سازمان ملل متحد، یونسکو بر ضرورت پیگیری عدالت در تمام ابعاد توسعه شهری تأکید می‌کند تا از هر نوع بی عدالتی که محرومیت دسترسی به منابع را افزایش دهد جلوگیری شود. این اقدامات عموماً از طریق توافق در عرصه تعاملات بین مردم و مدیریت شهری ایجاد می‌شود (Uwayezu & Vries, 2018: 3).

یکی از مهمترین موضوعات در زمینه تحقق عدالت اجتماعی، توجه به مقوله مالکیت در طرح‌های توسعه شهری می‌باشد. در برنامه‌ریزی شهری، اهمیت و جایگاه حقوق مالکیت در توسعه و تحول اقتصادی جامعه شهری نیز دچار تحول شده است. در این نظم کنترل توسعه دیگر به ندرت محدود به تنظیم امور است، بلکه اغلب با مشوق‌هایی برای تقویت اثربخشی سیاست‌ها یا تحقق طرح تکمیل می‌شود (Alexander, 2007: 116). لذا هرگونه برنامه‌ریزی مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر می‌بایست بتواند هم در توزیع نیازها و منافع عمومی و هم در تخصیص آنها مؤثر باشد (Manuel, 2016: 2).

اصول عدالت اجتماعی در شهر اسلامی

اصول از جنس بایدها و نبایدها و برگرفته از مبانی بوده که به عنوان جزو اصلی نظریات کاربردی، نقش راهنمای عمل در گذر از مبانی به تحقق اهداف را ایفا می‌کنند. در واقع، یک اندیشه و ارزش برخاسته از مبادی حقیقت، زمانی می‌تواند در ساحت عمل و اجرا کاربست یابد که بتوان آن را در قالب اصول معین انتزاع کرد و آن را محور پایدار و راهنمای اقدامات با

متناسب با داشته‌ها، آورده‌ها و یا میزان فعالیت و تلاش صورت گرفته رفتار می‌شود.

اصل چهارم، رعایت اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها

مفهوم اصلی این اصل، انعطاف در اجرای قوانین و آیین‌نامه‌ها، دریافت تعرفه‌های خدمات و عوارض شهری، و در نظر گرفتن شرایط شهروندان در زمان‌های مختلف است. در واقع، نهادهای مدیریتی و دولتی در ابتدا باید زمینه‌های رونق و توسعه اقتصادی را فراهم آورند و به تبع آن انتظار دریافت حقوق قانونی را از شهروندان داشته باشند.

اصل پنجم، عدم اختصاصی‌سازی اموال و منافع عمومی

منظور از اختصاصی‌سازی در این اصل، تخصیص و یا خصوصی کردن منابع عمومی است. بر پایه این اصل، اختصاص اموال، منابع، منافع و یا خدماتی که متعلق به عموم شهروندان است، به نفع فرد یا طبقه و گروه خاص و یا متمرکز کردن آنها در محله یا محدوده‌ای مشخص که مانع از دستیابی دیگر شهروندان بدان‌ها شود، ممنوع و مخالف عدالت است.

اصل ششم، انتفاع همگانی در امور عمومی
اصل انتفاع همگانی به بعد دیگری از عدالت اشاره می‌کند که در کنار توزیع و دسترسی برابر، رعایت آن لازمه پیاده‌سازی صحیح عدالت است. در واقع این امکان هست که در توزیع یک خدمت عمومی توسط نهاد مدیریت شهری، اصل برابری توزیع و دسترسی برابر رعایت شده باشد، ولی همه شهروندان امکان انتفاع از آن را نداشته باشند.

تحلیل و بررسی یافته‌ها

زمانیکه اسلام در قرن هفتم، به ظهور رسید اصول اساسی آن از بین بردن نابرابری و بی‌عدالتی‌های دوران پیش از اسلام، تأمین حقوق اساسی مظلومان و استقرار عدالت در بین مردم بود. با بررسی اصول و مبانی عدالت

نظر به تحقق هدف قرار داد. در ادامه براساس پژوهشی از بهزاد عمران‌زاده در سال ۱۳۹۸، با عنوان «مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلامی (۲)» به اصول و راهبردهای عدالت اجتماعی در شهر براساس نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه حضرت علی (ع) اشاره خواهیم داشت.

اصل اول، تساوی در حقوق عمومی

اصل تساوی در حقوق عمومی، به معنای رعایت مساوات در توزیع تمامی امکانات، برخورداری‌ها و منابع، بین تمامی شهروندان است. مبنای این اصل، حق طبیعی اجتماعی افراد است. بر پایه این اصل نوع پراکنش خدمات عمومی در سطوح مختلف شهری و سرزمینی، باید به گونه‌ای انجام شود که همه شهروندان دسترسی مناسبی به این خدمات داشته باشند.

اصل دوم، عدم موضوعیت جایگاه و مقام افراد در اجرای عدالت

منظور از این اصل، جایگاه برابر همه شهروندان و افراد اجتماع در برابر قوانین و در زمان اجرای عدالت است. بر پایه این اصل جایگاه و مقام افراد در مقابل قانون، جایگاهی برابر است. بر همین اساس در اجرای عدالت، هم در مقام توزیع منابع و خدمات و هم در مقام تصحیح و جبران بی‌عدالتی‌ها، افراد خاص، محلات و یا مناطق خاص، هیچ ارجحیتی نسبت به دیگر افراد، محلات یا مناطق ندارند.

اصل سوم، عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی- اجتماعی

حقوق اکتسابی تقریباً در نقطه مقابل حقوق عمومی قرار دارند. به تمامی حقوق و یا امتیازاتی که به‌واسطه انجام فعلی خاص، دستیابی به جایگاهی مشخص و یا اکتساب شرایطی ویژه نصیب افراد می‌شود، حقوق اکتسابی می‌گویند. در موضوع حقوق اکتسابی با افراد به صورت برابر برخورد نمی‌شود، بلکه طبق ضوابط و قوانین مربوطه با هر شخص

اجتماعی اسلامی می‌توان دریافت که اساساً در اسلام اجازه‌ی ضرر زدن وجود ندارد و حاکم اسلامی دایره هر مالکیتی را که موجب ضرر و زیان به دیگران باشد، محدود می‌کند (نوحی، ۱۳۸۴: ۳۱-۴۰). سلب شدن مالکیت افراد نسبت به املاک و اموال، توسط ارگان‌های تحت لوای دولت، تفکر عدم برقراری نظم و عدالت اجتماعی و عدم برنامه‌ریزی صحیح، از جمله مشکلاتی است که مردم با آن روبرو هستند. در ایران برخی حقوقدانان شهری، توافقات حاکم شهری (شهرداری) با مالکان اراضی جهت اجرای طرح‌های توسعه شهری را از سنخ قرارداد دانسته و تابع اصول و قواعد حاکم بر قراردادهای می‌دانند؛ آنچه موجب شده است این حقوقدانان توجه بیشتری به جنبه قهرانی این نوع توافقات داشته باشند، پیش فرض برتری حقوق عمومی بر حقوق خصوصی است.

در بررسی نظم حاکم بر حقوق مالکانه در برابر طرح‌های عمومی شهرداری، می‌توان به این حقیقت پی برد که در کنار منابع عمومی حقوق که نقش قاعده‌سازی و قاعده‌گذاری در این حوزه را نیز به عهده دارند، منابع خاص و ویژه‌ای نیز وجود دارند که در برپایی نظم ایفای نقش می‌نماید. واقعیت این است که علاوه بر مجلس که تنها منبع قانونگذاری معرفی شده است، منابع خاص دیگری همچون شورای عالی شهرسازی و معماری یا کمیسیون ماده پنج این قانون و یا شوراهای شهر هستند که مبادرت به وضع قواعدی می‌کنند که نمی‌توان صرفاً به آنها به‌عنوان یک آئین نامه اجرایی و یا تسهیل کننده قوانین نگریست؛ بلکه مقرراتی که این مراجعه و منابع تولید می‌کنند، گاه چیزی کمتر از قانون مجلس ندارد (بهشتیان، ۱۳۹۰: ۶۳). در فقه اسلامی قواعدی وجود دارد که دلالت بر نفی ضرر و پیشگیری از ورود ضرر دارد. وجود این دلایل؛ «دلایل دال بر سلطنت مالک و دلایل دال بر نفی ضرر و سلب مالکیت از فرد»، منجر به تعارض این دو گونه دلایل شده است. بر این اساس اگر

مالک چیزی دارد، حق دارد در آن هرگونه دخل و تصرفی کند (گواهی و ثقفی، ۱۳۹۴: ۳۱). بحث حق مالکیت و رعایت انصاف در نظر اسلام، مطلق، انحصاری و دائم است. اصالت مالکیت در اسلام مبتنی بر آیات و روایات بی‌شماری است که مشهورترین آنها حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» می‌باشد که در فقه به قاعده تسلیط معروف شده است. حدود اختیارات مالک طبق این قاعده مستثنی نیست. بیشک، شارع مقدس در امر تسلط انسان‌ها بر اموالشان محدودیت‌هایی را اعمال کرده است؛ بنابراین، نصوص دینی بر این متفق اند که «هرگاه از ناحیه تصرف متصرف، خسارتی بر دیگران وارد شود، به گونه‌ای که عرفاً خسارت به متصرف اسناد داده شود، او ضامن خواهد بود» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۹-۱۸۱ به نقل از عندلیب، ۱۳۹۷: ۱۴).

پژوهش حاضر در موضوع حق به شهر و شهروندان، نشان داد که مطالعه ماهوی روش انتقال حق توسعه، می‌تواند ساختار و چارچوب بی نظیری را در اختیار متفکران حوزه شهری، سیاست‌گذاران و مدیران شهری بگذارد تا زمینه دستیابی به اهداف اصول عدالت اجتماعی اسلامی فراهم گردد.

قواعد تسلیط^۳، لاضرار^۴، مصلحت، تسبیت یا اتلاف^۲ از مهمترین اصول فقهی است که رعایت آنها باید در شهرسازی اسلامی ایران در جهت حفظ و تحکیم بنیان خانواده، ثبات مالکیت، احترام به شهروندان مورد توجه قرار گیرد.

گاهی پیش می‌آید که مصلحت عمومی دستاویزی برای تجاوز به مالکیت خصوصی افراد گردد. چرا که یک فرد نباید تمام هزینه مصلحتی را که تمام جامعه قرار است از آن بهره‌مند گردد را بدهد. برای تحقق رویکرد مطلوب و عادلانه باید با جبران خسارت

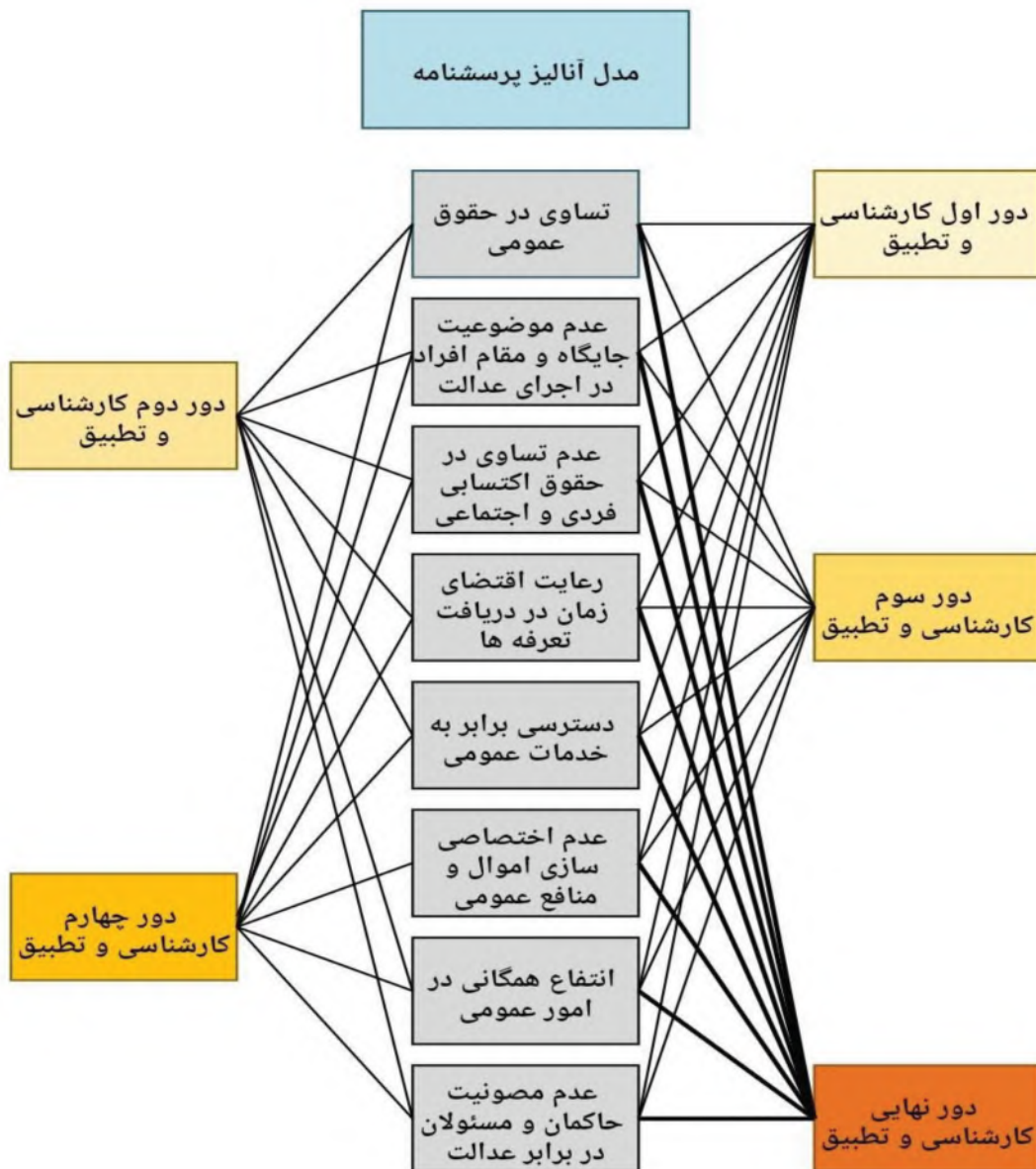
۱. این قاعده به معنای کاستی وارد کردن در مال و زمین به کار برده شده است.

۲. مطابق این قاعده عمل شخص مستقیماً یا غیر مستقیم موجب اتلاف مال دیگری می‌شود.

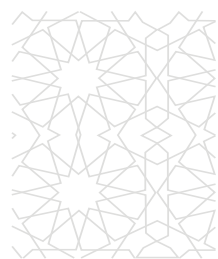
مصلحت عمومی را در میان تمام افراد جامعه توزیع نمود. اما بعضی موارد وجود دارد که ضرر به افراد به صورت مستقیم و به شکل اخذ مال یا تصرف مستقیم صورت نگرفته است. بلکه اقداماتی از جمله طرح‌های توسعه شهری به صورت غیر مستقیم منجر به ضرر فرد شده است. در این راستا زمین نقش اساسی در هر نوع برنامه توسعه و عمران ایفا می‌کند و سرنوشت هر طرح شهری و منطقه‌ای به نحوه تاثیرگذاری آن در روند استفاده از زمین وابسته است. بنابراین پیش شرط لازم برای اجرای

موفقیت آمیز هر نوع طرح توسعه شهری در اختیار داشتن زمین کافی و مناسب از یک طرف و داشتن اختیارات و امکانات حقوقی، مالی، فنی و اداری برای استفاده بهینه از آن از طرف دیگر است.

به منظور بررسی و تحلیل نظرات کارشناسی بین اصول و راهبردهای مستخرج از فقه اسلامی با مبانی انتقال حق توسعه طرح شده در این پژوهش مدل آنالیزی بر اساس تکنیک دلفی طراحی گردید که در شکل ۳ ارائه شده است.



شکل ۳- مدل آنالیز پرسشنامه بر اساس تکنیک دلفی



و تطبیق ۵ دور نظرات کارشناسی بین اصول و راهبردهای مستخرج از فقه اسلامی با مبانی انتقال حق توسعه نتایج زیر حاصل گردیده است: (جدول ۳)

بر اساس بررسی‌هایی که در پژوهش حاضر صورت پذیرفت بدیهی است، فرآیند تحقق و عملیاتی کردن قواعد فقه اسلامی در حوزه‌ی شهرسازی نیازمند بکارگیری روش‌های جدید همچون انتقال حق توسعه است. در بررسی

جدول ۳ - نتایج تکنیک دلفی در بررسی و تطبیق نظرات کارشناسی بین اصول و راهبردهای مستخرج از فقه اسلامی با مبانی انتقال حق توسعه

دور اول	دور دوم	دور سوم	دور چهارم	دور نهایی	نتایج پرسشنامه
۴/۵۷	۴/۵۰	۴/۵۷	۴/۶۳	۴/۴۷	تساوی در حقوق عمومی
۴/۵۳	۴/۴۷	۴/۵۰	۴/۴۷	۴/۴۳	عدم موضوعیت جایگاه و مقام افراد در اجرای عدالت
۴/۰۰	۳/۸۳	۴/۰۳	۳/۶۰	۴/۰۷	عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی - اجتماعی
۳/۸۳	۴/۱۷	۴/۱۰	۳/۷۳	۳/۹۷	رعایت اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها
۴/۱۳	۴/۲۳	۴/۰۳	۴/۱۷	۳/۹۰	دسترسی برابر به خدمات عمومی
۳/۹۳	۳/۸۷	۳/۹۷	۴/۰۷	۳/۸۷	عدم اختصاصی سازی اموال و منافع عمومی
۳/۲۳	۲/۸۳	۲/۷۷	۳/۰۷	۲/۹۰	انتفاع همگانی در امور عمومی
۲/۸۳	۳/۰۰	۲/۸۳	۲/۷۷	۲/۸۷	عدم مصونیت حاکمان و مسئولان در برابر عدالت

که ارزش نگهداری و حفاظت دارند، فراهم سازد. لذا اصلاح ضوابط و مقررات کاربری زمین و منطقه بندی طرح‌های توسعه و عمران براساس رویکرد فوق می‌تواند در اجرایی شدن آن طرح‌ها بسیار کارگشا باشد. در جدول ۴ مقایسه تطبیقی بین اصول و راهبردهای عدالت اجتماعی تبیین شده با مبانی روش انتقال حق توسعه مورد بررسی قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد رویکرد انتقال حق توسعه (TDR) بتواند ضمن احترام به حقوق مالکیت خصوصی و ارج نهادن به حقوق توسعه برای افراد و اشخاص جهت استفاده بهینه از اراضی و املاک خود و منتفع شدن از ارزش افزوده ناشی از طرح‌های توسعه شهری، بسترهای مناسب را جهت تأمین منافع عمومی از طریق حفاظت از اراضی کشاورزی، خدماتی، مناظر طبیعی و...

جدول ۴ - مقایسه تطبیقی اصول و راهبردهای عدالت اجتماعی با مبانی روش انتقال حق توسعه

اصول عدالت اجتماعی	راهبردهای عدالت اجتماعی	میزان تطابق اصول و راهبردها با مبانی روش انتقال حق توسعه
۱ • تساوی در حقوق عمومی	ایجاد بستر قانونی مناسب برای جلوگیری از ظلم	کاملاً منطبق است
۲ • عدم موضوعیت جایگاه و مقام افراد در اجرای عدالت	رعایت حقوق متقابل توسط حکومت و مردم	کاملاً منطبق است
۳ • عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی - اجتماعی	توزیع فضایی برابر خدمات	تا حدودی منطبق است
۴ • رعایت اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها	اولویت دادن به فعالان عرصه‌های مختلف اجتماع	تا حدودی منطبق است
۵ • دسترسی برابر به خدمات عمومی	حمایت از طبقات و اقشار مختلف به اقتضای شرایط	تا حدودی منطبق است
۶ • عدم اختصاصی سازی اموال و منافع عمومی	اولویت رسیدگی به طبقات پایین اجتماع	تا حدودی منطبق است
۷ • انتفاع همگانی در امور عمومی	توزیع منابع براساس کارایی و استحقاق	تا حدودی منطبق است

نتیجه گیری

این پژوهش با عنوان تبیین کارکرد روش انتقال حق توسعه (TDR) در راستای تحقق عدالت اجتماعی اسلامی تلاشی است برای معرفی رویکرد انتقال حقوق توسعه و شیوه استفاده از آن برای محقق نمودن اهداف طرح‌های توسعه شهری در ایران با توجه به آرمان‌های عدالت اجتماعی اسلامی. از آنجایی که نهادهای عمومی و دولتی توان و الزامی برای تحقق طرح‌های شهری را نداشته و در عمل به مدیریت شهری هزینه‌های هنگفتی تحمیل شده، بدون آنکه درآمد پایداری برای آن در نظر گرفته شود، به نظر می‌رسد این امر وظیفه برنامه‌ریز شهری را برای یافتن راهکارهای تحقق‌پذیری و تأمین درآمد مالی مدیریت شهری دو چندان می‌نماید. بنابراین برنامه‌ریزی و طرح توسعه بر سر چنان دوراهی قرار می‌گیرد که چنانچه بخواهد اثربخش و کارآمد باشد، چاره‌ای جز تعامل با حقوق مالکیت نخواهد داشت. لازم به توضیح است که از جمله دلایل اصلی عدم موفقیت طرح‌های توسعه شهری را می‌توان مقابله آن‌ها با حقوق مالکیت دانست؛ در جامعه‌ای که این حق به صورت قانونی رسمیت دارد. بر اساس آنچه که در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، به نظر می‌رسد تحقق و عملیاتی نمودن قواعد عدالت اجتماعی اسلامی در حوزه شهرسازی نیازمند به‌کارگیری روش‌های جدید همچون انتقال حق توسعه جهت تأمین حقوق شرعی و قانونی مالکین بوده و به همین سبب طراحی نظام انتقال حقوق توسعه، بسترسازی و سازماندهی آن در چارچوب طرح شهری، از طریق برقراری پیوند درونی وسایل و اهداف توسعه، به عنوان مبادی و مقاصد انتقال حقوق توسعه، راهی نو برای تحقق طرح‌های شهری در ایران است. استفاده از رویکرد TDR باعث بهبود توزیع سرمایه‌گذاری در شهر می‌شود. در قوانین ایران، مانند بسیاری از کشورهای اجزای حق به شیوه‌های متفاوت قابل تفکیک از

یکدیگر و انتقال به غیر هستند. بنابر این حتی به نام حق توسعه که دارای بالاترین ارزش در مقایسه با دیگر اجزای حقوق مالکیت است، به صورت جداگانه و نیز به همراه سایر اجزای حقوق مالکیت قابل مبادله و انتقال است. یافته‌های این تحقیق نشان داد، نظامی از انتقال حقوق توسعه که قادر باشد منفعت توسعه را بین دو بخش عمومی و خصوصی به صورت عادلانه تقسیم کند، به نحوی که شهر بتواند هزینه توسعه را از درآمد آن تأمین نماید و تعادلی بین این دو برقرار سازد، به نظر ضروری و مفید می‌آید. بدیهی است حق توسعه بخشی از حقوق مالکیت است که می‌تواند به صورت مجزا یا همراه با سایر اجزای حقوق مالکیت به عنوان یک کل به شخص یا مکان دیگر انتقال یابد. از سوی دیگر اگر بنای توسعه، به درستی سازماندهی و برنامه‌ریزی شود و از مدیریت توانمند نیز برخوردار باشد، می‌تواند خود هزینه‌اش را پردازد. همانطور که مطالعات این پژوهش نشان داد، در رویکرد انتقال حقوق توسعه، عدالت اجتماعی مکمل یکدیگر و نه مقابل هم دیده شده‌اند. می‌توان نظام پیشنهادی انتقال حقوق توسعه را دارای رویکردی عدالت محور دانست.

از آنجا که در طرح‌های توسعه شهری، پیشنهادهای در نظر گرفته می‌شود که به سبب آن‌ها خساراتی به مالکانی که تحت تأثیر این قواعد قرار می‌گیرند وارد می‌شود. از همین روی و در راستای تحقق عدالت اجتماعی که از اساسی‌ترین ارزش‌های اجتماع انسانی و دین اسلام می‌باشد، لازم است که با به‌کارگیری روش‌ها و برنامه‌هایی، حقوق از دست رفته این بخش از شهروندان در یک نظام و ساختار مشخص و علمی، محقق گردد. روش حق انتقال توسعه یکی از رویکردها و برنامه‌های جاری در جهان است که کمتر در ایران مورد توجه قرار گرفته و در این پژوهش سعی گردیده، ضمن تبیین اصول و قواعد عدالت اجتماعی اسلامی به تطبیق و تحلیل رابطه این اصول

و قواعد با روش حق انتقال توسعه پرداخته شود. در بررسی اصول عدالت اجتماعی هشت اصل؛ تساوی در حقوق عمومی، عدم موضوعیت جایگاه و مقام افراد در اجرای عدالت، عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی- اجتماعی، رعایت اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها، دسترسی برابر به خدمات عمومی، عدم اختصاصی‌سازی اموال و منافع عمومی، انتفاع همگانی در امور عمومی، عدم مصونیت حاکمان و مسئولان در برابر عدالت تبیین شد و در مقایسه با مبانی روش حق انتقال توسعه مشخص گردید بین اصول تساوی در حقوق عمومی، عدم موضوعیت جایگاه و مقام افراد در اجرای عدالت با روش حق انتقال توسعه کاملاً منطبق هستند و عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی- اجتماعی، رعایت اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها، دسترسی برابر به خدمات عمومی، عدم اختصاصی‌سازی اموال و منافع عمومی، انتفاع همگانی در امور عمومی، عدم مصونیت حاکمان و مسئولان در برابر عدالت تا حدود زیادی منطبق می‌باشند به همین سبب می‌توان در جهت نیل به اهداف مدنظر آن اصول و برقراری عدالت اجتماعی اسلامی از روش انتقال حق توسعه استفاده نمود.

پی‌نوشت

۱. انتقال حق توسعه TDR رویکردی است بازاری که برای تعادل بخشی و توزیع متوازن منافع و ضررهای تهیه طرح‌های شهری به ویژه در بخش حفاظت از ساختمان‌های میراث تاریخی و نیز اراضی کشاورزی و باغی به‌کار می‌رود. این برنامه با هدف حفظ اراضی با ارزش و ذخیره آن برای توسعه آتی شهر، تلاش در جهت تبیین مفهوم حقوق مرتبط بر توسعه و انتقال آن از یک ناحیه به سایر نواحی مستعد که واجد ارزش‌های توسعه پایدار هستند، دارد.
۲. پژوهش فوق بخشی از یک پژوهش

کلان در راستای دستیابی به نظریه اسلامی عدالت اجتماعی و فضایی می‌باشد، و با بهره‌گیری از روش گراندد تئوری آمار کمی بررسی و تحلیل نمونه‌های انتخاب شده از نظر تعداد بخش‌ها، کدها، مفاهیم استخراجی و مفاهیم مورد بررسی قرار گرفته و تقویت شده گزارش گردیده است. با توجه به بررسی و تحلیل نمونه‌های انتخاب شده و کدها و مفاهیم به دست آمده، و بر اساس فرآیند روش شناسی نظریه پردازی داده بنیاد، با استفاده از تکنیک مقایسه و سوال و بررسی ابعاد و ویژگی‌های کدها و مفاهیم حاصله و بررسی ارتباطات آنها، مفاهیم در قالب مفاهیم اصلی و مقوله‌ها مجدداً در سطح انتزاعی تری طبقه بندی شده اند.

۳. بر اساس این قاعده مردم حق هرگونه سلطنت را بر اموال خود دارند و بوسیله این سلطنت، مالک می‌تواند هرگونه تصرف و انتفاعی را که بخواهد از آن ببرد. این قاعده به «تسلط یا سلطنت» نیز مشهور است.

منابع

- داداش‌پور، هاشم، و سینا محسن زاده (۱۳۹۱) امکان سنجی استفاده از الگوی انتقال حقوق توسعه برای حفاظت از اراضی کشاورزی شهر بابلسر. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی)، ۱۲(۲۵)، صص ۷-۲۹.
- تیموریان، علی (۱۳۹۶) توسعه شهری پایدار با استفاده از رویکرد حق انتقال توسعه نمونه موردی شهر لواسان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده شهرسازی و معماری، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- فارسی‌فراشبندی، حمیدرضا، سیدرضا آزاده، مجتبی‌الملکیان بهابادی (۱۳۹۶) امکان سنجی اجرای روش انتقال حق توسعه جهت تامین زمین خدمات شهری در شهر شیراز. مطالعات شهری، ۶(۲۲)، صص ۳-۱۴.

علی زنگی آبادی، ع، عبداللهی، م، سالک قهفرخی، ر و قاسم‌زاده، ب (۱۳۹۳) ارزیابی عوامل اثرگذار بر عدم تحقق‌پذیری طرح‌های جامع شهری در ایران و چالش‌های مربوط به آن، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری.

ثقفی اصل، آرش و اسفندیار زبردست و حمید ماجدی (۱۳۹۵) ارزیابی میزان تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران. نمونه موردی: پروژه‌های اجراشده در تهران. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، (۱۷)، صص ۱۸۵-۱۹۷.

رضوی، سید ایلیا (۱۴۰۱) عدالت اجتماعی؛ مهم‌ترین مشخصه شهر اسلامی، روزنامه همشهری.

آیت‌الله زاده شیرازی، آذرنوش عادل و همکاران (۱۳۶۸) مجمع اللغات، فرهنگ مصطلحات به چهار زبان عربی، فارسی، فرانسه و انگلیسی، تهران، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ص ۶۱۸.

الاعلمی الحایری، محمد حسین (۱۹۹۳) دایره المعارف الشیعیه العامه، بیروت، لبنان، الاعلمی للمطبوعات، الجزئی الثانی عشر، ص ۵۲۶.

افلاطون (۱۳۶۰) جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ چهارم، ص ۲۸۱.

بشیریه، حسین (۱۳۷۵) تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم: فلسفه سیاسی جان رالز. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۱(۲-۱)، صص ۳۶-۴۳.

پرتو، ابوالقاسم (۱۳۷۳) واژه‌یاب، فرهنگ برابره‌های پارسی واژگان بیگانه. تهران، اساطیر، جلد ۲، ص ۱۱۳۹.

سیاح، احمد (۱۳۶۶) فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی-فارسی مصور)، بی تا جلد ۳ و ۴، چاپ نهم، ص ۹۶۱.

عزیزی، شهاب، سینا عزیزی، مهدی محمدی (۱۳۹۲) کاربرد انتقال حقوق توسعه (TDR) به عنوان سازوکار تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری (نمونه موردی: شهر کاشان). مطالعات شهری، (۴)، ۰-۰.

وحیدی برجی، گل‌دیس، فرشاد نوریان، محمد مهدی عزیزی (۱۳۹۶) شناسایی علل عدم تحقق کاربری‌های پیشنهادی در طرح‌های توسعه شهری ایران با استفاده از نظریه زمینه‌ای. هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۲(۱)، ۵-۱۴.

آل اسحاق، پرپسا، و مهدی هداوند (۱۳۹۲) بررسی منابع نوین درآمدی شهرداری‌ها. تحقیقات حقوقی آزاد، ۶(۲۲)، صص ۱-۲۸.

صفایی‌پور، مسعود و جعفر سعیدی (۱۳۹۴) بررسی عوامل موثر در ناکارآمدی طرح‌های توسعه شهری ایران. مطالعات مدیریت شهری، ۷(۲۲)، صص ۱۱-۳۰.

عمران‌زاده، بهزاد (۱۳۹۸) مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلامی. مجموعه مقالات چهارمین کنگره علوم انسانی اسلامی.

خوشاب، علی، براتعلی خاکپور، ریحانه علائی (۱۴۰۱) آسیب‌شناسی طرح‌های توسعه شهری از فرآیند تهیه تا اجرا با تأکید بر طرح جامع و تفصیلی شهر مشهد. جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۹(۳)، ۱۹۵-۲۱۶.

غلامرضا، خاکی. (۱۴۰۱) کتاب روش تحقیق (با رویکرد پایان‌نامه نویسی)، فوژان.

سالاری‌پور، علی اکبر، فرنگیس علیزاده جورکویه و نرگس طالب ولی اله (۱۴۰۱) تحلیل عوامل عدم تحقق‌پذیری طرح‌های جامع در شهرهای کوچک (مطالعه موردی: شهرهای سنگر، خشکبیجار و شفت). باغ نظر، ۱۹(۱۱۰)، صص ۵-۲۰.

- United States". Land Use Policy 25 , pp: 378-387.
- Linkous, E. (2015) "Transfer of development rights in theory and practice: The restructuring of TDR to incentivize development". Land Use Policy, 51, pp: 162-171.
- Maleki, G. (2005) "Designing the Transfer of Property Rights for the Implementation of Urban Development Projects in Iran". A sample project of the new detailed plan of Isfahan Region 2, Saravand Consulting Engineers.
- Somerville, J. (2018) Effective Use of the Delphi Process in Research: Its Characteristics, Strengths and Limitations.
- Corbin, J., و Strauss, A. (2015) Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. SAGE Publications.
- Konbul, Y, and Mustafa Y. (2022) "A Technical Proposal for the Implementation of Transfer of Development Rights (TDR) on Preserved Historic Buildings in Turkey" Buildings 12, no. 6: 778.
- شکویی، حسین (۱۳۷۵) اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران، گیتاشناسی، ص ۱۴۳.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۵) تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، جلد ششم، ص ۲۹۷.
- معین، محمد (۱۳۶۰) فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، جلد دوم. ص ۲۲۷۹.
- هاروی، دیوید (۱۳۷۶) عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و همکاران، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران.
- Johnston, R.A., & Madison, M.E (1997) From Land marks to Landscapes: A Review of Current Practices in the Transfer of Development Rights. Journal of The American Planning Association, 63, 365-378.
- Kaplowitz, M., Machemer, P., & Pruetz, R. (2008) "Planners' experiences in managing growth using transferable development rights (TDR) in the

واکاوی ویژگی‌های ترکیب‌کننده‌های فضایی در حوض‌خانه‌های تاریخی اصفهان (دوره‌های صفوی و قاجار)^۱

سارا روح‌الامین*، محسن افشاری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی - ۵۷-۸۵

چکیده

در معماری مناطق کویری ایران، آب عنصر حیات و ادامه زندگی بوده است؛ لذا ترفندهای خاصی در آفرینش عناصر معماری به کار گرفته‌اند تا موجبات آسایش و راحتی زندگی ساکنین را فراهم آورند. یکی از مواردی که در خانه‌های شهر اصفهان با استفاده از عنصر آب، شکل گرفته حوض‌خانه می‌باشد. تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد خانه‌های تاریخی اصفهان انجام شده، ولی فضای حوض‌خانه چندان مورد توجه قرار نگرفته است. این پژوهش با هدف بررسی کیفیت ویژگی‌های ترکیب‌کننده‌های فضایی حوض‌خانه در خانه‌های تاریخی اصفهان انجام شده است. پژوهش حاضر در راستای این هدف به دنبال پاسخ‌گویی به این سوالات می‌باشد؛ ترکیب‌کننده‌های فضایی در حوض‌خانه‌های تاریخی اصفهان چه ویژگی‌هایی دارند؟ و چگونه ایفای نقش می‌کنند؟ روش تحقیق این پژوهش کیفی با هدف کاربردی و با رویکرد توصیفی - تاریخی به واکاوی ویژگی‌های ترکیب‌کننده‌های فضایی حوض‌خانه در خانه‌های تاریخی اصفهان دوره‌های صفوی و قاجار می‌پردازد. با توجه به مواردی همچون تخریب خانه‌های تاریخی، خالی از سکنه بودن، تغییر کاربری دادن خانه‌ها به هتل، موزه و سایر موارد، عدم وجود اسناد و نقشه برخی از خانه‌های تاریخی، ۲۰ خانه تاریخی دارای حوض‌خانه در شهر اصفهان مربوط به دوره‌های ذکر شده شناسایی و بررسی گردید. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حوض‌خانه‌ها به وسیله درها، پنجره‌ها و ستون‌ها با سایر فضاهای خانه در ارتباط هستند. در حوض‌خانه‌ها با استفاده از ویژگی‌های ترکیب‌کننده‌های فضایی؛ همچون بسط نوری و چشم‌اندازی و بسط فضایی افقی و عمودی، مکان منعطفی شکل گرفته است. حوض‌خانه‌ها از نظر همجواری به پنج گروه تقسیم شده‌اند؛ گروهی از حوض‌خانه‌ها فاقد همجواری هستند. گروهی از آنها به صورت یک‌رو، گروه دیگر به صورت دورو، گروه چهارم با سه فضا و گروه آخر با چهار فضا در ارتباط هستند. ۱۲ عدد از حوض‌خانه‌های مورد پژوهش دارای صفه و بقیه صفه ندارند. در پژوهش حاضر حوض‌خانه‌ها دارای نورگیر سقفی یا دیواری و در برخی از آنها نورگیر به هر دو صورت سقفی و دیواری وجود دارد. در نه عدد از حوض‌خانه‌های مورد پژوهش، غلام‌گردش موجود است. گروهی از حوض‌خانه‌ها بسط نوری و چشم‌اندازی به سمت خارج و بقیه بسط نوری و چشم‌اندازی به سمت داخل دارند.

کلیدواژه‌ها: خانه‌های تاریخی اصفهان، حوض‌خانه، ترکیب‌کننده‌های فضایی

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان واکاوی ویژگی‌های فضایی حوض‌خانه در خانه‌های تاریخی اصفهان (دوره‌های صفوی و قاجار) با راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه هنر اصفهان انجام شده است.

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، گروه معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران
** استادیار گروه معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

نگاهی گذرا به خانه‌های سنتی ایران، نشان می‌دهد که معماران خانه‌های سنتی ایرانی تامین نیازهای مختلف انسان را، سرلوحه تفکرات خود قرار داده بودند (مجیدی و معاریان، ۱۳۹۴: ۹۲). به واسطه وجود نمونه‌های با ارزش، در معرض تخریب قرار گرفتن آنها، تغییر شیوه زندگی، تعدد مالکین، مهاجرت و از دست دادن جذابیت‌ها برای زندگی امروز، مطالعه خانه‌های قدیمی بسیار ضروری است؛ همچنین در هر سرزمین با توجه به فرهنگ، آیین، اقلیم و نحوه معیشت مردم، فرم خاصی از سکونت به وجود آمده است. در گذشته علاوه بر جنبه‌های اقلیمی، سازه‌ای و فنی، جنبه‌های دیگر از جمله کیفیت‌های فضایی نیز مورد توجه قرار می‌گرفت. در طراحی خانه‌های تاریخی، حیاط موجود در مرکز خانه، با الگوی زندگی پیوند خورده است. ظاهر ساده و بی‌آلایش نمای خارجی خانه خصوصیات درون‌گرایی خانه را تقویت می‌کند. با وجود ظاهر ساده خانه، به طور معمول ورودی همراه با سردر طراحی شده است. خانه‌های اصفهان متناسب با آب و هوای آن ساخته شده‌اند. (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). یکی از گونه‌های کالبدی در جهت ایجاد آسایش اقلیمی در شهر اصفهان، حوض خانه است. پژوهش‌های بسیاری در مورد خانه‌های تاریخی اصفهان انجام شده، ولی فضای حوض خانه چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

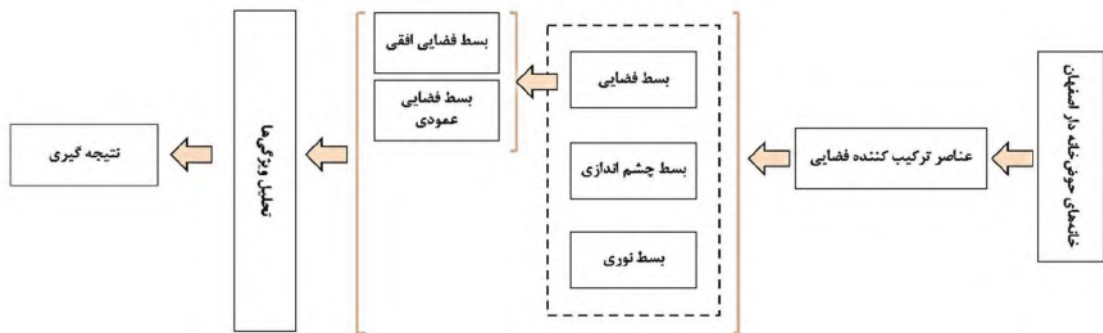
«فضا موضوع و ماده جوهری معماری است» (حائری، ۱۳۹۳: ۱۹). «مبنای ابتدایی یا شالوده فضا، طبیعت است» (فرم‌پهنی فراهانی، ۱۴۰۰: ۴۶). «در ذات فضا نه تنها روح زنده است بلکه فضا نمودی است از نیاز بشر نسبت به وجود» (گروتز به نقل از لویی کان، ۱۳۹۰: ۱۸۹). هر فضا دارای یک استطاعت ذاتی است (Thoring, Desmet and Badke-Schaub, 2018: 64) و ویژگی‌هایی دارد.

ویژگی‌های فضایی به عوامل و توصیفاتی اطلاق می‌شود که برای فهم یا ارزیابی یک محیط به کار می‌روند. ویژگی‌های فضایی، کیفیت‌هایی را به وجود می‌آورند که در ترکیب با یکدیگر باعث ایجاد احساس آرامش و تأمل برانگیزی می‌شوند (حائری، ۱۳۹۵: ۲۴۳). هنگامی که مسکن در یکی از درجات فضای معماری بحث می‌شود به آن جنبه ملموس‌تر و حسی‌تر داده شده است (معماریان، ۱۳۸۴: ۳۳۹).

حوض‌خانه، اتاق، ایوان و زیرزمینی را گویند که در آن یک آبگیر باشد. اتاق و ایوان تابستان‌نشین در خانه‌های سنتی یا گونه دیگر، آن؛ اتاقی است که در آن جوی آب و آبگیر است که برای خنک نگه داشتن گوشت، ماست و سایر موارد استفاده می‌شود (رفیعی سرشکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۰)؛ حوض‌خانه، فضای سرپوشیده مرتفعی است که حوضی در میانه دارد و به دلیل خنک بودن بیشتر در فصل تابستان از آن استفاده می‌شده است (قاسمی سیچانی و حریری، ۱۳۹۹: ۳۷). استفاده از آب در حوض‌خانه جهت تلطیف هوا، ایجاد دید بصری مناسب و گاهی ایجاد صدای آب با استفاده از فواره‌ها و آبشورها و القای حس آرامش، همگی اهدافی برای به کارگیری آب، در خانه‌های مسکونی هستند (زندیه و پروردی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰)، در نمونه‌هایی از خانه‌های ایرانی، گاهی این فضا از طریق استقرار یک حوض در زیر گنبدخانه، انعکاس تصاویری متنوع ایجاد می‌کند (حائری، ۱۳۹۵: ۱۳۰). پژوهش حاضر بر آن است تا با واکاوی ویژگی‌های ترکیب‌کننده‌های فضایی در حوض‌خانه خانه‌های تاریخی اصفهان (دوره‌های صفوی و قاجار) به این دو سوال پاسخ دهد که؛ ترکیب‌کننده فضایی در حوض‌خانه‌های تاریخی اصفهان چه ویژگی‌هایی دارند؟ و چگونه ایفای نقش می‌کنند؟ این پژوهش با هدف کاربردی به واکاوی ویژگی‌های

خانه‌های تاریخی، خالی از سکنه بودن، تغییرکاربری دادن خانه‌ها به هتل، موزه و سایر موارد، عدم اجازه مالکین خصوصی و دولتی برای تهیه عکس و نقشه؛ همچنین عدم وجود اسناد و نقشه برخی از خانه‌های تاریخی، ۲۰ خانه تاریخی بررسی شد. در گام بعدی برای به دست آوردن داده‌های میدانی با مراجعه به خانه‌های تاریخی، ترکیب‌کننده‌های فضایی در حوض‌خانه در نظر گرفته شده و تهیه عکس و نقشه، از فضاهای حوض‌خانه انجام گرفت، سپس با توجه به مطالب گردآوری شده و تطبیق آنها با منقولات (تاریخ شفاهی)، مطالب کتابخانه‌ای و نظریات اندیشمندان اطلاعات لازم بهره‌برداری شد (شکل ۲).

ترکیب‌کننده‌های فضایی حوض‌خانه در خانه‌های تاریخی اصفهان دوره صفوی و قاجار می‌پردازد که شامل شناخت، معرفی، مستندنگاری، مطالعه و واکاوی کیفیت عینی فضایی این مکان است. به این منظور از روش کیفی با رویکرد توصیفی-تاریخی استفاده می‌شود. در گردآوری داده‌ها و اطلاعات اولیه، از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است؛ که داده‌های کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و اسناد تصویری می‌شود. در گام اول به روش اسنادی به مطالعه در مورد خانه‌های تاریخی اصفهان پرداخته که حاصل این کار، یافتن ۳۵ خانه حوض‌خانه دار در اصفهان بود. با توجه به مواردی همچون تخریب



شکل ۱- فرآیند پژوهش

چارچوب واحدی را براساس روند مواجهه انسان با محیط تعریف می‌کنند و وجوه و لایه‌های کیفیت و معنی مورد تطبیق قرار می‌گیرد. رحمانی و ندیمی (۱۳۹۸)، نقی زاده و همکاران (۱۳۹۵) شاخص‌های کیفی مسکن بین آرا نظریه‌پردازان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در کتاب زیبایی‌شناسی در معماری (۱۳۹۰) در مورد فضا، عناصر فضا، سازمان فضا، فرم یا صورت و ... مطالبی آورده شده است. دی کی چینگ (۱۳۹۳) در مورد عناصر اصلی تشکیل‌دهنده فرم، شناخت مشخصات بصری فرم، رابطه فرم و فضا و نحوه تعریف فضا به وسیله عناصر کالبدی معماری، ارتباط فضاهای یک بنا

پیشینه پژوهش

در حوزه پیشینه این پژوهش می‌توان چهار گروه دسته‌بندی را انجام داد: دسته اول مربوط به مطالعات خانه‌های تاریخی اصفهان است؛ که فضاهای خانه‌های قاجاری اصفهان و مقایسه نوع چیدمان فضایی، نوع تزئینات و نوع سازه، این خانه‌ها را با هم مقایسه کرده است (شهامت نژاد، ۱۳۸۷)، قاسمی سیچانی و معماریان (۱۳۸۹) خانه‌ها را براساس ویژگی‌های فضای معماری، سازه و تزئینات به سه گونه دوره اول، دوم و سوم تقسیم کرده‌اند. در دسته دوم درباره نحوه مطالعه کیفیت فضایی، منابعی مطالعه گردیده که در مهم‌ترین نمونه‌های آنها

با یکدیگر اعضای اصلی تشکیل دهنده سیستم سیرکولاسیون در یک بنا؛ همچنین در مورد تناسبات، مصالح، سازه و سایر اصول سازماندهی مفید در ایجاد نظم در یک ترکیب معماری مفید نیز بحث می‌کند. بخارایی (۱۳۹۳) با نگاه سلسله مراتبی به فضا، رویکردی تازه به مقوله تحلیل معانی فضا و انشا متوالی فضا را ارائه می‌دهد؛ او (۱۳۹۴) همچنین به عرضه الگوهای مصور معماری برای ارتقای این کیفیت در فضا پرداخته است. دسته سوم منابع مطالعه شده در مورد حوض‌خانه‌های تاریخی است؛ خدابخشیان و مفیدی شمیرانی (۱۳۹۳) به مطالعه فضاهای زیرزمینی در معماری بومی اقلیم گرم و خشک ایران پرداخته‌اند و در دسته چهارم سرچشمه‌هایی در مورد کیفیت فضای حوض‌خانه‌ها در نظر گرفته شده‌اند. زنگنه (۱۳۹۵) با مطالعه چگونگی ویژگی‌های حوض‌خانه به ارزیابی و آنالیز تطبیقی ریخت‌شناسی حوض‌خانه‌ها پرداخته است. طباطبایی زواره و همکاران (۱۳۹۷) خانه‌های چهارصفه و حوض‌خانه دار را با هم مقایسه کرده‌اند. صفایی و میرزا ابوالقاسمی (۱۳۹۸) به تزئینات و نقوش موجود در حوض‌خانه‌های دکانچی در شیراز پرداخته‌اند. با مطالعه پژوهش‌های یاد شده این نتیجه حاصل شد که با وجود اهمیت و کاربرد داشتن حوض‌خانه در خانه‌های تاریخی به ندرت به آن پرداخته شده و نوشتارهای موجود در این مورد نیز بسیار محدود و در حد اشاراتی بیش نیستند. مجموعه حاضر در پی شناسایی، معرفی، مستندنگاری و واکاوی فضای حوض‌خانه در خانه‌های تاریخی اصفهان دوره‌های صفوی و قاجار است. بدین منظور به شناسایی خانه‌های حوض‌خانه دار دوره صفوی و قاجار در اصفهان پرداخته و با توجه به شرایط تخریب نشدن بنا و اجازه ورود به بناها از بین ۳۵ خانه حوض‌خانه دار اصفهان دوره صفوی و قاجار، تعداد ۲۰ خانه مورد پژوهش قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری پژوهش فضا

هر ساختمان بیان‌کننده ویژگی‌هایی می‌باشد که مالکین و ساکنین برای ارتباط‌های خود به آن تکیه نموده و کاربران یا بازدیدکننده‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند (اکسندر و پرسل، ۱۳۹۵: ۴۵). هر فضا دارای معماری منحصر به فردی است که زبان بدن فضا را تعیین می‌کند (Bouncken Aslam and Qiu, 2020: 4). مفهوم لغت انگلیسی فضا را می‌توان به سه گونه دسته بندی کرد: فضای جغرافیایی، فضای زندگی و فضای معماری (داخلی یا میانی) (همان، ۲۰۲۲). «داوری معماری اساساً دآوری درباره فضاهای داخلی بنا است» (معماریان به نقل از زوی، ۱۳۸۴: ۲۴۸).

ویژگی‌های فضایی

ویژگی‌های فضایی به عوامل و توصیفاتی اطلاق می‌شود که برای فهم یا ارزیابی یک محیط به کار می‌روند. ویژگی‌های فضایی، کیفیت‌هایی را به وجود می‌آورند که در ترکیب با یکدیگر بر احساسات فرد اثر گذاشته و باعث برانگیخته شدن آنها می‌شود. فضا از طریق عناصر و ویژگی‌های آن مانند جنس و سطح (حائری، ۱۳۹۵: ۲۴۳)، شفافیت، همپوشانی، التقاط، درهم تنیدگی (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۶: ۵۰)، نظم و بی‌نظمی (فن مایس، ۱۳۹۰: ۳۵) شناخته می‌شود.

حوض‌خانه

حوض‌خانه در بیشتر موارد دارای شکل هشت‌گوش است و نقش مهمی در طراحی کلی فضاها ایفا می‌کرده است (معماریان ۱۳۷۵، ۱۶۳). زیرزمین خانه که در آن حوض باشد و در تابستان به خاطر خنکی و رطوبت متناسب مورد استفاده بوده (فرشته نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۳) و بیشتر با فواره است (معین و شهیدی، ۱۳۷۷).

در حوزه ویژگی‌های فضایی، نظریه پردازان مختلفی همچون حائری در کتاب‌های نقش فضا در معماری ایران (۱۳۹۳) و خانه، فرهنگ و طبیعت در معماری ایران (۱۳۹۵)، گروتز در کتاب زیبایی‌شناسی در معماری (۱۳۹۰)، آرنه‌ایم در کتاب پویه‌شناسی صور معماری (۱۳۹۴) و الکساندر در کتاب سرشت نظم (۱۳۹۶) پرداخته‌اند. ویژگی‌های فضایی که از دیدگاه محققین می‌توان به آن اشاره کرد شامل؛ ایستایی فضایی (حائری، ۱۳۹۵: ۱۷۸)، گشایش و دلبازی، هدایت و دستیابی (همان، ۱۸۷)، انعطاف‌پذیری (همان، ۹۰)، جنس و سطح (همان، ۲۴۳)، تداخل، تقاطع، همسایگی (همان، ۲۵۳)، تضاد (همان، ۳۵۰)، هماهنگی و تعادل (همان، ۳۵۵)، مقیاس و تناسب (همان، ۳۶۰)، سلسله مراتب (همان، ۳۸۲)، پویایی و ضرب آهنگ (همان، ۴۱۰)، شفافیت، هم‌پوشانی، التقاط، درهم‌تنیدگی (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۶: ۵۰)، نظم و بی‌نظمی (فن‌مایس، ۱۳۹۰: ۳۵)، تدریج (همان، ۴۶)، پیچیدگی (همان، ۴۹)، تناقض (همان، ۵۱)، تقارن (همان، ۶۹) می‌باشد؛ همچنین کریستوفر الکساندر در کتاب سرشت نظم (۱۳۹۶) در مورد ویژگی‌های ساختار فضایی ۱۵ خصلت بیان کرده است. در خصوص چارچوب نظری این پژوهش دیدگاه‌های مختلفی را می‌توان برگزید. واکاوی ویژگی‌های فضایی حوض‌خانه‌های مورد پژوهش با تمرکز بیشتر بر روی دیدگاه حائری در کتاب خانه، فرهنگ و طبیعت در معماری ایران طبق شکل ۲ است.

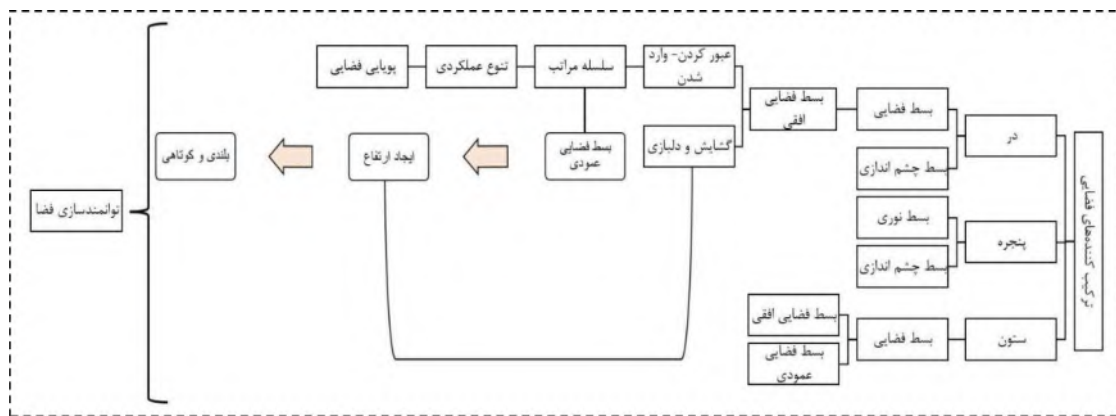
(۹۲۳۸)؛ اتاق و جایی در زیر ساختمان که دارای حوض باشد (عمید، ۱۳۸۷: ۸۱۲)؛ فضایی سرپوشیده و گاه مرتفع با حوضی در میانه و در ارتباط با فضاهای دیگر. مکانی مطلوب به ویژه برای استفاده در تابستان است (هاشمی حسین آبادی، ۱۳۹۰: ۵۰).

بسط فضایی

تحقق ترکیب فضایی و بسط فضایی برای سازمان فضایی خانه در گرو خلق فضاهای بینابینی است. این فضاها، تمهیداتی معمارانه هستند که در حد فاصل فضاها به کار گرفته می‌شوند. فضای بینابینی نقش مجزاکنندگی دارد و در مواقعی که شیوه زندگی ضرورت پیوستن این فضاها به یکدیگر را ایجاب می‌کنند، این دوگونه فضا، خود به عنوان فضایی قابل استفاده و به عنوان بسط فضایی در میان آنها قرار گرفته‌اند، ایفای نقش کرده و به توان فضاها می‌افزایند. بسط فضایی خود حاوی بسط چشم‌اندازی و بسط نوری نیز است (حائری، ۱۳۹۵).

بسط نوری و چشم‌اندازی

نور و چشم‌انداز، فضا را منبسط می‌کنند و چگونگی استفاده از منابع نوری و چشم‌اندازی کیفیت فضایی را دگرگون می‌سازد. انواع بسط فضایی و چشم‌اندازی به عنوان بخشی از توانایی ترکیب فضا است (حائری، ۱۳۹۵ و معماریان، ۱۳۸۴). انواع در، پنجره، روزن و نورگیر تأمین‌کننده و تعیین‌کننده چگونگی حضور نور و مشاهده چشم‌انداز هستند؛ کیفیت فضا بر حسب چگونگی ورود نور، میزان ورود و جهت آن تعیین می‌شود (حائری، ۱۳۹۵: ۱۸۱).



شکل ۲- چارچوب نظری پژوهش (برگرفته از نظریات حائری (حائری ۱۳۹۵))


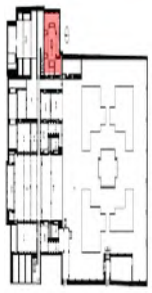


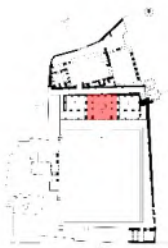

یافته‌ها

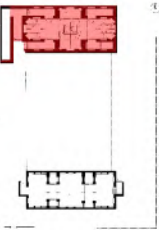



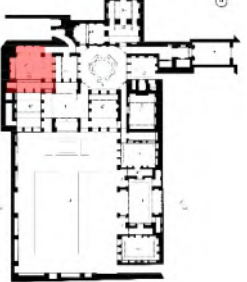

قادریان، کریمی، لباف، متوسلان، مشیرالملک، ملاباشی، وثیق انصاری و یزدیان بودند (جدول ۱). به دلیل فقدان شواهد مستند، ما به شواهد فیزیکی خود ساختمان‌ها نیز وابسته هستیم (Memarian, 2021: 26).


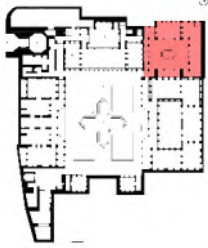



یافته‌های پژوهش حاضر با بررسی ۲۰ خانه تاریخی در شهر اصفهان مربوط به دوره صفوی و قاجار انجام گرفت؛ نمونه‌های مورد پژوهش شامل خانه اعرابی، اعلم، الفت، امام جمعه، انگورستان ملک، جواهری، حاج مصورالملکی، حیب آبادی، دُرْمیان، سرهنگ بخردی، سوکیاس، علافچیان،

جدول ۱- نمونه‌های موردی پژوهش حاضر

ردیف	نام خانه	دوره تاریخی	پلان خانه	آدرس	کاربری فعلی	نام دیگر
۱	اعرابی	صفوی		خیابان ولی عصر، کوچه تمیزی، بن بست شقایق، پلاک ۱۶۶۷	مسکونی و حسینیه	کاظم اعرابی، حسینیه سادات، حسینیه پنبه کاران و سلطان سنجر
۲	اعلم	قاجار		خیابان سنبلستان، خیابان عبدالرزاق، کوچه منجوقی، (خیابان عبدالرزاق)، بن بست زرگر، پلاک ۱۰۰	مسکونی و کارگاه طلاسازی	امین‌التجار، رضا اعلم، افتخارالتجار و دکتر اعلم
۳	الفت	قاجار		خیابان نشاط، بازارچه حسن‌آباد، کوچه امامزاده احمد، بن بست الفت، پلاک ۳	-	-

ردیف	نام خانه	دوره تاریخی	پلان خانه	آدرس	کاربری فعلی	نام دیگر
۴	امام جمعه	صفوی قاجار		میدان قیام، خیابان ابن سینا، کوچه شهید مصطفوی، پلاک ۱۰	در حال مرمت، ستاد عتبات عالیات	-
۵	انگورستان ملک	افشار		خیابان هشت بهشت غربی، محله پاقلعه، خیابان ملک شمالی	حسینیه، مقبره، بازدید عمومی	خانه ملکالتجار
۶	جواهری	قاجار		خیابان ابن سینا، کوچه آقا نور، کوچه امامزاده شورا، مقابل مقبره سلطان بخت آغا	سرای هنرهای سنتی و صنایع دستی	سرای هنرهای سنتی و صنایع دستی
۷	حاج مصورالملکی	صفوی قاجار		خیابان طالقانی، کوچه سرتیپ، کوچه محله نو (خیابان میرداماد، کوچه محله نو، پلاک ۹۰ و ۹۲)	مسکونی	-
۸	حبیب آبادی	قاجار		خیابان ابن سینا، کوچه کدخدائی، جنب خانه روحانی، پلاک ۵۱	مشخص نیست (در حال مرمت)	-
۹	دُرْمیان	قاجار		محله بیدآباد، خیابان مسجد سید، کوچه شهید متقراضگر، بن بست امین	هتل	هتل سهروردی

ردیف	نام خانه	دوره تاریخی	پلان خانه	آدرس	کاربری فعلی	نام دیگر
۱۰	سرهنگ بخردی	زندیه قاجار		خیابان چهارباغ پایین، انتهای کوچه شماره ۱۶ (کوچه حاج رسولی‌ها)، پلاک ۱۷	بوتیک هتل، و کافی شاپ	خانه سرهنگ بخردی و کاخ سرهنگ
۱۱	سوکیاس	صفوی		خیابان حکیم نظامی، محله جلفا، کوچه سنگ تراش‌های غربی	دانشکده مرمت و حفاظت	خانه سوکیاسان، سوکاها و سوکا
۱۲	علافچیان	قاجار		خیابان حکیم، کوچه ۹، پلاک ۳۶	هتل بوتیک، کافی شاپ و رستوران	خانه کاظمی و هتل سنتی خان‌نشین
۱۳	قادریان	قاجار		خیابان ابن سینا، کوچه کدخدایی، جنب خانه روحانی و حبیب آبادی	نامشخص	-
۱۴	کریمی	صفوی قاجار		خیابان احمدآباد، کوچه نواب، انتهای بن بست نواب، پلاک ۴۵	حوزه علمیه حضرت ابوالصالح	-
۱۵	لباف	قاجار		خیابان ابن سینا، کوچه مشیرفاطمی، پلاک ۱۰۷	مسکونی	انگوری زاده و حسینیه زهرای مرضیه

ردیف	نام خانه	دوره تاریخی	پلان خانه	آدرس	کاربری فعلی	نام دیگر
۱۶	متوسلان	قاجار		خیابان مسجد سید، بازارچه بیدآباد کوچه مقرضگر، بن بست امین، پلاک ۱۷	رستوران هتل	هتل سهروردی و خانه حسین پناه
۱۷	مشیرالملک	قاجار		خیابان هاتف، کوچه مشیر (یخچال)، کوچه هارونیه سمت راست	موزه و مدرسه	مشیر، چرمی، مدرسه الغدیر و موزه گنجینه میراث اسلامی
۱۸	میرزا احمد ملباشی	قاجار		خیابان هشت بهشت غربی، محله پاقلعه، خیابان ملک شمالی، کوچه ملباشی، پلاک ۳۸۷۳ و ۳۸۷۴	هتل، کافی شاپ و بازدید برای عموم	خانه معتمدی و خانه ملباشی
۱۹	وثیق انصاری	قاجار		خیابان هاتف، کوچه مشیر (یخچال)، کوچه هارونیه، بن بست تمیزی، پلاک ۱	دفتر فنی حوزه علمیه اصفهان	-
۲۰	یزدی ها	قاجار		خیابان حکیم، کوچه ۹، پلاک ۴۶	هتل، رستوران و کافی شاپ	هتل شهسواران و خانه یزدیان

منظور از شیوه‌های ترکیب فضا، نحوه قرار گرفتن فضاها در کنار همدیگر است. با همجواری فضاها و ترکیب آنها با هم، فضاها جادارتر و از آنها بهتر استفاده می‌شود. با قرار گرفتن چند در میان دو فضای بسته، توان بسط فضایی افقی افزایش می‌یابد (حائری، ۱۳۹۵: ۱۸۱). معمار برای تنظیم ارتباط بین درون و بیرون، پیوند بین انسان و طبیعت و فضاهای عمومی و خصوصی، از روش همجواری یا تداخل فضاها استفاده می‌کند (فن مایس، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

از نظر ارتباط فضایی برخی از حوض‌خانه‌ها با فضاهای دیگر خانه در ارتباط نیستند؛ مانند اعلم، انگورستان ملک و علافچیان. تعدادی از حوض‌خانه‌ها با یک فضا مرتبط هستند؛ مانند جواهری، سرهنگ بخردی، قادریان، متوسلان و یزدی‌ها، اما برخی دیگر از حوض‌خانه‌ها به صورت دورو هستند؛ همچون الفت، امام جمعه، حاج مصورالملکی، کریمی و وثیق انصاری (شکل ۳ و ۴). تعدادی مانند حییب آبادی، دُرْمیان و لباف با سه فضا در ارتباطند و گروه دیگر مانند اعرابی، سوکیاس، مشیرالملک و ملاباشی چهاررو هستند.



شکل ۳ و ۴ - ارتباط حوض‌خانه با اتاق سه دری در خانه امام جمعه و حاج مصورالملکی

جهت‌یابی فرایندی هدفمند به منظور پیمودن یک مسیر از نقطه آغاز به سمت مقصدی مشخص است. در خانه‌های قدیمی با تعریف دقیق از فضاها مسیر حرکت تا حدود زیادی مشخص شده است (فرناد و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۱). مسیرهای دسترسی به حوض‌خانه، وجود پله در برخی موارد، راهروها و پیش‌فضاهای موجود، حرکت از فضایی کم نور به فضایی پر نور و با طراوت، تغییر مصالح و تزئینات و تغییر ارتفاع همه نشان‌دهنده هدایت و جهت‌یابی هستند. عدم تداخل فضاها نیز مبنایی برای تشخیص و جهت‌یابی می‌باشد (اشرفی، ۱۳۸۹: ۱۰). در این خانه‌ها، سازماندهی

احجام، فرم‌ها، روشنایی و نحوه چیدمان عملکردها و فضاهای داخلی نیز دیده می‌شوند که بیانگر ترتیب در قرارگیری آنهاست (فرناد و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۰).


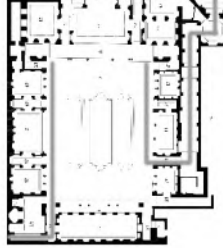
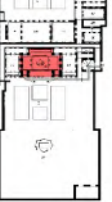


سلسله مراتب ورود به حوض‌خانه





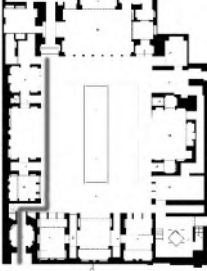
منظور از وارد شدن، فقط خود عملکرد نیست. بیانگر وجود دو فضا با فعالیت متفاوت است که در خانه‌های تاریخی بر طبق عملکرد و ریزفعالیت‌ها، فضای متفاوتی طراحی و اجرا شده است. هر فضایی قلمروی مخصوص به خود دارد (حائری، ۱۳۹۵: ۱۸۳). رابطه بین عناصر مختلف در تحلیل انواع خانه است. عناصر

مختلف خانه ویژگی‌های مجزانبودند، بلکه با سایر عناصر تعامل داشتند (Memarian, 2021: 17). برای دسترسی به فضای حوض خانه در خانه‌های مورد پژوهش، مسیرهای متفاوتی از ورودی وجود دارد. در بیشتر خانه‌ها بیش از یک در ورودی از کوچه وجود دارد. در پژوهش


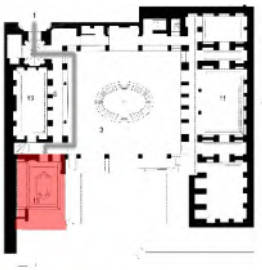
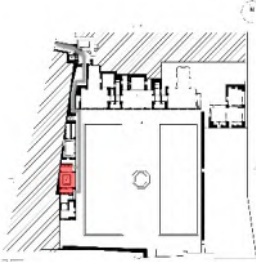
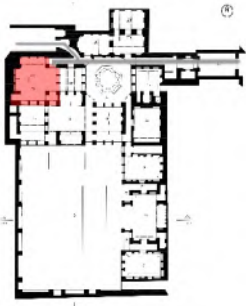
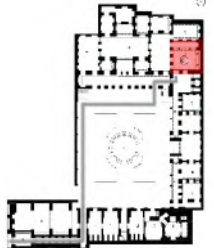
حاضر سعی شده تمامی مسیرهای دسترسی به حوض خانه که اجازه ورود داده شده و یا توسط فرد یا افراد حاضر در بنا در مورد آن توضیح داده شده، در نظر گرفته و ترسیم شوند (جدول ۲).

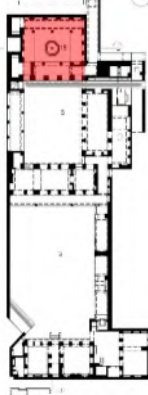
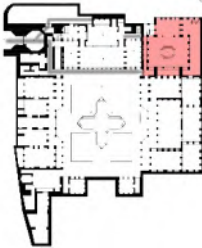
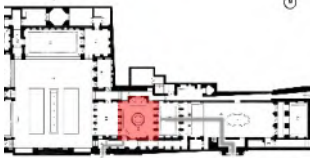

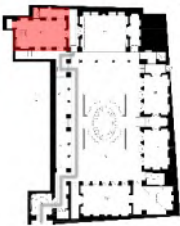
جدول ۲- سلسله مراتب ورود به حوض خانه از ورودی‌های مورد پژوهش

نام خانه	مسیر دستیابی به حوض خانه از ورودی‌ها در پلان	سلسله مراتب دستیابی به حوض خانه از ورودی‌ها	توضیحات
اعرابی		۱- ورودی شمالی، هشتی، دالان طویل، حیاط شمالی، شاه‌نشین (فضای حوض خانه) ۲- ورودی جنوبی ۱، دالان، حیاط جنوبی، شاه‌نشین ۳- ورودی جنوبی ۲، حیاط جنوبی، شاه‌نشین ۴- ورودی جنوبی ۱ یا ۲، حیاط جنوبی، فضای خدماتی، حیاط شمالی، شاه‌نشین	حوض خانه در شاه‌نشین خانه قرار دارد.
اعلم		۱- ورودی شمالی، هشتی، رواق، حیاط، حوض خانه ۲- ورودی جنوبی، راهرو، حیاط، حوض خانه	حوض خانه در زیرزمین خانه قرار دارد.
الف		۱- ورودی، هشتی، حیاط، حوض خانه	به دلیل تخریب خانه اطلاعات در مورد ورودی‌های دیگر خانه وجود ندارد.
امام جمعه		۱- ورودی، راهرو، حیاط، ایوان، حوض خانه	-
انگورستان ملک		۱- ورودی شرقی ۱، حیاط، راهرو، حوض خانه ۲- ورودی شرقی ۲، حیاط، راهرو، حوض خانه ۳- ورودی شرقی ۳، حیاط اندرونی، شاه‌نشین، اتاق، راهرو، حوض خانه	-

نام خانه	مسیر دستیابی به حوض خانه از ورودی‌ها در پلان	سلسله مراتب دستیابی به حوض خانه از ورودی‌ها	توضیحات
جواهری		۱- ورودی اصلی، هشتی، حیاط، ایوان، حوض خانه ۲- ورودی فرعی، راهرو، حیاط، ایوان، حوض خانه	ورودی فرعی خانه از ابتدا وجود نداشته است!
حاج مصورالملکی		۱- ورودی شمالی، دالان، حوض خانه ۲- ورودی جنوب شرقی ۱، هشتی، دالان، حیاط، حوض خانه ۳- ورودی جنوب شرقی ۲، حیاط، حوض خانه	-
حبیب آبادی		۱- هشتی، ورودی شرقی، دالان طویل، حیاط، پیش فضا، شاه‌نشین ۲- ورودی شمالی، حیاط شمالی، دالان، حیاط، پیش فضا، شاه‌نشین	خانه‌های حبیب آبادی، بدیع‌الصنایع و قادریان دارای هشتی مشترک هستند و ورودی هر کدام از خانه‌ها بعد از هشتی قرار دارد.
دُرمیان		۱- ساباط، ورودی شمالی، دالان طویل، حیاط، شاه‌نشین، حوض خانه ۲- ساباط، ورودی شمالی، دالان، حیاط، حوض خانه ۳- ورودی غربی، حیاط، شاه‌نشین، حوض خانه	قبل از ورود به سه خانه دُرمیان، متوسلان و حوزه علمیه، ساباط قرار دارد.
سرهنگ بخردی		۱- ورودی جنوبی، هشتی، دالان، حیاط، حوض خانه ۲- ورودی شرقی، دالان، حیاط، حوض خانه	حوض خانه در زیرزمین خانه قرار دارد.

۱- زمان ازدواج پسر محمد ابراهیم جواهری، محمدباقر جواهری با درخواست برادرزاده خود در مورد بخشیدن قسمت صندوق‌خانه که در تملک محمدباقر بوده موافقت می‌کند و این قسمت از خانه را به پسر برادر خود می‌بخشد؛ در ضمن از عموی خود درخواست می‌کند که دری از فضای صندوق‌خانه به کوچه باز کنند که نتیجه آن دری است که امروز از آن رفت و آمد می‌شود. برای ارتباط از صندوق‌خانه سابق به حیاط راه باریکی وجود دارد (پیشه وران ۱۴۰۰).

نام خانه	مسیر دستیابی به حوض‌خانه از ورودی‌ها در پلان	سلسله مراتب دستیابی به حوض‌خانه از ورودی‌ها	توضیحات
سوکیاس		۳- ورودی، هشتی، دالان، حیاط شمالی، شاه‌نشین (ورودی‌های طرفین شاه‌نشین)	-
علافچیان		ورودی، هشتی، دالان، حیاط، حوض‌خانه	-
قادریان		هشتی، ورودی، دالان، حیاط، حوض‌خانه	خانه قادریان با خانه‌های بدیع‌الصنائع و حبیب‌آبادی هشتی مشترک دارد.
کریمی		۱- ورودی شمال شرقی، دالان، حیاط شمالی، دالان، حوض‌خانه ۲- ورودی شمال غربی، دالان، حوض‌خانه ۳- ورودی جنوب شرقی، دالان، حیاط جنوبی، دالان، حیاط شمالی، دالان، حوض‌خانه	-
لباف		ورودی، دالان، حیاط، پیش‌فضا، فضای خدماتی، حوض‌خانه	-

نام خانه	مسیر دستیابی به حوض خانه از ورودی‌ها در پلان	سلسله مراتب دستیابی به حوض خانه از ورودی‌ها	توضیحات
متوسلان		ساباط، دالان، حیاط، حوض خانه	خانه متوسلان اولیه به سه خانه درمیان، متوسلان و حوزه علمیه تقسیم شده است.
مشیرالملک		۱- ورودی اصلی، هشتی، دالان، حیاط، حوض خانه ۲- ورودی فرعی، دالان، حوض خانه	-
ملاباشی		۱- ورودی ۱، دالان، حیاط، اتاق پنج دری، حوض خانه ۲- ورودی ۲، هشتی، دالان، حوض خانه	-
وثیق		۱- ورودی شمال شرقی، هشتی، دالان، حیاط، حوض خانه ۲- ورودی جنوب شرقی، هشتی، دالان، حیاط، دالان، شاه‌نشین، حوض خانه ۳- ورودی جنوبی، دالان، اتاق کنار شاه‌نشین، شاه‌نشین، حوض خانه	-
یزدی‌ها		۱- ورودی جنوبی، هشتی، دالان، حیاط، دالان، حوض خانه ۲- ورودی شمال شرقی، حیاط، دالان، حوض خانه	-

۲- در زمان قدیم در همان ابتدای راهروی طولانی، از طریق مسیر باریکی به حوض خانه راه بوده است که امروزه به دلیل تغییر کاربری خانه به هتل این قسمت به سرویس بهداشتی اتاق سه دری مجاور حوض خانه تغییر یافته است

حاج مصورالملکی، مشیرالملک، وثیق انصاری و یزدی‌ها پنجره‌های نورگیر، در دور تا دور یا قسمتی از بالای دیوار قرار دارد و از این طریق نور داخل فضای حوض‌خانه فراهم می‌شود. وجود ستون‌ها، درها و پنجره‌ها، باعث ایجاد گشایش و دل‌بازی می‌شود. این عناصر علاوه بر ایجاد بسط فضایی، بسط چشم‌اندازی و نوری جهت و حرکت را در فضا نشان می‌دهند (جدول ۳ و تصاویر ۳ و ۴). جایگاه حوض‌خانه و سلسله مراتب ورود به آن بر پیچیدگی در حین سادگی فضای حوض‌خانه می‌افزاید؛ بنابراین شاهد یک فضای پویا و غیر یکنواخت هستیم. عبور کردن - وارد شدن، حضور عناصر و نمادهای طبیعت و تنوع عملکردی از موارد مربوط به پویایی فضایی هستند.

انواع در، پنجره، روزن و نورگیر تأمین‌کننده و تعیین‌کننده چگونگی حضور نور و مشاهده چشم‌انداز هستند؛ کیفیت فضا بر حسب چگونگی ورود نور، میزان ورود و جهت آن تعیین می‌شود (حائری، ۱۳۹۵: ۱۸۱). تأمین نور حوض‌خانه‌های موجود در طبقات غیر زیرزمین از سه طریق فراهم می‌شود. در حوض‌خانه‌های اعرابی، حبیب‌آبادی، سوکیاس و قادریان، نور از طریق پنجره ارسی وارد حوض‌خانه می‌شود. در گونه‌ای دیگر مانند خانه‌های انگورستان ملک، جواهری، دُر‌میان، علافچیان، کریمی، لباف و ملاباشی نورگیری در مرکز حوض‌خانه قرار دارد که از طریق آن نور به فضای حوض‌خانه راه پیدا می‌کند. گروه سوم مانند خانه‌های امام‌جمعه،


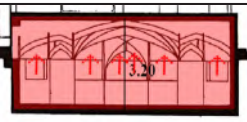
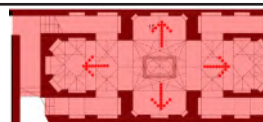
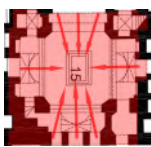

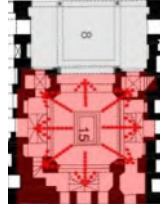
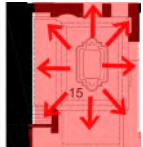

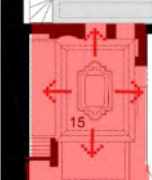
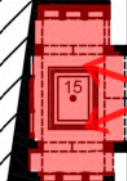

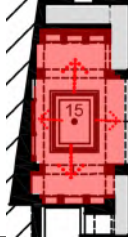
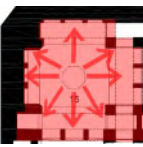

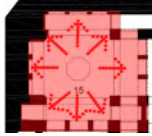
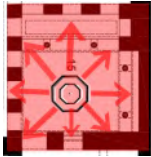

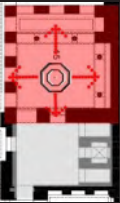
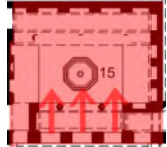

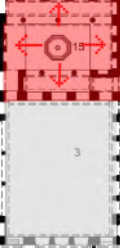
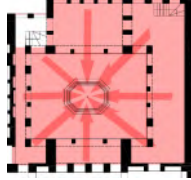

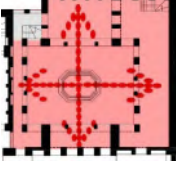
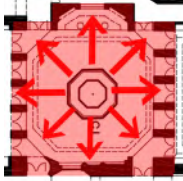
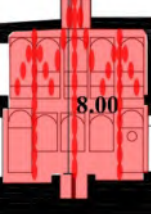
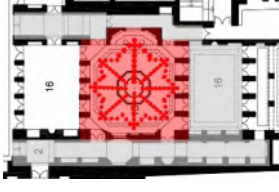


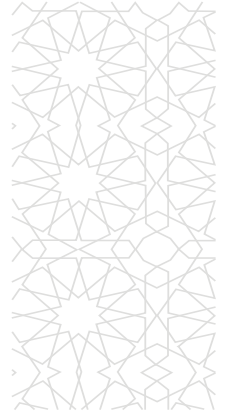
شکل ۵ و ۶- بسط فضایی حوض‌خانه با ستون‌ها در حوض‌خانه‌های اعلم و امام‌جمعه

جدول ۳- بسط فضایی افقی و عمودی حوض خانه در خانه‌های تاریخی پژوهش حاضر

<p>بسط چشم اندازی و نوری</p> <p>فضای حوض خانه</p> <p>بسط چشم اندازی و نوری</p>	<p>بسط فضایی عمودی</p> <p>بسط عمودی</p>	<p>بسط فضایی افقی</p> <p>شبهه بسط فضایی افقی</p> <p>فضای حریم برای اقامت کوتاه</p> <p>فضای مکت برای اقامت طولانی</p>	<p>نام خانه</p>
			اعرابی
			اعلم
			الفت
			امام جمعه
			انگورستان ملک
			جواهری
			حاج مصورالملکی
			حبیب آبادی
			دُرمیان



			سرهنگ بخردی
			سوکیاس
			علافچیان
			قادریان
			کریمی
			لیاف
			متوسلان
			مشیرالملک
			ملاباشی

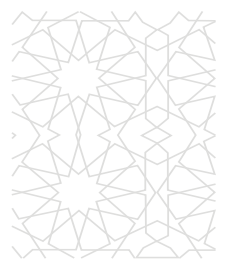


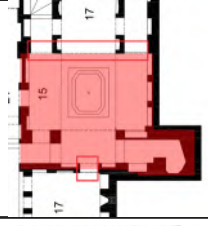
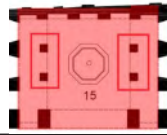
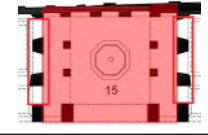
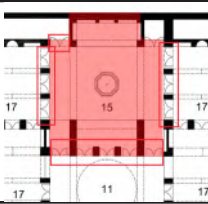
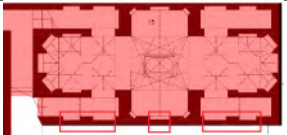
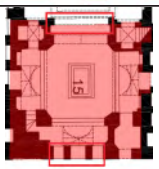
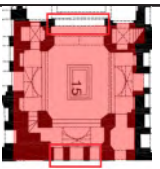
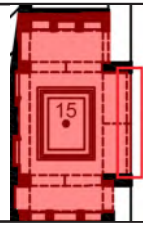
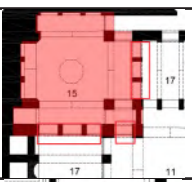
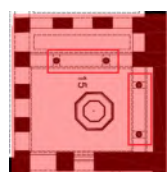
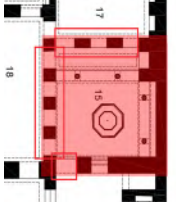
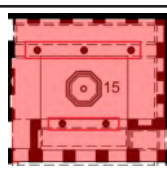
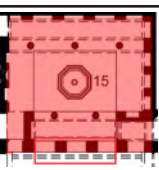
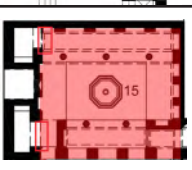
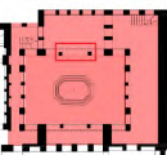
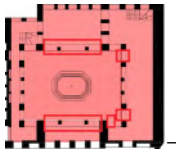
			وثیق انصاری
			یزدی‌ها

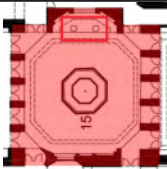
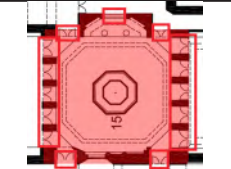
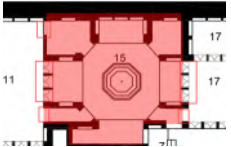
در بیشتر خانه‌های مورد پژوهش با وجود مستقل بودن حوض‌خانه با سایر قسمت‌های خانه، با فضا یا فضاهای دیگری ترکیب شده است. در حدفاصل این فضا و سایر قسمت‌های خانه، حریم و فضاهای بینابینی مانند دیوارها، درها، ستون‌ها، پنجره‌ها، راهروها و فضاهای سرپوشیده قرار دارد. این موارد به توانمندی فضاها می‌انجامد (جدول ۴).

جدول ۴- بسط فضایی افقی حوض‌خانه با سایر فضاها در نمونه‌های مورد پژوهش

نام خانه	بسط فضایی افقی		از طریق درها
	از طریق پنجره‌ها	از طریق ستون‌ها	
اعرابی		-	
اعلم		-	-
الفت			
امام جمعه	-		
انگورستان ملک	-	-	-
جواهری	-	-	



-	-		حاج مصورالملکی
	-		حبیب آبادی
-	-		دُر میان
-		-	سرهنگ بخردی
-			سوکیاس
-	-	-	علاچیان
-		-	قادریان
-	-		کریمی
	-		لباف
			متوسلان
	-		مشیرالملک

	-		ملاباشی
-	-		وثیق انصاری
-	-	-	یزدی‌ها

اختلاف ارتفاع مربوط به حوض است. در حوض خانه یزدی‌ها، حوض روی سکویی قرار دارد. در بیشتر حوض خانه‌ها، سکوهایی در اطراف حوض، در چهار جبهه، دو جبهه و یا یک جبهه وجود دارد.

با ارتفاع گرفتن به اندازه یک لایه فضایی، امکان بسط عمودی فضا فراهم می‌شود (جدول ۵). با زیاد شدن ارتفاع، تأمین نور و ایجاد جریان هوا از طریق سقف به وجود می‌آید و فضای متنوعی ایجاد می‌شود. ارتفاع فضای حوض خانه در نمونه‌های مورد پژوهش، از ۲/۸۰ تا ۱۰ متر نوسان دارد. بیشتر حوض خانه‌های موجود در طبقات همکف، همچنین حوض خانه لباف دارای ارتفاع زیادی هستند. در حوض خانه‌های اعلم، الفت، سرهنگ بخردی، متوسلان و یزدی‌ها ارتفاع بین ۲/۸۰ تا ۳/۸۰ متغیر است. در مورد حوض خانه‌های اعرابی، جواهری، حبیب‌آبادی و قادریان، ارتفاع بین ۴/۱۰ تا ۵/۱۰ و در خانه‌های امام جمعه، انگورستان ملک، دُرْمیانی و علافچیان، حوض خانه بین ۶/۲۰ تا ۶/۵۰ است. ارتفاع حوض خانه‌های کریمی، ملاباشی و سوکیاس بین ۷/۸۵ تا ۸/۳۰ و مابقی حوض خانه‌های مورد پژوهش ارتفاعی بین ۸/۳۰ تا ۱۰ متر دارند. در مواردی که نورگیر سقفی یا پنجره‌های پیرامون دیوار در نزدیک سقف وجود دارد، ارتفاع بیشتر است. ارتفاع ایجاد شده در حوض خانه‌ها در مواردی معادل ۱/۵، ۲ یا حتی سه طبقه هستند. در

وجود طاقچه‌ها، تورفتگی و بیرون‌زدگی دیوهای حوض خانه، ستون‌ها، درها و پنجره‌ها، رنگ‌ها و نقش‌ها، ارتباط با نور و آب و تداعی طبیعت، باعث ایجاد گشایش و دل‌بازی می‌شود. عظمت و اعجاب در فضای حوض خانه از طریق شیوه‌های متنوع وجود دارد. این شیوه‌ها شامل وجود فضای پوشیده و مرتفع در کنار فضاهای با ارتفاع کمتر، ایجاد فضای پر نور با استفاده از نورگیر سقفی، پنجره‌های نورگیر نزدیک به سقف و پنجره‌های رو به حیاط، شبک و ارسی، ترکیب چند معیار فضایی شامل بزرگی ابعاد، ارتفاع و حجم، حضور تعریف شده نور طبیعی از سقف و تزئینات در فضای حوض خانه است (حائری، ۱۳۹۵: ۱۸۶). هر فضا پس از اینکه تعریف یافت، توان تمایز نیز پیدا می‌کند. این دو خصوصیت تعریف شدن و تمایز شدن فضا باعث تقویت و تکمیل توان یک فضا می‌گردد؛ بنابراین کیفیت فضایی غنی می‌شود (حائری، ۱۳۹۵: ۱۰۶). با وجود عناصر تمایز دهنده در یک فضا تنوع به وجود می‌آید. بلندی و کوتاهی و پروخالی فضا، از عناصر تمایز دهنده فضا می‌باشند (همان: ۱۱۰).

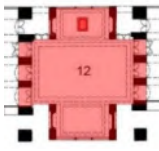
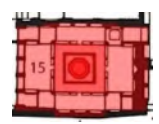

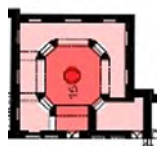

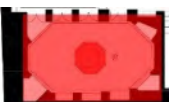
بلندی و کوتاهی


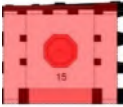

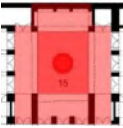
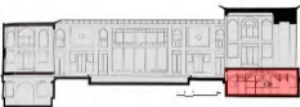


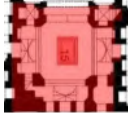
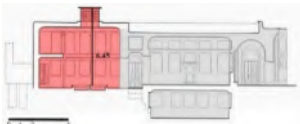
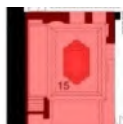
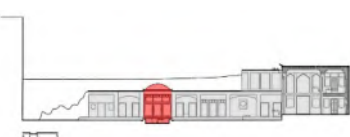


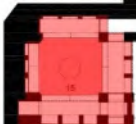

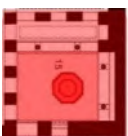


در خانه اعرابی تنها تمایز ارتفاعی، اختلاف سطح بسیار کم لبه حوض با کف اتاق است. در خانه علافچیان با وجود دو طبقه بودن حوض خانه، در طبقه اول تنها


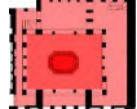
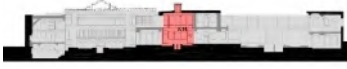
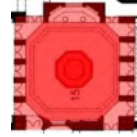
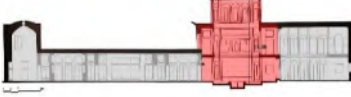
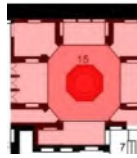

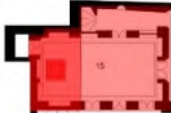
در دیوارها، ایجاد گشایش‌های فضایی توسط ستون‌ها، درها و پنجره‌ها علاوه بر ایجاد بسط فضایی، چشم‌اندازی و نوری جهت و حرکت را در فضا نشان می‌دهند.

برخی حوض‌خانه‌ها مانند امام جمعه، حاج مصورالملکی، سوکیاس و ملاباشی غلام‌گردش وجود دارد. ارتفاع فضای حوض‌خانه‌ها، وجود برجستگی‌ها و فرورفتگی‌های موجود

جدول ۵- تمایز ارتفاعی در کف حوض‌خانه در نمونه‌های مورد پژوهش

نام خانه	پلان حوض‌خانه	تمایز ارتفاعی حوض‌خانه با سایر فضاهای خانه	ارتفاع حوض‌خانه	تمایز ارتفاعی در کف حوض‌خانه	سکوه‌های پیرامون حوض‌خانه
اعرابی			۴,۱۰	عمق حوض: ۸۰ سانتی‌متر بلندی لبه حوض: ۶,۵ سانتی‌متر	-
اعلم			۲,۸۰	عمق حوض: ۵۶ سانتی‌متر بلندی لبه حوض: ۱۲ سانتی‌متر	-
الفت			۲,۹۰	به دلیل تخریب شدن بنا اطلاعات محدود است.	چهار طرف
امام جمعه			۶,۴۰	عمق حوض: ۴۸ سانتی‌متر ارتفاع صفه‌ها: ۲۲ سانتی‌متر	چهار طرف
انگورستان ملک			۶,۲۰	عمق حوض: ۳۰ سانتی‌متر پله‌های ورودی: ۲۸- سانتی‌متر ارتفاع صفه‌ها: ۴۶ سانتی‌متر	دور تا دور به جز قسمت در ورودی
جواهری			۵,۱۰	عمق حوض: ۱۰۳ سانتی‌متر ارتفاع صفه‌ها: ۲۰ سانتی‌متر	چهار طرف
حاج مصورالملکی			۹,۶۰	عمق حوض: ۴۵ سانتی‌متر لبه‌های اطراف: ۵ سانتی‌متر	لبه بسیار کوتاه در اطراف

یک طرف	عمق حوض: ۵۵ ارتفاع صفه: ۵۵ سانتی متر	۵,۰۰			حبیب آبادی
چهار طرف	عمق حوض: ۵۲ سانتی متر ارتفاع صفهها: ۲۸ سانتی متر	۶,۶۰			دُرمیان
-	عمق حوض: ۲۶ سانتی متر لبه حوض: ۱۰ سانتی متر	۳,۲۰			سرهنگ بخردی
-	عمق حوض: ۷۲ سانتی متر	۸,۳۰			سوکایس
-	عمق حوض: ۲۲ سانتی متر لبه حوض: ۷ سانتی متر	۶,۴۵			علافچیان
-	عمق حوض: ۸۶ سانتی متر لبه حوض: ۲۶ سانتی متر	۵,۰۰			قادریان
چهار طرف	عمق حوض: ۳۶ سانتی متر	۷,۸۵			کریمی
چهار طرف	عمق حوض: ۳۰ سانتی متر ارتفاع لبه حوض: ۱۰ سانتی متر ارتفاع صفهها: ۲۵ سانتی متر	۹,۰۰			لباف
چهار طرف	عمق حوض: ۵۸ سانتی متر ارتفاع لبه حوض: ۲۰ سانتی متر ارتفاع صفهها: ۲۵ سانتی متر	۳,۲۰			متوسلان

چهار طرف	عمق حوض: ۲۸ سانتی‌متر ارتفاع صفاها: ۳۷ سانتی‌متر	۱۰,۰۰			مشیرالملک
دور تا دور	عمق حوض: ۳۸ سانتی‌متر ارتفاع صفاها: ۴۰ سانتی‌متر	۸,۰۰			ملاباشی
دور تا دور	عمق حوض: ۸۶ سانتی‌متر لبه حوض: ۱۵ سانتی‌متر ارتفاع صفاها: ۳۰ سانتی‌متر	۱۰,۰۰			وثیق
یک طرف	عمق حوض: ۲۲ سانتی‌متر ارتفاع جایگاه حوض: ۱۸ سانتی‌متر	۳,۸۰			یزدی‌ها

پروخالی

دیوارها حالت مسطح ندارند، از طریق ارتفاع، تاق، طاقچه‌ها، طاق‌ماها و برجستگی‌های سازه‌ای از حالت سطح خارج شده‌اند (حائری، ۱۳۹۵: ۱۱). با ایجاد تقسیمات فضایی جاسازی شده در بدنه دیوارها، مکان‌های مناسبی برای قرار دادن اشیاء به وجود می‌آید (همان: ۶۸)، با ایجاد این تقسیمات فضایی بر زیبایی فضا افزوده و از وزن سازه کاسته می‌شود. به قسمت‌های تورفته در پلان نخیر و قسمت‌های بیرون زده در پلان نه‌از می‌گویند (معماریان، ۱۳۹۲: ۳۷۱). دیوار در اتصال با کف به سکو و نشیمن‌گاه تبدیل می‌شود (همان: ۱۱۰).

نتیجه‌گیری

واکاوی ویژگی‌های ترکیب‌کننده‌های فضایی ۲۰ حوض‌خانه در خانه‌های تاریخی اصفهان (اعرابی، اعلم، الفت، امام

جمعه، انگورستان ملک، جواهری، حاج مصورالملکی، حبیب‌آبادی، درمیان، سرهنگ بخردی، سوکیاس، علافچیان، قادریان، کریمی، لباف، متوسلان، مشیرالملک، ملاباشی، وثیق انصاری و یزدی‌ها) نشان داد که معمار ایرانی از دانش و آگاهی کافی در مورد طراحی این فضا و متمایز کردن آن از سایر فضاهای خانه برخوردار بوده و برای طراحی عناصر و اجزای آنها شیوه‌های خاصی را در نظر گرفته است. با وجود جایگاه بیشتر حوض‌خانه‌ها در نقاط کور و پرت خانه یا در گوشه‌های پلان، با برنامه‌ریزی و استفاده از بسط فضایی به صورت افقی و یا عمودی، بسط نوری و بسط چشم‌اندازی، فضایی خنک، همراه با تهویه، نور مناسب و چشم‌اندازی خوب فراهم کرده است.

در این پژوهش حوض‌خانه‌ها از نظر بسط فضایی افقی و بسط فضایی عمودی مورد واکاوی قرار گرفتند. از نظر بسط

فضایی افقی، همجواری‌ها، سلسله مراتب و ایجاد صنفه مورد توجه واقع شد. از منظر همجواری حوض‌خانه‌ها به پنج گروه (فاقد همجواری، تک‌رو، دورو، سه‌رو و چهاررو) تقسیم شدند. فضای حوض‌خانه در خانه‌های مورد پژوهش دارای سلسله مراتب مشخص و سازمان یافته‌ای است. بررسی‌ها نشان داد؛ میزان محرمیت در حوض‌خانه‌های انگورستان ملک و علافچیان از سایر حوض‌خانه‌های مورد پژوهش بیشتر است؛ زیرا این دو حوض‌خانه با سایر فضاهای خانه در ارتباط نیستند. حوض‌خانه علافچیان در جبهه غربی خانه و نزدیک به حیاط‌خانه و حوض‌خانه انگورستان ملک در قسمت شمالی خانه و یکی از نزدیک‌ترین فضاهای خانه است. برای ورود به این دو حوض‌خانه انتخاب‌های متعدد وجود ندارد؛ زیرا فقط یک در برای ورود به هر کدام از این حوض‌خانه‌ها موجود است. حوض‌خانه‌های اعرابی و سوکیاس که مربوط به دوره صفویه هستند در قسمت مرکزی خانه قرار گرفته‌اند. این حوض‌خانه‌ها در فضای تالار (شاه‌نشین) خانه قرار دارند و از هر دو سمت به حیاط‌های شمالی و جنوبی خانه دسترسی دارند. هر دو حوض‌خانه یاد شده از سمت شرق و غرب نیز با اتاق‌هایی در ارتباطند. در نتیجه میزان ارتباط حوض‌خانه‌های اعرابی و سوکیاس بسیار زیاد است و انتخاب‌های متعددی برای ورود به این دو حوض‌خانه وجود دارد. حوض‌خانه حبیب‌آبادی مربوط به دوره قاجار است، ولی فضای حوض‌خانه آن با الگوی حوض‌خانه‌های صفوی شباهت دارد و در شاه‌نشین خانه قرار گرفته است. این حوض‌خانه از دو طرف با اتاق‌های شرقی و غربی در ارتباط است؛ همچنین در قسمت جنوبی حوض‌خانه حبیب‌آبادی پنجره ارسی قرار دارد. حوض‌خانه‌های اعرابی، سوکیاس و حبیب‌آبادی از طریق

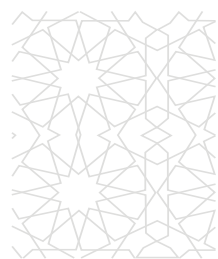
پنجره‌های ارسی نور دریافت می‌کنند. حوض‌خانه‌های انگورستان ملک، جواهری، حاج مصورالملکی، دُر‌میان، علافچیان، قادریان و ملاباشی نیز مربوط به دوره قاجار هستند. میزان محرمیت در حوض‌خانه‌های جواهری، حاج مصورالملکی، دُر‌میان، قادریان و ملاباشی به صورت متوسط است. برای ورود به حوض‌خانه جواهری دو انتخاب وجود دارد. ورودی اصلی حوض‌خانه از طریق حیاط می‌باشد. در این حوض‌خانه از طریق سه دری به اتاق جانبی راه دارد. این حوض‌خانه در جبهه جنوب غربی خانه و در فضایی کور قرار دارد. از داخل فضای حوض‌خانه جواهری هیچ‌گونه دیدی به سایر فضاهای خانه وجود ندارد؛ مگر اینکه سه دری مابین اتاق و حوض‌خانه باز باشد، در این صورت از حوض‌خانه به فضای اتاق سه دری دید وجود دارد. میزان محرمیت در حوض‌خانه حاج مصورالملکی بسیار زیاد است. در اصلی ورودی به حوض‌خانه از سمت حیاط می‌باشد. در دو سمت حوض‌خانه، اتاق وجود دارد. در حوض‌خانه دُر‌میان میزان محرمیت نسبت به حیاط و ورودی، به نسبت زیاد است. این فضا از طرف شرق و غرب با اتاق‌های سه دری و از طرف جنوب با شاه‌نشین خانه در ارتباط است. در قدیم از طرف شمال حوض‌خانه نیز به این فضا ورودی وجود داشته است. امروزه به دلیل تغییر کاربری این خانه به هتل این دو ورودی حذف گردیده است؛ بنابراین برای ورود به فضای حوض‌خانه دُر‌میان، انتخاب‌های متعددی وجود دارد و این فضا از سه طرف با فضاهای دیگر در ارتباط است. حوض‌خانه قادریان دارای محرمیت در حد متوسط است؛ زیرا دارای پنجره ارسی می‌باشد. برای ورود به این فضا در از حیاط وجود دارد؛ همچنین از اتاق کنار حوض‌خانه نیز به این فضا راه وجود دارد. این حوض‌خانه در جبهه غربی خانه و در

قناسی پلان قرار دارد. حوض خانه ملباشی بین دو اتاق پنج‌دری از شرق و غرب و دو راهرو از شمال و جنوب قرار دارد. در زمان قدیم از راهروی جنوبی هم به حوض خانه در ورودی وجود داشته که امروزه حذف گردیده است. برای ورود به این حوض خانه انتخاب‌های متعددی وجود دارد؛ زیرا این فضا با چندین قسمت دیگر خانه در ارتباط است. نسبت به حیاط و سایر جبهه‌های خانه، دارای محرمیت است.

در مورد صفه دار بودن یا نبودن حوض خانه‌ها، این نتیجه حاصل شد که بسط فضایی در حوض خانه‌های الفت، امام جمعه، انگورستان ملک، جواهری، حبیب آبادی، دُر‌میان، کریمی، لباف، متوسلان، ملباشی، وثیق انصاری و یزدی‌ها باعث ایجاد صفه نیز شده است. بسط فضایی عمودی در حوض خانه‌ها از طریق ایجاد نورگیر به صورت سقفی و دیواری ایجاد شد است که در حوض خانه‌های انگورستان ملک، دُر‌میان، علافچیان، کریمی، لباف و ملباشی به صورت نورگیر در وسط سقف و در مابقی حوض خانه‌ها به صورت دیواری است. ایجاد نورگیر، پنجره و بادگیر باعث تهویه و خنکی فضای حوض خانه‌ها شده است. در حوض خانه‌های انگورستان ملک، جواهری، حاج مصورالملکی، دُر‌میان، علافچیان، قادریان، کریمی، لباف، ملباشی و وثیق انصاری نورگیر موجود است. در حوض خانه‌های اعرابی، اعلم، الفت، امام جمعه، حاج مصورالملکی، حبیب آبادی، سرهنگ بخردی، سوكیاس، قادریان، لباف، متوسلان و یزدی‌ها تهویه از طریق پنجره انجام می‌گیرد. در دو حوض خانه اعلم و کریمی به غیر از تهویه توسط پنجره و نورگیر، بادگیر نیز به خنکی و تهویه فضا کمک می‌کند. برای ایجاد بسط فضایی از نظر ارتفاع، حوض خانه‌ها دارای ارتفاع بین ۲/۸۰ تا ۱۰ متر هستند که در برخی

از آنها معادل دو یا سه طبقه می‌شود. با ایجاد بسط ارتفاعی در حوض خانه‌های امام جمعه، حاج مصورالملکی، حبیب آبادی، سوكیاس، علافچیان، لباف، مشیرالملک، ملباشی و وثیق انصاری غلام‌گردش به وجود آمده است. در طبقه پایین حوض خانه حاج مصورالملکی هیچ‌گونه پنجره‌ای به بیرون ندارد. در یک طرف طبقه بالای این حوض خانه، اتاق گوشوار قرار دارد.

در حوض خانه‌های مورد پژوهش بسط چشم‌اندازی و نوری وجود دارد که این بسط چشم‌اندازی و نوری به دو سمت داخل و خارج است. گروهی مانند اعرابی، اعلم، الفت، حبیب آبادی، سرهنگ بخردی، سوكیاس، قادریان و متوسلان بسط نوری و چشم‌اندازی به سمت خارج دارند و در مابقی حوض خانه‌ها بسط نوری و چشم‌اندازی به سمت داخل است. در حوض خانه‌های امام جمعه، حاج مصورالملکی، لباف، مشیرالملک، وثیق انصاری و یزدی‌ها پنجره نزدیک به سقف وجود دارد. نور فضای حوض خانه حاج مصورالملکی از طریق پنجره‌های موجود در طبقه دوم حوض خانه نیز تامین می‌شود. در حوض خانه‌های اعلم و الفت پنجره و در حوض خانه‌های سرهنگ بخردی و متوسلان شبک رو به حیاط مشاهده شد و در حوض خانه‌های اعرابی، حبیب آبادی، سوكیاس و قادریان ارسی وجود دارد. نور به حوض خانه‌های موجود در زیرزمین از طریق پنجره‌ها و شبک‌ها وارد می‌شود؛ بنابراین نیاز به ارتفاع زیاد نیست. در حوض خانه‌های موجود در طبقات دیگر نور از طریق نورگیرهای سقفی، حال در مرکز سقف یا در پیرامون آن، فراهم می‌گردد؛ بنابراین لازم است که برای ورود نور بیشتر به فضا، بسط فضایی عمودی به وجود بیاید و حوض خانه ارتفاع بیشتری پیدا کند. در حوض خانه قادریان نور از طریق پنجره ارسی وارد فضا می‌گردد. در حوض خانه



لباف با وجود قرارگیری در زیرزمین به دلیل ارتباط نداشتن با حیاط برای ایجاد نور در این فضا، حوض خانه نه متر ارتفاع گرفته و برای ورود نور به این فضا از پنجره‌های پیرامون حوض خانه و نورگیر سقفی استفاده شده است. از فضای حوض خانه ملباشی به حیاط و سایر جبهه‌های خانه دید وجود ندارد، ولی به اتاق‌های پنج‌دری طرفین و راهروها چشم‌انداز وجود دارد. نور این

فضا از طریق نورگیر مرکزی سقف تامین می‌شود. جمع‌بندی واکاوی ویژگی‌های ترکیب‌کننده‌های فضایی براساس بسط فضایی، چشم‌اندازی و نوری در خانه‌های تاریخی دوره‌های صفوی و قاجار اصفهان ارائه شده است که در هریک از ترکیب‌کننده‌های فضایی فوق‌عناصر و خصوصیات کالبدی که بهره‌گرفته شده به تفکیک خانه‌ها مشخص شده است (جدول ۶).

جدول ۶ - بسط فضایی، چشم‌اندازی و نوری در نمونه‌های مورد پژوهش

ویژگی‌ها	خانه‌های مورد پژوهش																					
	عربی	اعلم	الفت	ایام جمعه	انگورستان ملک	جوهری	حاج مصورالملکی	حبیب ابادی	ذریبان	سرهنگ بخودی	سوکیاس	علاجیان	قادریان	کریمی	لباف	متوسلان	مشیرالملک	ملاطاسی	وثیق انصاری	یزدی‌ها		
بسط فضایی افقی	فقدان همجاری				+																	
	یک رو	+																				
	نور رو																					
	سه رو																					
بسط فضایی عمودی	چهار رو																					
	ایجاد صفا																					
	نظام گردش																					
	ایجاد سقفی																					
بسط فضایی عمودی	نورگیر																					
	نورگیر																					
	ایجاد پنجره																					
	تهویه																					
بسط چشم‌اندازی و نوری	پلانگیر																					
	ایجاد ارتفاع (سقف‌تراز)	۴,۱۰	۲,۸۰	۲,۹۰	۶,۴۰	۶,۲۰	۵,۱۰	۹,۶۰	۵,۰۰	۶,۶۰	۲,۲۰	۸,۲۰	۶,۴۵	۵,۰۰	۷,۸۵	۹,۰۰	۳,۲۰	۱,۰۰۰	۸,۰۰	۱۰,۰۰	۳/۸۰	
	به سمت داخل																					
	به سمت خارج																					
نوری	نورگیر سقفی																					
	پنجره نزدیک به سقف																					
	پنجره رو به حیاط																					
	شادک																					
ارسی																						

حوض خانه‌های موجود در خانه‌ها در دوره صفوی داخل تالار خانه قرار داشتند مانند خانه‌های اعرابی و سوکیاس. در چیدمان فضاهای یک خانه، نقاط کور به علت فقدان نورگیری از حیاط، به کاربری‌های درجه دو و سه مانند آشپزخانه، راه پله و غیره اختصاص داشته‌اند، ولی ابداع حوض خانه توسط معماران برای ایجاد فضای تابستانی در نقاط کور بنا با نورگیری از سقف از مشخصه‌های معماری دوره دوم قاجار است. برای حل این مشکل با نورگیری از سقف و پنجره‌ها مساله

فقدان نور برطرف شده است. این تدبیر اقلیمی نشان‌دهنده استفاده بهینه از محدودیت‌ها در جهت خلق فضاهای جدید با کارکرد اقلیمی است. در دوره قاجار حوض خانه‌ها ارتفاع می‌گیرند مانند خانه‌های حاج مصورالملکی، چرمی، وثیق انصاری و ملباشی. در این دوره به حوض خانه، سرپوشیده می‌گفتند. اواخر دوره قاجار، خانه‌های کردی (۱) را داریم. در این دوره جبهه شمالی خانه دارای اهمیت می‌شود. حوض خانه در این دوره به زیرزمین (تراز منفی ۶۰) جبهه شمالی خانه می‌رود؛ مانند

----- (۱۳۹۴) فضامندی، وجوه، حدود و عوامل تاثیرگذار، فصلنامه علمی پژوهشی صفا، ۲، صص ۵۱۸.

پیشه ورن، پریدخت (۱۴۰۰) گفتگوی حضوری با پریدخت پیشه ورن (همسر محمداقبر جواهری) سه شنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۰، ساعت ۱۲ ظهر.

حائری، محمدرضا (۱۳۹۳) نقش فضا در معماری ایران، چاپ دوم، تهران، رسام.

----- (۱۳۹۵) خانه، فرهنگ و طبیعت در معماری ایران، چاپ دوم، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

حریری، آزاده، مریم قاسمی سیچانی، و بهنام پدram (۱۳۹۷) مستندسازی کالبدی و کارکردی خانه تاریخی الفت، فصلنامه علمی فنی هنری اثر، ۸۲، ۱۸.

خدابخشیان، مقدی، و سید مجید مفیدی شمیرانی (۱۳۹۳) ضرورت شناخت فضاهای زیرزمینی در معماری‌های بومی، مجله هویت شهر، ۱۷، صص ۳۵۴۴.

دی. کی. چینگ، فرانسیس (۱۳۹۳) معماری فرم، فضا و نظم، ترجمه زهره فراگزلو) چاپ بیستم، تهران، دانشگاه تهران.

رازی، فریده (۱۳۷۲) فرهنگ واژه‌های فارسی سره برای واژه‌های عربی در فارس معاصر، چاپ دوم، تهران، سعدی.

رحمانی، سارا، و حمید ندیمی (۱۳۹۸) تأملی در کیفیت و معنی محیط، مجله علمی پژوهشی باغ نظر، دوره ۱۶، ۷۱، ۵۱-۶۰.

رفیعی سرشکی، بیژن، ندا رفیع‌زاده و علی محمد رنجبر کرمانی (۱۳۹۵) فرهنگ مهرازی (معماری) ایران، چاپ سوم، تهران، مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.

زندیه، مهدی و سمیرا پروردی نژاد (۱۳۸۹) توسعه پایدار و مفاهیم آن در معماری مسکونی ایران، نشریه مسکن و محیط روستا، ۱۳۰، ۱۰.

خانه‌های اعلم، الفت، سرهنگ بخردی، لباف و متوسلان. حوض‌خانه موجود در خانه حبیب آبادی با وجود اینکه مربوط به دوره قاجار است، ولی الگوی صفوی دارد (در تالار قرار دارد) و در دو طبقه احداث شده است. بیشترین تزیینات حوض‌خانه مربوط به دوره قاجار می‌باشد مانند خانه‌های امام جمعه، حاج مصورالملکی و وثیق انصاری. بعد از دوره قاجار از اهمیت فضای حوض‌خانه کم می‌شود و فضای حوض‌خانه بیشتر در خانه‌های اعیان و اشراف ساخته می‌شود.

پی‌نوشت

۱. سبک کردی به معنی گله داری است. در این سبک حیوانات در قسمت پایین بنا و در قسمت فوقانی، انسان زندگی می‌کرده است. سبک گله داری بدون کاربری برای حیوانات با کاربرد زمستانه و تابستانه در سال‌های بعدی رواج پیدا کرده است (شیخ زاده، ۱۳۹۵: ۲۱). به دلیل شبیه بودن این سبک معماری مسکونی با قلعه‌های بختیاری در مناطقی مانند جوققان و چالستر به نام کردی معروف شده است (حریری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸).

منابع

آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر (۱۳۹۲) اصفهان شهر نور، ترجمه لیلا پهلوان زاده، اصفهان، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

احمدی‌نژاد، روزبه و علیرضا شیر افکن (۱۳۹۱) فرهنگ لغت انگلیسی به فارسی ساختمان و معماری، تهران، طحان.

اکسندر، اولریخ، و دتریش پرسل (۱۳۹۵) مفاهیم پایه در طراحی فضا، ترجمه شادی عزیزی و صفورا اولنج، تهران، کتاب فکر نو.

بخارایی، صالحه (۱۳۹۳) معماری و فضامندی نحو توالی فضاهای مرتبط با یک آپیزود در معنای عاطفی فضامندی، رساله دکتری معماری، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

شهامت نژاد، علیرضا (۱۳۸۷) شناخت خانه‌های قاجاری اصفهان و تحلیل روند تغییرات آنها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

شیخ زاده، علی (۵۱۳۹) خانه امین التجار اصفهانی، مشهد، امکان امروز.

صفایی، آذر، و محمدصادق میرزا ابوالقاسمی (۱۳۹۸) تزیینات معماری در حوض‌خانه خانه دخانچی شیراز، دوفصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی، دوره ششم، ۱۷، صص ۸۷-۹۴.

طباطبایی زواره، سیده مریم، نیما ولی‌بیگ، مریم عظیمی، و بهروز شهبازی چگنی (۱۳۹۷) مقایسه کالبد خانه‌های چهارصفه و حوض‌خانه‌ای سنتی شهر زواره، نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، سال ششم، ۷، صص ۱۰۱۱۲۵.

عمید، حسن (۱۳۸۷) فرهنگ فارسی عمید (دو جلدی) چاپ بیست‌ونهم، تهران، امیرکبیر.

فرشته نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۹) فرهنگ معماری و مرمت معماری، اصفهان، ارکان دانش.

فرهین فراهانی، بهراد (۱۴۰۰) طرح‌واره ذهنی و تولید فضا، تهران، آذرخش.

فرزاد، فرزاد، حدیثه کامران کسمایی، مهدی خاکزند و غلامحسین معماریان (۱۴۰۰) الگوها و اصول کالبدی خانه‌های سنتی کاشان، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۷۶.

فن مایس، پیر (۱۳۹۰) عناصر معماری از صورت تا مکان، ترجمه فرزین فردانش) چاپ سوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

قاسمی سیچانی، مریم و غلامحسین معماریان (۱۳۸۹) گونه‌شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان، نشریه هویت شهر، سال پنجم، ۷، ۸۷-۹۴.

قاسمی سیچانی، مریم و آزاده حریری (۱۳۹۹) خانه‌های قاجاری اصفهان، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) و معمار خانه باغ نظر.

کورت گروتز، یورگ (۱۳۹۰) زیبایی شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون) چاپ هفتم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

کی نژاد، محمد علی و محمدرضا شیرازی (۱۳۹۷) خانه‌های قدیمی تبریز، چاپ دوم، تهران، ترجمه و نشر آثار هنری متن.

مجیدی، سمیرا، و غلامحسین معماریان (۱۳۹۴) ابعاد عاطفی حیاط در خانه‌های سنتی شیراز، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۹.

محمودی، کوروش، و بیژن شادپی (۱۳۸۹) دیگشتری معماری و ساختمان Millenium، تهران، شهرآینده سازان.

مستغنی، علیرضا (۱۳۸۶) اندیشه انگاره فضا در معماری روایت فضا، رساله دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴) سیری در مبانی نظری معماری، تهران، سروش دانش.

----- (۱۳۹۱) آشنایی با معماری مسکونی ایران، گونه‌شناسی درونگرا، تهران، سروش دانش، چاپ ششم.

معین، محمد، و سید جعفر شهیدی (۱۳۷۷) لغت‌نامه دهخدا (ج ۶) چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.

نقی زاده، محمد، مریم قلمبر دزفولی، و حمید ماجدی (۱۳۹۵) تبیین مبانی عوامل موثر بر شاخص‌های کیفی مسکن، نشریه هویت شهر، سال دوازدهم، ۳۶، ۱۷۶-۱۶۳.

and practice, A typology of creative spaces. Elsevier. Delft University of Technology. Faculty of Industrial Design Engineering. Landbergstraat 15. CE. Delft. The Netherlands.

Gholamhossein, Memarian (2021) Courtyard House, With Special Reference to Shiraz. Tehran, Iran University of Science and Technology.

Thoring, Katja, Desmet, Pieter and Badke-Schaub, Petra (2018) Creative environments for design education

تأثیر استحکامات دفاعی سبک ووبان بر سازمان فضایی شهر خوی در دوره قاجار

پرویز پورکریمی**، کریم حاجی زاده***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی - ۱۰۴-۸۷

چکیده

شهر مهمترین عرصه زیست انسان و بزرگترین سلول تمدنی است و مطالعه تأثیر و تأثر این عرصه جایگاه ویژه‌ای دارد. مقاله حاضر درصدد بررسی و تحلیل تأثیر استحکامات دفاعی سبک اروپایی موسوم به ووبان به عنوان مولفه‌ای مؤثر در شکل دهی و سازمان فضایی شهر خوی در دوره قاجار است. هدف این پژوهش، تبیین و تحلیل چرایی و چگونگی نفوذ دانش شهرسازی و معماری دفاعی اروپایی در شهر خوی در دوره قاجار و بررسی پلان و ساختار معماری این قلعه-شهر و تأثیر آن بر سازمان فضایی و کالبدی هسته اولیه شهر خوی است. پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت و شیوه تحقیق، تاریخی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و متنکاوی اسناد و مدارک تاریخی است. سوال اصلی تحقیق این است که پلان و شکل هندسی استحکامات سبک اروپایی شهر خوی چه تأثیری بر سازمان فضایی و کالبدی هسته اولیه شهر داشته است؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در پی تحولات حاصل از مدرنیته و فناوری نظامی، نخبگان نظامی ایران به ضرورت انطباق‌سازی استحکامات دفاعی با نیازهای روز یعنی انطباق با سلاح‌های آتشین از جمله توپ و توپخانه پی بردند. از این رو، اقدام به ساخت استحکامات دفاعی سبک اروپایی مجهز به توپخانه و موسوم به «ووبان» کردند، که یکی از مصادیق بارز آن در دوره قاجار، برج و باروی شهر خوی است. نفوذ دانش شهرسازی و معماری اروپایی به عنوان مولفه‌ای انسانی در شهر خوی، در شکل دهی به سیما و هویت این شهر و سازمان فضایی و کالبدی هسته اولیه آن تأثیر به‌سزایی داشته است؛ به‌گونه‌ای که باعث شکل‌گیری و سازمان‌بندی هویت کالبدی-فضایی شهر خوی شده است.

واژگان کلیدی: شهر خوی، معماری دفاعی، سبک ووبان، فرم شهری.

مقدمه

بررسی تحولات کالبدی سکونت‌گاه‌های انسانی از گذشته تا به امروز نشان می‌دهد که تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فناوری با گذشت زمان الگوهای زیستی جوامع را تحت تأثیر قرار داده است. در میان این عوامل، عامل مدرنیته و فناوری زمینه‌ساز تغییراتی در هویت و سازمان فضایی و کالبدی شهرها گردیده است. ریشه‌های اصلی و فلسفی مدرنیته به مثابه یک واقعیت جدید به تحولات اجتماعی، فکری و فرهنگی عصر رنسانس اروپا باز می‌گردد. مدرنیته به مثابه یک فرایند منطقی، دارای مجموعه‌ای از فعالیت‌های منسجم و هدفمند در راستای چیرگی عقلایی بر جامعه و طبیعت، همراه با پشت سر نهادن ارزش‌ها، باورها و در یک کلام شیوه‌های مادی و فکری زندگی گذشته است (محمدزاده، ۱۳۸۴: ط). در زمینه تأثیر فناوری نظامی بر بافت شهرها میتوان به اختراع توپ و توپخانه و تأثیر آن بر بافت شهرها اشاره کرد که با ظهور توپ‌های غول‌پیکر استحکامات دفاعی و برج و بارو کارکرد دفاعیشان را از دست دادند و بدین طریق در شکل شهرها و روستاها تغییرات اساسی ایجاد شد و شهرها بیشتر از گذشته توسعه یافتند (دوما و همکاران، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۸۳). چنین تحولاتی، بیانگر اهمیت فناوری نظامی در پیشبرد سیر جوامع در گذار از مراحل مختلف تکوین است. از آن زمان به بعد بر اختراعات فناوری نظامی افزوده شد و هر یک از جوامع انسانی با دستیابی به انواع فناوری‌های نظامی در پی اهداف و ایدئولوژی‌های خویش برآمدند. استعمار یکی از نتایج توسعه فناوری نظامی است که در پی آن برخی جوامع در سایه امنیت ایجاد شده توان توسعه خود را آزمودند و برخی دیگر دچار استعمار شدند (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۱: ۲۵). شهر خوی و سازمان فضایی و کالبدی آن نیز به مانند دیگر مراکز شهری، تحت تأثیر

مدرنیته و فناوری متحول و دگرگون شده است. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد است با تفحص و متنکاوی اسناد و مدارک تاریخی، تأثیر مدرنیته و نفوذ معماری دفاعی سبک اروپایی در سازمان فضایی و کالبدی هسته اولیه شهر خوی را بررسی و تحلیل نماید.

شهر خوی در موقعیت جغرافیایی ۴۴ درجه و ۲۸ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۸ درجه و ۵۶ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است. این شهر در دشتی نسبتاً وسیع شکل گرفته و بعد از شهر ارومیه دومین شهر بزرگ آذربایجان غربی است. برج و باروی سبک اروپایی شهر خوی در مختصات ۴۴ درجه و ۵۷ دقیقه و ۳۳ دقیقه و ۰۳ ثانیه عرض جغرافیایی، در ارتفاع ۱۱۴۰ متری سطح دریا و در محدوده بافت تاریخی شهر در پیرامون بازار تاریخی واقع بوده است. دروازه سنگی در ضلع جنوبی بازار تاریخی تنها آثار برجای مانده از این قلعه تاریخی است.

هدف پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل چرایی و چگونگی نفوذ دانش شهرسازی و معماری دفاعی اروپایی در شهر خوی در دوره قاجار و بررسی پلان و ساختار معماری این قلعه-شهر و تأثیر آن بر سازمان فضایی و کالبدی هسته اولیه شهر خوی است. برای اینکه بحث محوری پژوهش از تمرکز و غنای بیشتری بهره‌مند شود، پاسخگویی به سوالات مطرح شده زیر، اساس پژوهش واقع شده است:

- ۱- چه عواملی باعث نفوذ دانش شهرسازی و معماری دفاعی سبک اروپایی در خوی شد؟
- ۲- استحکامات سبک اروپایی شهر خوی چه کارکردی در دوره قاجار داشته است؟
- ۳- پلان و شکل هندسی استحکامات سبک اروپایی شهر خوی چه تأثیری بر سازمان فضایی و کالبدی هسته اولیه شهر داشته است؟

پیشینه پژوهش

مطالعه و شناخت مولفه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و توسعه فضایی- کالبدی شهرهای ایران، از مهم‌ترین مباحثی است که از گذشته‌های دور توجه عده‌ای از اندیشمندان و پژوهشگران رشته‌های مرتبط را به خود معطوف داشته و نظریه‌ها و مدل‌های مختلفی جهت تحلیل تأثیر این مولفه‌ها ارائه شده است. در این میان، برخی از پژوهشگران درباره ساختار کالبدی و فضایی شهر خوی و عناصر معماری آن تحقیق کرده و روند شکل‌گیری هویت

کالبدی و فضایی این شهر و شاخص‌ترین عناصر معماری آن را بررسی و تحلیل کرده‌اند، اما به ندرت می‌توان پژوهشی یافت که درباره نفوذ معماری دفاعی سبک اروپایی در شهر ایرانی- اسلامی خوی نوشته شده باشد. در هیچ پژوهشی مستقلاً به موضوع چرایی و چگونگی نفوذ دانش شهرسازی و معماری دفاعی اروپایی در شهر خوی و تأثیر آن بر سازمان فضایی و کالبدی شهر پرداخته نشده است. در جدول (۱) پژوهش‌هایی که با موضوع این پژوهش نزدیکی موضوعی دارند، آورده شده است.

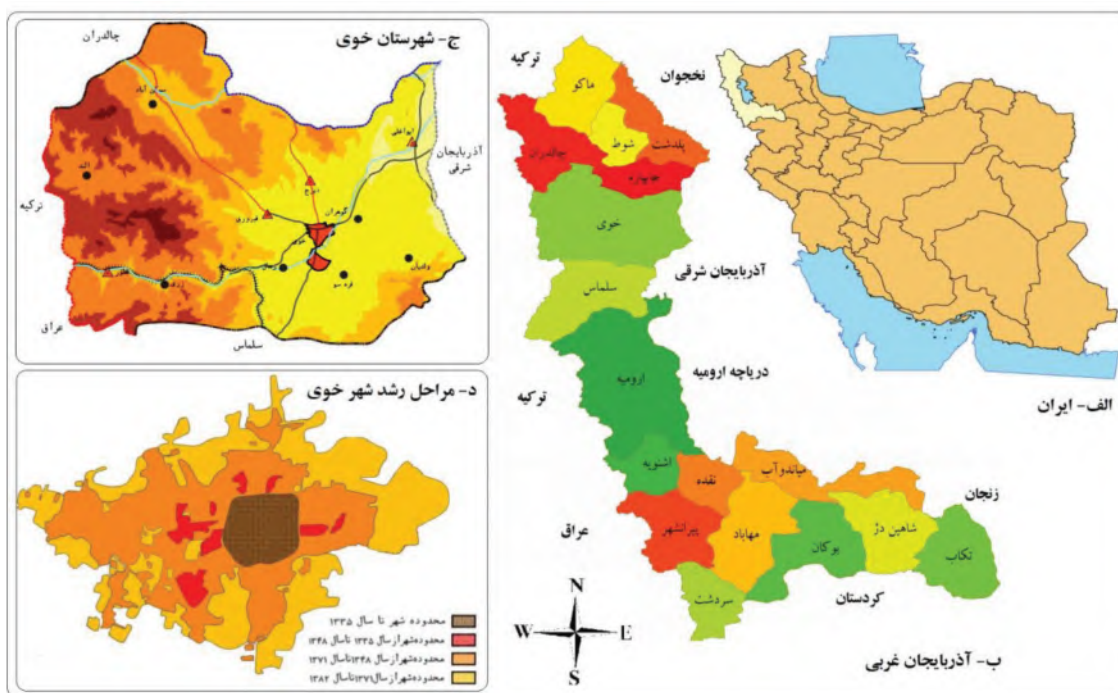
جدول ۱: پیشینه پژوهش

پژوهشگر(ان) و سال	عنوان پژوهش	توضیحات
ریاحی (۱۳۷۲)	تاریخ خوی	مقارن با دور اول جنگ‌های ایران و روس، به سال ۱۲۲۳ ق. طرح قلعه جدید خوی به وسیله یکی از افسران مهندس هیئت ژنرال گاردان تهیه شد و بعدها ساختمان قلعه با همان نقشه به مباشرت میرزا باقر مهندس که در ساختن قلعه‌های دیگر زیر نظر افسران فرانسوی و انگلیسی کار کرده بود انجام گرفت. قلعه جدید بیرون قلعه قبلی و دور آن احداث شد. در سال ۱۲۵۹ ق. در زمین لرزه شدید خوی صدماتی به قلعه وارد آمد و در سال ۱۲۷۳ ق. به مباشرت میرزاتقی معمار مرمت گردید و تا سالهای بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. باقی بود. بعد از آن سالها شهرداری خوی به قصد توسعه شهر به تدریج آن را خراب کرد.
صدرایی خوبی (۱۳۷۳)	سیمای خوی	آخرین ساختمان قلعه خوی با برج و بارویی محکم و به سبک مهندسی مدرن در سال ۱۲۲۷ ق. به دستور عباس میرزا ساخته شد. این قلعه که در برابر روس‌ها به وسیله ژنرال گاردان فرانسوی طرح‌ریزی شده بود، در بیرون قلعه قبلی خوی ساخته شده بود و پنج دروازه داشت. عرض دیوارهای قلعه به اندازه‌های بود که دو توپ قدرت مانور در روی آن را داشتند و طرف بیرون دیوار خندق بود که در موقع هجوم دشمن پر از آب می‌کردند. به نوشته وی، قلعه خوی در آن دوران تنها استحکامات به سبک اروپایی در ایران بود.
مهریار و همکاران (۱۳۷۸)	اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار	طرح کلی برج و باروی خوی، مربعی شکل است، که بیانگر سیمای هنر دفاعی اروپایی‌ها است. این قلعه از نظر کیفیت کالبدی، شبکه دسترسی و نظام توپخانه یکی از قلعه‌های پیشرفته آن زمان بوده است. از سازه‌های معماری داخلی این قلعه می‌توان به قصر شاهزاده اشاره کرد که با برج‌های دفاعی کوچک به دیوار شمالی قلعه متصل شده است.
ملازاده و محمدی (۱۳۸۵)	قلاع و استحکامات نظامی	از برج و باروی شهر خوی به دلیل گسترش شهر اثری بر جای نمانده است، اما متون تاریخی حاکی از آن است، که برج و باروی خوی توسط مهندسان فرانسوی به سبک اروپایی طراحی و توسط معماران ایرانی اجرا شده است. برج و باروی خوی از نظر طراحی و ساخت شباهت بسیاری به نقشه کهنه قلعه کرمانشاه دارد، که با الگوی اروپایی ساخته شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش تحقیق، تاریخی- تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات، کتابخانه‌ای و متن‌کاوی اسناد و مدارک تاریخی است. روش کار براساس استفاده از مستندات تاریخی و اسنادی بوده که منجر به تهیه لایه‌های بستر تاریخی شهر

خوی شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه کیفی و متکی به استدلال و تحلیل عقلایی است. به گونه‌ای که بسیاری از استنتاج‌های مربوط به توسعه فضایی و کالبدی هسته اولیه شهر خوی از راه مقایسه و تحلیل محتوا و تطبیق نقشه‌های موجود به دست آمده است.



شکل ۱: محدوده مورد مطالعه (الف) و ب از نگارندگان؛ ج و د از طرح جامع شهر خوی، ۱۳۹۰: ۳۴ و ۶۲)

استحکامات دفاعی سبک ووبان^۱

انطباق‌سازی استحکامات دفاعی با مقتضیات روز و تغییر و تحول در ساختار معماری این استحکامات در طی قرون متمادی، منجر به ظهور استحکامات باستیونی شد. سان میکل یکی از نخستین پایه‌گذاران ساخت استحکامات نوین باستیونی است که صد سال بعد ووبان آن را به کمال ترقی خود رساند (دوما و همکاران، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۴۸). در ادامه سیر تکامل استحکامات توپخانه‌ای، باستیون‌ها به صورت استحکامات زاویه‌دار و ستاره‌ای شکل ظاهر شدند. بدین ترتیب که در قرن هفدهم م. سبستین لو پروست بو ووبان^۲ افسر فرانسوی که در زمان حکومت فرانسه در فرایبورگ آلمان به ساخت استحکامات دفاعی اشتغال داشت، استحکامات ستاره‌ای شکل را طراحی و اجرا کرد (کلایس، ۱۹۸۰: ۱۷۶). این استحکامات به نام طراح آن به استحکامات سبک ووبان معروف گردید.

استحکامات سبک ووبان یا ستاره‌ای

شکل، استحکامات متشکل از باستیون‌های مثلثی متعدد هستند. این استحکامات نوع تکامل یافته باستیون هستند به گونه‌ای که باستیون‌ها در ادامه تکامل خود در بدنه برج و بارو قرار گرفته و در ادامه بنیان طراحی استحکامات قرار گرفتند و تبدیل به جدیدترین و آخرین سبک دژسازی توپخانه‌ای شدند که قابلیت دفاعی بیشتری در برابر آتش توپخانه دشمن داشتند (اسپراوینا، ۲۰۱۵: ۶۲). در تاریخ تحول تکنیک ساخت استحکامات باستیونی و ستاره‌ای شکل، نقش سان میکل ابداع باروها و باستیون‌های مناسب دفاع در برابر توپخانه است و نقش ووبان در کاربرد اصول مورد قبول سده شانزدهم و پذیرفتن اشکال منطقی و قطعی کارهاست. ووبان ارتفاع باروها را پایین آورد، زوایای کور استحکامات را کم کرد و مزغله‌ای زیرزمینی و محفظه‌های دیوار بیرونی خندق را گسترش داد (دوما و همکاران، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۵۲). استحکامات سبک ووبان در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ در سراسر اروپا و دیگر نقاط جهان ساخته شدند (کلایس، ۱۹۸۰: ۱۷۶). در شکل‌های (۲ و ۳) دو نمونه معروف

1. Vauban-style fortifications

2. Se bastien Le Prestre de Vauban

تا اینکه در اواخر سده نوزدهم م.، با افزایش فوق العاده قدرت آتش توپخانه، کارایی‌شان را از دست دادند و از صحنه استراتژی‌های جنگی حذف شدند (دوما و همکاران، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۵۳).

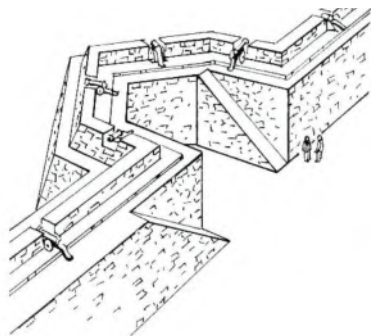
از استحکامات دفاعی سبک ووبان یا ستاره‌ای شکل با باستیون‌های مختلف (شکل ۴) آورده شده است. مدل سیستم دفاعی ووبان و تعدادی از دژهای ساخته او، در عصر نوین نیز کارایی‌شان را حفظ کردند



شکل ۲: استحکامات ستاره‌ای شکل شهر پالمانو آیتالیا (گوگل ارث، ۲۰۲۲)

است که از دیوار استحکامات دفاعی جلوتر بوده و معمولاً به صورت زاویه‌دار در گوشه استحکامات دفاعی ساخته می‌شده است (وایتلو، ۱۸۴۶: ۴۴۴). ترجمه تحت‌اللفظی باستیون در زبان فارسی به صورت «جان‌پناه» آمده است (آریانپور کاشانی، ۱۳۷۰: ۱۸۶). در منابع معتبر فارسی اشارهای به استحکامات دفاعی سبک ووبان و ستاره‌ای شکل نشده، اما به عنصر معماری باستیون اشاره گذرایی شده که در جدول (۲) شاخص‌ترین آنها ذکر شده است.

ستحکامات دفاعی سبک ووبان و ستاره‌ای شکل دارای عناصر معماری مختلفی هستند. با توجه به بررسی منابع تاریخی، تصاویر ماهواره‌ای و بررسی‌های میدانی، باستیون، نیم باستیون، دیوار مانع، جلوخان، خندق، خاکریز شیب‌دار و پل متحرک مهمترین عناصر معماری استحکامات سبک ووبان و ستاره‌ای شکل هستند. در بین عناصر معماری این استحکامات، عنصر معماری باستیون پایه و اساس شکل‌گیری آنها است (پورکریمی، ۱۳۹۸: ۳۴۶). باستیون یا خاکریز سازه‌ای



شکل ۴: طرح شماتیک باستیون و محل توپ‌ها (پیرسون اسکات، ۲۰۰۷)



شکل ۳: استحکامات ستاره‌ای شکل شهر ژاکا اسپانیا (ویکی-پدیا)

نام منبع	تعریف و مفهوم باستیون
لغت نامه دهخدا	باستیان کلمه‌ای فرانسوی است به معنای استحکام برآمده و برج ماندنی که در قلعه می‌سازند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۱۴۶).
فرهنگ عمید	باستیان یا باستیون کلمه‌ای فرانسوی به معنای برج و بارو و دیوار قلعه، بنای مرتفع که در قلعه می‌سازند (عمید، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۰۴).
فرهنگ معین	باستیون بنای مرتفعی است که در قلعه می‌سازند. قلعه‌ای که در آن اسلحه و ابزار جنگی ذخیره کنند (معین، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۳۳).
فرهنگ آریانپور	باستیون دژ و استحکاماتی است که برای بیشتر کردن میدان تیر و دید از حصار اصلی قلعه جلوتر رفته و مسلط بر فضای جلوی قلعه و ساختمان‌های بیرونی دیگر قلعه است (آریانپور کاشانی، ۱۳۷۰: ۱۸۶).

چرایی و چگونگی نفوذ دانش شهرسازی و معماری دفاعی اروپایی در ایران

نامه‌هایی به پادشاهان اروپایی و پاپ و در پی آن، ساخت توپ‌های جنگی، تفنگ و ایجاد توپخانه و دسته‌های منظم تفنگچی به کمک برادران شرلی، روابط نظامی - تسلیحاتی ایران و غرب را افزایش داد. این روابط در دوره‌های بعدی بویژه در دوره قاجار به همت عباس میرزا و امیرکبیر به صورت جدی‌تر دنبال شد (زنو، ۱۳۸۱: ۲۰۹؛ سایکس، ۱۳۳۰: ۲۱۷/۱؛ روملو، ۱۳۸۴: ۱۳۸/۱؛ اوزون چارشیلی، ۱۳۶۹: ۶۶/۲ - ۶۷؛ مهمید، ۱۳۶۱: ۷۷؛ وودز، ۱۹۷۶: ۱۲۸؛ هینز، ۱۹۹۲: ۵۴).

مسئله روابط سیاسی و نظامی ایران با اروپاییان و استفاده از مستشاران اروپایی در کنار حضور قدرتمند اروپاییان در خلیج فارس که از دوره آق‌قویونلوها بویژه صفویه آغاز شده بود و تا دوره قاجار و پهلوی تداوم داشت، در حوزه شهرسازی و معماری نظامی ایران و ساخت قلاع و استحکامات دفاعی متعدد با سبک معماری اروپایی موسوم به «ستاره‌ای شکل» نیز مشهود است. ورود دانش ساخت استحکامات اروپایی ستاره‌ای شکل به ایران را به ژنرال گاردان فرانسوی و سن بگلاپتر آلمانی نسبت می‌دهند (کلایس، ۱۹۸۰: ۱۷۶). از استحکامات ستاره‌ای شکل ایران می‌توان به نارین قلعه اردبیل، قلعه آستارا، قلعه کلهر اهر، قلعه خوی و استحکامات قاجاری شهر تبریز اشاره کرد (پورکریمی، ۱۳۹۸: ۳۴۵). دلیل اصلی ظهور چنین استحکاماتی در ایران، ضرورت انطباق‌سازی استحکامات

مدرنیته‌سازی و در پی آن، ظهور فناوری‌های جدید نظامی از جمله ابداع پدیده مدرن توپ و توپخانه در اروپا و نقش تعیین کننده این سلاح‌ها در سرنوشت جنگ‌ها، باعث گرایش ایرانیان به ایجاد روابط سیاسی و نظامی با دول اروپایی شد. جرقه ایجاد روابط سیاسی و نظامی ایرانیان با کشورهای اروپایی برای دریافت سلاح‌های آتشین از زمان اوزون-حسن در دوره آق‌قویونلوها (۱۵۰۱-۱۳۷۸ م.) زده شد. در این دوره، در پی جنگ‌های آق‌قویونلوها با عثمانی‌ها، ونیزی‌ها در سال ۱۴۷۲ م. شماری توپ و تفنگ برای تاسیس توپخانه و رسته تفنگچی به ایران فرستادند (باربارو و همکاران، ۱۳۸۱: ۴۹-۵۴؛ سیوری، ۱۳۷۴: ۴۲-۴۳؛ الگود، ۱۹۹۵: ۱۱۴). پدیده مدرن سلاح آتشین در تشکیلات نظامی این دوره، تحولی اساسی ایجاد نکرد و عموماً سلاح‌های مبتنی بر نیروی عضلانی مورد استفاده بود. این روند ادامه یافت تا اینکه در دوره صفوی، شکست در جنگ چالدران (۱۵۱۴ م.) در پی نابرابری تسلیحاتی ایران و عثمانی و نمایش عینی کاربرد توپخانه و تأثیر تعیین کننده آن در سرنوشت جنگ، شاهان صفوی را به بهره‌مندی از دانش و تجربه اروپاییان در زمینه تولید سلاح‌های آتشین و تحول در ساختار ارتش واداشت. شاهان صفوی درصدد برآمدند برای حفظ موجودیت خود در منطقه با تسلیحات روز خود را مجهز سازند. از این رو، شاه عباس اول با ارسال

در دوران اسلامی، نام خوی به دفعات در آثار متعدد تاریخی و جغرافیایی آمده است. در این آثار، خوی به عنوان شهری کوچک و در عین حال آباد و پرجمعیت و دارای باغ‌های فراوان توصیف شده است. ابن حوقل در سده چهارم ق. خوی را شهری آباد و پر نعمت توصیف کرده که باغ‌های فراوان دارد و باروی آجری بلند دور آن کشیده شده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۲ و ۸۵). ناصر خسرو قبادیانی در سفر خود از خراسان به سوی غرب به سال ۴۳۸ ق. از خوی گذشته و از آن در خور یک شهر بزرگ یاد نکرده است (قبادیانی، ۱۳۳۵: ۶-۷). دوره سلجوقیان و قرن‌های پنجم و ششم ق. تابناک‌ترین دوره تاریخ این شهر است. در این دوره با دستیابی سلجوقیان به آناتولی، خوی بر سر شاهراه ارتباطی شرق به غرب معروف به جاده ابریشم قرار گرفت و رونق اقتصادی، علمی و فرهنگی یافت (ریاحی، ۱۳۷۲: ۲۴). اهمیت خوی در عهد سلطان سنجر سلجوقی به آن حد رسید که همتای شهر ری شد و سلطان سنجر خوی و ری را جزء مناطق خاصه خود کرد. در این دوره، چند مدرسه در خوی تاسیس شد و تقریباً موجبات پیدایش درخشان‌ترین عصر فرهنگ و ادب خوی را فراهم آورد (ترابی، ۱۳۸۹: ۴). این رونق و آبادانی دیری نپایید و خوی به بلای بنیان‌کن هجوم مغول گرفتار شد. تاخت و تاز مغول‌ها به سال ۶۱۸ و ۶۲۸ ق. خوی را ویران کرد و نامدارانش آواره شام و روم شدند و این شهر تا قرن‌ها شکوه و آبادی پیشین را باز نیافت و در متون به جای شهر خوی از دشت خوی و صحرای خوی سخن در میان بود (صدرایی خوبی، ۱۳۷۳: ۸۰). شرح ماجرای ویرانی خوی را هیچ یک از نویسندگان و مورخان به گویایی و در عین حال کوتاهی شهاب‌الدین محمد خرندزی زیدری نسوی، منشی مقرب سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه بیان نکرده است. وی در ۶۲۸ ق. از خوی عبور کرده و در کتابش *نقشه‌المصدر* از خوی به «خراب‌آباد

دفاعی با نیازهای روز آن زمان یعنی انطباق با سلاح‌های آتشین از جمله توپ و توپخانه بود. استحکامات دفاعی سبک اروپایی در ایران دقیق و از روی اصول و قواعد فنی ساخته شده بودند و جهات نظامی این استحکامات همواره با بنای برج‌ها و باستیون‌ها و انبارهای مهم ذخیره تسلیحات و آذوقه حفظ و تأمین شده بود و به اندازه‌ای مستحکم و طبق اسلوب معماری جدید آن عصر بنا شده بودند، که به راحتی قابل دفاع بودند. علاوه بر این، در انبارهای بزرگ این قلعه‌ها مواد غذایی و آذوقه فراوان ذخیره می‌شد و تعدادی توپ نیز بر بالای برج‌ها و باستیون‌های آنها نصب می‌شد. یکی از این استحکامات دفاعی، قلعه-شهر خوی است که در دوره قاجار به همت عباس میرزا و با نظارت مستشاران نظامی فرانسوی به سرپرستی ژنرال گاردان در مرکز شهر خوی ساخته شد و به مقیاس آن روز مطلوب‌ترین استحکامات نظامی شمرده می‌شد (ریاحی، ۱۳۷۲: ۲۶). در این دوره، عباس میرزا با کمک مهندسان و مستشاران نظامی اروپایی و محصلین آموزش دیده در اروپا، اصلاحاتی در الگوی شهرسازی شهرهای آذربایجان به سبک شهرسازی اروپایی پدید آورد و در گرداگرد برخی از شهرها، استحکامات دفاعی به سبک اروپایی با خندق‌های عمیق و عریض و خیابان‌بندی منظم در داخل استحکامات احداث کرد (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸، ۳۸-۳۷؛ صارمی، ۱۳۷۴: ۵۹).

ساختار فضایی شهر خوی در منابع

تاریخی و سفرنامه‌ها

طبق نتایج بررسی‌های باستان‌شناختی و منابع تاریخی، از سه هزار سال پیش در ناحیه خوی، شهری وجود داشته است و از چهارده قرن پیش نام آن مثل امروز خوی بوده است، اما اینکه محل شهر در هر دوره‌ای حتی در قرون نخستین اسلامی، دقیقاً کجا بوده، مورد تردید است (ریاحی، ۱۳۷۲: ۲۱).

خوی» یاد کرده و شرحی درباره خرابی‌های آن نوشته است (خُرنذزی نسوی، ۱۳۴۳: ۹۳-۱۰۱).

پس از رونق و آبادانی خوی در عصر سلجوقیان و ویرانی و آسیب دیدن آن در حملات مغولان به‌ویژه در سال ۶۲۸ ق. بار دیگر در عصر ایلخانیان خوی اندک اندک رو به آبادانی نهاد و رونق از دست رفته خود را بازیافت. در واقع، حاصل خیزی خاک خوی، منابع آبی فراوان، مراتع سرسبز و قرارگیری در سر راه تجارت شرق و غرب، خوی را دوباره در شمار شهرهای آباد با اقتصاد نیرومند در آورد. در نیمه دوم قرن هفتم، عمادالدین زکریای قزوینی (درگذشته ۶۸۲ ق) در آثارالبلاد و اخبارالعباد، خوی را شهری آباد با برج و بارویی استوار و مستحکم توصیف کرده است (قزوینی، ۱۹۹۸: ۵۲۷). حمدالله مستوفی در نیمه اول قرن هشتم با تاکید بر آبادی شهر خوی، محیط شهر را ۶۵۰۰ گام نوشته و خوی را ترکستان ایران خوانده است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۳۲). کلاویخو در بازدیدش از شهر خوی در دوره تیموریان به سال ۸۰۶ ق. ۱۴۰۴ م. باروی دور شهر خوی را از خشت پخته با دروازه‌ها و برج‌های بسیار برای دفاع از شهر توصیف کرده است (کلاویخو، ۱۳۷۴: ۱۵۷-۱۵۸). دوره حکمرانی آق‌قویونلوها و قراقویونلوها دوران مساعدی برای خوی نبود و شهر در این دوره رو به افول گذاشت و با زوال فرهنگی رو به‌رو شد. در این دوره، جوزافا باربارو در سفر خود به ایران به سال ۱۴۷۴ م. ۸۷۹ ق، از شهر خوی گذر کرده و آن را شهری خراب با ۴۰۰ خانه معرفی کرده است (باربارو، ۱۳۸۱: ۶۷)، که توصیف وی حاکی از افول ستاره اقبال شهر خوی است.

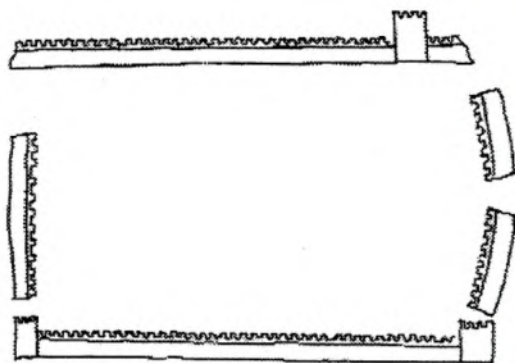
دوره صفوی یکی از دوره‌های تاریخی مهم برای شهر خوی است، لیکن به دلیل ضعف منابع تاریخی، ابهامات و تناقضات زیادی در رابطه با ساختار و محل شهر در این دوره وجود دارد. گزارش بازرگان ونیزی به سال ۱۵۰۷ م.

۹۱۳ ق.، از اولین اشارات تاریخی به ساختار شهر خوی در این دوره است: «در روزگار قدیم شهری بزرگ بوده و این مطلب از دیدن جای پهنآوری برمی‌آید که ویرانه‌های شهر را در بر دارد. این شهر تا چندی پیش ویران بود، اما چون شاه اسماعیل به تخت سلطنت نشست، به تجدید بنای شهر کوشید و اکنون قسمت اعظم آن را آباد کرده است. از جمله بناهایی که ساخته، کاخ بزرگی است به نام دولت‌خانه. بر گرد این کاخ دیوارهایی از آجر کشیده‌اند و قصر و حرم بر روی هم تشکیل محل وسیع داده است. در جلو دروازه‌ای که رو به غرب است، سه برج کوچک دیده می‌شود که محیط هر کدام هشت یارد (هر یارد ۹۱ سانتیمتر) و بلندی هر یک پانزده شانزده یارد است. این برج‌ها را از شاخ گوزن ساخته‌اند و همه برآند که آنها را در جهان همانند نیست» (بازرگان ونیزی، ۱۳۸۱: ۴۰۵-۴۰۶). گزارش وی حکایت از ویرانی خوی پیش از صفویه و تجدید بنای شهر در زمان شاه اسماعیل است و ویرانه‌های شهر در کنار محله‌های آباد، بزرگی خوی را در روزگار قدیم به ذهن او القا کرده است. قدیمی‌ترین سند تصویری به جا مانده از شهر خوی نیز مینیاتوری است که توسط نصوح مطراقچی به سال ۹۴۲ ق در دوره صفوی ترسیم شده است (شکل ۵). بازخوانی این مینیاتور نشان می‌دهد که شهر خوی دارای عناصر مهم شهری همچون استحکامات دفاعی شهری از جمله برج و بارو و دروازه‌های ورودی، ارگ حکومتی، کاخ شاهی، مسجد جامع، بازار و مناره کله شاخ بوده است. در این مینیاتور، خوی در درون حصاری کاملاً بسته و محفوظ ترسیم نشده است. دو دلیل برای این مورد می‌توان در نظر داشت: دلیل اول احتمالاً به خاطر وجود خرابی در بدنه حصار بوده و دلیل دوم، احتمالاً به خاطر وجود منازل مسکونی در خارج از برج و بارو بوده است. برج و باروی شهر خوی در این دوره، از نوع قلاع دفاعی برای ساکنین بوده و

احتمالاً بناها و عناصر معماری دیگری خارج از حصار وجود داشته است که مطراقچی فقط عناصر داخلی و مهم آن را ترسیم کرده است (جعفری و بلیلان اصل، ۱۳۹۳: ۳۳).

(۴۲، ۵۲).

شکل ۵: شهر خوی در سال ۹۴۲ ق. و طرح شماتیک برج و باروی آن (مطراقچی، ۱۳۷۹: ۸۳) سال‌ها بعد از مطراقچی، دالساندری



سیاح و نیز می‌که در سال ۹۸۱ ق. از آذربایجان بازدید کرده، به سیاست زمین سوخته شاه تهماسب

جستجو و انتخاب کرده‌اند. این قلعه هم شهری برای سکونت دائمی مردم نبوده، بلکه پناهگاهی بوده که فقط هنگام نزول حوادث مردم در آن جای گیرند. در سال ۱۰۴۵ ق. شهر خوی مجدداً به دستور مراد چهارم به کلی ویران شد و به نوشته اولیا چلبی، ترک‌ها قلعه‌ای برای سپاهیان خود در آنجا ساختند. اولیا چلبی که ۱۲ سال بعد از تخریب خوی به دست مراد چهارم در سفر از تبریز به ایروان در سال ۱۰۵۷ ق. (دوره سلطنت شاه عباس دوم) در خوی اقامت داشته، درباره قلعه خوی چنین می‌نویسد: «خوی در خاک آذربایجان شهرب مستقل با هزار مامور و سرباز است. قلعه و دژ نظامی آن در دشت همواری به شکل چهارگوش ساخته شده، قلعه زیبایی است که بنیاد سنگین دارد. محیط دور این قلعه بیست هزار گام است. در چهار طرفش خندق کم عمقی دارد. این قلعه دو دروازه دارد، یکی به سوی جنوب به نام دروازه تبریز و دیگری به سوی شمال به نام دروازه مرند. در داخل قلعه صد خانه و یک جامع است. شهر خوی چندین بار تخریب و مجدداً آباد شده است. شهر بیرون از قلعه، هفت هزار خانه، هزار دکان، دو حمام و هفتاد باب مسجد دارد که

اول یعنی ویران کردن روستاها و قلعه‌های مناطق مرزی ایران و عثمانی به مسافت شش روز راه (یعنی از تبریز تا وان) اشاره می‌کند (دالساندری، ۱۳۸۱: ۴۷۸)، که به احتمال زیاد، قلعه خوی نیز تخریب شده است. چند سال بعد، نعیم‌ا واقنویس عثمانی به سال ۹۸۵ ق. / ۱۵۷۷ م. به تخریب قلعه و بناهای شهر خوی به دستور سلطان مراد سوم و اشغال ۲۷ ساله شهر توسط عثمانی‌ها اشاره می‌کند. در سال ۱۰۱۲ ق. شاه عباس اول خوی را آزاد کرد و به فرمان او، قلعه‌ای در خوی ساخته شد که البته برج و بارویی به دور شهر نبود، یک دژ نظامی بود برای روزهای مبادا (ریاحی، ۱۳۷۲: ۱۰۹-۱۱۰). اسکندربیک ترکمان منشی در عالم آرای عباسی در این باره چنین نوشته است: «رای جهان آرا (شاه عباس) اقتضا کرد که در بلده خوی قلعه‌ای بنا شود که نزول حوادث و هنگام فتور، سکنه آن بلده را پناهی و آرامگاهی باشد و در محل مناسب طرح قلعه انداخته» (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۸۶). از نوشته اسکندربیک ترکمان چنین برمی‌آید که بعد از جنگ‌های پی در پی، شهری بر جای نمانده بود که برج و بارویی به دور آن بسازند. این است که محل مناسبی برای ساختن قلعه‌ای

یازده باب آن مسجد جامع است. محیط دور شهر ۱۳ هزار گام است و اطراف آن را باغ‌ها و کشتزارها آراسته است. خوی بعد از آن که سلطان مراد چهارم (حک: ۱۶۲۳-۱۶۴۰ م) آن را ویران کرده، در حال آباد شدن است» (چلبی، ۱۳۱۴ق، ج ۲: ۲۷۷-۲۷۹). از نوشته اولیاء چلبی می‌توان استنباط کرد که خوی در این زمان، اهمیت خاصی داشته است. از آن پس برای یکصد سال نامی از شهر خوی در متون تاریخی نیامده و فقط به دشت خوی اشاره شده است. تا اینکه در سال ۱۱۷۰ ق. محمدحسنخان قاجار به آذربایجان لشکر کشید و تبریز را ضمیمه خوی کرد و در سال ۱۱۷۱ ق. به احمدخان دنبلی بزرگ‌ترین و نام‌آورترین حاکم از دنبلیه‌ای خوی کمک کرد تا قلعه خوی را تعمیر و خندقی دور آن بکشد. احمدخان در اطراف قلعه‌ای که شاه عباس برای خوی ساخته بود بنای شهری نهاد که جایگاه کنونی شهر خوی است و دوازده محله و کوچه و خیابان‌های مستقیم داشت. وی باغات زیبا در اطراف خوی به وجود آورد و چندین باب حمام و مسجد و کاروانسرا بنا نهاد (آقاسی، ۱۳۵۰: ۲۰۱). به نوشته میرزا حسن فانی زنوزی، دور خوی شش هزار و پانصد گام و مردمش خوب چهره‌اند، بدین جهت خوی را ترکستان ایران خوانند. احمدخان دنبلی در آبادی و عمارت آن کوشید و باروئی دور آن کشید. چون باروی اول تنگی نمود، از سمت غرب شهر قریب به نصف باروی اول (باروی اول همانجایی بوده که بعدها کوچه خندق نامیده می‌شد) به آن اضافه کردند و در خارج بارو محلات و توابع متعدد ترتیب دادند و عمارت رنگین، کاروانسراها، حمام‌ها و معابر و باغات در شهر احداث کردند. خلاصه شهر خوی به حدی معمور شد که در کل ایران کم شهری به آن امتیاز بود (فانی زنوزی، بی‌تا: ۴۰۵). دیوانخانه و ارک احمدخان در شمال قلعه نزدیک به دروازه چورس بوده که بعد از خرابی

به جای آنها در دوره قاجار، نظامیه، توپخانه و تلگراف‌خانه ساخته شد. برج و باروی احمدخان دنبلی به سبک قلعه‌های ایرانی ساخته شده بود؛ یعنی منحصراً دیواری به دور شهر بود و تاب مقاومت در برابر توپ‌های قلعه‌کوب و قلعه‌گشای دشمن را نداشت و با گذشت نیم قرن خرابی‌هایی در اثر حملات دشمنان و زلزله در آن راه یافته بود. قلعه احمدخان چهار دروازه داشت: دروازه چورس (رو به شمال)، دروازه شوراب (رو به شرق)، دروازه استانبول (رو به غرب) که بعدها دروازه محله نامیده میشد و دروازه خیابان معروف به دروازه سنگی (رو به جنوب) که هنوز باقی است. بعدها در سال‌هایی که شجاع‌الدوله افشار حکومت مرکزی خوی را داشت (حک: ۱۲۸۵-۱۲۹۲ ق.)، دروازه شهانق را نیز به دستور او باز کردند. ریاحی در تاریخ خوی، از دنبلی‌ها به ویژه از احمدخان به نیکی یاد کرده و معتقد است شهر خوی را باید یادگار احمدخان دنبلی شمرد؛ چراکه احمدخان در شهر قلعه‌ای احداث کرد و در درون آن میدان‌هایی ترتیب داد و بازار خوی را به طرح بازار وکیل شیراز ساخت و با این اقدام، کاروانسرای بزرگ خان بدان پیوست. پیریزی مسجد شاه، ساخت باغ دلگشا و پل شش دهنه بر روی رودخانه قطور معروف به پل خاتون از دیگر اقدامات عمران‌ی وی در شهر خوی است (ریاحی، ۱۳۷۲: ۱۵۱-۱۵۲، ۲۰۳-۲۱۱، ۳۰۹-۳۱۱).

با ورود سپاه قاجار در سال ۱۲۱۴ ق. به خوی، قدرت دنبلی‌ها در این شهر پایان یافت. در این دوره، خوی به دلیل نزدیکی به مرز روس‌ها، از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار بود. از این رو، عباس میرزا نایب‌السلطنه، در جنگ‌های ایران و روس، خوی را مرکز فرماندهی خود قرار داد و در سال ۱۲۲۷ ق. قلعه‌ای با نقشه افسران فرانسوی به سرپرستی ژنرال گاردان به دور آن ساخت که به مقیاس آن روز مطلوب‌ترین استحکامات

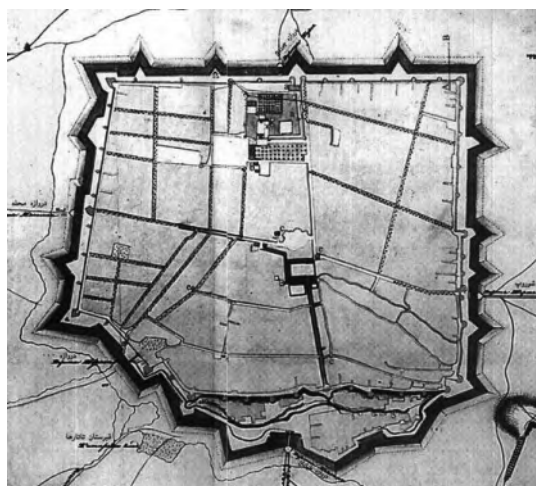
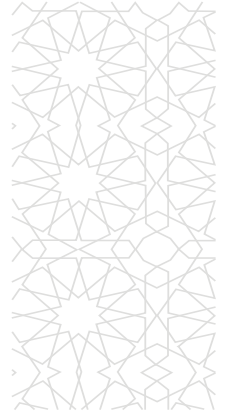
نظامی شمرده میشد. با کوشش احمدخان دنبلی و عباس میرزا، خوی یکی از زیباترین شهرهای ایران شد و به گفته جهانگیر میرزا در تاریخ نو، لقب «دارالصفاء» و «عروس شهرهای ایران» یافت (جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۱۸۸).

پلان و ساختار معماری استحکامات اروپایی شهر خوی

همزمان با دوره اول جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸-۱۲۲۸ ق.) به سال ۱۲۲۳ ق. طرح قلعه جدید خوی به وسیله یکی از افسران مهندس (مهندسان هیئت: ترهزل، فابویه و لامی) هیئت ژنرال گاردان تهیه شد و در سال‌های بعد که دیگر فرانسوی‌ها در ایران نبودند، ساختمان قلعه با همان نقشه به مباشرت میرزا باقر مهندس که در ساختن قلعه‌های دیگر زیر نظر افسران فرانسوی و انگلیسی کار کرده و تجربه اندوخته بود، انجام گرفت و قلعه جدید به سبک قلعه‌های اروپایی موسوم به استحکامات باستیونی و ستارهای شکل در دور قلعه قدیمی احداث شد (ریاحی، ۱۳۷۲: ۲۹۷ و ۳۰۹). ساخت و تکمیل قلعه چند سال طول کشید؛ بهگونهای که عباس میرزا در زمستان ۱۲۲۸ ق. با نهایت کوشش سرگرم تکمیل قلعه بود و برای تکمیل قلعه در نامه‌های خطاب به میرزا بزرگ قائم مقام درخواست کرده که خود فتحعلی شاه به آذربایجان بیاید تا با کمک مالی و نیروی سپاهیان، اتمام ساختمان قلعه میسر گردد. یک سال بعد هم در اواخر رجب ۱۲۲۹ ق. که میرزا ابوالحسن خان شیرازی هنگام رفتن به روسیه از خوی گذشته، هنوز کار ساخت قلعه ادامه داشته است: «به ملاحظه قلعه خوی، که آن وقت حسب الامر نواب اشرف آنجا را به طریق دستور فرنگ می‌ساختند، مشغول شدند. از قراری که ظاهر بود،

این طریق که معماران و مهندسان طرح آن را ریخته و می‌ساختند، انشالله بعد از اتمام در همه عالم چنین قلعه مستحکمی نخواهد بود» (علوی شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۵). جیمز موریه در بازدید دوم خود از خوی به سال ۱۸۱۹ م. اشاره می‌کند که استحکامات سبک اروپایی خوی با مشکلات قابل توجهی روبه‌پایان است (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۴۳۶). به هر حال، در آن سال‌ها ساختمان قلعه تکمیل گردید. طرح کلی قلعه‌خوی، مربعی شکل با سازه‌های باستیونی (حدود ۲۰ باستیون خشتی) است، که بیانگر سبک معماری دفاعی اروپایی است. این قلعه از نظر کیفیت کالبدی، شبکه دسترسی و نظام توپخانه یکی از قلعه‌های پیشرفته آن زمان بوده است.

نقشه‌های ترسیمی سال ۱۸۲۷ م. از شهر خوی و حومه آن (شکل ۶) و قلعه اروپایی خوی (شکل ۷) و همچنین عکس‌های قدیمی و هوایی و تصاویر ماهواره‌ای برجای مانده از زمان حیات این استحکامات (شکل‌های ۸ و ۹)، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره موقعیت، پلان و سازه‌های دفاعی استحکامات اروپایی خوی ارائه می‌دهد. بر پایه اسناد تصویری و متنی فوق، طرح کلی قلعه خوی مربعی شکل با طول ۱۲۰۰ و عرض ۱۰۰۰ متر بوده است که بیانگر سیمای هنر دفاعی اروپایی است. این قلعه در زمینی مسطح احداث شده و به واسطه دیوارهای خشتی گسترده و مرتفع محصور شده است. خط دفاعی قلعه به بارو مجهز است. یک چنین استحکامی دفاع از قلعه را میسر می‌کند. در پشت اولین خط دفاعی دیوار قلعه قرار دارد که محل پیرامون آن مجهز به برج دفاعی با شکل دایره است (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸).



شکل ۷: پلان قلعه اروپایی خوی در سال ۱۸۲۷ م.
(مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۷۷؛ انوری، ۱۳۹۴: ۲۰۹)



شکل ۶: شهر خوی و حومه آن در سال ۱۸۲۷ م. / ۱۲۴۳ ق.
(مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۷۳؛ انوری، ۱۳۹۴: ۲۰۸)



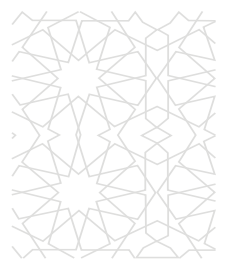
شکل ۹: پل چوبی روی خندق در ورودی دروازه جنوبی
(آبوم کاخ گلستان، ریاحی، ۱۳۷۲: ۳۱۰)



شکل ۸: برج و بارو و خندق شهر خوی
(آبوم کاخ گلستان، ریاحی، ۱۳۷۲: ۳۱۰)

که از مرمر سیاه و سفید به سبک ابنیه قاهره ساخته شده است. نظیر آن را در هیچ یک از شهرهای ایران ندیده بودم و بلافاصله به بازار شهر راه دارد» (گوبینو، ۱۳۶۷: ۴۷۲). حاج سیاح در بازدید خود از خوی به سال ۱۲۹۹ ق. آن را چنین توصیف می‌کند: «خوی شهر ممتازی است که قلعه و خیابان و بازار و دروازه‌هاش شطرنجی و متقابل ساخته شده، سپهدار عراق را شبیه خوی بنا کرده، لیکن خوی با صفاتر و دلگشتر است. کاروانسراها و بازار مستقیم و ارک حکومتی و پستخانه و تلگراف‌خانه دارد» (حاج سیاح، ۲۵۳۶: ۲۵۹-۲۶۱). ویلسون کشیش آمریکایی که در حدود سال ۱۳۰۰ ق. از خوی بازدید کرده، در کتابش «عادت‌ها و زندگی ایرانیان» برج و باروی شهر را چنین توصیف می‌کند: «به دور شهر دیواری دولا با برج‌هایی به ضخامت ۱۱ پا از

جیمز بیلی فریزر سیاح انگلیسی که در سال ۱۲۵۰ ق. / ۱۸۳۴ م. از خوی بازدید کرده، استحکامات شهر را اینگونه توصیف می‌کند: «خوی از استحکامات معدودی است در ایران که در بنای آن تقریباً نظم و ترتیب به کار رفته است، شهری است با مساحتی چشمگیر و تقریباً بهتر از معمول طراحی و خیابان‌بندی شده است» (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۹-۴۲). در سال ۱۲۵۹ ق. زمین لرزه شدیدی خوی را ویران و صدماتی به قلعه آن وارد آورد تا اینکه در ۱۲۷۳ ق. در حکومت محمد رحیم میرزا ضیاءالدوله به مباشرت میرزاتقی خان معمار مرمت گردید (ریاحی، ۱۳۷۲: ۳۱۵). در سال ۱۲۷۵ ق. / ۱۸۵۸ م. کنت گوبینو سفیر فرانسه در بازگشت از ایران به خوی رسید و در سفرنامه خود، زیبایی خوی و دروازه مرمین آن را ستود: «خوی شهری است زیبا که دروازه قشنگی دارد



سال ۱۹۰۶ م. / ۱۳۲۴ ق. درباره استحکامات و سیستم دفاعی شهر خوی می نویسد: «خوی یک شهر مستحکم و برج و باروداری است. این شهر در معرض تهدید همیشگی همسایگان قرار دارد. به این جهت دیوارهای کنگره‌دار، برج و بارویی از خاک رس، خندق‌های عمیق، خاک‌ریز، پل‌های متحرک، دروازه‌ها و درهای دوگانه شهر به خوبی حفظ شده است. این تمهیدات و سیستم دفاعی که برای دفاع از شهر مؤثر و کارساز بودند، برای تماشا نیز بسیار زیبا و خیال‌انگیز است» (اوبن، ۱۳۶۲: ۸۰). این استحکامات تا سال‌های بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. باقی بود. بعد از آن سال‌ها شهرداری به قصد توسعه شهر به تدریج آن را تخریب و اثری از آن بر جای نگذاشت (صدرایی خویی، ۱۳۷۳: ۱۲۱-۱۲۰).

یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه شکل‌گیری بلوک‌های شهری در پی تغییر و تحولات شهرهای ایران در دوره پهلوی در محل برج و بارو و خندق دور شهر ایجاد می‌شد و شکل هندسی استحکامات شهری اغلب شهرهای ایران به صورت مدور یا مربعی شکل بوده، بافت و سازمان فضایی و کالبدی هسته اولیه شهرها به صورت مدور و یا مربعی شکل می‌گرفت. در شهر خوی نیز با توجه به اینکه الگوی کلی استحکامات دفاعی سبک اروپایی، مربعی شکل بوده، ساختار بندی و لایه‌بندی خیابان‌های اولیه در دوره پهلوی به صورت مدور شکل گرفته و در محل برج و بارو و خندق نیز بافت شهر به صورت مربعی شکل گرفته است. شکل مربعی سازمان بندی خیابان‌های خوی بر توسعه‌های بعدی نیز تأثیر گذاشته است.

فرم کالبدی استحکامات سبک اروپایی خوی، پایه‌ریز فرم هسته اولیه شهر است که ملاحظات توسعه فضایی - کالبدی بعدی شهر در آن رعایت شده است. در سال ۱۹۳۷ م. / ۱۳۱۶ ش. (شکل ۱۰) فقدان باغات موجود

خشت ساخته شده و خندقی به ژرفای بیست پا احداث شده است. پنج دروازه بزرگ و با ابهت چوبی که بر روی آنها قطعاتی از آهن نصب است، به شاهرخ خوی منتهی می‌شود. بر روی خندق پله‌ای کوچکی قرار گرفته که به محض نزدیک شدن دشمن، می‌توان آنها را بلند کرد. خوی دژی مرزی است، اما دژی است که دیگر در برابر توپ‌های روسیه یا عثمانی یارای پایداری ندارد. با این همه هنوز می‌تواند در برابر تجاوزگران مقاومت کند. نزدیک به پایان دوره ناصرالدین شاه، گرچه ارومیه به زیبایی و آبادی خوی نبود، اما بیست و پنج هزار نفر جمعیت داشته است» (طاهری، ۱۳۴۷: ۱۷۲). در تایید دولا بودن دیوارهای شهر خوی در این تاریخ، اوژن فلاندن نیز می‌نویسد: «راه ورودی خوی از دو دروازه که پیچ می‌خورده، می‌گذشته و وارد کوچه‌های شهر می‌شده است» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۵۹). در حدود دهه ۱۳۰۰ در قسمت جنوبی شهر، محلی به نام «ایکی قالالار آراسی: میان دو قلعه» وجود داشت. بعدها با افزایش جمعیت شهر و احساس نیاز به خانه‌ها و زمین‌های جدید ساختمانی به تدریج دیوار درونی تخریب شد و از میان رفت (ریاحی، ۱۳۷۲: ۳۱۳). در زمستان ۱۳۰۷ ق. مظفرالدین میرزا ولیعهد وقت از تبریز به خوی آمد، که در سفرنامه‌اش درباره برج و باروی خوی آمده: «خوی قلعه‌ای دارد محکم و دیوارش بسیار خوب است، قدری خرابی به هم رسانده، تعمیر لازم دارد. چند محله هم در بیرون قلعه است» (فرمانفرم‌نایان، ۱۳۴۲: ۱۱-۱۵).

لرد کرزن قلعه خوی را تنها قلعه ایرانی به سبک اروپایی دانسته است (کرزن، ۱۳۸۷). گاسپار دروویل هم قلعه خوی را توصیف کرده و می‌نویسد: «در سرتاسر ایران تنها دو شهر خوی و عباس‌آباد دارای استحکامات اروپایی است» (دروویل، ۱۳۴۸: ۸۲). اوژن اوبن فرانسوی در بازدیدش از شهرهای آذربایجان به

در فضای داخلی ارگ خوی، نشان از آن دارد که فضای درونی حصار دفاعی شهر به مرحله اشباع رسیده و برای ساخت و سازهای جدید مجبور بوده‌اند، زمین‌های کشاورزی و باغات داخلی را به کلی حذف کرده و در فضاهای خالی ایجاد شده، به ساخت و ساز شهری و مسکونی پردازند. نکته جالب توجه در این تصویر، عدم وجود باغات گسترده در اطراف شهر می‌باشد و خندق اطراف شهر به همراه دیوارهای دفاعی، هنوز پابرجاست. اگر مساحت این حصار دفاعی را دایره‌ای به شعاع تقریبی ۵۰۰ متر در نظر بگیریم آنگاه وسعت شهر ۷۸۵ هزار متر مربع، در حدود یک کیلومتر مربع می‌شود. در سال ۱۳۴۵ ش. (شکل ۱۱) دیوارهای قلعه خوی همچنان پابرجا است و شهر هنوز توسعه نیافته و قلعه

به طور کامل از بین نرفته است. در پایین سمت چپ، محله شوونه و بالای آن محله کامران مشخص است. در سمت راست تصویر نیز کارخانجات تازه تاسیس دخانیات دیده می‌شود و در پایین عکس، بیمارستان شیر و خورشید و کنسول‌خانه روسیه مشخص است. طبق مشاهدات تصویر ماهواره-ای سال ۱۳۴۸ ش. (شکل ۱۲) بخش‌هایی از استحکامات سبک اروپایی خوی باقی مانده و شهر در حال رشد و گسترش به بیرون از محدوده استحکامات است. در سال ۱۳۵۲ ش. استحکامات دفاعی و برج و باروی آن به کلی تخریب شده و شهر گسترش یافته است. در محل برج و باروی قلعه نیز خیابان‌های جدیدی احداث شده است (شکل ۱۳).



شکل ۱۱: عکس هوایی هسته اولیه شهر خوی در محدوده قلعه اروپایی در سال ۱۹۶۶ م. / ۱۳۴۵ ش.



شکل ۱۰: عکس هوایی استحکامات باستونی خوی در سال ۱۹۳۷ م. (اشمیت، ۱۹۴۰: ۷۶)



شکل ۱۳: تصویر ماهواره‌ای کرونا از هسته اولیه شهر خوی در محدوده قلعه اروپایی در سال ۱۹۷۳ م. / ۱۳۵۲ ش. (corona.cast.uark.edu)



شکل ۱۲: تصویر ماهواره‌ای کرونا از هسته اولیه شهر خوی در محدوده قلعه اروپایی در سال ۱۹۶۹ م. / ۱۳۴۸ ش. (corona.cast.uark.edu)

گسترش و توسعه شهر، بنای تاریخی دروازه سنگی خوی در میانه شهر قرار گرفته است. به گونه‌ای که با افزایش تدریجی جمعیت شهر خوی، حصار شهر حجم‌های داخلی قلعه را به یکدیگر فشرد و منجر به تخریب و حذف باروی شهر شد و در نهایت باغ‌ها، مزارع و دشت‌های اطراف که ربض شهر بودند را بلعید و تبدیل به محله‌های مسکونی جدید کرد. امروزه در سمت شمال دروازه، بافت قدیمی شهر و بازار خوی قرار دارد و در سه ضلع دیگر دروازه، ساختمان‌های نوساز و بافت جدید شهر دیده می‌شود (شکل ۱۴). این ترکیب بیانگر وضعیت شهر قدیمی و چگونگی ترقی، توسعه و افزایش جمعیت و مساحت آن است.

استحکامات دفاعی سبک اروپایی خوی که به نیت جلوگیری از تهاجم روس‌ها ساخته شد، اگرچه در آن روزها نیازی را برنیاورد، اما در سال‌های مشروطیت و در آشوب‌های بعد از جنگ جهانی اول، مایه قوت قلب‌ها بود و تا سال‌های بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. باقی بود تا اینکه خندق‌ها با بازگشت آرامش به کشور با بولدوزر حاجی ابراهیم کرلو از خاک حصارها پر گردید و خندق‌ها جای خود را به خیابان‌ها و ساختمان‌ها داد. بعد از آن سال‌ها شهرداری به قصد توسعه شهر به تدریج آن را خراب کرد و امروزه تنها دروازه سنگی که یادگار قلعه احمدخانی است بر جای مانده است (ریاحی، ۱۳۷۲: ۳۱۵). امروزه به علت



شکل ۱۴: میادین و خیابان‌های احداث شده در محل برج و باروی شهر خوی و تأثیر آن در فرم هسته اولیه شهر (گوگل ارث، ۲۰۲۲)

ای شکل شد، که نمونه‌های اولیه آن در اروپا ساخته شد. تدابیر کلی طراحی این نوع استحکامات، در نحوه ساخت باستیون‌ها بود که در مجموع طرح یک ستاره را تداعی می‌کرد. این باستیون‌ها امکان کنترل محیط اطراف از چهار جهت اصلی را فراهم می‌کرده و در مجموع وضعیت دفاعی قدرتمندی را شکل می‌داده است. این استحکامات بعد از سده‌ها

نتیجه‌گیری

بخشی از دستاوردهای حاصل از مدرنیته در سده‌های اخیر، ظهور تکنولوژی‌های جدید نظامی و پدیده مدرن توپ و توپخانه است. این پدیده مدرن در گذر زمان منجر به ظهور استحکامات دفاعی با اشکال هندسی جدید و مهندسی شده و مجهز به توپ و توپخانه و موسوم به استحکامات ووبان و ستاره-

و در گذر زمان و در پی روابط سیاسی و نظامی ایرانیان با اروپایی‌ها، جهت انطباق‌سازی استحکامات دفاعی با نیازهای آن روز، وارد ایران شد.

در پی تحولات حاصل از مدرنیته و فناوری نظامی، نخبگان نظامی ایران به ضرورت انطباق‌سازی استحکامات دفاعی با نیازهای روز یعنی انطباق با سلاح‌های آتشین از جمله توپ و توپخانه پی بردند. از این رو، اقدام به ساخت استحکامات دفاعی سبک اروپایی مجهز به توپخانه و موسوم به «ووبان» کردند، که یکی از مصادیق بارز آن در دوره قاجار، برج و باروی شهر خوی است. در حال حاضر، با توجه به نابودی کامل قلعه و ساخت و سازهای جدید در محل آن و اشاره مختصر مدارک و منابع تاریخی به سازه‌های معماری آن، اظهار نظر درباره جزئیات معماری بویژه فضای داخلی آن سخت است، اما با متن‌کاوی مدارک تاریخی و اسناد تاریخی می‌توان درباره کارکرد آن چنین اظهار کرد که این قلعه در ابتدا و در طی جنگ‌های ایران و روس، به عنوان یکی از پایگاه‌های نظامی عباس میرزا، کارکرد نظامی - دفاعی داشته و محل نگهداری تسلیحات و تجهیزات جنگی از جمله توپ و تفنگ و آمادگای بر تدارک سپاه ایران بوده است. نقش و کارکرد این قلعه به عنوان ارگ حکومتی و حاکم‌نشین نیز به اندازه نقش نظامی - دفاعی آن اهمیت داشت. این استحکامات در اواسط قرن بیستم در پی تحولات مدرنیته‌سازی شهر، به کلی تخریب و در محل دیوارها، باستینوها و خندق دور آن، خیابان‌های جدید و در محل فضای داخلی آن، ادارات شهری ساخته شد. ساخت این خیابان‌ها در شکل‌گیری و سازمان‌بندی بخشی از هویت کالبدی - فضایی شهر خوی تأثیر به‌سزایی داشته، به‌گونه‌ای که استخوان‌بندی فرم مربعی شکل این بخش از شهر مشهود است.

منابع

آریانپور کاشانی، عباس (۱۳۷۰) فرهنگ دانشگاهی انگلیسی-فارسی، تهران، امیرکبیر.

آقاسی، مهدی (۱۳۵۰) تاریخ خوی، تبریز، موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

ابن‌حوقل (۱۳۴۵) صوره الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

انوری، امیرهوشنگ (۱۳۹۴) اطلس تاریخی نقشه‌ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان، تهران، ندای تاریخ.

اوبن، اوژن (۱۳۶۲) ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶، سفرنامه و بررسیهای سفیر فرانسه در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، زوار.

اوزون چارشیلی، اسماعیل حقی (۱۳۶۹) تاریخ عثمانی از فتح استانبول تا مرگ سلطان سلیمان قانونی، ترجمه ایرج نوبخت، جلد دوم، تهران، کیهان.

باربارو، جوزافا (۱۳۸۱) سفرنامه باربارو، در سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی.

بازرگان ونیزی (۱۳۸۱) سفرنامه بازرگان ونیزی در ایران، در سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی.

پاپلی یزدی، محمدحسین و مهدی سقایی (۱۳۸۱) «سنت، مدرنیته بازخوانی يك مقاله: جغرافیا عبارتست از روابط متقابل انسان، (فرهنگ) تکنولوژی، مدیریت و محیط»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۷، شماره ۶۵-۶۶، صص ۸-۳۱.

پورکریمی، پرویز (۱۳۹۸) تحلیل فضایی و ساختاری قلاع و استحکامات دفاعی ایران و عثمانی از سده ۱۰ تا ۱۴ هجری (محدوده مورد مطالعه: شمال غرب ایران و آناتولی شرقی)، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی.

ترابی، سیدمحمد (۱۳۸۹) خوی در گذر تاریخ و از نظر ادب، در مجموعه مقالات خوی دیار باصفا، به کوشش علیرضا مقدم، تهران، مرکز خویشناسی.

ترکمان، اسکندر منشی (۱۳۸۲) تاریخ عالم آرای عباسی، مصحح ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.

جعفری، الهام و لیدا بلیان اصل (۱۳۹۳) «بازخوانی تاریخی شهر خوی در دوره صفوی با استناد بر مینیاتور مطراچچی از دیدگاه سیاحان»، پژوهش نامه تاریخ، ۹ (۳۵)، صص ۳۳-۵۷.

جهانگیر میرزا قاجار (۱۳۲۷) تاریخ نو، به اهتمام عباس اقبال، تهران، علمی.

چلبی، اولیاء (۱۳۶۴) سیاحتنامه، کرد در تاریخ همسایگان، ترجمه فاروق کیخسروی، ارومیه، ایوبی.

خرندزی زیدری نسوی، شهابالدین محمد (۱۳۴۳) نقشه المصدر، تصحیح امیرحسن یزدگردی، تهران، اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش.

دالساندری، وینچنتو (۱۳۸۱) سفرنامه دالساندری، در سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی.

دروویل، گاسپار (۱۳۴۸) سفرنامه، ترجمه جواد محبی، تهران، گوتنبرگ.

دوما، موریس و گروهی از کارشناسان (۱۳۷۸) تاریخ صنعت و اختراع، ترجمه عبدالله ارگانی، جلد دوم، تهران، امیرکبیر.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران.

روملو، حسن (۱۳۸۴) احسن التواریخ، به اهتمام عبدالحسین نوائی، جلد اول، تهران، اساطیر.

ریاحی، محمدامین (۱۳۷۲) تاریخ خوی، تهران، طرح نو.

زنو، کاترینو (۱۳۸۱) سفرنامه کاترینو، در سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی.

سایکس، سرپرسی (۱۳۳۰) تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، جلد اول، تهران، چاپخانه نگین.

سیوری، راجر (۱۳۷۴) ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیز، تهران، مرکز.

صارمی، علی اکبر (۱۳۷۴) «مدرنیت و رهاوردهای آن در معماری و شهرسازی ایران»، فصلنامه گفتگو، شماره دهم، صص ۵۷-۷۰.

صدرایی خویی، علی (۱۳۷۳) سیمای خوی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

طاهری، ابوالقاسم (۱۳۴۷) جغرافیای تاریخی ایران (گیلان، مازندران، آذربایجان) از نظر جهانگردان، تهران، شورای مرکزی.

علوی شیرازی، میرزا محمدهادی (۱۳۶۹) دلیل السفرا، تهران، چاپ محمد گلبن.

عمید، حسن (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، جلد اول تا سوم، تهران، امیرکبیر.

فانی زنوزی خوئی، میرزا حسن (بی‌تا) ریاض الجنه، نسخه خطی، تبریز، کتابخانه ملی تبریز.

فرمانفرمائی، حافظ (۱۳۴۲) «سفرنامه مظفالدین شاه به خوی»، ضمیمه مجله یغما، شماره ۱.

فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴) سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی: از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرهای ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، توس.

فلاندن، اوژن (۱۳۵۶) سفرنامه، ترجمه حسین نورصادقی، تهران، اشراقی.

قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۳۵) سفرنامه، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، زوار.

مهندسان مشاور پویا نقش شهر و بنا (۱۳۹۰)
طرح جامع شهر خوی، ارومیه، اداره کل
مسکن و شهرسازی استان آذربایجان غربی.

Elgood, R. (1995) Firearms of the Islamic world: in the
Tareq Rajab Museum, Kuwait. London.

Hinz, W. (1992) Uzun Hasan ve Seyh Cunejd, T. T. K.
Yay, Ankara.

Kleiss, W. (1980) "Europäische Befestigung
architektur In Iran". AMI 13. 167-178.

Schmidt, Erich (1940) Flights over Ancient cities of
Iran. University of Chicago Press.

Sparavigna, A.C. (2015) "An Example of Military
Engineering in 16th Century: The Star Fort of
Turin". International Journal of Sciences, 4 (12).

Whitelaw, A. (1846) The popular encyclopedia;
or, Conversations Lexicon, vol. I, Glasgow,
Edinburgh, and London: Blackie & Son.

Woods, J. (1976) The Aqqyunlu: Clan, confederation,
empire; A Study in 15th/ 9th Century Turko-
Iranian Politics. Bibliotheca Islamica. Mineapolis
and Chicago.

قزوینی، زکریا بن محمد (۱۹۹۸) آثار البلاد
و أخبار العباد، بیروت، دار صادر.

کلاویخو، گونسالس (۱۳۷۴) سفرنامه کلاویخو،
ترجمه مسعود رجبی، تهران، علمی و
فرهنگی.

گوینو، کنت (۱۳۶۷) سه سال در آسیا، ترجمه
عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، قطره.

مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱) نزهه القلوب، به
کوشش محمد دبیر سیاقی، قزوین، حدیث
امروز.

مطراقچی، نصح (۱۳۷۹) بیان منازل سفر عراقین،
ترجمه رحیم رئیسینا، تهران، سازمان میراث
فرهنگی.

معین، محمد (۱۳۸۱) فرهنگ فارسی، جلد اول،
تهران، امیرکبیر.

ملازاده، کاظم و مریم محمدی (۱۳۸۵) قلاع و
استحکامات نظامی، تهران، سوره مهر.

مهریار، محمد، فتح اللهیف، شامیل، فخاری
تهرانی، فرهاد، قدیری، بهرام (۱۳۷۸) اسناد
تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار، تهران،
دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث
فرهنگی کشور.

مهمید، محمدعلی (۱۳۶۱) تاریخ دیپلماسی ایران
قبل از هخامنشیان تا پایان قاجاریه، تهران،
میترا.

ارزیابی وضعیت شهروندان هوشمند در شهرهای ایران

(نمونه موردی: شهر تهران)

الهام ضابطیان طرقي *، مسعود دادگر **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی - ۱۲۰-۱۰۵

چکیده

بر اساس مبانی نظری شهر هوشمند، نسل سوم شهرهای هوشمند در جهان بر «شهروندان هوشمند» تأکید دارند تا زیرساخت‌های پشتیبان؛ در واقع هوشمند شدن شهرها بیشتر از آنکه منوط به توسعه فناوری‌های نوین و زیرساخت‌ها باشد به هوشمند شدن شهروندان بستگی دارد. همچنین شاخص‌های مصوب بین‌المللی سنجش و ارزیابی وضعیت هوشمندی شهروندان وجود دارند که البته بر اساس شرایط فرهنگی و زمین‌های هر منطقه نیز قابل تدقیق هستند. لذا با توجه به اهمیت موضوع و با هدف استخراج و آسیب‌شناسی شاخص‌های هوشمندی شهروندان در ایران، در این پژوهش پس از مطالعات اسنادی و با ابزار کتابخانه‌ای، با روش مفهوم‌سازی، ابتدا شاخص‌ها و زیرشاخص‌های ارزیابی شهروندان هوشمند استخراج شده‌اند و سپس در مرحله مطالعات پیمایشی، پرسشنامه‌های الکترونیک برای سنجش شاخص‌های مذکور طراحی شده و در بین حدود ۲۷۰ نفر از شهروندان شهر تهران (به عنوان پایتخت و پیشرو در زمینه هوشمندسازی در کشور) توزیع شده است. در مرحله بعد تحلیل‌های کمی و کیفی صورت گرفته‌اند. با استفاده از رگرسیون چند متغیره و آزمون بتا شاخص‌های مرتبط رتبه‌بندی و تفسیر شده‌اند. در نهایت نتایج نشان می‌دهد شاخص مشارکت، مهمترین رکن را در حیطه شهروند هوشمند دارد و این امر حاکی است که لزوماً ارتقاء نقش شهروندان منوط به تأمین زیرساخت‌ها و ورود فناوری‌های نوین در شهرها نیست. همچنین پیشنهادهایی در جهت تربیت شهروندان هوشمند از سطح پیش دبستان تا دانشگاه نیز ارائه شده است.

واژگان کلیدی: شهر هوشمند، شهروند هوشمند، تربیت شهروندان هوشمند، ارزیابی.

مقدمه

در مباحث شهر هوشمند و تقریباً در بیشتر منابع مرتبط، ۶ بعد اصلی دیده می‌شود که یکی از آنها موضوع شهروندان هوشمند^۱ است. در بعد حکمروایی هوشمند تعامل دولت با شهروندان بر پایه فناوری اطلاعات و ارتباطات است (Anastasia, 2012) و به صورت خاص مشارکت شهروندان در سطح شهرداری‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد. سیستم حکمروایی شفاف است و به شهروندان اجازه مشارکت در تصمیم‌گیری را می‌دهد. فناوری اطلاعات و ارتباطات امکان مشارکت شهروندان و دسترسی به اطلاعات و داده‌های مربوط به مدیریت شهرشان را آسان می‌کند. با ایجاد یک سیستم حکمروایی پیوسته و کارآمد موانع مربوط به ارتباط و همکاری می‌تواند از میان برداشته شود. حکمروایی خوب یا حکمروایی هوشمند اغلب به استفاده از کانال‌های جدید ارتباطات برای شهروندان مانند حکمروایی الکترونیک یا دموکراسی الکترونیک اشاره دارد (Giffinger et al, 2007: 11).

نمونه‌های موفق تجارب شهروندان هوشمند در کشورهایمانند کره جنوبی، سنگاپور، مالزی، چین و هلند، حاکی از وجود ساختارهای مناسب برای مشارکت بیشتر شهروندان در اموری مانند گزارش خرابی‌ها، بحران‌ها و مسائل شهری است. در واقع کمک به تشخیص به موقع می‌تواند به هوشمند شدن مدیریت شهری کمک کند. حتی در زمینه به اشتراک‌گذاری فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی (مانند پارکینگ) هوشمند شدن شهروندان می‌تواند موجب تسهیل چالش‌های مدیریت شهری گردد.

اما مسلماً فقدان برنامه‌ها، اپلیکیشن و

سامانه‌ها و ساز و کار تشویقی برای ارتقاء مشارکت شهروندان مانع بزرگی بر سر تحقق این هدف در کشور است. علاوه بر این، دسترسی عموم شهروندان به اینترنت پرسرعت و ارزان و گوشی هوشمند یا رایانه نیز رکن اصلی این ارتباط دو سویه با مدیریت شهری است. البته لازم به ذکر است که معمولاً عده‌ای از شهروندان مانند سالمندانی که به خوبی با تحولات فناوری بروز نشده‌اند، کودکان، معلولین و افراد کم‌توان نمی‌توانند مانند سایرین با این فرآیند هوشمندی وفق پیدا کنند.

یک مسئله اصلی در کشور، فقدان وجود شاخص و ابزار سنجش وضعیت موجود هوشمندی شهروندان است (مطابق رویه معتبر بین‌المللی) که می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی جهت ارتقا و تخصیص زمان و هزینه باشد. لذا در این مقاله سعی شده است با تأکید بر فرآیند ارتقاء هوشمند شدن شهروندان و با بهره‌گیری از شاخص‌های معتبر بین‌المللی، وضعیت فعلی شهروندان ارزیابی شود و پس از مسئله‌یابی پیشنهادهایی جهت بهبود وضع موجود و برنامه‌ریزی در بلندمدت تا کوتاه مدت ارائه شود.

لازم به ذکر است که این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی در این حیطه است که در مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی (وزارت راه و شهرسازی) انجام یافته است.

مبانی نظری

تعاریف شهر هوشمند

بطورکلی در پژوهش‌های حیطه شهر هوشمند، تعاریف متفاوتی دیده می‌شود که در مواردی باعث برداشت‌های اشتباه از موضوع می‌گردد. برای مثال کاربرد اشتباه حیطه شهر الکترونیک بجای شهر هوشمند و در نتیجه توقع نحوه ورود حیطه نهادی و

تامین آینده‌ای فراگیر، پایدار و شکوفا برای شهروندان معرفی نموده است.

«هیئات، ۲۰۱۵»): شهری هوشمند است که سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و زیرساخت‌های ارتباطی از جمله حمل و نقل و همچنین زیرساخت‌های مدرن که باعث رشد پایدار اقتصادی و کیفیت بالای زندگی می‌شود، با مدیریت صحیح منابع طبیعی، از طریق مدیریت مشارکتی مردم در آن انجام پذیرد.

پارلمان اروپا، ۲۰۱۴: شهر هوشمند، شهری است که رسیدگی به مسائل شهری را با استفاده از راهکارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر پایه این تفکر که ذی نفعان متعددی در شهر وجود دارند (مشارکت شهرداری محور) سرلوحه کار خود قرار می‌دهد.

یونسکو، ۲۰۱۴: شهر هوشمند، شهری نوآور است که از فناوری اطلاعات و ارتباطات و وسایل دیگر استفاده بهینه می‌کند تا کیفیت زندگی، کارایی عملیات شهری، و رقابت‌پذیری را ارتقا دهد و سازگاری با نیازهای نسل‌های کنونی و آتی را با توجه به جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی تضمین می‌کند.

شهروندان هوشمند^۲

به معنای ارابه یک سطح بالایی از آموزش سازگار به شهروندان و همچنین توصیف کیفیت تعاملات اجتماعی، آگاهی‌های فرهنگی، تفکر باز و سطح مشارکت شهروندان در زندگی اجتماعی است و اما مفهوم شهروند الکترونیک هم یکی از موارد مطرح در این حوزه است که البته گاهی به اشتباه به جای شهروند هوشمند بکار رفته می‌شود.

ماموریت مرتبط با آن، از تبعات نامشخص بودن تعاریف مرتبط با شهر هوشمند است.

مارگایتا آنجلیدو در سال ۲۰۱۴ در پژوهشی تحت عنوان «سیاست‌های شهر هوشمند: یک رویکرد فضایی» در میان رشته‌ای بودن شهر هوشمند و منافع متضاد و سهامداران مختلف در یک شهر را مورد بررسی قرار می‌دهد و نتیجه‌گیری می‌کند که علیرغم بحث‌های وسیع در مورد شهرهای هوشمند هیچ اتفاق نظری در مورد تعریف این شهرها وجود ندارد و ما در این عرصه به تعاریف و راه‌حل‌های زیادی بدون یک تعریف شناخته شده در مقیاس جهانی مواجه هستیم. وی همه سکونت‌گاه‌هایی که تلاش‌های آگاهانه‌ای را برای سرمایه‌گذاری در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و چشم‌اندازی در راه‌های استراتژیک را شروع کرده‌اند و به دنبال اثربخشی و رقابت‌پذیری در سطوح اقتصادی و اجتماعی با ابعاد چندگانه هستند را هوشمند می‌نامد (Albino et al, 2015).

ادبیات دانشگاهی، یک دید جامع اما بسیار کلی درباره اجزای شهر هوشمند دارد، درحالی‌که حوزه‌های صنعتی و حکومتی یک رویکرد کوتاه مدت و کاملاً عملگرا را دنبال می‌کنند و اشاره میکنند که هوشمندی یک بهبود مستمر شرایط شهری است و هر شهر می‌تواند هوشمندتر باشد و هیچ نگرانی در مورد زمان اجرای شهرهای هوشمند وجود ندارد و مرجع زمان در رایج‌ترین تعاریف شهرهای هوشمند آینده است و محدودیت زمانی برای ایجاد شهرهای هوشمند وجود ندارد (Mosannzadeh & vettorato, 2014).

در اینجا تعدادی از تعاریف بین‌المللی اصلی شهر هوشمند آورده شده است:

موسسه استاندارد بریتانیا: (BSI) شهرهای هوشمند مجموعه‌ای ساخت‌یافته از ارتباط یکپارچه سیستم‌های کالبدی، دیجیتالی و انسانی محیط ساخته شده در جهت

1. European Parliament

2. Smart Citizens

شهروند الکترونیک

بر اساس استاندارد، شهروند الکترونیک کسی است که از حداقل دانش لازم درباره مفاهیم پایه فناوری اطلاعات و ارتباطات برخوردار است. توانایی برقراری ارتباط با اینترنت (با استفاده از کامپیوتر یا موبایل) و ارسال و دریافت پیام‌های الکترونیکی از طریق پست الکترونیک را دارد و همچنین اطلاعات، خدمات، کالاها و نرم‌افزارهای مورد نیاز خود را از طریق اینترنت جستجو می‌کند. ضمن این که چنین فردی باید نسبت به تامین امنیت شخص و خانواده در برابر آسیب‌های اینترنتی آگاهی داشته و بتواند امور مختلف زندگی خود را تا حد امکان از طریق شبکه‌های اینترنتی انجام دهد. شهروند الکترونیک یک نماینده از سوی شهروند واقعی در شهر الکترونیک است که خود اختیاری ندارد، بلکه دستورات شهروند حقیقی را اجرا می‌کند. هویت شهروند الکترونیک بسیار مهم است و جهت ایجاد یک شهروند الکترونیک می‌توان یک پرونده برای شهروند ایجاد کرد که در آن اطلاعات مورد نیاز کاربر در اختیار شهرداری الکترونیک قرار می‌گیرد (روحانی و همکاران، ۱۳۸۸).

نسل سوم شهرهای هوشمند: چشم‌انداز شهر بر مبنای مرکزیت شهروندان و مشارکت عمومی

در نهایت مرحله سوم از دگردیسی شهرهای هوشمند، محوریت به‌جای فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت شهری، شهرهای هوشمند آغاز به استفاده از هم‌آفرینی^۱ با مشارکت مستقیم شهروندان در راستای دستیابی به نسل جدید راهکارهای توسعه شهر و ارتقاء کیفیت زیست کرده‌اند. تمرکز این نسل از طرح‌ها و برنامه‌های شهر هوشمند بر عدالت اجتماعی است. تأکید اصلی و

مهم بر خلق موقعیت‌هایی است که جوامع محلی را فعال‌تر و اثرگذارتر نمایند. این نسل از شهرهای هوشمند تلاش بر ایجاد تعامل و ارتباط فعال میان شهروندان و مدیریت شهری با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات است. در این نوع از فرآیند دگردیسی شهر، طراحی و برنامه‌ریزی در فرآیندی پایین به بالا صورت می‌گیرد و شهروندان و استفاده هوش جمعی در مرکزیت راهبردها برای هوشمندسازی شهر قرار می‌گیرند.

وین از اولین شهرهایی است که در حال گذار از نسل دوم شهر هوشمند به نسل سوم بوده و از شهروندان به عنوان سرمایه‌های اصلی استفاده می‌نماید. مثال دیگر این نوع از هوشمندسازی شهرها ونکوور است که برای طراحی شهری از مشارکت بیش از ۳۰/۰۰۰ شهروند در طرح جامع شهر سبز ۲۰۳۰ با ایجاد بستری فعال و پاسخگو برای شهروندان استفاده کرده است. نمونه دیگر استفاده از مشارکت گسترده شهروندان برای طرح خانه‌های به صرفه و با کیفیت برای وین است. مثال دیگر پروژه خلاقانه بارسلون است که مدیریت شهری ۶ چالش اصلی شهر مطرح کرده تا ایده‌ها و پیشنهادات شهروندان برای حل این معضلات مشارکت دهد (Cohen, 2015).

مرور ابزارها، عناصر^۲ و شاخص‌های ارزیابی شهرهای (و شهروندان) هوشمند در جهان

تعریف شاخص‌های شهر هوشمند نیازمند مهارت است و در شرایطی که شهرها می‌توانند از مجموعه‌های شاخص استاندارد استفاده کنند، انتخاب از میان آنها پیچیده است. همچنین تفسیر شاخص‌ها و تنظیم روش‌های مناسب جمع‌آوری و مدیریت داده‌ها نیز به تخصص نیاز دارد. تبدیل شاخص‌ها به تصویری کلنگر و یکپارچه از عملکرد شهر

آنها توسط نهادهای استاندارد در سطح بینالمللی، منطقه ای یا ملی تعریف می-شوند. جستجوهای ماده شاخص استاندارد را برای شهرها شناسایی کرد (Backhouse, 2020).

تدوین شاخص های معتبر بین المللی ارزیابی شهروندان هوشمند

شناسایی مجموعه ای از شاخص های مرتبط با هر موضوع اغلب اولین گام به سوی توسعه است. ابزار ارزیابی شاخص ها را می توان با استفاده از یک یا ترکیبی از موارد زیر انتخاب کرد: بررسی ادبیات، نظرسنجی کارشناسان و مشاوره با سهامداران؛ سپس بر اساس شباهت آنها، شاخص های انتخاب شده می توانند به مضامین^۱ و موضوعات فرعی^۲ طبقه بندی می شوند.

لذا با توجه به ضرورت ارزیابی شهروندان هوشمند جهت شناخت وضع موجود و برنامه ریزی برای ارتقای آنان و وجود نمونه شاخص های معتبر و رایج در فرآیند ارزیابی هوشمندی شهروندان در جهان؛ در این بخش مجموع شاخص ها و زیرشاخص ها در قالب جدول شماره ۱ تدوین شده اند.

نیز پیچیده است (Huovila et al, 2019). لازم به ذکر است در هنگام ارزیابی شاخص های شهروشمند با فقدان مستندات یا مستندات ناکافی، بدون وجود ابر داده و راهنمایی کافی برای ارزیابی، ممکن است در عمل ارزیابی محدود باشد و قابلیت مقایسه بین شهری قابل اعتماد را نداشته باشند (Huovila et al, 2019). گاهی اوقات هم شاخص های مورد استفاده در ارزیابی شهرها با اهداف شهر همخوانی ندارد و این امر موجب نتایج اشتباه و خطا در فرآیند برنامه ریزی می شود.

شاخص های ترکیبی^۱

شاخص های ترکیبی بر اساس شاخص هایی که تعدادی از ابعاد مختلف شهر را اندازه گیری می کنند، یک معیار واحد را به یک شهر اختصاص می دهند.

شاخص های استاندارد

شاخص های استاندارد مجموعه ای از شاخص ها هستند که برای اندازه گیری جنبه های مختلف شهر مناسب هستند.

جدول ۱ - جمع بندی و استخراج شاخص ها و زیرشاخص های بین المللی ارزیابی شهروندان هوشمند برای تدقیق در ایران

شاخص	زیرشاخص	مراجع پیشنهاد دهنده
تجهیزات پشتیبان برای شهروندان	درصد خانواده ها با دسترسی به اینترنت در خانه	(Albino et al, 2015) (Caragliu, 2018)
	برنامه های کاربردی برای هر یک از ساکنین	(Albino et al, 2015)
	دسترسی خانوارها به پهنای باند	(Albino et al, 2015)
	درصد خانوارهای دارای رایانه	یافته های محققان از سایر منابع مرتبط با شهر هوشمند
	میزان جمعیت استفاده کننده از گوشی هوشمند	
	ضریب نفوذ اینترنت پهن باند ثابت	
ضریب نفوذ اینترنت پهن باند سیار (همراه) / درصد		
	تعداد کل مشترکان اینترنت پهن باند	

شاخص	زیرشاخص	مراجع پیشنهاد دهنده
سطح صلاحیت و توانایی های ICT	سواد دیجیتالی	(Bosch et al, 2017)
	میزان استفاده از تلفن همراه	(Zhang et al., 2019)
	کامپیوتر در خانه ها	(Giffinger et al, 2007)
	درصد خانوارهای متصل به اینترنت	(ISO 37120: 11.1)
	ساکنان با دسترسی به گوشی های هوشمند	(ISO 37120: 11.1)
	داشتن کارت هوشمند	(Cohen 2012)
	دسترسی به اینترنت پهن باند ^۱ در خانوارها	(Giffinger et al, 2007)
	درصد جمعیت مسلط به یک یا چند زبان خارجی	(پیشنویس ایزو - ۳۷۱۲۲)
	اهمیت به عنوان مرکز دانش (مراکز تحقیقاتی برتر، دانشگاه های برتر و غیره)	(Giffinger et al, 2007)
	وجود مزایا پرداخت هوشمند برای شهروندان	(Cohen 2012)
	جمعیت دارای صلاحیت و واجد شرایط در سطوح 5-6 ISCED	(Giffinger et al, 2007)
	سطوح فردی مهارت های کامپیوتری	(Albino et al, 2015)
	نفوذ گوشی های هوشمند	(Cohen 2012)
	تمایل به یادگیری مادام العمر	مهارت های زبان خارجی
دفترچه وام به ازای هر ساکن		(Giffinger et al, 2007)
مشارکت در یادگیری مادام العمر بر حسب درصد		(Giffinger et al, 2007)
شهروندان علاقمند به پذیرش تغییر و نوآوری ها		یافته های محققان از سایر منابع مرتبط با شهر هوشمند
شرکت در دوره های زبان		(Giffinger et al, 2007)
سهم افراد شاغل در صنایع خلاق		(Giffinger et al, 2007)
خلاقیت	حضور رای دهندگان در انتخابات اروپا	(Giffinger et al, 2007)
	تعداد شرکت کنندگان در کنگره ها و نمایشگاه های بین المللی	یافته های محققان از سایر منابع مرتبط با شهر هوشمند
	دانش در مورد اتحادیه اروپا	(Giffinger et al, 2007)
	مشارکت در کارهای داوطلبانه	(Giffinger et al, 2007)
	درصد شهروندانی که در سیستم های اطلاع رسانی و ارائه مشاوره عمومی در مورد کیفیت آب و هوا ثبت نام کرده اند	(پیشنویس ایزو - ۳۷۱۲۲)
	مشارکت مدنی	(Cohen 2012)
	میزان تلاش های فردی جهت حفاظت از محیط زیست	یافته های محققان از سایر منابع مرتبط با شهر هوشمند
	توجه	یافته های محققان از سایر منابع مرتبط با شهر هوشمند
	همکاری گروهی در حفاظت از محیط زیست در محل زندگی	یافته های محققان از سایر منابع مرتبط با شهر هوشمند
	جهان شهرگرایی	

شاخص	زیرشاخص	مراجع پیشنهاد دهنده
انسجام اجتماعی	تعداد گروه‌های اجتماعی مجازی شهروندان	یافته‌های محققان از سایر منابع مرتبط با شهر هوشمند
تشویق شهروندان هوشمند	وجود پرداخت الکترونیکی مزایا (به عنوان مثال، تامین اجتماعی) به شهروندان (Y/N)	(N S N Wahab et al 2020)
سرمایه انسانی	تعداد گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی	(مدیریت آمار، فناوری و تحلیل اطلاعات، ۱۳۹۳)
مشارکت	شهروندانی که درگیر پروژه شده‌اند	(Bosch et al, 2017)
	میزان تمایل به مشارکت در مدیریت شهر	یافته‌های محققان از سایر منابع مرتبط با شهر هوشمند
	افزایش مشارکت گروه‌های آسیب‌پذیر	(Bosch et al, 2017)
	میزان اهمیت و فعالیت‌های سیاسی شهروندان	(فلاح و صارمی، ۱۳۹۳)
	میزان مشارکت در امور داوطلبانه	(فلاح و صارمی، ۱۳۹۳)
	گزارش شهروندان درباره تخریب محیط مانند: زباله‌های غیرقانونی تخلیه شده یا وندالیسم و ...	یافته‌های محققان از سایر منابع مرتبط با شهر هوشمند

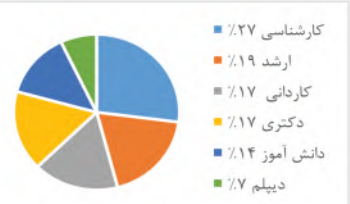

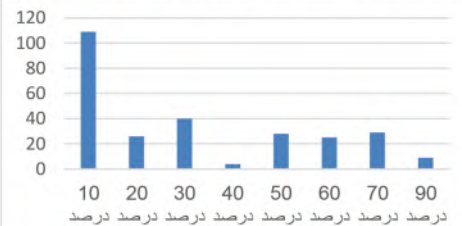
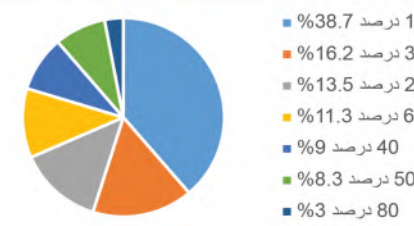
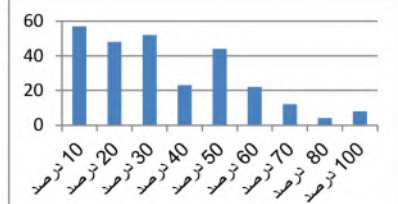
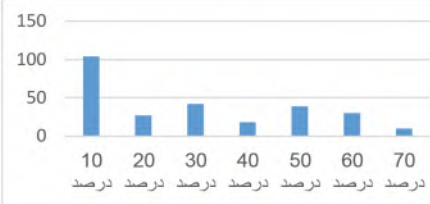
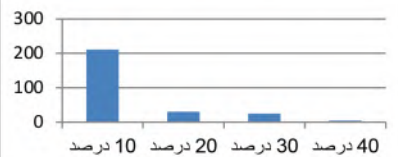
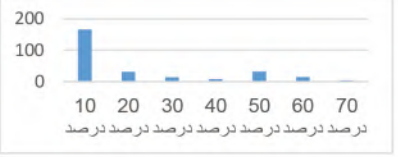
روش‌شناسی پژوهش

براساس مبانی نظری و مجموعه شاخص‌های بین‌المللی ارزیابی تدوین شده شهروندان هوشمند با روش مفهوم‌سازی، از طریق رسانه‌های موجود (لینک) پرسشنامه‌های سنجش شاخص‌های شهر هوشمند بین شهروندان شهر تهران توزیع شد. حجم جامعه آماری بر اساس فرمول کوکران حدود ۲۷۰ نفر برآورد شده است. سپس نتایج بدست آمده با استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل کمی قرار گرفته‌اند و هیستوگرام‌های مرتبط ترسیم شده‌اند و در نهایت نیز با روش رگرسیون چند متغیره و آزمون بتا شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها سنجش شهروندان هوشمند رتبه‌بندی شده‌اند و سپس نتایج تفسیر و بصورت کیفی تحلیل شده‌اند. در پایان نیز

پس از آسیب‌شناسی و مسئله‌یابی مرتبط با نقش شهروندان هوشمند، پیشنهادهایی در افق‌های زمانی از کوتاه مدت تا بلند مدت ارائه خواهد شد.

یافته‌های پژوهش آسیب‌شناسی وضع موجود شهروندان هوشمند در شهر تهران

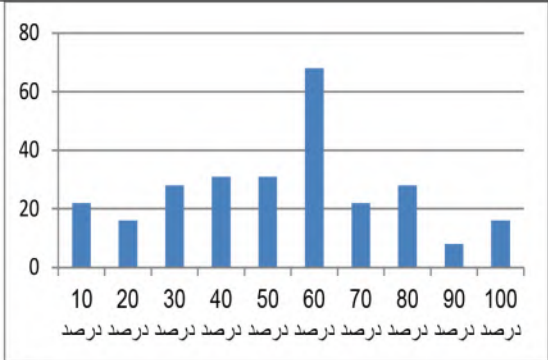
در این بخش پس از جمع‌آوری نتایج پرسشنامه‌های توزیع شده، با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و SPSS تحلیل‌های کمی صورت گرفته که در ابتدا تحلیل مشخصات فردی شهروندان و سپس به جهت اختصار و بیان بهتر نتایج آزمون T برای هر شاخص (یا سوال سنجنده آن) در قالب هیستوگرام آورده شده است. همچنین تفسیر کیفی متناسب با هر سوال نیز در بخش مرتبط ارائه شده است.

<p>جنسیت: توزیع مکانی پرسش‌شوندگان در نمودار زیر ارائه شده است، همانطور که مشاهده می‌شود توزیع تقریباً در شرایط نرمال است.</p>	<p>جنسیت: توزیع مکانی پرسش‌شوندگان در نمودار زیر ارائه شده است، همانطور که مشاهده می‌شود توزیع تقریباً در شرایط نرمال است.</p>																
<p>تحصیلات: توزیع تحصیلات پرسش‌شوندگان در نمودار زیر ارائه شده است؛ همانطور که جدول زیر نشان می‌دهد ۲۷ درصد پاسخگویان لیسانس هستند.</p> 	<p>توزیع فراوانی براساس جنسیت</p> <table border="1"> <thead> <tr> <th>جنسیت</th> <th>فراوانی</th> <th>درصد</th> <th>درصد معتبر</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>زن</td> <td>۱۴۳</td> <td>۵۳.۰</td> <td>۵۳.۰</td> </tr> <tr> <td>مرد</td> <td>۱۲۷</td> <td>۴۷.۰</td> <td>۴۷.۰</td> </tr> <tr> <td>جمع</td> <td>۲۷۰</td> <td>۱۰۰.۰</td> <td>۱۰۰.۰</td> </tr> </tbody> </table>	جنسیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر	زن	۱۴۳	۵۳.۰	۵۳.۰	مرد	۱۲۷	۴۷.۰	۴۷.۰	جمع	۲۷۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
جنسیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر														
زن	۱۴۳	۵۳.۰	۵۳.۰														
مرد	۱۲۷	۴۷.۰	۴۷.۰														
جمع	۲۷۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰														
<p>سن: توزیع سن پرسش‌شوندگان در نمودار زیر ارائه شده است و درصد بیشتری از پاسخگویان ۱۸ تا ۳۰ سال و سپس ۳۰ تا ۴۰ سال سن دارند.</p>																	
																	
<p>۴: میزان حمایت از مالکیت معنوی ایده‌های شهروندان در مدیریت شهری چقدر است؟ در این بخش نیز اعتماد به میزان مالکیت معنوی در مدیریت شهری در سطح پایینی قرار داشته است که البته لزوماً با واقعیت مطابقت ندارد؛ اما نیاز به علت‌یابی و ارائه راه حل وجود دارد.</p>	<p>سؤال ۱: درصد ساکنان متحد و در ارتباط با هم در محله شما چقدر است؟ بر اساس این شاخص که البته در صورت دقت بیشتر باید به تفکیک محلات یا مناطق شهری بررسی شود، بطورکلی میزان اتحاد ساکنان در سطح پایینی قرار دارد.</p>																
																	
<p>۵: چقدر از خدمات (مثل خرید، آموزش، مشاوره پزشکی و نظایر آن) را بصورت مجازی و غیر حضوری انجام می‌دهید؟ بر اساس نتایج هنوز بیشتر اتکاء شهروندان بر خرید حضوری و دریافت خدمات بصورت فیزیکی است.</p>	<p>۲: میزان رضایت شما از شفافیت عملکرد شهرداری چقدر است؟ بر اساس این شاخص نیز عملکرد شهرداری تهران در نظر شهروندان در بیشترین حالت شفاف نبوده و البته عده‌ای نیز آن را شفاف دانسته‌اند که نیازمند ارائه گزارش و اطلاع‌رسانی و تعامل بیشتر شهرداری و شهروندان است.</p>																
																	
<p>۶: شهرداری چه میزان درباره فن‌آوری‌های هوشمند شهری به شهروندان آموزش می‌دهد؟ باتوجه به نویا بودن سیاست‌های اجرایی شهر هوشمند در کشور به نظر می‌رسد چنین نتیجه‌ایی در بحث آموزش از سوی شهرداری نیز طبیعی باشد. اما مسلماً با ورود بیشتر فن‌آوری‌های هوشمند شهری، آموزش شهروندان باید بصورت موازی انجام شود.</p>	<p>۳: میزان رضایت شما از مبارزه با فساد اداری در مدیریت شهری چقدر است؟ در این بخش نیز میزان اعتماد شهروندان به مبارزه با فساد اداری در مدیریت شهری در سطح پایینی قرار داشته است که البته لزوماً با واقعیت مطابقت ندارد؛ اما نیاز به علت‌یابی و ارائه راه حل وجود دارد.</p>																
																	

<p>۷: میزانی که طی ۱۲ ماه گذشته با مسئولین دولتی ارتباط اینترنتی برقرار کرده‌اید؟ (ایمیل، کامنت یا هر ابزار دیگری)، همانطور که مشاهده می‌شود این شاخص نیز در حداقل ممکن قرار دارد و نیاز به برقراری راه‌های ارتباطی بیشتر مانند اپلیکیشن‌ها و ابزارهای تسهیل‌کننده ارتباط شهروندان و مسئولین است.</p>	<p>۱۰: درصد دسترسی به اینترنت در خانه شما چقدر است؟ (حجم و سرعت)، همانطور که در نمودار مشاهده می‌شود درصد دسترسی به اینترنت در شهر تهران در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارد.</p>
<p>۸: میزانی که طی ۱۲ ماه گذشته فرم‌های پر شده را به مقامات دولتی بصورت اینترنتی ارسال کرده‌اید؟ پاسخ این سوال نیز مشابه سوال قبل است و نیازمند تولید ابزارهای تسهیل‌کننده ارتباط بین شهروندان و مقامات دولتی است.</p>	<p>۱۱: درصد برنامه‌های کاربردی شهرداری و سازمان‌های مرتبط با مدیریت شهر برای شهروندان چقدر است؟ در حال حاضر برنامه‌هایی مانند تهران من، سامانه ۱۳۷، شهرزاد و نظایر آنها وجود دارند اما باز هم می‌توان گفت نسبت به اپلیکیشن‌های بخش خصوصی تعداد این برنامه‌های کاربردی نیاز به افزایش چشم‌گیری دارد.</p>
<p>۹: چند درصد فرم‌های اداری را در یک سال گذشته دانلود کرده‌اید؟ میزان دانلود پایین فرم‌های اداری می‌تواند نشان از عدم آگاهی شهروندان از فرآیند انجام از راه دور کارهای اداری باشد، زیرا در اغلب موارد فرم‌های لازم برای دانلود در سایت‌های مربوطه وجود دارند.</p>	<p>۱۲: درصد کامپیوتر به تعداد اعضای خانواده در منزل شما چگونه است؟ بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان گفت در شهر تهران این شاخص در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارد که مسلماً ابزار مؤثری برای مشارکت بیشتر شهروندان در مدیریت شهری محسوب می‌شود.</p>

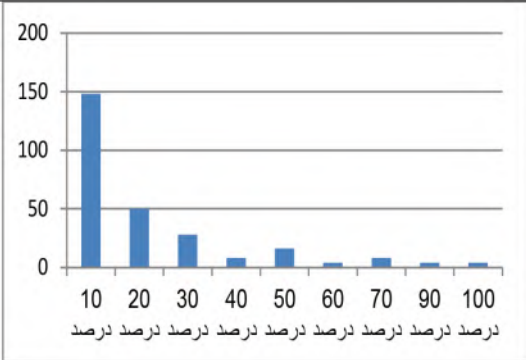
۱۳: میزان حدودی استفاده از تلفن همراه شما در روز چند درصد است؟

اگرچه استفاده مؤثر از تلفن همراه به عنوان شهروند هوشمند لزوماً با این شاخص قابل سنجش نیست، اما نتایج نشان می‌دهد نرخ وابستگی شهروندان به تلفن همراه نسبتاً بالا بوده است.



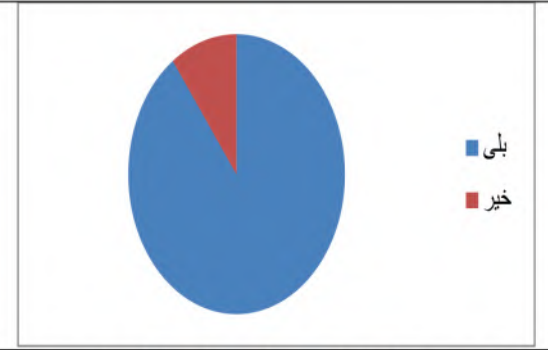
۱۶: چقدر مزایایی برای پرداخت‌های غیرحضوری توسط شهروندان از سوی دولت یا شهرداری وجود دارد؟

بر اساس نتایج، شهروندان معتقدند مزایای ویژه‌ای برای پرداخت‌های غیرحضوری در شهرداری تهران وجود ندارد، که البته ممکن است به دلیل عدم اشراف بر تسهیلات نیز چنین پاسخی داده شود.



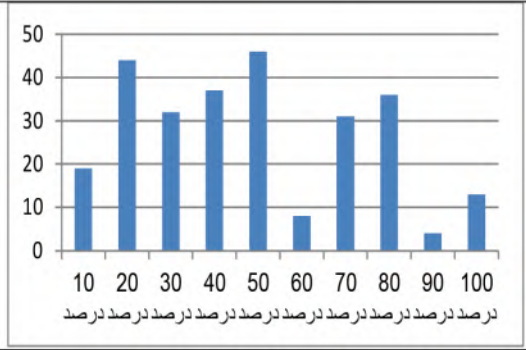
۱۴: آیا به گوشی هوشمند در منزل دسترسی دارید؟ این شاخص نیز مانند شاخص میزان دسترسی به کامپیوتر می‌تواند ابزار مؤثری برای مشارکت شهروندان و دسترسی آنان به اپلیکیشن‌های بیشتر باشد که در شهر تهران در وضعیت خوبی قرار دارد.

این شاخص نیز مانند شاخص میزان دسترسی به کامپیوتر می‌تواند ابزار مؤثری برای مشارکت شهروندان و دسترسی آنان به اپلیکیشن‌های بیشتر باشد که در شهر تهران در وضعیت خوبی قرار دارد.



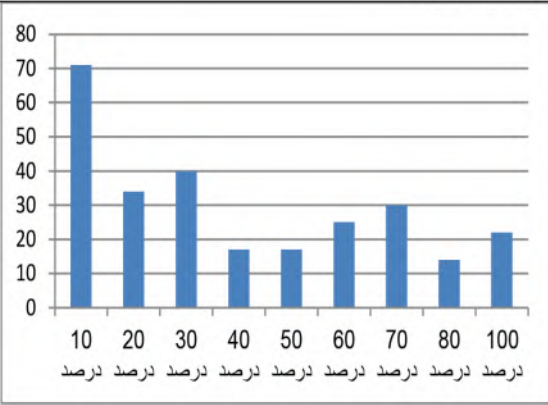
۱۷: میانگین مهارت‌های فردی کامپیوتری در خانواده شما چند درصد است؟

نتایج این سوال نشان می‌دهد که طیف متنوعی از مهارت‌های فردی کامپیوتری در بین شهروندان پاسخ‌دهنده وجود داشته است.



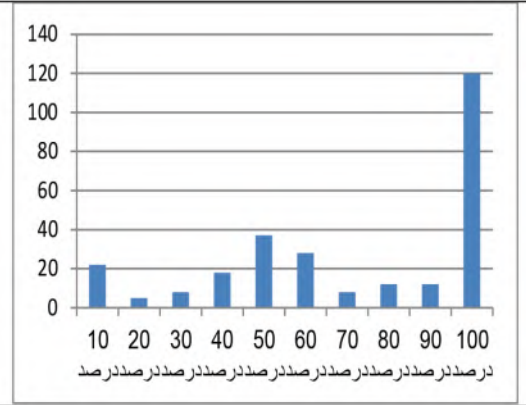
۱۵: چند درصد به یک یا چند زبان خارجی تسلط دارید؟ بر اساس نتایج میزان تسلط به زبان خارجی نیز در بین شهروندان متنوع بوده و البته بیشتر به سوی سطح پایین‌تر قرار دارد و نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر برای تقویت زبان شهروندان وجود دارد.

میزان تسلط به زبان خارجی نیز در بین شهروندان متنوع بوده و البته بیشتر به سوی سطح پایین‌تر قرار دارد و نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر برای تقویت زبان شهروندان وجود دارد.



۱۸- چقدر تمایل به یادگیری مادام‌العمر دارید؟ نتایج نشان می‌دهد میزان تمایل به یادگیری مادام‌العمر نسبتاً بالا است و این شاخص می‌تواند نشان‌دهنده پتانسیل خوب شهروندان برای آموزش در بخش‌های فن‌آوری‌های نوین باشد.

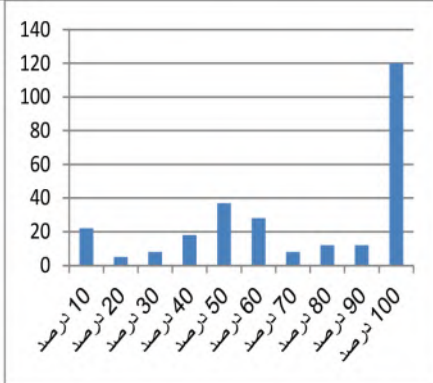
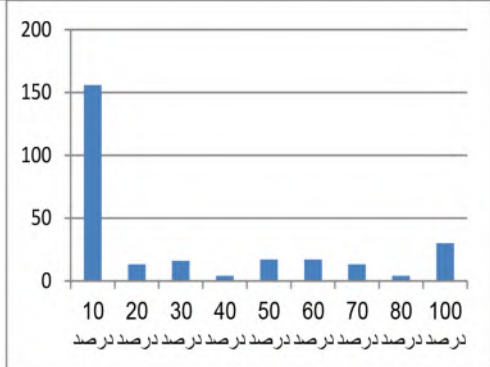
نتایج نشان می‌دهد میزان تمایل به یادگیری مادام‌العمر نسبتاً بالا است و این شاخص می‌تواند نشان‌دهنده پتانسیل خوب شهروندان برای آموزش در بخش‌های فن‌آوری‌های نوین باشد.



۱۹- چند درصد به پذیرش تغییر و نوآوری‌ها در زندگی علاقمند

هستید؟ بر اساس نتایج درصد پذیرش تغییر و نوآوری نیز در زندگی شهروندان نسبتاً بالا بوده است و این مسأله نیز یک پیش‌نیاز مؤثر برای آموزش شهروندان هوشمند محسوب می‌شود.

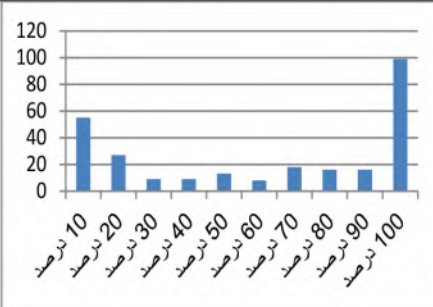
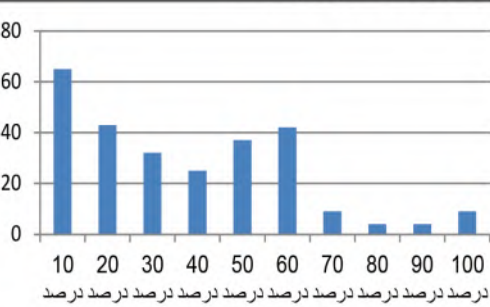
۲۲- چند درصد احتمال دارد در سال در کنگره‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی شرکت کنید؟ این شاخص نسبتاً امتیازی پایینی آورده است که البته می‌تواند بدلیل عدم برگزاری کنگره‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی و یا عدم اطلاع-رسانی، کم بودن استطاعت شهروندان و یا عدم تمایل آنان (که نیاز به فرهنگ سازی دارد)، باشد.



۲۰- چند درصد حاضرید در دوره‌های زبان های خارجی شرکت کنید؟ پاسخ به این سوال در بین افراد جوان‌تر بیشتر و با افزایش سن کمتر می‌شود و البته به هزینه دوره‌ها و استطاعت شهروندان نیز بستگی خواهد داشت.

۲۳- چقدر تمایل دارید در کارهای داوطلبانه مربوط به محله خود مشارکت کنید؟ این شاخص در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد که در صورت دقیق‌تر بودن باید به تفکیک محله و مناطق شهری سنجیده شود و نیازمند ایجاد مشوق و افزایش تعلق مکانی شهروندان است.

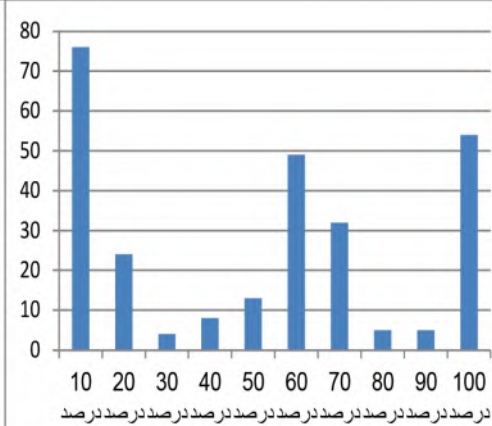
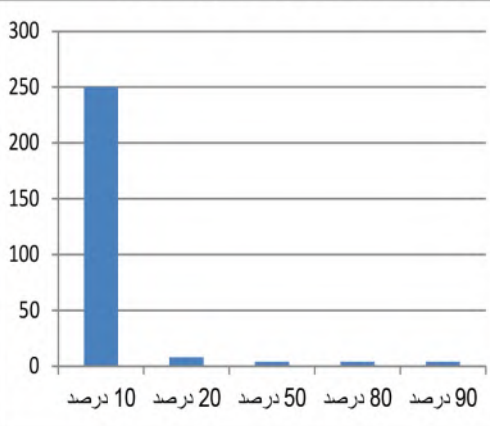
۲۴- درصد فعالیت شما در سیستم‌های اطلاع‌رسانی و مشاوره در مورد کیفیت آب و هوای شهرتان چقدر است؟ با توجه به اینکه اصولاً در ایران (و تهران) چنین سیستم و اپلیکیشن‌های مربوطه طراحی نشده است عملاً این شاخص صرفاً بدلیل نشان دادن و تأکید بر این فقدان بوده است.

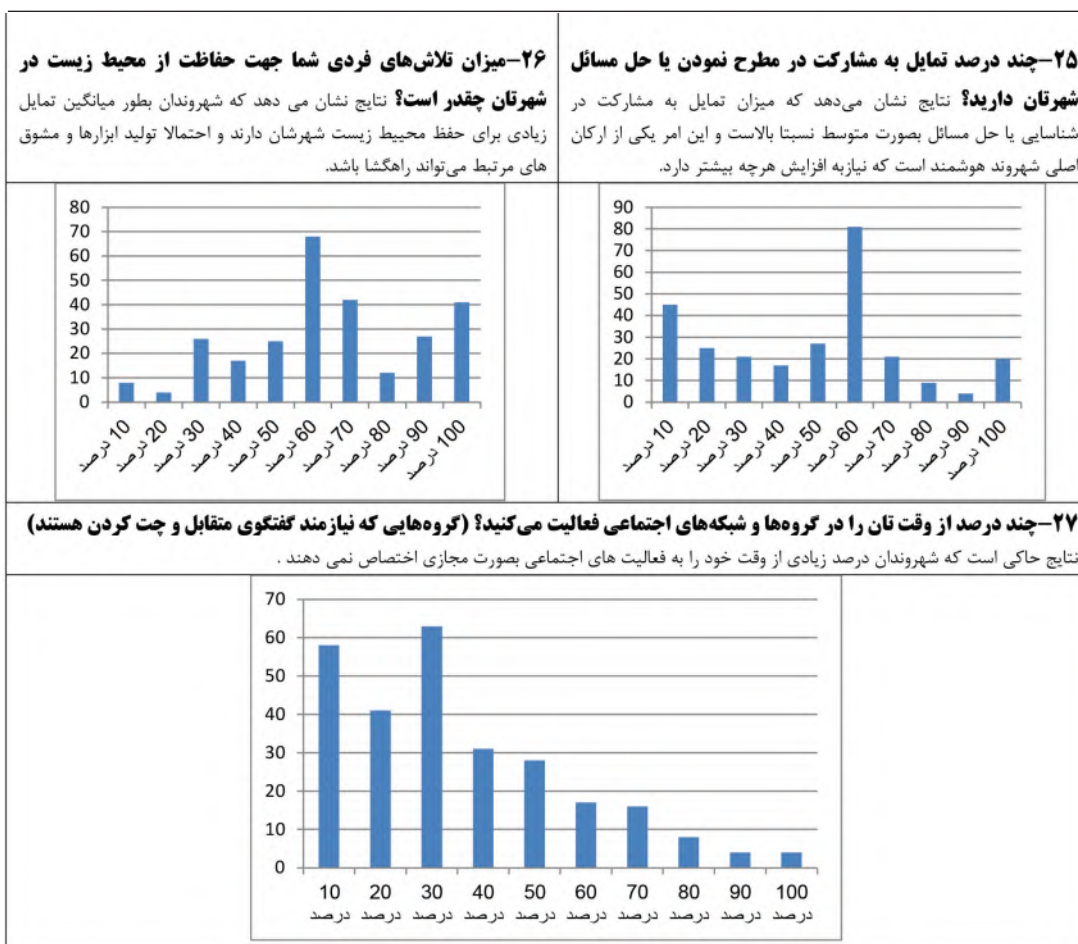


۲۱- چقدر تمایل به حضور در انتخابات مربوط به مدیریت شهری دارید؟ میزان پاسخ به این سوال در بین شهروندان متنوع بوده و نظم مشخص را نشان نمی‌دهد.

۲۴- درصد فعالیت شما در سیستم‌های اطلاع‌رسانی و مشاوره در مورد کیفیت آب و هوای شهرتان چقدر است؟ با توجه به اینکه اصولاً در ایران (و تهران) چنین سیستم و اپلیکیشن‌های مربوطه طراحی نشده است عملاً این شاخص صرفاً بدلیل نشان دادن و تأکید بر این فقدان بوده است.

۲۱- چقدر تمایل به حضور در انتخابات مربوط به مدیریت شهری دارید؟ میزان پاسخ به این سوال در بین شهروندان متنوع بوده و نظم مشخص را نشان نمی‌دهد.





این ضرایب نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری هریک از متغیرهای مشاهده شده بر متغیر پنهان است، در ادامه به توضیح این مراحل پرداخته شده است.

مقایسه اهمیت شاخص‌های سنجش بعد شهروندان هوشمند

هریک از متغیرهای مشاهده شده با متغیر پنهان (شهروندان هوشمند) رابطه معناداری دارد ($p \leq 0.05$)

با توجه به ضرایب بتای حاصل که نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری متغیرهای مشاهده شده بر متغیر پنهان است میتوان میزان اهمیت هریک از متغیرهای مذکور را به صورت ستون اولویت‌بندی جدول زیر نشان داد (هر متغیری که بتای بیشتری داشته باشد، میزان اثرگذاری آن بیشتر است).

رتبه‌بندی شاخص‌های سنجش بعد شهروند هوشمند

برای این منظور از روش تحلیل رگرسیونی چندمتغیره استفاده شده، یکی از ویژگی‌های این روش برآورد وزن‌ها است. ارزش هر «وزن رگرسیونی» دامنه‌ی تغییرات متغیر وابسته را به ازای یک واحد تغییر در متغیر مستقل نشان می‌دهد. در حالت وجود یک یا چند متغیر سطح پایین‌تر باید این وزن‌ها را استاندارد نمود، چرا که ممکن است متغیرهای مقیاس‌های متفاوتی داشته باشند. «ضرایب رگرسیونی استاندارد شده» یا ضرایب بتا چون مقیاس یکسانی ندارند، مقایسه متغیرهای سطح پایین‌تر را امکان‌پذیر می‌کند. در این روش میتوان از ضریب بتا برای تعیین اهمیت نسبی یک متغیر سطح پایین‌تر استفاده نمود. در واقع

جدول ۲ - ضرایب بتای معیارهای سازنده بعد شهروند هوشمند

اولویت بندی متغیرها	sig	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مشاهده شده
				Std Error	B	
۷	.۰۰۰	-۷,۶۵۰		.۶۳۵	-۴,۸۵۴	تجهیزات پشتیبان
۶	.۰۰۰	۸,۳۷۱	.۱۳۰	.۰۱۵	.۱۲۵	تمایل به یادگیری
۱	.۰۰۰	۲۰,۰۱۳	.۳۰۰	.۰۰۸	.۱۵۶	مشارکت
۵	.۰۰۰	۱۳,۶۲۱	.۱۹۶	.۰۱۴	.۱۹۱	جهان شهرگرایی
۴	.۰۰۰	۱۶,۵۰۳	.۲۰۰	.۰۰۹	.۱۴۳	تشویق شهروندان هوشمند
۳	.۰۰۰	۱۶,۸۷۷	.۲۰۵	.۰۱۰	.۱۷۲	سطح صلاحیت و توانایی های ICT
۲	.۰۰۰	۱۱,۹۱۷	.۲۰۶	.۰۱۱	.۱۳۶	سرمایه انسانی

رتبه بندی شاخص های سنجش بعد حکمروایی

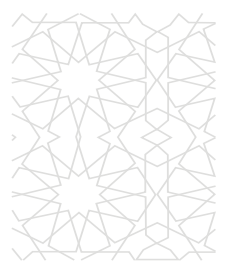
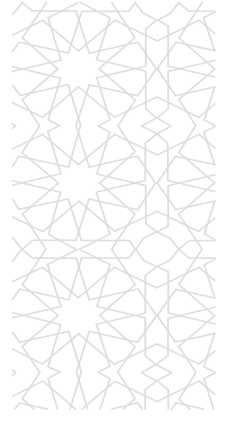
هریک از متغیرهای مشاهده شده با متغیر پنهان (حکمروایی) رابطه معناداری دارد ($p \leq ۰/۰۵$)

با توجه به ضرایب بتای حاصل که نشان دهنده میزان تأثیرگذاری متغیرهای مشاهده شده بر متغیر پنهان است، میتوان میزان اهمیت هر یک از متغیرهای مذکور را به صورت ستون الویت بندی جدول زیر نشان داد (هر متغیری که بتای بیشتری داشته باشد، میزان اثرگذاری آن بیشتر است).

همانطور که این جدول نشان می دهد، در شاخص های سنجنده بعد شهروند هوشمند، بیشترین تأثیر مربوط به مشارکت و سپس به ترتیب سرمایه انسانی، سطح صلاحیت و توانایی های ICT، تشویق شهروندان هوشمند، جهان شهرگرایی، تمایل به یادگیری و تجهیزات پشتیبان است. در واقع نیز بخش مهمی از مفهوم شهروند هوشمند در همین بخش های مشارکت، سرمایه انسانی است تا تجهیزات پشتیبان و زیرساخت های فیزیکی.

جدول ۳ - ضرایب بتای معیارهای سازنده بعد حکمروایی شهری

اولویت بندی متغیرها	sig	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مشاهده شده
				Std Error	B	
۱	.۰۰۰	۳۱,۶۴۱	.۴۹۴	.۰۱۱	.۳۵۹	دولت الکترونیک
۳	.۰۰۰	۲۸,۵۵۷	.۴۴۵	.۰۱۰	.۲۷۹	دولت شفاف
۲	.۰۰۰	۳۲,۵۱۱	.۴۵۳	.۰۱۱	.۳۷۰	آموزش شهروندان



همانطور که در جدول شماره شماره ۳ مشاهده می‌شود، به ترتیب بیشترین تأثیر مربوط به شاخص‌های دولت الکترونیک و سپس آموزش شهروندان و دولت شفاف بوده است. البته در وضع موجود نیز بیشترین توسعه شهر هوشمند در مدیریت شهرها در همین بخش دولت الکترونیک بوده است و نیاز مبرم به آموزش شهروندان نیز از مقطع ابتدایی تا دانشگاه وجود دارد.

نتیجه پژوهش

جمع‌بندی و ارائه ساختار پیشنهادی ارتقای جایگاه شهروندان هوشمند در این بخش با توجه به اهمیت جایگاه شهروندان در نسل سوم شهرهای هوشمند، در قالب جدول شماره ۴ به مسئله‌یابی و ارائه برنامه‌های متناسب برای ارتقاء وضعیت شهروندان هوشمند به تفکیک افق‌های زمانی پرداخته شده است:

جدول ۴- ابعاد شهر هوشمند مرتبط با شهروندان هوشمند، مسئله‌یابی و برنامه‌های پیشنهادی در جهت حل مسئله‌ها

ابعاد شهروندان هوشمند	مسئله‌یابی بر اساس نتایج پرسشنامه‌ها	برنامه‌های پیشنهادی در جهت حل مسئله بر اساس نتایج پرسشنامه‌ها	بازه زمانی پیشنهادی
تجهیزات پشتیبان	در فضاهای عمومی شهری دسترسی به اینترنت همگانی و رایگان دچار ضعف است.	با تجهیز فضاهای عمومی محله‌ای و شهری به اینترنت امکان اجتماع‌پذیری نیز افزایش می‌یابد.	کوتاه مدت
مشارکت	میزان مشارکت در مسئله‌یابی و حل مسائل محلی در سطح پایینی است.	نیاز به طراحی برنامه‌های کاربردی و دسترسی شهروندان برای به اشتراک گذاری مسائل محله‌ای و حل آنها وجود دارد.	کوتاه مدت
	میزان تمایل به مشارکت در حفاظت از محیط زیست در سطح خوبی قرار دارد.	طراحی ساختار و ایجاد مشوق‌های بیشتر برای مشارکت عملیاتی شهروندان در حفاظت از محیط زیست شهر می‌تواند راهگشا باشد.	میان مدت
جهان‌شهرگرایی	این شاخص نسبتاً امتیازی پایینی آورده است که البته می‌تواند دلیل عدم برگزاری کنگره‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی و یا عدم اطلاع‌رسانی، کم بودن استطاعت شهروندان و یا عدم تمایل آنان (که نیاز به فرهنگ‌سازی دارد)، باشد.	سرمایه‌گذاری در جهت برگزاری کنگره‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی بیشتر که شهروندان امکان حضور در آنها را داشته باشند.	میان مدت
آموزش در جهت تربیت شهروندان هوشمند	باتوجه به نوپا بودن سیاست‌های اجرایی شهر هوشمند در کشور، در بحث آموزش از سوی شهرداری ضعف‌هایی وجود دارد.	مسلماً با ورود بیشتر فناوری‌های هوشمند شهری، آموزش شهروندان باید بصورت موازی توسط مدیریت شهری انجام شود.	بلند مدت
سطح صلاحیت و توانایی‌های ICT	براساس نتایج بدست آمده هرچه سن پاسخ‌دهندگان بالاتر باشد میزان تسلط ایشان بر فناوری‌های نوین و کار کردن با اپلیکیشن‌ها پایینتر بوده و در عوض تمایل بیشتری برای مشارکت در حل مسائل محل‌های دارند.	لزوم برنامه‌ریزی ویژه برای سالمندان جهت انطباق بیشتر با فرآیند هوشمندسازی توسط شهرداری‌ها، وزارت کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد	بلند مدت
سرمایه انسانی	بطورکلی میزان اتحاد ساکنان و مشارکت در شناسایی و حل مسائل در سطح پایینی قرار دارد.	نیاز به برنامه‌ریزی جهت ارتقاء حس تعلق و ایجاد مشوق‌های بیشتر برای ساکنان جهت مشارکت در امور محلی وجود دارد.	میان مدت

ابعاد شهروندان هوشمند	مسئله‌یابی بر اساس نتایج پرسشنامه‌ها	برنامه‌های پیشنهادی در جهت حل مسئله بر اساس نتایج پرسشنامه‌ها	بازه زمانی پیشنهادی
حکروایی هوشمند	میزان اعتماد شهروندان به مبارزه با فساد اداری در مدیریت شهری در سطح پایینی قرار داشته است که البته لزوماً با واقعیت مطابقت ندارد؛ اما نیاز به علت‌یابی و ارائه راه حل وجود دارد.	مطالعه دقیق‌تر در جهت ریشه‌یابی و روش‌های ارتقاء اعتماد شهروندان به مدیریت شهری و تقویت رویکرد مثبت ایشان	میان مدت
	شهروندان عملکرد شهرداری تهران را در بیشترین حالت کمتر شفاف دانسته‌اند و البته عده‌ای نیز آن را شفاف دانسته‌اند.	این بخش نیازمند ارائه گزارش و اطلاع‌رسانی و تعامل بیشتر شهرداری و شهروندان است.	کوتاه مدت
	از نظر میزان ارتباط اینترنتی شهروندان با مسئولین و تکمیل فرم‌های اینترنتی نیز ضعف‌هایی در نتایج بدست آمده دیده می‌شود.	برقراری راه‌های ارتباطی بیشتر مانند اپلیکیشن‌ها و ابزارهای تسهیل‌کننده ارتباط شهروندان و مسئولین لازم است.	کوتاه مدت
	بر اساس پاسخ‌های بدست آمده اپلیکیشن برای همکاری شهروندان درباره کیفیت آب و هوا در حد اقلیم‌های شهر وجود ندارد.	نیاز به طراحی اپلیکیشن همکاری و مشارکت شهروندان درباره کیفیت آب و هوا در سطح شهر	کوتاه مدت

منابع

- Albino, V. Beradi, U. Dangelico, R.M. (2015) Smart Cities: Definitions, Dimensions, Performance, and Initiatives. *Journal of Urban Technology*. 22(1): 3-21.
- Anastasia, S., (2012) The concept of smart cities: Towards community development? *Networks and Communication Studies, NETCOM*, vol 26: 375- 388 .
- Backhouse, J. (2020, September) Selecting indicators for the Smart City Pilot in Knowledge Oasis Muscat (KOM), Sultanate of Oman. In *Proceedings of the 13th International Conference on Theory and Practice of Electronic Governance* (pp. 791-794).
- Bosch, Peter, Jongeneel, Sophie, Rovers, Vera, Neumann, Airaksinen, Miimu, Huovila, Apo (2017) CITYkeys indicators for smart city projects

- روحانی، پریسا و دیگران (۱۳۸۸) رابطه متقابل شهر الکترونیک و شهرداری الکترونیک، دومین کنفرانس بین‌المللی شهرداری الکترونیک، وزارت کشور، تهران.
- فلاح، مسعود، صارمی، حمیدرضا (۱۳۹۳) بررسی شاخص‌ها و معیارهای شهر هوشمند در توسعه شهری پایدار، کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار.
- مدیریت آمار، فناوری و تحلیل اطلاعات (۱۳۹۳) سی و ششمین نشست هماندیشی شهر هوشمند، شهرداری مشهد، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه، شهریورماه.

- communities –Indicators for city services and quality of life, ” 2014.
- ISO/CD 37122 Sustainable Development in Communities–Indicators for Smart Cities.
- Mosannenzadeh, F. Vettorato, D. (2014) Defining smart city: A conceptual frame work based on key word analysis. Journal of Land Use, Mobility and Environment. ISSN 1970-9889, e- ISSN 1970-9870.
- NSN Wahab, TW Seow, ISMRadzuan and SMohamed (2020) A Systematic Literature Review on The Dimensions of Smart Cities, Conference Series: Earth and Environmental Science, Volume 498, The 5th International Conference on Civil and Environmental Engineering for Sustainability 19-20 December 2019, Johor, Malaysia.
- Zhang, Y., Liu, F., Gu, Z., Chen, Z., Shi, Y., & Li, A. (2019) Research on smart city evaluation based on hierarchy of needs. Procedia Computer Science, 162, 467-474.
- ITU-T Technology Watch Report (2013) Smart Cities. Retrieved from www. Smart Cit.
- and smart cities, Co-funded by the European Commission within the H2020 Programme, Grant Agreement no: 646440.
- Caragliu, A. (2002) Smart Cities in Europe. 3rd Central European Conference in Regional Science _ CERS. A13, L25, O10, R12.
- Cohen B. (2012) THE SMART CITY WHEEL. 2012.5.14 <https://www.smart-circle.org/smartcity/blog/boyd-cohen-the-smart-city-wheel/>
- Cohen B. The 3 generations of smart cities Inside the development of the technology driven city. Fst Co Jo. 2015.
- Giffinger, R, Fertner, C., Kramar, H., Kalasek, R., Pichler-Milanovic, N., Meijers, E. (2007) Smart cities - Ranking of European medium-sized cities. Smart Cities, Vienna, Centre of Regional Science, pp. 5-21.
- Huovila, A., Bosch, P., Airaksinen, M. (2019) Comparative analysis of standardized indicators for Smart sustainable cities: What indicators and standards to use and when? Cities, 89(January), 141-153. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.01.029>.
- International Standards Organization (ISO), “ISO 37120:2014 - Sustainable development of